

رفقای نیمه‌راه
سیده مسعوده میرمسعودی



عملکرد دولت و ریزش
رای اصلاح‌طلبان
گفت‌وگو با محمد علی وکیلی

جنگ ذهنیت‌سازی
نوذر شفیعی



اصلاح‌طلبان هم اهل
«بگم بگم» شدند
گفت‌وگو با محسن پیرهادی

گفت‌وگو با مهدی چمران؛ از قالیباف تا نجفی

پروژه‌ها خوابیده

اینکه بگویند همه‌اش تقصیر قبلی‌هاست، برای مردم مضمّن‌کننده است / زمانی که نجفی در شورا بود انتقاد به قالیباف نداشت / وضعیت شهرداری در حال بازگشت به قبل سال ۸۲ است / اگر طبقه دوم اتوبان صدر کمکی به ترافیک نمی‌کند، آن را ببندند

تیر آخر آقای شهردار

آیا نجفی در سال ۹۷
شهردار تهران می‌ماند؟

برزخ

اصلاح‌طلبان در مقابل بدنه
رادیکال خود چه می‌کنند؟

منطقه ممنوعه

آمریکا توانسته غرب را برای
مذاکره موشکی با ایران قانع کند

محافظه‌کاری

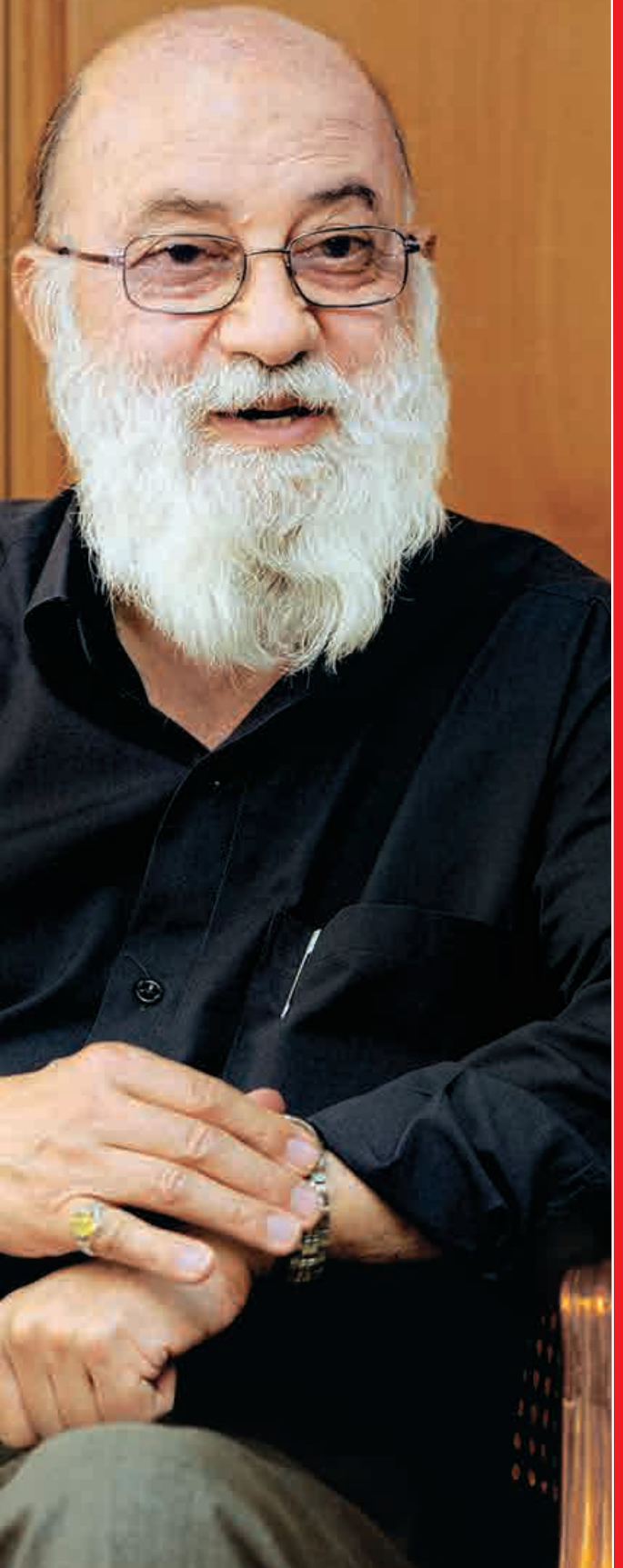
گفت‌وگوی تلویزیونی حسن روحانی
هیجان‌انگیز نبود

رئیس‌ی در راه پارلمان؟

ممکن است ابراهیم رئیسی از مشهد
قم یا تهران نامزد مجلس شود

بی‌اعتمادی بازار به دولت

چرا قیمت ارز بالا رفته است؟





www.iranpl.ir



telegram.me/iranplir



instagram.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



aparat.com/iranpl.ir

کتابخانه شناسی

استان هرمزگان - کتابخانه عمومی شرفا شرفایی جناح

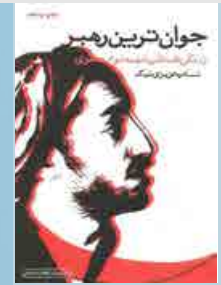
کتابخانه عمومی شرفا شرفایی جناح در سال ۸۲ به همت مرحوم شرفا شرفایی احداث شد و در حال حاضر به عنوان بزرگترین کتابخانه عمومی هرمزگان و چشم فرهنگ منطقه شناخته می شود. این کتابخانه با زیربنای ۱۱۴۰ متر مربع به بخش های مخزن، نشریات، کودک و نوجوان، مرجع، هرمزگان شناسی، کتب کمک درسی، موزه مرحوم شرفایی، بخش خانواده و سبک زندگی مجهز است و بیش از سی و چهار هزار جلد کتاب ارزشمند کم یاب و تعداد زیادی نشریه و مجله را در خود جای داده است. گفتنی است، جناح، شهری در ۲۵۰ کیلومتری غرب بندرعباس و از توابع شهرستان بستک، خاستگاه ادبا و بزرگان بسیاری بوده است. علاقمندان برای استفاده از این کتابخانه می توانند به خیابان فرهنگ، جنب اداره آموزش و پرورش منطقه جناح مراجعه کنند.



طرح: عماد صالحی، تهران

کارتون کتاب

کتابخانه ما پیشنهاد کتاب



نام کتاب جوان ترین رهبر
نویسنده نادره عزیزی نیک
انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
تعداد صفحات ۲۲۸ صفحه

اگر مایلید در آستانه شصت و دومین سالروز شهادت شهید نواب صفوی (۷۲ دی ماه ۱۳۳۱) با زندگی و مجاهدت های رهبر مؤثر و ایثارگر جمعیت فدائیان اسلام آشنا شوید و هم زمان مطالعه دلپذیر یک کتاب جذاب را تجربه کنید کتاب «جوان ترین رهبر» از فهرست کتاب خوان دی ماه نهاد کتابخانه های عمومی کشور انتخاب مناسبی خواهد بود.

«جوان ترین رهبر» سرگذشت نامهای داستانی از دوران زندگی «سید مجتبی نواب صفوی» فرزند سید جواد میرلوحی است که شهرت نواب صفوی را از مادر بزرگوارش گرفت. این کتاب با بیانی شیوا و زیبایی سلیس ابعاد اجتماعی، سیاسی و مذهبی زندگی کوتاه این مبارز شهید را بر اساس مصاحبه با خانواده شهید و تحقیق و تفحص بسیار روایت می کند.

خبر ویژه

احیای بخش کودک کتابخانه عمومی رسالت سرپل ذهاب در کانکس

برگزار خواهد شد. همچنین به دنبال تعامل با مدارس شهرستان، برگزاری نشست های ماهانه کتابخوان مدرسه های نیز به زودی آغاز خواهد شد. شایان ذکر است، پس از تعطیلی کتابخانه های عمومی شهرستان های ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب و قصر شیرین در زلزله اخیر، با هماهنگی های انجام شده، در آذرماه سال جاری کتابخانه های عمومی سیار در این شهرستان ها دایر شده است.

به همت کتابداران سرپل ذهاب، از هشتم دی ماه بخش کودک کتابخانه عمومی رسالت در کانکس مستقر در محوطه کتابخانه فعالیت خود را از سر گرفت. به همین مناسبت برنامه هایی مفرح و متنوع از جمله مسابقه نقاشی، کاردستی، قصه گوئی، بازی و سرگرمی برای کودکان اجرا شد. نظر به استقبال کودکان منطقه، زین پس به منظور ایجاد روحیه نشاط در میان کودکان زلزله زده فعالیت های این بخش به صورت هفتگی



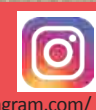
برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه های عمومی کشور می توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمز پهنه های روبه رو عکس بگیرید



www.iranpl.ir



telegram.me/iranplir



instagram.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



aparat.com/iranpl.ir

کتابخانه‌شناسی

استان تهران - کتابخانه عمومی کوهسار

کتابخانه عمومی کوهسار تهران در سال ۱۳۸۴ و در فضای عمومی بوستان کوهسار واقع در شهرک رضویه (کاروان) تأسیس شد. این کتابخانه در سال ۱۳۹۴ بازسازی شد و هم‌اکنون با داشتن ۱۷ هزار منبع به بیش از ۱۱۰۰ عضو فعال ارائه خدمت می‌کند. این کتابخانه به بخش‌های مخزن، کودک و نوجوان، نشریات، تازه‌های کتاب و دو سالن مطالعه مجزا مجهز است و همه‌روزه از ساعت ۷:۳۰ صبح لغایت ۲۰:۳۰ به ارائه خدمات کتابخانه‌ای می‌پردازد. کتابخانه عمومی کوهسار در بوستان کوهسار شهرک رضویه (کاروان) تهران واقع شده است.



طرح: احسان گنجی، ایران
سومین دوره دو سالانه کارتون کتاب

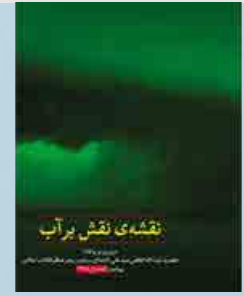
کارتون کتاب

پیشنهاد کتاب

این مفهوم مهم در منظومه بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون فتنه ۸۸ تبیین و تحلیل شده است. الزامات کسب بصیرت، نتایج فقدان بصیرت و وظیفه‌خواص در ایجاد بصیرت در خود و دیگران، از دیگر موضوعات مورد بررسی در این فصل هستند. همچنین موضوعات دیگری چون اهمیت جنگ نرم، معنا و منشأ جنگ نرم، هدف دشمن از جنگ نرم، خطوط اصلی در جنگ نرم، راه‌های مقابله با جنگ نرم دشمن، نقش افسران جوان جنگ نرم (دانشجویان)، نقش اساتید در فرماندهی جبهه‌ی جنگ نرم و... بررسی شده است.

مواضع رهبر انقلاب از پس از انتخابات تانماز جمعه ۹۲ خرداد اختصاص دارد. مفصل‌ترین فصل این کتاب، فصل سوم آن است که در عنوانی متعددی به بررسی حوادث پس از انتخابات پرداخته است. یازده راهکار برای مقابله و دفع فتنه، برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، نظیر پایبندی به قانون و کسب بصیرت، ابراز اعتماد نخبگان به نظام، پرهیز از شایعه‌پراکنی علیه مسئولان و... از دیگر مطالب مهم این بخش است. در فصل چهارم این اثر با عنوان «کسب بصیرت»، علاوه بر تشریح معنا، ابعاد و سطوح بصیرت و نیز ضرورت و اهمیت آن، مصادیق

این کتاب، مشتمل بر فرازهای مهمی از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در طول سال‌های ۸۸ و ۹۸، پیرامون فتنه سال ۸۸ است. فصل نخست کتاب به بررسی و تحلیل اهمیت انتخابات در نظام اسلامی، تلاش دشمنان برای سرد و تعطیل یا بدنام و مخدوش کردن انتخابات، وظایف جداگانه مردم و نامزدها در انتخابات، نکاتی در آسیب‌شناسی انتخابات و برخی پیش‌بینی‌های رهبر معظم در خصوص حضور پرشور مردم در انتخابات پرداخته است. فصل دوم به ذکر برخی از مهمترین



نام کتاب نقشه نقش بر آب
انتشارات انتشارات انقلاب اسلامی
تعداد صفحات ۲۴۸

خبر ویژه

طرح پژوهشی «خدمات کتابخانه‌های عمومی ایران» افتتاح شد

جهان، انتخاب خدمات جدید کتابخانه‌ای که در ایران قابلیت استفاده و پیاده‌سازی دارد و همچنین طراحی خدمات انتخاب شده با استفاده از روش‌های علمی و به روز در بسته‌های خدمتی طی ۲۰ ماه اجرایی شود تا از این طریق موجب رونق فعالیت‌ها، استفاده از امکانات بالقوه و ایجاد انگیزه در کتابداران کتابخانه‌های عمومی کشور شود.

نشست افتتاح طرح «خدمات کتابخانه‌های عمومی ایران» طرح مشترکی از نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و دانشکده مدیریت دانشگاه تهران با حضور مدیران و مسئولین دو نهاد برگزار شد. طرح پژوهشی «خدمات کتابخانه‌های عمومی ایران» با هدف شناسایی خدمات جاری کتابخانه‌ای در سطح ایران و



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از زمینه‌های روبه‌رو عکس بگیرید



هوادک

www.mci.ir

بسته به مصرف

پیشنهاد بسته اینترنتی متناسب با مصرف شما

فعال سازی با شماره گیری #۲۱*۱۰۰۰*





aparat.com/iranpl.ir



p.r.@iranpl.ir



instagram.com/iranpl.ir



telegram.me/iranplir

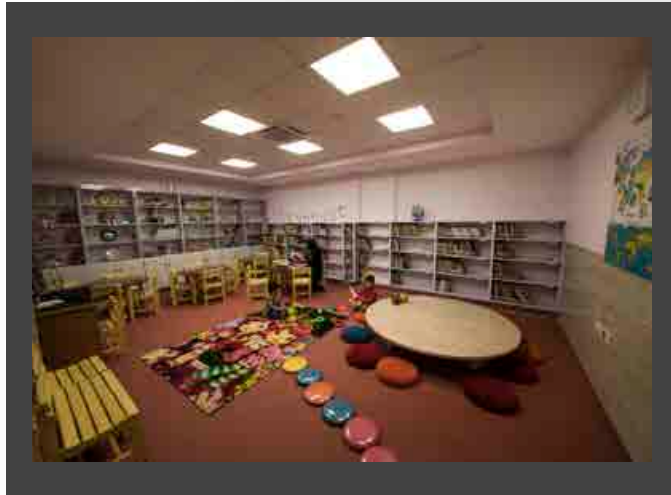


www.iranpl.ir

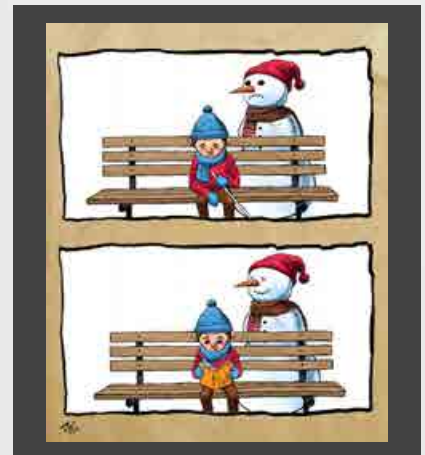


کتابخانه دکتر محمدجوادی

هسته اولیه این کتابخانه در سال ۱۳۸۰ در منزل پدری دکتر محمد جوادی با ۵ هزار عنوان کتاب و بودجه ایشان تأسیس شد. در سال ۱۳۸۴ عملیات احداث ساختمان جدید در منطقه صفائیه یزد آغاز شد و در سال ۱۳۹۴ به بهره‌برداری رسید. این کتابخانه خیر ساز با مساحت ۹۰۰ متر و زیربنای ۲۷۰۰ متر مربع در ۳ طبقه، به صورت استاندارد ساخته شده و پس از تجهیز توسط اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان یزد، در حال حاضر با بیش از ۳۲ هزار عنوان و حدود ۳۸ هزار نسخه کتاب به ۲۶۰۰ عضو فعال خدمات ارائه می‌دهد. کتابخانه دکتر محمدجوادی در منطقه صفائیه یزد به نشانی بلوار شهیدان اشرف، روبروی ورودی بصیرت دانشگاه یزد، کوچه دکتر مسعود جوادی واقع است.



کتابخانه شناسی



طرح: علی آقایی، ایران

کارتون کتاب

پیشنهاد کتاب

محیطی فارغ از هیاهوی دنیای مدرن، کودکان و نوجوانان را با آداب و رسوم قدیمی، شیوه‌های ساخت و فواید کاربری یا قنات آشنایی کند. کاوه، نوجوان شهر نشینی است که همراه پدر برای دیدار با پدر بزرگش، راهی یک روستای کویری می‌شود و در طول این سفر جذاب با ماجرای حفر قنات آشنا شده و ضمن آن، اطلاعات فراوانی در خصوص قنات‌ها و چگونگی

خلاقیت و دانش پیشینیان ما در فن قنات‌سازی، به قدری عالمانه و بدیع بوده که تاکنون شبکه‌های آب‌رسانی در نقاط تاریخی ایران، کارشناسان و پژوهشگران باستان شناس جهان را شگفت‌زده و متحیر می‌سازد. «قنات، مظهر روشنائی»، کتابی داستانی مخصوص مخاطبان گروه‌های سنی «ب» و «ج» است که در خلال داستانی جذاب، گرم و صمیمی و در



نام کتاب قنات، مظهر روشنائی
نویسنده محمدرضا افضلی
انتشارات شرکت انتشارات فنی ایران
تعداد صفحات ۳۲ صفحه

جمعیت بالای ۷۰۰ نفر در قالب کتابخانه‌های مشارکتی، معرفی کتابخانه‌های عمومی به ناجا جهت استقرار نیروی پلیس در محدوده کتابخانه، برگزاری مسابقات کتابخوانی با استفاده از منابع پیشنهادی ناجا در کتابخانه‌های عمومی و برگزاری جلسات نقد کتاب و نشست کتابخوان در مناسبت‌های مختلف در مراکز معرفی شده از سوی ناجا است.

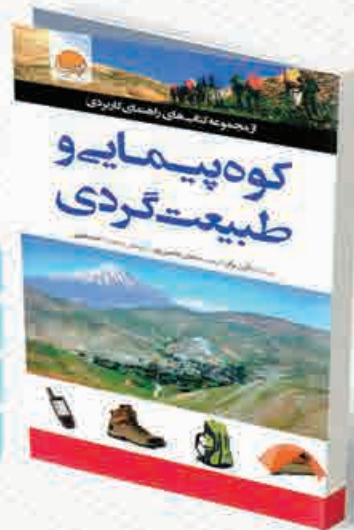
تفاهم‌نامه همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با هدف ترویج کتابخوانی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و همچنین ایجاد کتابخانه‌های مشارکتی در مراکز ناجا به امضا رسید. تعهدات نهاد در این تفاهم‌نامه شامل حمایت از کتابخانه‌های واجد شرایط ناجا با اولویت مراکز با

خبر ویژه

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و نیروی انتظامی تفاهم‌نامه همکاری امضاء کردند



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمز بینه‌های روبه‌رو عکس بگیرید



کوه‌پیمایی و طبیعت‌گردی

نویسنده: کارن برگر

مترجم: سامان شاهین‌پور؛ پژوهش و نظارت: احمد نظری

ناشر: مهرسا

تعداد صفحات: ۲۸۸

«کوه‌پیمایی و طبیعت‌گردی» یک کتاب مصور از مجموعه کتاب‌های راهنمای کاربردی است که دربارهٔ سیر و سیاحت در طبیعت و کوه‌نوردی نوشته شده است. این کتاب از شش فصل تشکیل شده که ترتیب مراحل طبیعت‌گردی، مبنای ترتیب فصول آن را شکل داده است. پوشاک و وسایل ضروری، برنامه‌ریزی برای حرکت، نکات مهمی که در طول مسیر باید به آن‌ها توجه کرد، اردو زدن، چالش‌های پیش رو و بحث کمک‌های اولیه، سرفصل‌های اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهند. کتاب «کوه‌پیمایی و طبیعت‌گردی» در این شش فصل، انواع مهارت‌ها و رفتارهای کاربردی قبل و حین کوه‌نوردی یا گشت‌وگذار در طبیعت را به مخاطبان آموزش می‌دهد و نکات کلیدی این حوزه را به همراه تکنیک‌ها و دانش‌های لازم برای این مهارت، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

کامل بودن مطالب کتاب و بیان تکنیک مهارت‌های لازم و مواردی که باید در کوه‌نوردی و طبیعت‌گردی رعایت شود، این کتاب را تبدیل به یک دائرةالمعارف کامل و جامع برای کوه‌نوردی کرده است. وجود عکس‌ها و تصاویر، رویکرد آموزشی کتاب را کامل کرده و به انتقال و تفهیم بهتر اطلاعات، کمک می‌کند. چنین شبکه‌ای مطالب و ظاهر مجله‌وار کتاب هم جذابیت بصری آن را دوچندان نموده و هم موجب شده به‌عنوان یک کتاب-ژورنال مناسب در حوزه کتاب‌های راهنمای سفر، برای علاقه‌مندان طبیعت معرفی شود.





در ستایش مادران خانه‌دار

نویسنده: لورا شلسینگر / مترجم: عاطفه برقی

ناشر: نقش و نگار

تعداد صفحات: ۱۷۶

این کتاب را یک بانوی روان‌شناس نوشته است که تا سن ۲۵ سالگی اصلاً دوست نداشته مادر شود و با دیدن یک فیلم که با استفاده از فیبر نوری، مراحل شکل‌گیری کودک در رحم مادر تا تولد او را نشان می‌داد، اشک به چشمانش می‌آید و ناگهان حس می‌کند که تنها کمبود زندگی‌اش، داشتن یک فرزند است. او نمونه‌ای است از زنی که در دوران جنبش‌های زنان در عصر اوج‌گیری تفکرات فمینیستی در دهه ۱۹۶۰، مثل همه زنان متجدد آن دوره فکر می‌شود و سپس طی یک تحول درونی، به طبیعت زنانه خود بازگشته و راه جدیدی را در پیش گرفته می‌شود. دکتر لورا شلسینگر، به‌عنوان یک مشاور مسائل خانواده، به این مسئله که هویت زنان فقط با شغلشان تعریف می‌شود، هیچ اعتقادی ندارد و در این کتاب، قصد دارد از زنان خانه‌دار تمجید کند.

این کتاب، قبل از هر چیز، با فکر کردن در دوره تصمیم‌گیری یک زن برای مادر شدن شروع می‌شود. تصمیم‌گیری، مقدم بر همه چیز است. بعد، کشمکش‌های درونی یک مادر خانه‌دار را مرور می‌کند. بعد از آن، دیدگاه‌های مخالفان خانه‌داری را در نظر می‌گیرد و البته راه خود را از میان آن‌ها پیدا می‌کند. سپس تأثیر در خانه ماندن زنان را بر زندگی زناشویی بررسی می‌کند و مزایای این تصمیم مادر را برای فرزندان، مورد توجه قرار می‌دهد. پس از این‌ها، به تغییر وضعیت مادر خانه‌دار فکر می‌کند و برای شرایط آن دوره راهکارهای خوبی ارائه می‌کند. تجربه‌های خوب و بد، و تجربه‌های فراموش‌نشده خانه‌داری زن، در این کتاب مرور می‌شود و در پایان، توصیه‌هایی از نویسنده دریافت می‌کنیم که در زندگی روزمره یک زن خانه‌دار بسیار راهگشاست.



محتلت

جلد دوم



آماده برای پرش

سرنوشت تلخ ارز در دولت‌های مختلف



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَلَّمَكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِنُكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيُكُونَ الرَّسُولَ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

لزوم مقابله مسلمان جهان با ظالمین

و ما امروز مبتلای به این معنا هستیم، مسلمان‌ها مبتلای به این معنا هستند، مسلمان‌ها می‌بینند که این دولت‌های بزرگ، این قدرت‌های بزرگ و این کسانی که اذنان آنها هستند، کسانی که فرمانبر آنها هستند الان با مسلمین، با مردم، با مستضعفین، حتی با آن کسانی که مال خودشان است چه می‌کنند.

تمام اینها ظاهر می‌گویند که ما اقامه عدل می‌خواهیم بکنیم، اما چه عدلی؟ عدل

امریکایی، عدل امریکایی یعنی چه؟ یعنی هرکس خاضع به من شد، آن یک چیزی است که ما او را قبول داریم، هرکس منافع مملکتش را به ما داد ما او را قبول داریم! از آن ور شوروی هم همین است، همه این قدرت‌های بزرگ اینطوری هستند و ما باید در مقابل تمام اینها بایستیم، همان طوری که جوان‌های ما بحمدالله الان در جبهه‌ها این پیروزی‌ها را، این پیروزی‌های بزرگ را به دست آوردند، باید تا آخر این مطلب باشد، باید هیچ درش سستی نشود تا وقتی که ان شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهند.

بنابراین عید نوروز ما، یک عید نوروزی است که در یک وقتی واقع شده است که حجت بر ماست و او این است که زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب - سلام الله

خبرنامه

محافظه کاری

رئیس‌ی در راه پارلمان؟

بحران صندوق‌های بازنشستگی

وزارت تنهایی

۱۰-۱۵

گفتارها

بازگشت به میز مذاکره

جنگ برای صلح!

مقابله با نفوذ آمریکا

دغدغه‌های ترامپ در اجلاس داووس

۱۹-۲۱

سیاست

تیر آخر آقای شهردار

برزخ

اصلاح‌طلبان هم‌اهل «بگم بگم» شدند

عملکرد دولت و ریزش رای اصلاح‌طلبان

۲۹-۴۳



تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - علی حاجی ناصری - امید کرمانی‌ها

حنیف غفاری

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمدمهدی صدرزاده (دبیر)

دبیر: افشین خمندان (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فکر نو: علی حاجی ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشاره‌ای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



فدا بکنیم، چنانچه اولیای ما این کار را کردند. و امروز شما می بینید که این صدام را که بحمدالله سیلی خورده است و الان محو این سیلی است، الان نمی فهمد دارد چه می کند؛ شما ببینید که اینهمه پیروزی ای که واقع شده، اصلا این انکار می کند که اینجا چیزی واقع شده، این نمی فهمد که فردا این خبرنگارها، این خارجی ها می آیند می روند آنجا می بینند چه خبر است. این یک همچو حیوانی است که مملکت خودش را، افراد خودش را، اشخاصی که مربوط به خودش هستند، آنها را بمباران می کند، بمباران شیمیایی می کند که باید پاسدارهای ما به داد آنها برسند.

علیه - زندگی همه انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا حالا همه شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می خواستند درست کنند - حکومت - و مع الاسف به قدری به گوش ما خواندند، به قدری به گوش ملت ما خواندند، به گوش ملت های ضعیف خواندند که حکومت به شما چه کار دارد، شما برو نمازت را بخوان، شما مسجدت را برو، همین! البته، ما اگر فقط مسجد برویم و دعا بکنیم و بعد هم دعا به - عرض بکنم که - آن بزرگان چه بکنیم، همه با ما خوب می شوند!
اما وظیفه این است که ما برویم مسجد بشینیم دعا بخوانیم یا وظیفه این است که ما باید قیام بکنیم؟ وظیفه این است که ما همه باید همه چیز خودمان را در راه اسلام

۴۴-۵۹

سیاست خارجی

فریب
جنگ ذهنیت سازی
یار کشی واشنگتن
نسخه دموکرات های آمریکا برای برجام



۶۰-۶۷

اقتصاد

آماده برای پرش
بی اعتمادی بازار به دولت
ارز، بورس را ضربه فنی کرد
افزایش نقدینگی قیمت ارز را بالا برده



۶۸-۷۵

ورزش

موج جدید مربی بزرگ
فاجعه
شفر محبوب!
مجمع به سوابق من رای مثبت داد



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آبتال ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمد ابراهیم محمد پورزندی
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،
پلاک ۱۹
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: امیر طلایی کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسداللهی - علی اکبر پیمانی
انفورماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

بدون چالش

گفت‌وگوی تلویزیونی حسن روحانی با موجی از انتقادهای مواجه شد. مهم‌ترین منتقدان این گفت‌وگو اصلاح‌طلبان بودند. برخی می‌گویند چه نیازی بوده که این گفت‌وگوی تلویزیونی انجام شود اگر از اول هم بنا نبوده حرف تازه‌ای مطرح شود.

محافظه‌کاری

گفت‌وگوی تلویزیونی حسن روحانی
هیجان‌انگیز نبود



تیتریک

گفته است: «اینکه رئیس‌جمهوری با مردم به صورت مستقیم صحبت می‌کند، کار خیلی خوبی است. در واقع بخشی از وظیفه مسئولان کشور این است که گزارشی از عملکرد خود را به اطلاع مردم برسانند. هرچقدر متن گفت‌وگوها در این برنامه‌ها واقعی‌تر باشد، نتایج آن بهتر خواهد بود. آقای روحانی سخنور خوبی هستند. صحبت‌های رسمی و چارچوب‌دار اگرچه برای برخی از مردم خوشایند است و آنها با این نوع گفتار ارتباط خوبی برقرار می‌کنند، اما به نسبت ایام انتخابات و گفت‌وگوهای هیجانی آن زمان افراد کمتری تحت تاثیر قرار می‌گیرند. وقتی صحبت‌ها عادی و صحبت از اعداد و ارقام است، طبیعی است که نقدها به این گفتار بیشتر می‌شود و جاذبه کمتری برای خیلی از مردم دارد. البته مجری برنامه و طرف صحبت هم می‌تواند در روند گفت‌وگو تاثیرگذار باشد اما آنچه مورد مطالبه مردم است، این است که مسائل با شفافیت بیشتر بیان شود. در گفت‌وگوی تلویزیونی اخیر رئیس‌جمهور بهتر بود که مسائل شفاف‌تر بیان می‌شد. از طرف دیگر گفت‌وگو در اتاق رئیس‌جمهور یا استودیوی صداوسیما و با بیان القاب رسمی نمی‌تواند آن تاثیر مورد انتظار را بر عامه مردم داشته باشد. رئیس‌جمهور باید در صحنه‌های واقعی زندگی مردم حضور داشته باشد و درباره این مسائل واقعی با مردم حرف بزند. مثلاً در حادثه کارگری اراک من نوشته بودم آقای رئیس‌جمهور باید به اراک سفر کرده و در آنجا به صورت واقعی با مردم صحبت کند. این رفتار بسیار تاثیرگذارتر است و می‌تواند تاملت‌ها در خاطر مردم به جای بماند. من فکر می‌کنم در حوادث اخیر رئیس‌جمهور باید به زندان می‌رفت و با زندانی‌های حوادث اخیر که معترض مسائل معیشتی، فرهنگی یا سیاسی بودند، صحبت می‌کرد. در شرایطی که تبلیغات جهانی حول محور مسائل حقوق بشری علیه ایران انجام می‌شود، این رفتار بسیار ماندگارتر می‌شود. مثلاً در تاریخ خیلی از مردم شاه‌عباس را با حضور ناگهانی او در میان مردم به خاطر دارند یا امروزه فضای رسانه‌ای و مجازی به گونه‌ای است که نشان می‌دهد سلاطین مردم عوض شده‌اند. مردم به اخبار کسپولی که با زندگی واقعی آنها سروکار دارد، بیشتر رغبت نشان می‌دهند تا گوش دادن یک برنامه یک‌ساعته رسمی تلویزیونی. رئیس‌جمهور و مسئولان باید بتوانند با

داده نشد. کشور غرق در ناامیدی است. به مشکلات اخیر اشاره نشد. حتی سوالات از برنامه‌های عادی رشیدپور هم خیلی محافظه‌کارانه‌تر بود. کشور به مصاحبه دیگری احتیاج داشت.» عباس عدی هم به فاصله یک روز به این مصاحبه واکنش نشان داد و به روزنامه شرق گفت: «در این گفت‌وگو هم مطابق انتظار نکات مثبت قطعاً وجود داشت. همچنین ایشان سعی کردند به جامعه آرامش بدهند و این موارد در جای خودش مثبت بود. در مورد شکل گفت‌وگو باید بگویم به طور کلی معتقدم هر مسئولی باید جلوی یک یا چند روزنامه‌نگار مستقل و قابل اعتماد و توانا حرف بزند ولی اگر این شیوه را نمی‌خواهد، بهتر است به تلویزیون برود و یکطرفه حرف بزند. بنده این نوع اخیر را نسبت به گفت‌وگوی دوفره صوری ترجیح می‌دهم. خودشان می‌توانند مسائل را ریز کنند و بگویند این مسائل وجود دارد، این نکات هم مطرح است و این هم پاسخ‌ها و برنامه من است. اصلاً نیاز نیست کسی از او سوال کند؛ چرا که همه می‌دانند این سوالات چندان جدی نیست، بنابراین این مصاحبه‌ها بیشتر مصنوعی می‌شود. بنابراین ترجیح من این است که رئیس‌جمهور یا هر مسئول دیگری به طور مستقیم در تلویزیون در مقابل مردم قرار گیرد و یکطرفه با مردم حرف بزند. هیچ نیازی هم به پرسش و پاسخ نیست چرا که سوالات مردم معلوم است و اگر او به سوالات بی‌ربط دیگری پاسخ دهد، مردم از گفت‌وگوی مزبور رضایت نخواهند داشت و اگر هم به سوالات درست جواب دهد، مردم هم متوجه می‌شوند که او سوالات مردم را فهمیده است و می‌داند که نکته ابهام کجاست. حالا یا او می‌تواند رفع ابهام کند یا نمی‌تواند. بنابراین فکر می‌کنم باید از این فضای گفت‌وگوی دوفره خارج شد. اما در کل گمان نمی‌کنم آقای روحانی قادر باشد بخش اعظم سوالات مقرر جامعه و مردم را پاسخ دهد. بخشی از این ناتوانی ناشی از ضعف دولت است و بخشی از آن هم ناشی از وضعیت عمومی مملکت است؛ چرا که اساساً او در مقامی نیست که به بعضی از سوالات جواب دهد. بنابراین این نوع سوال و جواب‌ها کمکی بنیادی در رفع ابهام‌ها نمی‌کند، بلکه در بهترین حالت این گفت‌وگوها ابهام جدیدی به وجود نمی‌آورد.»

او نگاهش نسبت به سایرین اندکی مثبت بود. شاید او نظر شبیه غلامحسین کرباسچی داشته باشد که به رسانه‌ها

در میان همه واکنش‌هایی که به گفت‌وگوی تلویزیونی زنده حسن روحانی در فضای مجازی و رسانه‌های مطرح شده بود یکی هم در توییتر نوشته بود که «سخنرانی‌های تلویزیونی حسن روحانی مانند بازی‌های تیم ملی آلمان است که باید تا دقیقه ۹۰ منتظر باشی». گفت‌وگوی حسن روحانی تمام شد اما خیلی‌ها بودند که از آنچه رئیس‌جمهور گفته بود نه‌خشنود بودند و نه راضی؛ از همیشه بیشتر اصلاح‌طلبان. آنها توفان عجیبی به راه انداختند و تندتر از همیشه هر چه توانستند خطاب به روحانی مطرح کردند. آنها البته تنها ناراضیان این مصاحبه تلویزیونی پر حاشیه نبودند. روحانی درست در شرایطی که اولین گفت‌وگوی زنده بعد از ناآرامی‌های اخیر را برگزار می‌کرد که همه انتظار داشتند او با ایده‌ای تازه برای حل مشکلات به میدان آمده باشد. او اما از همیشه آرام‌تر بود؛ ساده‌ترش این است او در قامت یک محافظه‌کار تمام عیار جملاتش را بیان می‌کرد. حتی تلاش‌های رشیدپور برای اینکه به مخاطبان القا کند این یک مصاحبه چالشی است نیز نتوانست از تصنعی بودن سوالات و پاسخ‌های به اصطلاح پینگ‌پونگی بکاهد. حالاً حتی برخی می‌گویند چه نیازی بوده که این گفت‌وگوی تلویزیونی انجام شود اگر از اول هم بنا نبوده حرف تازه‌ای مطرح شود.

اصلاح‌طلبان ناراضی

آن‌چنان که گفته شد مهم‌ترین منتقدان این گفت‌وگو اصلاح‌طلبان بودند. تندترین واکنش را البته صادق زیباکلام داشت که نوشت: «کاش آقای روحانی متوجه می‌شدند که هر بار که با مردم صحبت می‌کنند بخش دیگری از ۲۴ میلیون رای‌شان را از دست می‌دهند. کاش ایشان می‌توانستند متوجه شوند که وقتی به جای پرداختن به مشکلات و مسائل جدی و واقعی جامعه به سوال و جواب‌های تصنعی، پوک و سطحی می‌پردازند در حقیقت به شعور مردم توهین می‌کنند.» بعد از او محمدعلی ابطحی نوشت: «مصاحبه رئیس‌جمهور با کلی توقع که ایجاد شده بود پایان یافت. متأسفانه سوالات آقای رشیدپور متفاوت نبود. حتی نگذاشت طعم سخنرانی‌های آزاد خود روحانی را داشته باشد. از سیاست داخلی و خارجی و حتی اقتصاد حرف مهمی پرسیده نشد و جواب هم طبعاً



استفاده فضاهاى مجازى مثل توییتر یا دیگر شبکه‌هاى مجازى به سواالات روزمره مردم شفاف پاسخ بدهند. مثلاً در این برنامه رئیس جمهور گفت ۹۸ درصد طلب سپرده‌گذاران موسسات مالی غیرمجاز به آنها پرداخت شده است. چقدر خوب بود که وزیر اقتصاد یا رئیس بانک مرکزی یک بار در میان تظاهرات کنندگان حاضر می‌شدند و از این جمعیت می‌پرسیدند که شما چقدر در این موسسه سپرده دارید یا دولت چقدر از طلب‌های شما را پرداخت کرده است؟ غیر از رئیس جمهور همه وزرا و مدیران رده‌بالا باید در کنار مردم حضور داشته باشند و با آنها گفت‌وگو کنند. خاطرهم هست زمانی که من در شهرداری تهران بودم بارها چنین کاری را انجام می‌دادم. حتی برخی از مردم می‌گفتند فلانی با دو چرخه به کارگاه یا فلان خیابان سرکشی کرده است؛ اگر چه من همیشه با ماشین رفت‌وآمد می‌کردم ولی حضور در میان و کنار مردم در لحظات واقعی، سرمایه اجتماعی ارزشمندی برای مدیران است که با تبلیغات رسمی نمی‌توانند به آن دست یابند. در این میان آیت‌الله عباس کمبى، نماینده خوزستان در مجلس خبرگان رهبری، نیز در توییتر نوشت: «آقای رئیس جمهور اگر می‌خواهد مشکل ریزگردهای خوزستان را حل کند، در اقدام اول بهتر است آقای کالانتری را عزل کند. فردی که ایشان برای حل مشکل ریزگردها به استان خوزستان فرستاده‌اند، خود یکی از عوامل مشکل است. ایشان به نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی گفته بود شما آب زیاد دارید. جالب است که همین آقای کالانتری به استان خوزستان آمده و در اولین موضع گیری، عامل خارجی را عمده عامل بحران ریزگردها دانسته و سیاست‌های غلط انتقال آب رودخانه‌های استان خوزستان و اقدامات غلط و بی‌تدبیری‌ها را نادیده گرفته است. این در حالی است که خود ایشان پیش از این گفته بود «منشأ ریزگردهای پاییزه و زمستانه‌ای که در کشور داریم، عمدتاً داخلی است». فردی که تا این حد چار تناقض گویی است و نظر غیرکارشناسی می‌دهد، صلاحیت مدیریت سازمان مهم محیط زیست را ندارد». علیرضا رحیمی، نماینده مردم تهران و عضو فراکسیون امید در واکنش به برنامه تلویزیونی رئیس جمهور در کانال تلگرامی خود نوشت: «مصاحبه محتوای مطالب حرف جدیدش هوشمندی دکتر روحانی بود. زمانی چنین گفت‌وگوهایی را می‌شود برپا ریزی کرد که اقلاً بر دو میلیون بیننده و ۵۰ نماینده مجلس تأثیر مستقیم داشته باشد. گویا قرار بر این بوده است که گفت‌وگو اصلاً وارد مقوله سیاسی اعم از داخلی و خارجی نشود و زاویه توییتر و فیلتر هم تعریفی کنایی بود و نه سوالی اصلی. پرداختن به وضعیت نرخ ارز و هوای خوزستان و تاحدی حادثه سانچی موضوعات روز بودند که در سوال‌ها به چشم می‌آمد. امیدواریم تیم رسانه‌ای دولت و نیز سیمای ملی هر دو در عمل، درستی رویکرد واقع‌نگری بیشتری نسبت به ظرفیت و تأثیر چنین گفت‌وگوهایی از خود نشان دهند.»

عبدالله ناصری، فرد نزدیک به سیدمحمد خاتمی هم یکی از ناراضیان این گفت‌وگو بود. او گفت: «رئیس جمهور در گفت‌وگوی زنده خود نتوانست به دغدغه‌های جدی مردم پاسخ دهد. این اولین حضور او بعد از ناآرامی‌های اخیر در تلویزیون بود؛ شاید من اگر جای او بودم، سعی می‌کردم ریشه‌یابی اعتراضات اخیر را که به نوعی از سوی همه به رسمیت شناخته شد، مدخل بحث خود قرار دهم.

اگر چه این پذیرش نارسایی‌هایی هم داشت؛ اما بهترین مدخل برای ورود به بحث بود. بسیاری از مسائلی که مردم دنبال می‌کردند، می‌شد به این صورت مطرح کرد. یا موضوع اخیر وزیر دفاع را که در آن گفته شد نیروهای مسلح باید از فعالیت اقتصادی کنار بکشند؛ این خبر بسیار خوبی برای جامعه است. حتماً باید آقای روحانی از این موارد حرف می‌زد. اگر این خبر جدی باشد، بازگردن ابعاد آن از سوی رئیس جمهور که وزیر کابینه خودش آن را خبری کرده بود، بسیار تأثیرگذار می‌بود. از طرفی دیگر، باید ابعاد اعتراضات اخیر گفته می‌شد. این اعتراضات به جز اینکه به مسائل معیشتی برمی‌گشت، مطالبه‌گری در حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هم بود؛ اما در گفت‌وگوی دیشب مغفول واقع شد. مثلاً گروه‌های هنری در برخی از استان‌ها با تکلیف هستند. از زمان جنگ تا امروز این وزارت ارشاد بود که آیین‌نامه‌ها و مجوزها را صادر می‌کرد؛ اما در شرایط حاضر، امام جمعه فلان استان به قانون بی‌توجهی کرده و مانع تحقق خواست مردم می‌شود. اینها مواردی بود که باید روحانی در گفت‌وگوی خودمانی با مردم مطرح می‌کرد. اگر چه پرسش‌گر نیز در جهت دادن به مصاحبه خیلی مهم است؛ اما رئیس جمهور می‌توانست با هوشمندی خود، مسیر بحث را به نفع خود تغییر دهد. به تازگی وزیر کشور که در اوایل انتخاب او انتقادهای زیادی به عملکردش وارد بود گفته می‌شد بین امر توسعه سیاسی، شعار انتخاباتی رئیس جمهور و انتخاب وزیر اصولگرایی غیرمعتدبه توسعه سیاسی، همخوانی وجود ندارد؛ اما شورای گفت‌وگوی احزاب مطرح شده است. امید می‌رفت در این برنامه صداوسیما، بیشتر درباره ابعاد این طرح با مردم و معتقدان به امر توسعه سیاسی گفت‌وگو می‌شد. تأثیر گفت‌وگوهای کلی، فرمایشی و خطابه‌ای روی مردم خوب نیست. اگر چه نوع گفت‌وگوها نسبت به قبل بهتر شده بود. شاید اگر به جای یک مجری رسمی، فعال یا کنشگر سیاسی بی‌رودریاستی با رئیس جمهور گفت‌وگو می‌کرد، این بحث‌ها اثرگذارتر می‌بود.»

نظرسنجی معنادار

در این میان آشنا مشاور رئیس جمهور حین گفت‌وگو نظرسنجی گذاشت و نظر مردم را در مورد پاسخ‌های روحانی پرسید. نتیجه نظرسنجی به‌طور عجیبی شوکه‌کننده بود. تنها ۵ درصد مردم از این سخنان رضایت داشتند. ۱۹ درصد به گزینه متوسط رای دادند و ۷۶ درصد شرکت‌کنندگان این مصاحبه را بسیار ضعیف ارزیابی کردند. نظرسنجی مشابهی نیز در آکانت توییتر سایت اصلاح‌طلب‌جماران مطرح شد که بانندی اغماض دقیقاً همین نتایج تکرار شد.

نسخه آشنا

پایان مصاحبه وقتی با موج واکنش‌های منفی مواجه شد، حسام‌الدین آشنا رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری دست به کار شد تا شاید با طرح مسائل پر حرف و حدیث عملیات روانی انجام داده و فضا را تغییر دهد. او بلافاصله پس از پایان گفت‌وگو نوشت: «سلام؛ اگر چه در اثر کوتاه‌شدن زمان گفت‌وگو بسیاری از سواالات مجال طرح نیافت ولی بر خود لازم می‌دانم ضمن تشکر از کسانی که این مسیر را برای انتقال پیام خود به ریاست جمهوری انتخاب کردند عرض کنم کلیات سواالات به اطلاع ایشان رسیده است و جدول تفصیلی هم

به اطلاع ایشان و همگان خواهد رسید. تلاش می‌شود که ریاست‌جمهوری - نه فقط روحانی - وارد سطح جدیدی از قرارگرفتن در قالب تلویزیون شود. مصاحبه خبرنگار می‌خواهد نه فقط مجری؛ اگر برنامه زنده است باید تعاملی تر باشد. نزدیک شدن به استانداردهای گفت‌وگویی و استفاده از فناوری‌های تعاملی در برنامه‌های آتی دنبال خواهد شد.» گفتی است که آشنا کمی بعد از مصاحبه حسن روحانی یک نظرسنجی توییتری نیز برای بررسی عملکرد رئیس جمهور انجام داد که تا ساعت پایانی آن حدود هفت هزار و ۵۰۰ نفر عضو توییتر در آن شرکت کردند. در این نظرسنجی بیش از ۸۰ درصد «پاسخ‌های» رئیس جمهور را «ضعیف» ارزیابی کردند. آذر منصوری، قائم‌مقام دبیرکل حزب اتحاد ملت هم به ایسنا گفت: «مهم‌ترین نقد در ارتباط با آخرین گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس جمهور به این است که فضایی ایجاد شد که انگار قرار است در این گفت‌وگو یک ساعته آقای روحانی به همه مشکلات اشاره کنند و راه حل همه ضعف‌ها را بیان کنند. مسائل سیاسی و اقتصادی مهمی در سخنرانی دیشب رئیس جمهور مطرح شد، از جمله آنکه به موضوع موسسات مالی و اعتباری اشاره شد. ایشان باید در این سخنرانی برای مردم تشریح می‌کردند که چگونه این موسسات شکل گرفتند؛ چگونه به‌هک‌هاک شدند و چگونه‌هاک‌های گزافی را برای دولت فعلی به جای گذاشتند؟ این در حالی است که پرداخت بدهی موسسات اصلاً بر عهده دولت نبوده است و تنها در راستای تأمین منافع موسسات شکل گرفته است.»

سواالات پیش‌پاافتاده

محمد هاشمی اما انتقادش بیشتر به نحوه سواالات بود تا پاسخ‌ها. او به انتخاب گفته است: «بیشتر این سواالات سطحی و پیش‌پاافتاده و بعضاً غیرمغفول بود که هیچ ارتباطی هم به رئیس جمهور و وظایف او نداشت. به‌طور مثال اینکه چرا شما با ماشین ضدگلوله از مناطق زلزله‌زده بازدید کردید؟ مگر رئیس جمهور مسئول حفاظت از خودش است؟ رئیس جمهور تیم حفاظت دارد که با دستورالعمل مشخصی عمل می‌کنند و ترکیب محافظان نیز معلوم است. اشکال اساسی در سواالاتی بود که در اختیار مجری گذاشته شده بود. این سواالات مربوط به صداوسیما و منتقدان رئیس جمهور بود و تنها می‌خواستند از رئیس جمهور قول بگیرند و او را اذیت کنند. طرح مسائلی سطحی و جزئی در این برنامه باعث شد تا به‌طور مثال نه گزارش چهار ماهه رئیس جمهور به ملت را شاهد باشیم و نه سخنرانی‌ای بود که رئیس جمهور در آن حق انتخاب داشته باشد. طراحان سوال‌های گفت‌وگوی رئیس جمهور بسیار ناشیانه عمل کردند و با این کار خود هم وقت ملت را گرفتند، هم وقت رئیس جمهور را. البته در نهایت این موضوع به ضرر خود جریانی است که صحنه را این‌گونه صحنه‌آرایی و اجرا کرد.» اما عزت‌الله ضرغامی برخلاف محمد هاشمی در کانال تلگرامی‌اش نوشته است: «سخنان «تکراری»! کلیشه‌ای و غیرمتفاوت رئیس جمهور باعث شد تا همه قضاوت‌ها به سمت مجری برود و این خوب نیست! پیشنهاد می‌کنم آقای روحانی به خاطر استفاده از کلمه «قوطی» برای سرپناه میلیون‌ها نفر از مردم عزیزمان از انسان غدرخواهی کند. درست است که خانه آنان در مقابل خانه‌های دولتمردان، حکم قوطی را دارد؛ ولی روضه مکشوف هم خوب نیست!»

رئیس‌ی در راه پارلمان؟

ممکن است ابراهیم رئیسی از مشهد، تهران یا قم نامزد مجلس شود

دوباره نامش بر سر زبان‌ها افتاده است، این بار نه برای ریاست جمهوری بلکه هدف، انتخابات ۹۸ و احتمال سرلیستی اصولگرایان برای مجلس یازدهم است. ابراهیم رئیسی که یک بار با حمایت اصولگرایان پا در میدان رقابت‌های انتخاباتی گذاشت، موفق نشد تا حسن روحانی، رئیس‌جمهور مستقر را شکست دهد. اما اخیراً زمزمه‌هایی در مورد اینکه احتمال دارد وی وارد عرصه رقابت مجلس شود به گوش می‌رسد.

محمد مهدی زاهدی، از اصولگرایان مجلس دهم و عضو جمنی در پاسخ به این سوال که آیا جمنی قرار است رئیسی را به عنوان سرلیست انتخابات ۹۸ معرفی کند یا نه، هفته گذشته به نامه‌نویز گفته بود: «من فکر نمی‌کنم

این موضوع در جبهه اصولگرایان بررسی شده باشد بلکه نیروهایی که دل در گرو نظام و انقلاب دارند مشغول کار هستند و هنوز بر مصادیق وارد نشده‌اند چرا که باید اول به راهکارهایی دست پیدا کنند که آن راهکارها بتواند استراتژی را برای ورود به انتخابات آینده مشخص کند.» زاهدی با بیان اینکه «مشخص کردن سرلیست یک فرآیند طولانی است و به هیچ عنوان الان در مورد مصداق خاصی نه بحث شده و نه مصلحت است که بحث شود»، می‌گوید: «مادامی که استراتژی‌ها مشخص شد از دل این استراتژی‌ها برنامه‌ها مشخص شود و بر اساس آن برنامه‌ها افرادی که توانایی انجام آن را دارند مشخص شود.» او درباره اینکه این روزها صحبت بر سر این موضوع

پرزنگ شده است، گفت: «اگر از من می‌پرسید، می‌گویم هنوز چنین بحثی وجود ندارد.»

اما رتوفیان، فعال سیاسی معتقد است: «قطعا رئیسی به عرصه انتخابات مجلس ورود خواهد کرد؛ البته نه به عنوان نامزد چون ایشان به احتمال زیاد برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ بار دیگر کاندیدا خواهد شد.»

عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری اضافه کرد: «آقای رئیسی باید با آسیب‌شناسی از انتخابات ریاست جمهوری برای انتخابات مجلس آینده برنامه‌ریزی و به دور از تخریب رقبا خودش وارد عرصه رقابت‌ها شود.» رتوفیان هدف رئیسی از ارائه لیست برای انتخابات مجلس ۹۸ را تقویت زمینه‌های پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ ارزیابی کرد و گفت: «رئیس‌ی قطعاً با نگاه به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ برای انتخابات مجلس یازدهم لیست می‌بندد تا زمینه جذب آرای بیشتر به منظور حضورشان در انتخابات ۱۴۰۰ فراهم شود.»



لاریجانی را با مشکل مواجه خواهد کرد؛ کسی که در چند دوره اخیر از این شهر به مجلس راه پیدا کرده و بر کرسی ریاست آن نشست است. فراموش نکنیم که لاریجانی در انتخابات اخیر هم به خاطر عدم حضور در لیست اصولگرایان با چالش بزرگی در صندوق رای شهر قم روبرو بود. اما مهم‌تر از همه نقش او در لیست تهران خواهد بود که تأثیر زیادی بر لیست اصولگرایان خواهد داشت. هرچه هست، نمی‌توان در وقایع پیش‌روی عالم سیاست چشم‌انداز برداشت. او می‌تواند معادلات زیادی را ایجاد یا تغییر دهد.

مشهدی‌ها تهران کاندیدای انتخابات مجلس شود. مدل دیگر می‌تواند این باشد که لیست انتخاباتی با امضای وی در چند شهر مهم از جمله: تهران، مشهد و قم به مردم عرضه شود. حضور یا ارائه لیست انتخاباتی او در مشهد با اصلاح‌طلبانی که شورای شهر را از آن خود کرده‌اند، می‌تواند تضاد مهمی را ایجاد کند. ضمن اینکه نه حجت‌الاسلام رئیسی و نه امام‌جمعه این شهر از واگذار شدن کرسی‌های شورای این شهر به اصلاح‌طلبان خرسند نیستند. از طرف دیگر حضور شخص وی یا ارائه لیست از طرف رئیسی در شهر قم،

سیاست‌ورزی ادامه

صابر کرامت

خبرنگار

ابراهیم رئیسی از آن دست آدم‌هایی نبود که بعد از انتخابات از صحنه رسانه‌ها محو شود. بررسی روند اخبار مربوط به او نشان می‌دهد که خود وی نیز همچنان ماندن و تأثیرگذاری در عرصه سیاست را می‌پسندد. به سفرهایی در استان‌های مختلف می‌رود، با فرزندان شهدا و جانبازان دیدار می‌کند، میهمانان اجلاس جهانی را پذیرایی می‌کند، با علما، نخبگان و دانشجویان دیدار می‌کند و در شهرهای مختلف از جمله قم به سخنرانی می‌پردازد. روند برنامه‌ها و سخنرانی‌هایش اگرچه سیاست‌نیست اما در عین حال در متن جامعه قرار دارد. خصوصاً در میان طیف و بدنه‌ای که به او در انتخابات رای داده بود، بیشتر و بیشتر حضور پیدا می‌کند. حرف‌های سیاسی تند نمی‌زند تا دیده شود اما با این حال حضورش در میان توده‌های هوادار چشمگیر است. آن‌طور که برخی متصور هستند، ممکن است رئیسی شخصاً از

حسین کمالی: عارف نماد جریان اصلاحات نبوده است

اخیراً عارف در مصاحبه‌ای گفته بود که سکوت می‌کند و فحش می‌خورد، اما تلاش می‌کند تا کارهای اصلاحات به پیش برود. حسین کمالی به خبرنگار این گفت: «آقای عارف که نماد جریان اصلاحات نبوده است.»

بالاخره هر جایی مدیری دارد و کسی را انتخاب می‌کنند و مدیر قرار می‌دهند اما او که نماد نمی‌شود. نماد تعریف ایدئولوژیک و مرامنامه‌ای دارد و باید بیانگر مانیفست باشد. پس ویژگی‌های خاص خود را داراست. شما یک موضوعی در ذهن تان است می‌خواهید آن را جا بیاورید... آقای عارف در شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان فقط مدیر جلسات بود و شورای ۳۰-۴۰ نفره آنجا اداره می‌کرد.



اعتراض شدید مهناز افشار به دولت

اخیراً حجم انتقادات فعالان مجازی و خصوصاً سلبریتی‌هایی که سابقاً از دولت حمایت می‌کردند بالا گرفته است. تا آنجا که مدتی پیش حتی هشتک پشیمانیم به یک تریژنر تبدیل شد. در پی انتشار تصاویر

کودکان کار شهرستان بروجرد در کانال رسمی شهرداری این شهر و برخورد مجرمانه با این کودکان که اسباب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی را فراهم کرد، مهناز افشار، بازیگر و سخنگوی پوشش بدسرپرست تنها تر است در نامه‌ای سرگشاده از معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده درخواست کرد پیگیر حقوق این کودکان آسیب‌دیده باشد و لبخند را به لب‌های آنها بازگرداند.



درخواست از رئیس دولت اصلاحات برای تذکر به دولت

محمود صادقی، نماینده تهران با اشاره به دیداری که اخیراً صورت گرفته و با بیان اینکه در این دیدار مطرح شد که اگرچه اصلاح‌طلبان هم اکنون در مصدر امور نیستند اما به لحاظ پشتیبانی‌ای که آقای خاتمی هم در دوره اول و هم در دوره دوم از روحانی داشت الان انتظار از آقای خاتمی این است که به نوعی ابراز موضع کنند و نقدهایی که به آقای روحانی وجود دارد را بیان کنند و به نوعی به دولت تذکر دهند، گفت:

«آقای خاتمی هم تا کید داشتند که باید بین اصلاحات و اصلاح‌طلبی تمایز قائل شد. اشخاصی ممکن است در نام، اصلاح طلب باشند اما منش و روش اصلاح‌طلبی نداشته باشند.»



انتشار ویدئویی از جلسه انتخاب رهبری خیانت بود



آیت الله مقتدایی درباره انتشار ویدئوی آرشیوی از جلسه خبرگان به اعتماد گفته: «آن صحبت‌های مقام معظم رهبری از تواضع است و از نظر اخلاقی یکی از تواضع‌های بسیار مهمی است. به همین خاطر انتشار آن خیلی کار خطایی بود ولی در عین حال باید توضیح داد که مردم بدانند این اظهارات یک روش اخلاقی و تواضع در بین مراجع بوده و الان هم هست و ادامه دارد و کسی فکر نکند که مطالبی که ایشان فرمودند اظهار یک واقعیتی است، بلکه یک تواضع است.» مقتدایی در واکنش به انتشار این ویدئو تأکید کرد: «یک خیانتی بوده است که رفتند مطلب محرمانه را منتشر کردند و این موضوع باید پیگیری شود.»

شمخانی: امکان مذاکره مجدد درباره برجام تحت هیچ شرایطی وجود ندارد

دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با العالم گفت: «اقدامات اخیر آمریکا برای به چالش کشاندن برجام رفتاری غیرقانونی بوده و امکان مذاکره مجدد در مورد این سند کامل و غیرقابل تجزیه، تحت هیچ شرایطی وجود ندارد.»



به‌رغم پایبندی کامل ایران به تعهدات خود، هنوز بخشی از گشایش‌های اقتصادی که می‌بایست در چارچوب تعهدات آمریکا و حتی اروپا محقق می‌شد انجام نشده است.»

شمخانی با بیان اینکه «صحبت کردن در مورد بازبینی برجام، بیانی وقیحانه و ناشی از توهم رئیس‌جمهور آمریکاست»، تأکید می‌کند: «هیچ‌گونه مذاکره‌ای در موضوع موشکی و توان دفاعی خود با هیچ کشوری نخواهیم داشت.»

آل هاشم؛ امام جمعه محبوب



حجت الاسلام آل هاشم دستور داد تا نرده‌هایی که بین مردم و مسئولان فاصله ایجاد می‌کرد برداشته شود. با دستور مستقیم حجت الاسلام والمسلمین سید محمد علی آل هاشم نرده‌هایی که صف مسئولان را از مردم در نماز جمعه جدا می‌کرد برداشته شد تا دیگر هیچ دیواری بین خدمتگزاران نظام و ملت قرار نگیرد. اقدامات نماینده ولی فقیه در استان زنجان خاص و عام است و در طول مدت کوتاهی میزان محبوبیت وی در بین مردم آذربایجان شرقی به‌صورت چشمگیری افزایش یافته است.

حجت الاسلام آل هاشم پیش‌تر نیز با تماس‌های غافلگیرانه خود و حضور در مترو، اتوبوس و تردد با تاکسی در داخل شهر خیرساز شده بود.

بحران صندوق‌های بازنشستگی

احمد میدری می‌گوید، موج بعدی اعتراضات متعلق به بازنشسته‌ها است

ثابت می‌کرد، بی‌توجهی کردند؛ تصمیمی که وقتی در کنار افزایش امید به زندگی در کشورمان قرار گیرد، دورنمای ترسناکی را ترسیم می‌کند که امثال ژاپنی‌ها هم از آن وحشت دارند، چرا که یک بار طعم آن را چشیده و برای مقابله با آن، دست به تغییرات وسیعی زده‌اند؛ تغییراتی نه از جنس تصویب ردیف بودجه برای تزریق به صندوق‌های بازنشستگی و افزایش سالانه آن، که از جنس افزایش سن بازنشستگی و تلاش برای برقرار کردن تعادل در ورودی و خروجی این صندوق‌ها. نسخه‌ای که میدری، مشابه آن را تجویز می‌کند و در توضیح چرایی تجویز آن می‌گوید: «اگر فکری برای صندوق‌های بازنشستگی نشود در آینده نزدیک با وضعیتی بحرانی روبه‌رو می‌شویم؛ مشابه با وضعیتی که برای موسسه‌های مالی غیرمجاز به وجود آمد. هم‌اکنون هم مرتب با تحصن بازنشستگان مواجهیم. تصور می‌کنم در تاریخ ایران، بی‌سابقه باشد که بازنشستگان ارتش، در برابر مجلس تحصن کرده باشند.»

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌افزاید: «متوسط سن بازنشستگی در ایران، ۵۱ سال است که با افزایش ۲۰ ساله سال‌های امید به زندگی طی ۳۰ سال گذشته، عملاً فشار بر صندوق‌های بازنشستگی و بودجه دولت، افزایش یافته است، به‌طوری که در سال ۱۳۹۵ تنها دو صندوق دولتی (بازنشستگی کشوری و نیروهای مسلح) معادل ۳۷ هزار میلیارد تومان کسری داشته‌اند. ما باید تلاش کنیم در کشورمان درباره افزایش سن بازنشستگی، اجماع‌سازی کنیم. حکومت باید ببیند که این موضوع، مانند مرزهای کشور حیاتی است. شوخی بردار هم نیست.» میدری در ادامه می‌گوید: «فرد در نظام اداری ایران، به‌طور متوسط ۲۲ سال، ۱۰ درصد حقوقش را مستمری می‌دهد و ۲۷ سال بازنشستگی می‌گیرد. این سیستم، زنده است؛ ما که جای خود داریم. وضعیت ما مثل ژاپن است. آنها به‌رغم اینکه در ۶۷ سالگی بازنشسته می‌شوند، ۲۷ سال مستمری بازنشستگی می‌گیرند. البته این به دلیل بالا رفتن «امید به زندگی» و مقررات بازنشستگی است. سن بازنشستگی در ایران در سال ۱۳۳۲، ۶۵ سال بوده و حالا به پنجاه سال رسیده است. امید به زندگی در ایران افزایش یافته و سن بازنشستگی کاهش پیدا کرده. واضح است که این سیستم بحران‌زاست. ایجاد تغییر در این وضعیت جرأت و جسارت بالایی می‌خواهد.»

اگر موج اعتراضات اخیر از مالبختگان و سپرده‌گذاران موسسات مختلف آغاز شد، موج بعدی را نوع دیگری از سپرده‌گذاران شکل خواهند داد که «بازنشسته» لقب دارند. این را احمد میدری، معاون رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیش‌بینی می‌کند. پیش‌بینی برآمده از تحقیق و پژوهش که البته نشانه‌های وقوع آن از هم‌اکنون نیز به‌وضوح مشخص است؛ مثل نشانه‌هایی که در بودجه سالانه کشور قرار دارند و بحران پیش‌رو را فریاد می‌زنند. تنها کافی است بدانیم که بیشترین رقم در بودجه سال آتی در میان وزارتخانه‌ها به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تعلق گرفته و در بایم این بودجه بزرگ نه برای کارآفرینی و مباحثی از این دست، که اغلبش برای نجات صندوق‌های بازنشستگی از ورشکستگی در نظر گرفته شده است؛ بودجه‌ای برای ممانعت از غرق شدن امثال صندوق بازنشستگی کشوری که مدت‌هاست ورشکسته هستند؛ انقادی که کارشناسان دلیل بروز آن را دست‌درازی‌های فراوان و دامنه‌دار مسئولان به منابع این صندوق‌ها در ادوار مختلف، عزل و نصب‌های بی‌ضابطه و سپردن اختیار به افراد فاقد صلاحیت و توانمندی، اعمال برخی تصمیمات مخرب و هزینه‌آفرین مانند افزایش بی‌ضابطه حقوق مستمری‌گیران و کاهش سن بازنشستگی و... می‌داند. مجموعه عواملی که اگر فکر می‌کنید اکنون متوقف شده‌اند، سخت‌تر اشتباهید. کافی است به اتفاقاتی که در این صندوق‌ها در ماه‌ها و سال‌های اخیر رخ داده و می‌دهد، دقیق شویم تا دریابیم چگونه در نتیجه سوءمدیریت مسئولان، روز به روز بحران صندوق‌های بازنشستگی شدت می‌گیرد و اوضاع وخیم‌تر می‌شود؛ اتفاقاتی مانند آنچه در شرکت ملی نفتکش، در زیرمجموعه صندوق بازنشستگی کشوری رخ می‌دهد و با حادثه نفتکش سانچی تا حد زیادی خودنمایی کرد. یا تلاش نمایندگان مجلس برای ادغام صندوق ورشکست شده بازنشستگان فولاد در صندوق بازنشستگی کشوری که ورشکست شده‌تر است. همه اینها در حالی است که نتیجه برخی تصمیمات گرفته شده توسط مسئولان در گذشته و البته برخی تغییرات رقم خورده در جامعه نیز از بین نرفته و همچنان نقش بسزایی در به‌قفه‌آبردن صندوق‌های بازنشستگی ایفا می‌کند. امثال تصمیماتی که دولت‌مردان برای کاهش سن بازنشستگی در یک دهه اخیر گرفتند و به دو تاهای ساده‌ای که مردود بودن و زیان‌آفرینی‌اش را

سناریوی علی مطهری برای افزایش قیمت بنزین

علی مطهری، نایب رئیس مجلس در مورد افزایش نرخ بنزین می‌گوید: «بهتر است قیمت بنزین دونرخی و حتی سه‌نرخی شود، به‌عنوان مثال این پیشنهاد می‌تواند در مجلس مورد بررسی قرار بگیرد که برای میزان مصرف بنزین تا ۸۰ لیتر در ماه، یک هزار تومان، برای میزان مصرف تا ۱۲۰ لیتر در ماه ۱۲۰۰ تومان و برای میزان مصرف از ۱۲۰ لیتر به بالا در ماه قیمت ۱۵۰۰ تومان در نظر گرفته شود. افزایش قیمت ۲۰۰ تومانی و ۵۰۰ تومانی می‌تواند به‌عنوان اخذ مالیات و منبع درآمدی برای دولت در نظر گرفته شود که آن را یا در مسیر اشتغال‌زایی یا در مسیر بهبود حمل‌ونقل کشور استفاده کند.»



باهر: با احمدی‌نژاد معرکه‌ای داشتیم

باهر در مورد دوران احمدی‌نژادی می‌گوید: «متأسفانه در زمان ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد از همان اول قرار بود ۵۰ درصد یارانه نقدی به مردم بدهند و ۳۰ درصد به بخش تولید و ۲۰ درصد را به خود دولت بدهند، اما از همان روز اول کار را منحرف شروع کردند.»

او ادامه داد: «بحث‌های ما با دولت احمدی‌نژاد معرکه‌ای داشت؛ یعنی ما می‌گفتیم و ایشان انجام نمی‌داد. ما دعوا و سوال می‌کردیم، ایشان دوباره طور دیگری جواب می‌داد و تا آخرش کار به انجام سوال رسمی از رئیس‌جمهور رسید. متأسفانه ایشان در بی‌قانونی‌های طولانی داشتند.»

به اینستاگرام مثلث بیونید

اینستاگرام هفته نامه مثلث فعال شده است. کاربران این شبکه اجتماعی می توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته نامه را مشاهده کنند.

mosalas_magazine



کاربران مجازی به حساب زیبا کلام رسیدند



برنامه ریزی داره. کاربری به نام علیرضا میری هم به این نکته اشاره کرد: «خوب شد هلال احمر دست صادق زیبا کلام نبود وگرنه کرمانشاهی ها تا الان توی سرما یخ می زدند و ایشون هم داشت توی تخیلات خودشون شهر نمونه می ساخت!» رضا حاتمی وفا نوشت: «زیبا کلام گفته پولایی که برا زلزله زده ها جمع کردم رو هنوز خرج نکردم، احتمالا بزگوار گذاشته تو انتخابات بعدی خرج توسعه دموکراسی کنه.»

در حساب کاربری «زکی پدیا» آمده است: «زیبا کلام پول کمک های مردم برای کرمانشاه رو نگه داشته می گه می خوام بعدا روستای نمونه درست کنم، مدیونین فکر کنین نظر خود زلزله زدگان غیر از اینه.»

کاربر دیگری نوشت: «گری نوبل، مدافع سابق منچستر مفسر تلویزیونی شده بود از همه ایراد می گرفت خودش شش ماه مرعی والنسیا شد کند زد به همه چی تا بیرونش کردن. درست عین صادق زیبا کلام که جو گرفتیش برای کمک به زلزله زده ها پول جمع کرد هنوز خرج نکرده و مطمئنا افضاح بالا میاره.» «زیبا کلام مرزهای مدیریت بحران جابه جا کرده. مردم کمک های نقدی کردن که مردم زلزله زده سرپل توی سرما بیرون نباشن بعد جناب زیبا کلام تشخیص داده پول توی حسابش بمونه بعدا هر وقت دلش خواست با سه میلیارد ریشه فقر؛ توی استان های کرمانشاه و کردستان ریشه کن کنه»، مطلبی بود که حساب کاربری پینوکیو به آن اشاره کرد. ▶

صادق زیبا کلام، فعال سیاسی اصلاح طلب و استاد دانشگاه روز گذشته در گفت و گو با روزنامه «شرق» درباره کمک های مردمی که برای زلزله زدگان کرمانشاه جمع آوری کرد، نوشت: «پولی که توسط بنده تهیه شده و تا به امروز سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون شده، از این پول به جز ۳۰ میلیون تومان که همان ابتدای کار برای کمک های فوری برداشت شد، مابقی سرچایش قرار دارد؛ یعنی حدود سه میلیارد و ۳۷۰ میلیون تومان دست نخورده باقی مانده و ما تعدداً نه وارد کار کانکس و چادر شدیم و نه وارد کار دارو شدیم، به این علت که مهم تر از کانکس، چادر، شیرخشک دارو و مناظر و مدارسی که از بین رفته، زلزله واقعی در کرمانشاه و کردستان، فقر است.»

این صحبت های وی با واکنش های متفاوتی در شبکه های اجتماعی روبه رو شد که در ادامه بخشی از این واکنش ها را می خوانید:

یاسین طاهری در این باره در توئیترش نوشت: «زیبا کلام می خواد کمک های مردمی رو بدون توجه به نظر مردم زلزله زده و طبق نظر خودش هزینه کنه. شما بهتر از مردم می فهمی؟ خلاف دموکراسی نیست؟»

کاربر دیگری با اشاره به سودی که به این چند میلیارد پول تعلق می گیرد، خاطرنشان کرد: «یکی بگه سود این پول در حساب این فرد چقدر میشه؟»

مآنده رضوی توییت کرد: «آقای زیبا کلام از نرگس کلباسی یاد بگیرن، به نظرم داره بی هیاهو کار می کنه اشتغال زایی می کنه برای ریال به پول درست و منطقی

به ما پیامک بزنید:

۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

✓ چرا مسکن که نیاز اولیه زندگی است دست یک عده سرمایه دار باید باشد؟ راهکار ساده ای دارد؛ هر کد ملی یک سند به نامش باشد. فکر می کنم مشکل مسکن برای همیشه رفع می شود.

✓ از آقای آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات خواهشمندیم طبق بیانات اخیر ریاست محترم جمهور مبنی بر اینکه اگر بخواهیم رسانه های اجتماعی برای مردم مفید و موثر واقع شود به جای فیلترینگ باید برای فرهنگ سازی اقدام کرد و با عنایت به شعار انتخاباتی ریاست محترم جمهور مبنی بر حذف فیلترینگ از رسانه های اجتماعی و استفاده آزادانه و قانونی مردم از آن رسانه ها، لطفاً رفع فیلترینگ رسانه های اجتماعی توئیتر و فیس بوک را در دستور کار خود قرار دهید و آن رسانه ها را رفع فیلترینگ کنید.

✓ جناب جهانگیری فرمودند مردم حق دارند مطالبات خود را بر سر مسئولان فریاد بزنند. کاملاً حرف منطقی به نظر می آید. البته برخی مسئولان هم فعلاً این حق را به خود داده اند که ضمن طلبکار بودن از مردم گوش شان بدهکار نیست.

✓ معاون امور رفاهی وزیر کار خط فقر ملی را اعلام فرمودند، بله در صورتی که اعضای یک خانوار کف خیابان زندگی کنند و هزینه های مسکن، رفت و آمد، درمان، تحصیل و... را نداشته باشند خط فقر ملی به درستی اعلام شده است.

✓ مگر قرار نبود شرکت گاز آبونمان نگیرد؟ خدمات مستمر باز چیست؟

✓ کارت ملی هوشمند مانند پرچم کشور هويت ایرانی بودنمان را نشان می دهد. کسانی که در بی کیفیت بودن آن سودی به جیب زده اند به هويت های این ملت خیانت کرده اند! دولت باید پیگیر باشد!

✓ همه چیز ما تقلید از غرب است. هر روز مرکز فست فود و پیتزافروشی افتتاح می شود. تبلیغات تلویزیونی هم برگرفته از فیلم و سریال های غربی است مانند تبلیغ شامپو و مجالس پرخرج و...

✓ جای تاسف دارد که اعضای تیم مذاکره کننده برجام از حضور و پاسخ گویی در مناظره جلوی چشم ملت پرهیز می کنند و یکسویه حرف می زنند. ای کاش حرف نزنند، عمل کنند و به انتقادات ملت گوش کنند! واقعا ملت پس از گذشت دو سال، حق ندارد بفهمد نتایج برجام چه بوده و چه شده؟

حاشیه نگاری مداح معروف از تصحیح برگه امتحانی



اعتراض رئیس هیئت مدیره به بلند مرتبه سازی اطراف حرم مطهر

وزارت تنهایی

خبر انتصاب زنی در انگلستان به عنوان وزیر تنهایی به سرعت در فضای مجازی منتشر شد و بازتاب گسترده‌ای داشت. بسیاری از آن به عنوان پیشرفت‌های مهم غرب یاد کردند.

عبدالله گنجی ذیل عنوان «معنای حیات انسانی- اجتماعی در غرب و وزارت تنهایی» در همین باره نوشت: «دستکاری حیات آدمی توسط تمدن غرب و سرک کشیدن آنان (به واسطه عمل) به تمام قلمروهای انسانی کار را به «نیود تازه‌ها» در حیات انسان غربی رسانده است و به قول علامه اقبال لاهوری که در غرب زندگی می‌کرد «من‌های سرگردان» جامعه غربی را احاطه کرده است. بن بست در یافتن ابعاد جدید از حیات، غربیان را به عدول از «عقل خودبنیاد» هم کشانده است. فیلم‌های سینمایی و سریال‌های غربی در دهه اخیر به سمت تولید هیجان از طریق صحنه‌های تخیلی همانند هیولاهای افسانه‌ای و دایناسورهای عظیم الجثه که وارد منازل و مغازه‌ها می‌شوند، می‌رود و این خود نشان از نبود جذابیت تولید فیلم از زندگی‌های واقعی در غرب است.

تنهایی انسان‌ها در غرب در حدی رشد کرده است که احساس نیاز به وزارت تنهایی کرده‌اند. از سوی دیگر به صورت سریالی می‌شنویم و می‌بینیم که پدری سال هاست دختر خود را در زندان نگه داشته و به او تجاوز می‌کند. دو روز قبل مشخص شد پدر و مادری ۱۳ فرزند خود را سال‌ها زندان کرده بودند و اخیراً با فراری یکی از آنها داستان لورفت. به قول اقبال لاهوری «عشق در غرب به بردگی افتاده است و عقل در شرق» اما گویی غرب به سوی «پایان معنای حیات» یا احساس پوچ‌گرایی و غایت‌ستیزی می‌رود و شاید دلیل اصلی آن در این دو کلمه است که در جامعه ما هم رو به رشد است: «به تو چه» و «به من چه» انسان را به سمت تنهایی مفرط می‌برد.

دو «آدرس غلط» در راه کشتی مطلا

در هفته‌های گذشته موضوع رونمایی از کشتی مطلا از سوی بسیاری از فعالان مجازی به نقد کشیده شد. فعالانی که هم اصولگرا بودند و هم اصلاح طلب. محسن مهدیان درباره این کشتی نوشت: «بعد از طرح انتقادات درباره کشتی قرآنی مطلا ۲ پاسخ ارائه شد که به نظر می‌رسد بیشتر آدرس غلط است. ۱- اول اینکه گفته شد وزن طلا چنین نیست و چنان است. اما آیا وزن طلا اهمیت دارد؟ واقعیت این است که اساساً وزن طلا و خصوصی و دولتی بودن واقف کشتی اصلاً مهم نیست. این اقدام نمادی از یک فرهنگ غلط است؛ فرهنگ خودنمایی و ظاهرگرایی تخت‌آمیز که متأسفانه به امضای روحانیت هم رسیده است. کسی که وارد «ورود ممنوع» می‌شود، مهم نیست صدمت‌متر ورود کند یا ۱۰۰ کیلومتر.

۲- دوم اینکه گفته شده است اگر کشتی مطلا ایراد دارد، پس چرا به طلای ضریح و گنبد ائمه انتقاد نمی‌کنیم؟ پاسخش خیلی روشن است. این دو متفاوتند. در این دست موارد رجوع به فهم عرفی جامعه بسیار راهگشاست. مردم از تماشای طلای ضریح و گنبد و بارگاه احساس شوکت سلطانی و معنوی می‌کنند؛ آیا بایدین کشتی مطلا نیز دچار همین احساس می‌شوند؟ طلای گنبد و ضریح ائمه تأثیر مستقیم بر معنویت آستان و رابطه موثر بر زیارت‌زائر و موزر دارد. اساساً معماری اسلامی به جهت ویژگی‌های هنری آن هزینه‌بر است و البته هزینه کردن در این سرا به جهت نگه‌داشتن این محتوای معنوی در امکان مقدسه کاملاً ضروری است. حال سوال این است که کشتی مطلا نیز چنین کارکردی دارد؟»

زنگ خطر...



صبح هفته گذشته به یکی از سرمقاله‌ها و تیتراهای خود در باب افزایش بی‌سابقه نرخ ارز اشاره کرد و نوشت: «این موضوع (غیر از تذکر رسمی) با دو واکنش متفاوت روبه‌رو شد که یک دسته از دوستان دلسوز و دغدغه‌مند آن را مضر به حال انقلاب و شرایط کنونی کشور می‌دانستند و تیترا بر سبیل سیاه‌نمایی تشبیه می‌کردند و دسته دیگری که از تیترا مورد نظر برداشت مطالبه از دولت برای اصلاح وضع کنونی و حضور مثبت و فعال تر بانک مرکزی برای هدایت بازار را داشتند. فرض این بوده و هست

که دولت می‌تواند وضعیت شکننده بازار ارز را تحت کنترل خود در بیاورد و در ثانی چرا به چنین فعالیت سرنوشت‌سازی بی‌توجهی است و اقدام در خوری انجام نمی‌دهد: در این میان، نوع نظارت دولت و بانک مرکزی به نحوی ضعیف است که حتی صرافی‌ها به خود اجازه می‌دهند دلار نفروشند و این در حالی است که مردم برای احتیاجات واقعی خود این روزها در مراجعه به صرافی‌ها با در بسته مواجه می‌شوند، در حالی که دولت به عنوان عرضه‌کننده ارز، باید شرایط را به نحوی پیش‌ببرد که متقاضیان با عدم فروش صرافی‌ها مواجه نشوند. مرادو غایت روزنامه از پرداختن مداوم به چنین مقوله‌ای، بلند کردن زنگ خطر بزرگی است که می‌تواند به موج سواری بیگانگان، افزایش شکاف‌های طبقاتی و پایین تر آمدن قدرت خرید مردم منجر شود. اگر این مهم از محل اطلاع‌رسانی تأمین نمی‌شود، پس چه ساز و کاری می‌توان برای آن فراهم آورد، در حالی که چند ماه است به نظر می‌آید بانک مرکزی به بهانه تک‌نرخ کردن ارز، عمده‌انه افزایش نرخ دلار را دنبال می‌کند و با کاهش عرضه دلار به بازار به دنبال تحقق کسری درآمد دولت از این محل است؛ به همین منظور بی‌ضابطه و بر اساس هیجانات بازار، قیمت افزایش یافته را به جامعه تحمیل می‌کند. اگر رسانه در جایگاه مناسب خود نایستد، آیا این فرصت برای بدخواهان فراهم نخواهد شد که اهداف شوم خویش را در جریان‌سازی به کار ببندند؛ دوستانی که منتقد تیترا «صبح‌نو» بوده‌اند، از این زاویه دوم هم به پدیده بنگرند و این احتمال را بدهند که ممکن است مانیز دغدغه‌مند حل مشکلات کنونی هستیم، فارغ از مجادلات سیاسی.

نقش ایران در کردستان عراق



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در روزنامه ایران به سفر نچپروان بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق به تهران اشاره کرد و نوشت این سفر در سایه وجود دو واقعیت اخیر یعنی مخالفت ایران با برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان و کنونی یعنی جنگ گسترده ترکیه علیه کردهای سوریه که ممکن است به یک امر کردی تبدیل شود، قابل ارزیابی است. در مورد مسائل متنج از مخالفت ایران با همه‌پرسی اقلیم، آنچه از سفر بارزانی به ایران برداشت می‌شود آن است که پیشینه مناسبات ایران با کردهای عراق به حدی گسترده و عمیق است که در درون خود ساز و کارهای مربوط به حل مسائل و اختلافات را دارد. فراموش نکنیم در شرایطی که برخی کشورها مانند ترکیه اقدام نظامی علیه کردها را مطرح کردند، جمهوری اسلامی ایران کاملاً خیرخواهانه و آینده‌نگرانه خواستار عدم برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق شد. دیدگاهی که درستی آن امروز هویدا شده است، زیرا با برگزاری آن همه‌پرسی شاهد هستیم که متأسفانه اقلیم کردستان عراق تبعات آن از جمله کاهش بودجه اقلیم از ۱۷ درصد به ۱۲ درصد و از دست رفتن بسیاری از حوزه‌های مدیریتی و اقتصادی در درون کردستان و مرزهای مربوطه را تحمل می‌کند. انجام این سفر با توجه به چنین پیشینه‌ای نشانگر آن است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند همچنان با ناگهانی مصلحانه ضمن تقویت دولت مرکزی و امنیت عراق و جلوگیری از امکان شکل‌گیری شرایطی آیدایی دیگر مانند داعش به نحوی تسهیل‌کننده حل مشکلات داخلی این کشور باشد.

ریشه‌ها و تبعات گزاره «عبور از روحانی»



سعید حجاریان در بخشی از یادداشتی که در روزنامه اعتماد با تیترا «پس از روحانی» چاپ شده است، به بررسی ریشه‌ها و تبعات گزاره «عبور از روحانی» پرداخت و نوشت: «در یک نگاه اجمالی و با تکیه بر داده‌های موجود، می‌توان ریشه وقایع ده‌ماه سال جاری را در دو مقوله «سیاست» و «معیشت» جست. در این اعتراضات، چندین شعار به گوش رسید. گروهی دغدغه‌های اقتصادی و معیشتی‌شان را مطرح کردند، گروهی

اصلاح‌طلبان را خطاب قرار دادند، گروهی دیگر خواستار برکناری روحانی بودند و گروهی مجموعه حاکمیت را زیر سوال بردند و دست آخر بعضی، از بازگشت سلطنت سخن گفتند.» وی بخش اول یادداشت خود را به بررسی ریشه‌ها و تبعات گزاره «عبور از روحانی» اختصاص داده و در بخش دوم نحوه مواجهه با این اعتراضات را تشریح کرده بود. حجاریان با اشاره به روند مدیریت احمدی‌نژاد در فرجه کردن دولت معتقد است که با این پیش‌زمینه «روحانی» امروز با چندین ابرچالش مواجه است که اگر هر کدام از کاندیداهای دیگر ریاست جمهوری در سال ۹۲ رای آورده بودند هم با آن روبه‌رو بودند؛ چالش‌هایی مانند: کم‌آبی کشور، آلودگی هوا، حاشیه‌نشینی، صندوق‌های بازنشستگی، موسسات مالی و اعتباری که ممکن است آفت‌شان به بانک‌ها نیز سرایت کند و بیکاری که اگر سالانه ۶۰ میلیارد دلار هزینه شود، پس از ۱۰ سال تنها می‌توان نرخ بیکاری را در حد امروز نگه داشت. روحانی در چنین وضعیتی و در حالی که آماج حملات قیاب است، باید سه سال دیگر در پاستور بماند؛ سه‌ساله که دستخوش اعتراضات بی‌درپی خواهد بود؛ اعتراضاتی که مانند موج دریا عقب می‌روند با شدت بیشتر بازمی‌گردند. در این شرایط، آنهایی که از ابتدای دولت روحانی در روضه‌هایشان و از تریبون صداوسیما و نماز جمعه یاس و ناامیدی پمپاژ می‌کردند و می‌خواستند روحانی را بی‌کفایت نشان دهند، فرمان «نه به روحانی» را صادر کردند و شعار «مرگ بر روحانی» سر دادند در حالی که نگفتند پس از روحانی به چه فریادیه‌ای می‌رسند. پاسخ روشن است؛ عبور از روحانی یعنی گذر از دولت و رسیدن به حاکمیت و اصل نظام و در آخر عبور از جمهوری اسلامی.»

عاقبت شاخه زیتون

عملیات شاخه زیتون یا همان حمله نظامی ترکیه به منطقه عفرین در شمال سوریه بار دیگر آنکارا و نقش پرفراز و نشیبی که در بحران سوریه داشته را در راس اخبار قرار داده است. اکنون این پرسش ها مطرح است که آیا این عملیات با چراغ سبز آمریکا بوده و اینکه نگاه تهران، مسکو و دمشق نسبت به این اقدام آنکارا چگونه است؟ همچنین چشم انداز این اقدام ترکیه نیز با توجه به شرایط پیچیده منطقه در حاله ای از ابهام قرار دارد.

گفتارها

بازگشت به میز مذاکره

تهاجم نظامی ترکیه کوتاه خواهد بود



تروریستی به‌شمار می‌روند، یک منطقه امن و نفوذ در مرزهای خود با سوریه ایجاد کند.

در رابطه با چشم‌انداز و آینده این اقدام ترکیه یعنی حمله نظامی به شمال سوریه چندین سناریو مطرح است؛ نخست آنکه برخی از ناظران بر این باورند که حمله ترکیه به منطقهعفرین به هماهنگی آمریکا و حتی چراغ سبز روسیه صورت گرفته است؛ به زعم آنها، عقب‌نشینی نیروهای روسی از این منطقه و واگذاری این مناطق برای تداوم حملات ترکیه از سوی سو و عدم واکنش جدی واشنگتن به این حملات از سوی دیگر بیانگر آن است که شاید آمریکایی‌ها مایل هستند از کردها که زمانی متحد آنها به‌شمار می‌رفتند به‌عنوان یک عنصر آبرازی استفاده کنند و به همین خاطر در مقابل تهاجم گسترده ترکیه هیچ حمایتی از این گروه انجام نخواهند داد.

سناریوی دیگر اینکه ممکن است این تهاجم کوتاه‌مدت باشد و با میانجیگری روسیه و فشارهای دیپلماتیک ایران به آنکارا، بعد از مدتی و پس از آنکه ترکیه برخی از پایگاه‌های کردها را از طریق حملات هوایی بمباران کرد، این منطقه را تخلیه کند. سناریوی بعدی نیز بر این اساس است که ترک‌ها بخواهند با تداوم حملات نظامی ضمن ایجاد منطقه حایل در مرز با سرکوب کردها به فکر اشغال پایدار در بخشی از شمال سوریه باشند. البته ممکن است این سناریو در آینده هزینه‌های نظامی و امنیتی ترکیه را افزایش دهد. به این مفهوم که داخل ترکیه حداقل ۲۰ تا ۲۵ درصد از جمعیت ترکیه را کردها شامل می‌شوند. به خصوص گروه پ. ک. ک و دیگر پیکارجویان وابسته به کردها در داخل ترکیه از نفوذ زیادی برخوردار هستند. حتی برخی از گروه‌های مخالف رجب طیب اردوغان نیز با سناریوی تهاجم گسترده و ماندن در خاک ترکیه موافقت نکردند. بنابراین ادامه حملات و آسیب رساندن به مردم عادی علاوه بر آنکه ممکن است در خود منطقه به ایجاد آشوب بینجامد و مداخله کشورهای دیگر را به همراه داشته باشد، احتمال دارد در داخل ترکیه نیز به ایجاد ناامنی‌هایی منجر شود. در قسمت شرق ترکیه پیش‌تر چنین حوادث تلخی را شاهد بوده‌ایم. بنابراین گزینه دیگری که محتمل‌تر به نظر می‌رسد این است که ترکیه از طریق میانجیگری و گفت‌وگوهای سیاسی به نوعی به کاهش تنش و عقب‌نشینی کامل از این منطقه و بازگشت به میز مذاکرات آستانه تن بدهد. ▶

و تاثیرگذار در ادامه تنش در منطقه را باید سیاست‌های دولت دونالد ترامپ دانست؛ چرا که ایالات متحده آمریکا بعد از آنکه نتوانست در قبال حضور، نقش آفرینی و قدرت‌نمایی روسیه و ایران در منطقه به‌خصوص در سوریه، با سیاست‌های اعمالی خویش و حتی ائتلاف گسترده بین‌المللی به اصطلاح مبارزه با تروریسم راهبردی خود را پیش ببرد، آمریکا به یک قدرت درجه دو در منطقه به‌ویژه در تحولات سوریه تبدیل شده است. بنابراین از دیدگاه استراتژیست‌های آمریکایی با از دست دادن موقعیت این کشور در سوریه، وضعیت موقعیت آمریکا در کل منطقه به‌خطر افتاده است. بنابراین آمریکا همچنان تلاش دارد از برخی کارتهای برنده خود چون کردها برای حضور در سوریه استفاده کند و مناطقی را تحت اشغال خود داشته باشد. حتی واشنگتن اگر بتواند مایل است با ادامه اشغال بخش‌های شمالی سوریه و تجزیه این کشور حاکمیت نظام بشار اسد را با موانع جدی تری روبه‌رو سازد؛ این استراتژی و راهبرد نشان می‌دهد که بحران سوریه به‌رغم توفیقات محور مقاومت در کنار روسیه همچنان حاد است و به همین سادگی حل‌شدنی نیست. در بحث بحران سوریه یک اختلاف‌دیدگاه نیز میان ترکیه و آمریکا وجود دارد؛ یعنی دو متحد استراتژیک و عضو پیمان ناتو بر سر چگونگی حضور نیروهای معارض سوری در سوریه با یکدیگر اختلاف نظر دارند. بحث اصلی این است که اقدامات دولت آمریکا مبنی بر قرار دادن تجهیزات در اختیار کردهای سوری با هدف بازپس‌گیری رقه یعنی مرکز خلافت دولت اسلامی در سوریه موجب قدرت‌یابی کردها شد که این مساله به‌عنوان مسئله امنیتی از سوی آنکارا تلقی می‌شود. در واقع از نظر ترکیه حضور کردهای سوری که مقامات ترکیه، آنها را شاخه‌ای از پ. ک. ک به‌عنوان یک گروه تروریستی می‌دانند، برای امنیت این کشور مشکل‌ساز و خطرآفرین است.

در نتیجه تمام تلاش‌های سیاسی ترکیه برای محکوم کردن کردها و عدم حمایت آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی از این گروه به نتیجه مشخصی نرسیده است. به این ترتیب ترکیه در روزهای اخیر و بعد از تهدیدهایی مبنی بر اینکه به هیچ‌وجه اجازه حضور گروه‌های کردی را در مرزهای جنوبی خود نمی‌دهد، به عفرین در شمال سوریه حمله‌ور شد و از طریق ارتش آزاد که از متحدین این کشور محسوب می‌شود تلاش دارد ضمن پاک‌سازی این گروه‌های کرد که از نظر ترکیه



ترکیه یکی از بازیگران قدرتمند در منطقه خاورمیانه به‌ویژه از بدو شروع بحران سوریه به‌شمار می‌رود که در کنار ایران و عربستان بر تحولات سیاسی و عرصه میدانی آن اثرگذار بوده است. بنابراین در بدو شروع ناآرامی‌های گسترده، ترکیه به‌عنوان کشور همسایه و قدرتمند سوریه تلاش کرد که با هدف ساقط کردن نظام سوریه با محور عربی و غربی همکاری کند و بنابراین یک هارمونی و هماهنگی میان آمریکا، عربستان و حتی رژیم اسرائیل برای ایجاد تنش بیشتر و تداوم درگیری‌ها و ایجاد فضا برای مداخلات نظامی به‌وجود آمد. البته ترکیه بیشتر به‌عنوان کنشگر نقش منفی در کنسرت ضدسوری ایفا می‌کرد. تداوم بحران و فراگیر شدن آن با ورود بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تجزیه گروه‌های سلفی-تکفیری برای تجزیه سوریه، حضور نظامی سنگین روسیه در این کشور را به دنبال داشت. در واقع روسیه پیش از این حضور نیز چند پایگاه نظامی در این کشور داشت و یک اتحاد استراتژیک میان دمشق و مسکو برقرار بود. بنابراین بعد از حضور نظامی روسیه در سوریه و حملاتی که علیه تکفیری‌ها به‌ویژه علیه داعش و گروه‌های وابسته به شبکه القاعده از جمله جبهه النصره انجام دادند، روابط مسکو-آنکارا به سمت تیرگی بیشتر رفت. پس از آن نیز در یک مقطع زمانی و پیش از کودتا در ترکیه، هوایم‌ای روس‌ها توسط ترکیه سرنگون شد و تنش‌های میان دو قدرت اصلی و تاثیرگذار در تحولات سوریه به اوج خود رسید.

برخی از کارشناسان اینگونه تحلیل می‌کردند که تداوم این بحران ممکن است به یک جنگ جهانی فراگیر و منطقه‌ای منجر شود. اما مدیریت بحران و کوتاه آمدن ترک‌ها و سپس نیز رویکرد و نگاه‌شان به شرق به ویژه مسکو و با هدف حل و فصل سیاسی آن، باعث شد از خصومت روابط ترکیه و روسیه به مرور کاسته شود. تا به امروز نیز سه کشور گام‌هایی را در آستانه قزاقستان با هدف حل و فصل سیاسی بحران سوریه برداشته‌اند. از جمله این گام‌ها می‌توان به ایجاد مناطق کاهش تنش بین دولت سوریه و معارضان آن کشور اشاره کرد که این اقدامات باعث شد روابط آنکارا-مسکو گرم‌تر شود و ترکیه رغبت بیشتری داشته باشد تا در کنار ایران و سوریه به حل و فصل موضوع سیاسی سوریه اقدام کند. اما به‌رغم تمام تحولات مثبتی که در مواضع ترکیه نسبت به سوریه بدون می‌بینیم، شاهد هستیم که آنکارا همچنان به سوریه بدون بشار اسد فکر می‌کند و می‌خواهد یک ساختار سیاسی جدیدی را با افزایش قدرت برخی از معارضان ضدسوری به ویژه ارتش آزاد و نیز بازماندگان گروه سلفی-تکفیری وابسته ایجاد کند. این مساله، نقطه کلیدی و محوری اختلافات میان روسیه و ایران با ترکیه است و این سه کشور هنوز نتوانسته‌اند این مشکل و معضل کلیدی را در گفت‌وگوهای سیاسی آستانه به نوعی حل و فصل کنند. با وجودی که زوال داعش در منطقه از جندی پیش از عراق آغاز شد و در سوریه نیز این گروه تکفیری در حال نابودی است، باید به این نکته هم اشاره کرد که برخی از گروه‌های تکفیری-سلفی به نوعی همچنان از سوی ترکیه حمایت می‌شوند؛ در راس آن ارتباطات پید و نهانی میان برخی از گروه‌های وابسته به القاعده نظیر جندی الشام و جبهه النصره با ترکیه وجود دارد. این گروه‌ها از نظر ایران و روسیه، همچنان یک گروه تروریستی هستند اما ترکیه این گروه‌ها را به‌عنوان یک گروه معارض و میانه‌رو می‌داند و با آنها ارتباطاتی دارد. همچنین یک متغیر مهم



ممکن است این تهاجم کوتاه‌مدت باشد و با میانجیگری روسیه و فشارهای دیپلماتیک ایران به آنکارا، بعد از مدتی و پس از آنکه ترکیه برخی از پایگاه‌های کردها را از طریق حملات هوایی بمباران کرد، این منطقه را تخلیه کند

دیگر برای پیوستن ترکیه به اتحادیه، به فکر وادارد و اروپا را متقاعد کند که ترکیه می‌تواند یک حائل بسیار مهم در ایجاد امنیت در اروپا از جانب ورود آوارگان سوری باشد.

سومین هدف ترکیه، داشتن سهم در سوریه پس‌داعش است و مهمتر از آن به نوعی گرفتن فرصت‌هایی که کردها در آینده سوریه می‌توانند داشته باشند. ترکیه یک حکومت همسو و تحت سلطه خود را در سوریه خواستار است و تحمل دولت کردی در سوریه را ندارد؛ بنابراین سعی دارد به نوعی کردها را در صحنه سوریه پس‌داعش کم‌ارزش جلوه دهد.

چهارمین هدف ترکیه این است که نبض هر دو قدرت فرامنطقه‌ای یعنی هم آمریکا و هم روسیه را در دست داشته باشد و تا حدودی هم قادر به بازی با این کارت‌ها باشد. روسیه برای انتقال بازی با آمریکا از زمین «خارج نزدیک» به خارج دور یعنی سوریه، روی کمک‌های ترکیه به عنوان متحد حساب می‌کند و آمریکا نیز در سوریه با رویارویی با روسیه و ایران به عنوان متحدان بشمار آید، به ترکیه به عنوان بازیگر میانجی نیاز دارد. پس ترکیه حکم نخودی را در جنگ داخلی سوریه داشت و گاهی هم مبادلات اقتصادی ترکیه با گروه داعش به گوش می‌رسید. در نتیجه ترکیه فرصت طلب توانسته بود از هر تهدید بازیگران صحنه سوریه، یک فرصت مناسب برای خود بسازد.

در آخرین هدف ترکیه در پی اثبات خود به عنوان قدرت منطقه‌ای است. از نظر ترکیه، سه کشور کلیدی در خاورمیانه شامل عربستان، ایران و ترکیه هستند. در این میان به زعم آنکارا، عربستان درگیر اصلاحات جدید ملک سلمان و جنگ یمن است. ایران نیز درگیر موضوع برجام است، پس ترکیه می‌تواند گوی سبقت را از رقیبان منطقه‌ای خود ربوده و عنوان قدرت منطقه‌ای را از آن خود بکند.

ترکیه با عملیات شاخه زیتون سعی دارد در خاورمیانه به عنوان کشور ضد تروریستی شناخته شود و درک کرده که قدرت‌های بزرگ نیز برای ایجاد صلح و امنیت نیاز به یک نماینده صلح طلب در خاورمیانه دارند. بنابراین در اینجا ترکیه سعی دارد خود را به عنوان کشور صلح طلب و مبارز تروریسم معرفی نماید و علت نامگذاری این عملیات به عنوان شاخه زیتون هم، دلیلی بر این مدعا است. البته زیتون نماد صلح است ولی آیا می‌توان با جنگ، صلح به دست آورد؟

ترکیه با این اهداف و با چراغ سبز روسیه و حمایت ضمنی آمریکا وارد چاله‌ای شده که اگر بتواند از این درگیری خود خوارسته، سال‌ها بیرون بیاید در داخل کشور دچار مشکل خواهد شد؛ چون کردهای داخل کشور نیز به حمایت کردهای عفرین خواهند برخاست. البته شاید در زمان نزدیک این اتفاق نیفتد ولی در طولانی مدت شکاف عمیقی بین دولت آنکارا و کردها ایجاد می‌شود. ترکیه همیشه با سیاست‌های دوگانه توانسته مسیر ویژه‌ای را برای ارتباط با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد کند ولی مسیر صلحی که این روزها با نام عملیات شاخه زیتون شروع کرده کمی متفاوت است؛ اگر زدودن آن را به اتمام برساند، می‌تواند از پیامدهای آن برای محدودسازی گروه‌های مخالف خود استفاده کند ولی با ادامه عملیات، هزینه‌های بیشتری بر خود تحمیل خواهد کرد. اردوغان باید در حافظه تاریخی خود موضوع کودتای نافرجام ترکیه را از یاد نبرد چون اگر دوباره این موضوع تکرار شود قاعدتاً کودتای دوم همیشه تلفات بیشتری دارد. در نهایت شاید به جرات بتوان گفت ترکیه خود را در باتلاق سوریه برای هدفی کوچک درگیر کرده و اگر بتواند به موقع خویشتنداری داشته باشد، شاید متحمل هزینه‌های کمتری شود. ▶



جنگ برای صلح!

یک تیر و چند نشان ترکیه از عملیات شاخه زیتون

طول جنگ داخلی سوریه به عنوان کرده است؛ آوارگانی که ترکیه را نه برای مقصد بلکه به عنوان مسیر ترانزیتی برای رسیدن به اروپا فرض کرده بودند.

ترکیه در اوج جنگ داخلی سوریه با داعش هم توانست با اتحادیه اروپا و با کارت بازی آوارگان، جایگاه خود را به عنوان حائلی مهم در ارتباط با اروپا کلیدی جلوه دهد و از این موضوع برای پروژه قدیمی پیوستن به اتحادیه اروپا بهره‌برداری کند.

به‌رحال ترکیه در منطقه در اکثر اوقات سیاست دوگانه‌ای داشته و یک بازیگر حرفه‌ای است که از فرصت‌های به‌دست آمده در زمان‌های مختلف بیشترین استفاده را می‌کند. همچنین در هر اقدامی چراغ سبز قدرت‌های بزرگ را هم لحاظ می‌کند.

ترکیه در عملیات شاخه زیتون در عفرین، چندین هدف دارد؛ در هدف اصلی سعی دارد که با سرکوب دشمنان دیرینه خود یعنی پک ک و یگان‌های مدافع خلق و گروه‌های وابسته به آن، چشم‌زهری هم از کردهای داخل کشور بگیرد. در حافظه تاریخی رجب طیب اردوغان، کردها همیشه برای ترکیه غیرخودی بودند و او سعی دارد از قدرت گرفتن کردها حتی در خارج ترکیه نیز جلوگیری کند.

به عنوان دومین هدف، ترکیه با این عملیات تلاش می‌کند جایگاه کلیدی خود را به بازیگران اروپایی نشان دهد و هدف از ایجاد منطقه امن هم به نوعی ایجاد احساس امنیت به اروپا بابت آوارگان سوری است؛ آوارگانی که هدفشان رفتن به اروپا است و این مساله یک مساله مهم برای اتحادیه اروپا که مرز مشترک با ترکیه دارد، به شمار می‌رود.

ترکیه با ایجاد این منطقه امن، سعی دارد اروپا را بار

سیده مسعوده میرمسعودی

سر دبیر مجله ایرانی روابط بین‌الملل



۲ در ژانویه ۲۰۱۸ ترکیه سلسله عملیات هوایی و زمینی را علیه پ. ک. ک و یگان‌های مدافع خلق و گروه‌های دیگر تحت عنوان گروه‌های تروریستی آغاز کرد. آمریکا آن را دفاع ترکیه در برابر تهاجم تروریست‌ها نامید، از عملیات شاخه زیتون حمایت ضمنی کرد و هر دو طرف را به خویشتنداری دعوت کرد. این در حالی است که آمریکا بانای یک گروه ۳۰ هزار نفری از کردها در شمال شرقی سوریه برای مبارزه با داعش و القاعده بوده است. از طرفداری بی‌چون و چرای بازیگران منطقه‌ای مثل قطر گرفته تا توصیه به خویشتنداری بازیگران فرامنطقه‌ای مثل فرانسه، همه‌وهمه باعث شد تا ترکیه عزم خود را جزم کند و اکنون نیز به زعم خود با تمام قوا در حال اجرای برنامه پاکسازی نیروهای تروریستی در مرزهایش است. همین موضع، در چند روز اخیر فضای نسبتاً سنگینی را در منطقه به وجود آورده است.

اکنون پرسش اینجاست که به راستی ترکیه در عفرین به دنبال چیست؟ هدف از عملیات جنگی و تجاوز به خاک همسایه آسیب دیده، آن هم به نام زیتون که مظهر صلح است، چه می‌تواند باشد؟

ترکیه در توجیه این عملیات، خود را پیام‌آور صلح می‌داند و هدف از این عملیات را در درجه اول ریشه‌کنی گروه‌های تروریستی خصوصاً یگان‌های مدافع خلق و در درجه دوم ایجاد یک «منطقه امن» به عمق سی کیلومتر برای ۳ میلیون و پانصد آواره سوری پناهنده به ترکیه در

ترکیه در عملیات عفین که در بیستم ژانویه شروع شده است، عبارتند از:

- نشان دادن اراده مصمم و قاطع در راستای مبارزه با تروریسم در داخل و خارج از کشور ترکیه- نمایش قدرت نظامی در عملیات برون مرزی ارتش ترکیه- افزایش قدرت و نفوذ ارتش آزاد سوریه در منطقه که در چارچوب طرح «آموزش و تجهیز» سازماندهی شده است- در عملیات عفین ۲۵ هزار نفر از اعضای ارتش آزاد شرکت کرده و مدافعین خلق در حال مبارزه هستند- ارتش آزاد سوریه امنیت مناطق پاکسازی شده از گروه‌های تروریستی را تامین و حفظ کرده و در میان مدت و درازمدت به یک نیروی منظم نظامی و امنیتی تبدیل خواهند شد- آمریکا به آموزش و تجهیز سازمان تروریستی PYD/YPG ادامه می‌دهد؛ در نتیجه ترکیه در مساله سوریه به جای آمریکا، به مواضع روسیه نزدیک شده و به همکاری با مسکو ادامه می‌دهد. همچنین ترکیه به کشورهای منطقه و جامعه بین‌المللی نشان داد که برای مقابله با تهدیدات مرزی و ملی ناشی از تحولات سوریه با اجرای عملیات زمینی و هوایی مقابله خواهد کرد.

از دیگر سو ترکیه تلاش می‌کند که شورای ملی کرد سوریه را که روابط نزدیکی با آمریکا دارند، تحت آموزش و تجهیز بارزانی و ترکیه قرار دارند و در شمال عراق مستقر هستند، به جای حزب اتحاد دموکراتیک در شمال سوریه و مناطق کردنشین مستقر کند. مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه گفته است که باید «شورای ملی کرد سوریه» به عنوان نماینده کردهای سوریه در «کنگره گفت‌وگوی ملی سوریه» در ۲۹-۳۰ ژانویه در اجلاس سوچی شرکت کنند. ترکیه «حزب اتحاد دموکراتیک/ یگان دفاعی خلق» را تروریست و ابسته به پک ک می‌داند. امر روسیه و اتحادیه اروپا این گروه را در لیست تروریسم قرار نداده‌اند. در نتیجه ترکیه در این مورد نیز تنها مانده است. اردوغان به جای مبارزه با تکفیری‌های مستقر در ادلب، از اقدامات شورای عالی مخالفین سوریه حمایت و از شمال ادلب، جنوب عفین را تحت محاصره قرار داده است. چنان که بسمه قضا، عضو شورای عالی مذاکرات مخالفین سوریه درباره نتایج سفر اعضای این شورا به آمریکا با خبرگزاری آنا تولی مصاحبه کرده و گفته بود: «اگر آمریکا در مذاکرات سیاسی صلح سوریه شرکت نکند، راه حل متعادل به وجود نخواهد آمد. واگذاری اختیار و ابتکار عمل برای برقراری صلح و راه حل سیاسی به روسیه، اقدامی متعادل نخواهد بود و مخالفین میانه‌رو را از دور مذاکرات خارج خواهد کرد. در عین حال آمریکا صحنه سوریه را به روسیه واگذار کرده و در نتیجه نفوذ ایران در سوریه افزایش یافته است. روسیه در سوریه کاملاً به عملکرد نیروهای تحت حمایت ایران وابسته شده است. اگر آمریکا واقعا می‌خواهد که با تروریسم مبارزه کند، همان طور که در چهار سال اخیر از آن سخن می‌گوید، باید درباره ادلب طرحی را تدوین و اجرا کند. حکومت باراک اوباما با بی‌چاگی تمام ناظر سقوط حلب شد و اکنون نیز آمریکا در مقابل فاجعه انسانی در ادلب به همان وضعیت دچار خواهد شد.»

در نهایت اینکه حکومت ترکیه مدعی است که چشم طمع بر خاک سوریه ندارد. اما برای اثبات این ادعا حکومت اردوغان باید برای مبارزه با تروریسم، احیاء تمامیت ارضی و حاکمیت ملی سوریه و وادار کردن آمریکا به خروج از سوریه با فشار اسد و ارتش سوریه همکاری کند. احزاب مخالف و کارشناسان امنیتی ترکیه معتقد هستند که عملیات عفین نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت. برای حفظ تمامیت ارضی سوریه و شکست طرح آمریکایی و صیهونیستی در منطقه، تنها راه نجات اتحاد ترکیه با ایران، عراق و سوریه است. ▶

چراغ سبز مسکو

عملیات عفین نتیجه‌ای به دنبال نخواهد داشت

سیدعلی قائم مقامی

کارشناس مسائل ترکیه



حکومت حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان سیاست منطقه‌ای را با محوریت آمریکا و دست‌نشانندگان این کشور و صیهونیست‌ها در منطقه از جمله عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی آغاز و در سوریه به اوج رساند. سیاست اشتباه اردوغان از سال ۲۰۱۱ تا اواخر ۲۰۱۶ در باره سوریه ادامه داشت. سیاست سوریه‌ای حکومت ترکیه متکی بر براندازی بشار اسد بود که نتیجه حاصل چیزی جز کشتار مردم این کشور، تخریب شدید شهرها، آوارگی میلیون‌ها نفر از مردم سوریه و نابودی قدرت مقاومت سوریه و مردم فلسطین در مقابل تهدیدات و حملات رژیم نژادپرست و اشغالگر اسرائیل بود. اردوغان، پایگاه‌های نظامی ترکیه را برای دخالت در سوریه در اختیار نیروهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا، فرانسه و انگلیس قرار داد. شورای ملی و ارتش آزاد سوریه را در استانبول سازماندهی کرد. آنکارا همچنین گروه‌های سلفی و تکفیری را وابسته به عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی را وارد صحنه سوریه کرد. هدف اردوغان، تسلط بر سوریه و تبدیل سوریه به کشور وابسته به ناتو و آمریکا، سازشکار با رژیم صیهونیستی و شکست محور مقاومت به رهبری ایران در منطقه بود. چنان که دکتر «بسمه قضا» عضو شورای ملی سوریه در ۳۱ می تا ۳ ژوئن ۲۰۱۲ در شصت‌مین اجلاس بیلبرگ که در شهر Chantilly ایالت ویرجینیا آمریکا برگزار شد، به عنوان نماینده شورای ملی مخالفین سوریه شرکت و تاکید کرد که حکومت بشار اسد باید سرنگون و یک رژیم دوست ناتو در سوریه حاکم شود.

این در حالی است که حمایت جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان از حکومت بشار اسد و ارتش سوریه و سپس ورود نیروی هوایی روسیه باعث شد که ارتش سوریه بر گروه‌های سلفی- تکفیری و ارتش آزاد سوریه پیروز و اکثر شهرهای بزرگ از تروریست‌ها پاکسازی و آزاد شوند. بعد از آزادی حلب، حکومت اردوغان در اواخر سال ۲۰۱۶ ناچار شد که به محور ایران، حزب الله، بشار اسد و روسیه نزدیک شود.

حکومت اردوغان تلاش کرد که حزب اتحاد دموکراتیک که خود را پیرو اندیشه‌های عبدالله جولان می‌داند، تحت امر شورای ملی و ارتش آزاد سوریه قرار دهد. اما این حزب بی‌طرفی خود را اعلام کرد. در نتیجه اردوغان این حزب را سازمان تروریستی وابسته به پک ک اعلام و ارتش آزاد، جبهه النصره و داعش را برای مبارزه با حزب اتحاد دموکراتیک در شمال سوریه وارد عمل کرد. اما همه آنها در مقابل این حزب شکست خوردند. اردوغان برای براندازی حکومت بشار اسد به آمریکا و دولت‌های غربی پیشنهاد کرد: «مناطق حائل، مناطق امن و مناطق پرواز ممنوع» ایجاد شود. اما آمریکا طرح‌های پیشنهادی ترکیه را نادرید گرفت. آنکارا به بهانه مبارزه با داعش و حزب اتحاد دموکراتیک و همچنین برای پیشگیری از به هم پیوستن کانتون‌های جیزره و عین العرب (کوبانی) به عفین که تحت تسلط حزب اتحاد دموکراتیک قرار دارند، در ۲۴ اگوست ۲۰۱۶ ارتش خود را در شمال سوریه وارد عمل کرد؛ ارتش ترکیه با اجرای عملیات سپر فرات

سازمان‌های تروریستی را از مناطق «جرابلس، الباب، سوران، دبیک، الرعی و به خصوص عزاز» پاکسازی کرد. بدین ترتیب جرابلس- ماری- عزاز و الباب» به مساحت دو هزار کیلومتر را تصرف و این منطقه را به ارتش آزاد سوریه وابسته به ارتش ترکیه واگذار کرد.

باید توجه داشت که آمریکا، ترکیه را برای ورود دوباره به سوریه تحریک کرد. چنان که ایوان دیلون، سخنگوی نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا در بغداد ۱۵ ژانویه ۲۰۱۸ اعلام کرد که پنتاگون ارتش سی هزار نفری تحت عنوان «نیروهای حفاظت مرزی» که بخش عمده آن متشکل از «یگان دفاعی خلق و نیروهای پک ک/ PKK/ YPG» هستند را در شمال سوریه تاسیس خواهد کرد. این نیرو در مرزهای شمال سوریه با ترکیه و مرزهای سوریه با عراق مستقر خواهند شد. در پی اعلام نظر رایان دیلون، ترکیه عملیات علیه عفین را طراحی کرد. بر اساس استراتژی امنیتی و نظامی جدید ترکیه، این کشور مراکز تهدید را در خارج از مرزهای خود نابود و اجازه انتقال تهدیدها به داخل کشور را نخواهد داد. اردوغان نسبت به سیاست ترامپ در قبال سوریه امید بسته بود. همچنان که اردوغان، باراک اوباما را به دخالت نظامی در سوریه فراخوانده بود. آمریکا هم به بهانه مبارزه با داعش وارد سوریه شده و به جای ارتش ترکیه، حزب اتحاد دموکراتیک را به عنوان پیاده نظام خود در سوریه مورد بهره‌برداری قرار داد و شاخه نظامی این حزب را آموزش داده و مسلح کرده است. در نتیجه بین حکومت آنکارا و واشنگتن تنش‌هایی به وجود آمد.

در این میان استراتژی ترامپ در سوریه شامل موارد زیر است:

ادامه حضور نیروهای اشغالگر آمریکا در شمال شرق فرات «کردنشین» تا رقه و دیر الزور به بهانه نابودی کامل داعش در سوریه، تلاش برای وادار کردن بشار اسد به کناره‌گیری، پیشگیری از تسلط ارتش سوریه در مناطق شمال و شرق سوریه، تضعیف و شکست محور مقاومت از طریق ممانعت از ارسال سلاح و کمک‌های ایران از سوی عراق و سوریه به حزب الله لبنان، تضعیف همکاری ایران، عراق و سوریه برای پشتیبانی از فلسطین و مقاومت ضد صیهونیستی و پیشگیری از آزادی احتمالی تپه‌های جولان.

ترکیه هم تلاش می‌کند که حوزه مساحت منطقه عملیاتی سپر فرات را تا عفین و منبج گسترش داده، منطقه امن و حائل به مساحت ۵ هزار کیلومتر مربع را تحت تسلط خود قرار دهد و بخشی از پناهندگان سوری را به این مناطق منتقل و مستقر کرده و از ورود ارتش سوریه به این مناطق پیشگیری کند.

عفین، حلقه ضعیف کانتون‌های تحت تسلط حزب اتحاد دموکراتیک و تحت کنترل روسیه قرار دارد. آمریکا در این منطقه حضور ندارد. سلاح‌های پیشرفته آمریکا در مناطق شرق فرات در اختیار حزب اتحاد دموکراتیک قرار دارد. ترکیه به جای حمله به مرکز اصلی تهدید در شمال سوریه با توافق روسیه به عفین حمله کرده است. عفین در نزدیکی موقعیت جغرافیایی خاصی برخوردار است. عفین در نزدیکی سواحل دریای مدیترانه قرار دارد. ترکیه مدعی است که اگر کانتون‌های جیزره و کوبانی به کانتون عفین متصل شوند، PKK/YPG به دریای مدیترانه دسترسی پیدا خواهند کرد. بین عزاز با عفین ۱۴ کیلومتر فاصله است.

کارشناسان ترکیه معتقدند که اهداف استراتژیک

مقابله با نفوذ آمریکا

ایران، روسیه و سوریه با عملیات ترکیه موافق هستند؟

محمد علی هژبری

کارشناس روابط بین الملل



۴ با توجه به باقی ماندن گروه‌های معارض سوری مانند جبهه النصره و کردهای سوری مخالف بشار اسد در شرق سوریه، تسلط آنها بر منابع انرژی و چاه‌های نفتی و همچنین پشتیبانی و حمایت وسیع و لجسستیک آمریکا از این نیروها، باید بگوییم دوران مذاکره و دوران بازسازی سوریه، دوران سختی خواهد بود. تحولات شرق سوریه و قدرت‌یابی نیروهای کردی مخالف ترکیه، بیش از هر بازیگری به ضرر ترکیه بوده و آمریکا می‌خواست از این حربه برای تغییر موضع رجب طیب اردوغان استفاده کند.

هرچند ایالات متحده آمریکا بارها از قطع کمک‌های تسلیحاتی به کردهای سوری و حتی بازپس‌گیری آنها سخن گفت، اما در عمل اتفاقی نیفتاد و به تعبیر اردوغان بعد از قول ترامپ مبنی بر قطع کمک‌ها به کردهای سوری، بیش از چهار هزار کامیون سلاح و خودروهای زرهی به آنها داده شد. بنابراین چشم‌انداز روابط آنکارا-واشنگتن بیش از هر زمانی تیره‌تر شده است. پرونده عدم استرداد فتح‌الله گولن و بحران روادید هم از دیگر موارد تخریب روابط دو کشور است که بر تحولات اخیر سوریه سایه افکنده است. مواردی که بارها از زبان رهبران دو طرف و برای فشار بر طرف مقابل شنیده می‌شود. بنابراین با وجودی که توافق بین آمریکا و ترکیه انجام نشد، اما به نظر می‌رسد توافق ترکیه با ایران و روسیه قطعی است. برگزاری فرماندوم استقلال کردستان عراق در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ (سوم شهریور ۹۶) و همزمان با آن، برگزاری انتخابات مستقل در شمال سوریه، خطر تشکیل کردپور کردی از شمال سوریه تا شمال عراق و در مرحله بعد، تشکیل «کشور کردستان» را به رهبران و تصمیم‌گیرندگان ایران و ترکیه گوشزد کرد.

تحریم گمرکی کردستان عراق، حضور و دخالت ایران در کرکوک و کمک به دولت عراق برای به پایین کشیدن پرچم کردستان از این مناطق و همچنین تسلط بر چاه‌های نفتی و بازگشت کردستان به مرزهای ۲۰۰۳، نشان داد که آنکارا و علی‌الخصوص تهران به بحرانی‌های اتی کرده‌اند حساس خواهند بود.

هرچند ترکیه، تشکیل کردستان عراق را خطر آنچنانی ارزیابی نمی‌کند و چه در صورت استقلال و چه عدم استقلال، منافع اقتصادی خود را می‌برد، اما قدرت‌یابی کردهای سوریه را در جنوب خود، خطری بزرگ می‌داند.

رجب طیب اردوغان از کردپور کردی به عنوان «کردپور ترور» و «تشکیل ارتش تروریستی» یاد می‌کند. اشاره اردوغان به سخنان تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا است که هدف کشورش از حضور در شمال سوریه را «آموزش نیروهای بومی در مناطق آزاد شده از سیطره داعش» خواند. ارتش ترکیه در اوت ۲۰۱۶ به پهانه پاک‌سازی جرابلس و الباب سوریه از وجود تروریست‌های داعشی و برای بازگشت هفتاد هزار پناهنده سوری، عملیات «سپر فرات» را آغاز کرد و مناطقی از شمال استان حلب از جرابلس تا اعزاز و الباب را به تصرف خود درآورد. در ژانویه ۲۰۱۸ ترکیه با سکوت و رضایت ضمنی روسیه و ایران، عملیات «شاخه زیتون» را برای پاک‌سازی منبج و عفرین شروع کرد. ترکیه در عملیات سپر فرات ۲۰۱۶ هم به مواضع «ی‌پ‌گ» در منطقه عفرین حمله کرده بود. از این رو پایان عملیات سپر فرات را به تحقق اهداف عملیات عفرین پیوند می‌زند. اردوغان در حاشیه نشست گروه ۲۰ در هامبورگ هشدار داده بود که به هیچ عنوان اجازه نخواهد داد که یک دولت کرد در مرزهای جنوبی خود با سوریه تشکیل شود.

ستاد مشترک ارتش ترکیه روز ۱۸ ژانویه طی بیانیه‌ای هدف عملیات عفرین «شاخه زیتون» را تامین امنیت و ثبات مرزها و نجات مردم کشور دوست و برادر از ظلم و فشار گروه‌های تروریستی، مبارزه و پاک‌سازی گروه‌های تروریستی، ک.ک.پ.ی.د.ی.پ.گ و داعش و بر اساس حق دفاع مشروع بین المللی، قطعنامه‌های مبارزه با تروریسم ۱۶۲۴ (۲۰۰۵)، ۲۱۷۰ (۲۰۱۴) و ۲۱۷۸ (۲۰۱۴) و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل با احترام به حفظ تمامیت ارضی سوریه توصیف کرد. همزمان با بمباران مواضع تروریست‌ها در عفرین، «هاکان فیدان»، رئیس سازمان اطلاعات ترکیه برای مذاکره و جلب رضایت پوتین به مسکو سفر کرد. از این رو روسیه، نظامیان خود را از عفرین خارج کرد. همچنین با سفری روسیه و ایران در مورد این عملیات گفت‌وگو شد. هرچند بیانیه اعتراضی از سوی سوریه علیه آنکارا به خاطر نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی اش صادر شد، اما برای اولین بار بعد از ۲۰۱۱ شاهد

ارتباط مستقیم ترکیه و سوریه هستیم. بن علی یلدریم، نخست‌وزیر ترکیه، دولت بشار اسد را «بخش ضروری از عملیات عفرین» عنوان کرد. از این رو «ایلکر باشیوغ»، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش ترکیه عنوان کرد: «لازم است دولت ترکیه در اسرع وقت با دولت سوریه ارتباط برقرار کند و ارتش سوریه در مرزهای سوریه با ترکیه قرار بگیرد.» همان طور که گفته شد، به نظر می‌رسد اتحاد طبیعی بین ترکیه و ایران در این قضیه وجود دارد. در واقع بخشی از اهداف ایران، همچون تضعیف گروه‌های کردی و مقابله با نفوذ آمریکا در شمال سوریه را ترکیه محقق می‌کند.

از این زاویه بود که رگس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا روز چهارشنبه ۲۷ دی ماه (۱۷ ژانویه) را تنها یک روز قبل از آغاز بمباران عفرین، از ادامه حضور نظامی گسترده کشورش در سوریه به دلایلی از جمله «محدود کردن نفوذ ایران در منطقه» خبر داده بود. از طرفی با توجه به فرمانبرداری گروه‌های معارض سوری (مخالفین بشار اسد) از ترکیه، احتمال عقب‌نشینی این نیروها از جنوب سوریه وجود دارد؛ موضوعی که در روزهای اخیر اتفاق افتاده است. بنابراین احتمال معامله ترکیه با ایران و روسیه در این مورد یعنی عقب‌نشینی معارضان از جنوب سوریه که منجر به افزایش اقتدار دمشق پایتخت و قطع ارتباط گروه‌های معارض با اردن می‌شود) بسیار زیاد است. از این رو وزارت خارجه ایران، ضمن اشاره به نگرانی تهران از تحولات عفرین، نسبت به پایان فوری عملیات ابراز امیدواری کرد. اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، هدف از عملیات عفرین را حل مشکل «کردپور ترور» عنوان کرد و از نامگذاری آن به «کردپور کردی» شکایت کرد. او عنوان کرد: «زمان پایان عملیات عفرین مشخص نیست. من از آمریکا می‌پرسم زمان عملیات شما در افغانستان و عراق پایان می‌یابد؟»

البته با توجه به اینکه افکار عمومی داخلی ترکیه و افکار عمومی جهانی برای آغاز این عملیات آماده نشده است، شاهد اعتراضات پراکنده از سوی گروه‌های قومی و احزاب مخالف علیه تحرکات ترکیه هستیم. برای مثال هزاران کرد در شهرهای المان علیه اقدام نظامی ترکیه در شمال سوریه، دست به تظاهرات گسترده زدند. به طوری که در مرحله بعد به درگیری بین طرفداران دولت اردوغان (ترک‌ها) و کردهای مقیم آلمان منجر شد. اعتراض کردهای ایرانی هم به صورت بیانیه و امضای اساتید کردی دانشگاه‌های مختلف و حتی به صورت قرائت بیانیه از سوی نماینده کرد مجلس شورای اسلامی خود را نشان داده است. بنابراین با توجه به مخالفت احزاب چپ در ترکیه، طولانی بودن این عملیات امکان‌پذیر نخواهد بود و آنکارا با کمک جنگنده‌هایش به سریع‌ترین راه حل ممکن می‌اندیشد. ▶



اگرچه رئیس‌جمهور آمریکا با زبانی طعنه‌آمیز، این مساله را هدیه‌ای از سوی دموکرات‌ها به خود دانسته و سعی دارد حزب رقیب خود را مسبب این تعطیلی جلوه دهد، اما بر همگان مسلح است که این ادعای ترامپ با واقعیات جاری در آمریکا منطبق نیست. دموکرات‌ها هم اکنون اکثریت سنارا در دست ندارند و دارای ۴۹ کرسی هستند. از سوی دیگر، عدم رای آوردن بودجه موقت (برای جلوگیری از تعطیلی دولت) نشان داد که تعدادی از سناتورهای جمهوریخواه نیز با دموکرات‌ها در مسیر تعطیلی دولت همراهی کرده‌اند. «چاک شومر» رهبر دموکرات‌های سنا و دیگر سناتورهای دموکرات نیز تاکید کرده‌اند که تعطیلی دولت آمریکا معلول همراهی عده‌ای از جمهوریخواهان با دموکرات‌ها نیز بوده و نباید دموکرات‌ها را در این خصوص مقصر قلمداد کرد. بنابراین، تعطیلی دولت ترامپ زمانی صورت گرفته است که اکثریت سنای آمریکا در دستان حزب جمهوریخواه (حزب حامی ترامپ در انتخابات سال

دغدغه‌های ترامپ در اجلاس داووس

انعکاس ضعف داخلی بر سیاست خارجی آمریکا

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، «بل گامه» رئیس‌جمهور روآندا و سایر رهبران جهان دیدار و گفت‌وگو کند. هربرت مک‌مستر محور گفت‌وگوی دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در این دیدار را برنامه موشکی تهران و افزایش حضور ایران در منطقه عنوان کرد. این در حالی است که مشابه چنین گفت‌وگوهایی بارها میان نتانیاهو و ترامپ برگزار شده و حتی در سطوح پایین‌تر میان دیگر مقامات آمریکایی و صهیونیستی نیز جریان دارد. مک‌مستر و دیگر مقامات آمریکایی اصرار دارند که در برهه زمانی فعلی، رفتار و حضور ترامپ در اجلاس داووس را طبیعی جلوه دهند، این در حالی است که با تشدید منازعه سناتورهای آمریکایی و

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا با «دولتی تعطیل» و در سایه بحران‌های داخلی شدیدی که میان کاخ سفید و سنای این کشور حاکم است، راهی اجلاس داووس شده است. این در حالی بود که بحران در داخل آمریکا به اندازه‌ای شدید بود که در ابتدا زمزمه‌هایی مبنی بر لغو سفر رئیس‌جمهور آمریکا به سوئیس نیز شنیده شد. با این حال دونالد ترامپ در صدد است میان حوزه سیاست داخلی و خارجی خود مرزی پرنرنگ ترسیم کند با تلاشی که قطعا محکوم به شکست خواهد بود.

اگرچه ایالات متحده آمریکا از خود به عنوان «دولت مقتدر» و «هژمون» در نظام بین‌المللی یاد می‌کند اما ضعف داخلی و انزوای بین‌المللی دو مقوله‌ای هستند که خصوصاً طی سال‌های اخیر بر ضریب آسیب‌پذیری این کشور افزوده است. به عبارت بهتر، اساساً رئیس‌جمهور آمریکایی نمی‌تواند در کسوت یک «سیاستمدار قدرتمند» در اجلاس داووس و دیگر نشست‌های بین‌المللی حضور داشته باشد. بدون شک، اجلاس داووس نقطه آشکار ساز ضعف رئیس‌جمهور آمریکا و همراهانش در نظام بین‌الملل خواهد بود. در این خصوص نکاتی وجود دارد که لازم است مورد بررسی قرار گیرد:

۱- این نخستین بار نیست که بحران‌های سیاست داخلی آمریکا به حوزه سیاست خارجی این کشور سرایت می‌کند. این روند در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ تشدید شده است. بهمن ماه سال گذشته و در جریان برگزاری کنفرانس امنیتی مونئیخ (در حالی که تنها دو ماه از حضور ترامپ در کاخ سفید سپری شده بود)، شاهد ابراز خشم و عصبانیت جان مک‌کین، سناتور شناخته شده آمریکایی از ترامپ در مونئیخ بودیم. مک‌کین در جریان برگزاری کنفرانس امنیتی مونئیخ، از وجود بحران در دولت آمریکا پرده برداشت. مک‌کین در آن کنفرانس تصریح کرد که استعفای فلین، مشاور امنیت ملی ترامپ انعکاس مشکلات عمیق دولت جدید آمریکا است. سناتور جمهوریخواه آمریکا در این خصوص تاکید کرد: «به نظر من مساله فلین به روشنی گویای آن است که دولت جدید آمریکا در بسیاری از ابعاد، دچار بی‌نظمی است و باید در این زمینه کارهای بسیاری انجام دهد. ترامپ بیانیته صادر می‌کند و سپس در موقعیت زمانی دیگری خودش را نقض می‌کند و ما عادت کرده‌ایم به اینکه ببینیم آنچه ترامپ انجام می‌دهد دقیقاً مخالف آن چیزی است که او می‌گوید...»

در سال گذشته، منازعات سیاست داخلی ایالات متحده آمریکا به کنفرانس امنیتی مونئیخ کشیده شد. این بار نیز همین اتفاق در داووس رخ می‌دهد.

۲- دونالد ترامپ سعی دارد در جریان اجلاس داووس، به بررسی برخی مسائل غیر مرتبط با این کنفرانس بپردازد تا صرفاً به دیگران اثبات کند که بحران سیاست داخلی این کشور بر رفتار واشنگتن در حوزه سیاست خارجی آن تأثیر نگذاشته است. «هربرت مک‌مستر» مشاور امنیت ملی کاخ سفید اعلام کرده است که رئیس‌جمهور آمریکا قرار است در حاشیه اجلاس سالانه مجمع جهانی اقتصاد در شهر داووس سوئیس، با «بنیامین نتانیاهو»



ترامپ، وی وضعیت سختی را در کاخ سفید می‌گذراند. بدون شک با شکست احتمالی جمهوریخواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در سال ۲۰۱۸ (سال فعلی) و تسخیر کنگره توسط دموکرات‌ها این روند تشدید خواهد شد.

۳- دونالد ترامپ در صدد است با حضور در اجلاس داووس، وانمود کند که بحران داخلی این کشور و تعطیلی دولت فدرال موضوعی تکراری و کم‌اهمیت است. اگرچه دولت فدرال آمریکا برای نوزدهمین بار در تاریخ است که تعطیل می‌شود اما این بار موضوع تا حد زیادی با دفعات قبلی متفاوت است؛ نباید فراموش کرد که این تعطیلی در پایان نخستین سال حضور ترامپ در کاخ سفید رخ داده است، آن هم در حالی که محبوبیت ترامپ نزد شهروندان آمریکایی به زیر ۴۰ درصد کاهش یافته است. به عبارت بهتر، این تعطیلی نشان می‌دهد که ترامپ هم نزد افکار عمومی کشورش و هم نزد سیاستمداران آمریکایی جایگاه خود را از دست داده است. از سوی دیگر، تعطیلی دولت فدرال آمریکا در حالی رخ داده که تلاش ترامپ برای تصویب بودجه موقت نیز در سنای آمریکا رای نیاورد!

۲۰۱۸) بوده است. بدیهی است که اگر معادله در سال ۲۰۱۸ میلادی برعکس شود، کار برای ترامپ دشوارتر و قدرت مانور وی در معادلات سیاست داخلی و خارجی این کشور محدود خواهد شد. در چنین شرایطی «شخصیت سیاسی مستقل» ترامپ، یعنی دقیقاً چیزی که وی الان اصرار می‌کند که دیگران آن را بپذیرند، از بین خواهد رفت. این بدترین خبر ممکن برای دونالد ترامپ و همراهانش مانند مک‌مستر و مایک پنس خواهد بود.

در نهایت اینکه بحران عدم مقبولیت مردمی، بحران‌های موجود میان کنگره و کاخ سفید و فراتر از همه، نارضایتی بین‌المللی از رئیس‌جمهور آمریکا سبب شده تا ترامپ در وضعیت سختی به سر برسد. در چنین شرایطی حضور وی در اجلاس داووس و دیدار وی با رهبران دیگر کشورهای جهان، نمی‌تواند متعجبانه لاپوشانی بحران‌های چندگانه موجود در قبال ایالات متحده و دولت ترامپ شود. بدون شک در آینده‌ای نزدیک، شاهد تأثیرپذیری بیشتر ترامپ و تیم همراه وی از بحران‌های سیاست داخلی آمریکا و تعمیق این مساله به سیاست خارجی ایالات متحده خواهیم بود. ▶

از دریچه‌ای دیگر

ما در این صفحات سعی خواهیم کرد موضوعات مختلف را از دریچه علوم انسانی بنگریم و در عین حال به برخی از حوزه‌ها مانند محیط زیست، دانشگاه، حوزه‌های علمی، فرهنگ و هنر نگاهی داشته باشیم. در واقع این صفحات، صفحات فکر و ایده و اندیشه مجله است. نوعی عقلانیت ارزش مدار برعکس علوم انسانی غربی که ابزار مدار هستند.

تراژدی آدمی

جست و جوی خانه یا امکان خانه‌داری



پیوند خورده است. اگر ما واژه خانه را با بار استعاری وطن، سرزمین، ناکجاآباد، خوبشوند به کار بریم، آن گاه این مقطع شکل گیری تفکر نیچه اهمیت خود را آشکار می‌کند. انسان در «فهم خانه» همیشه علاقه‌مند به رسیدن به خانه بوده است. انسان گمشده‌ای داشته و در تلاش برای رسیدن به آن بوده است. در همه فرهنگ‌ها صورت‌های مختلف جست و جوی خانه و وطن دیده می‌شود. برخی از این وطن‌ها و خانه‌ها فرازمانی است و برخی در زمان آمده است. خانه‌ها و وطن‌ها گاه «آرمان شهرهای» بودند که آدمی با تصور سکنی گزیدن در آنها آرامش را جست و جو می‌کرد اما پرسشی که نیچه مطرح می‌کند این است که اصلاً مگر خانه‌ای هست؟ خانه‌ها ساخته خود مایند. ما خانه و آرمان‌های مان را می‌سازیم. ارزش‌های هر فرهنگ ساخته آن فرهنگ است. اوتوپیاها و خانه‌ها تنها، کوششی برای ترمیم رنج‌های ماست. نیست‌انگاری نیچه واژگونی خانه‌هایی است که انسان در طول تاریخ درصدد یافتن آنها بوده است. از همین روهای دیگر تعبیر «بی‌خانمانی» را به جای نیست‌انگاری به کار می‌برد. این پرسش قرن بیستم به بعد است و نیچه با بازگرداندن همه چیز به قدرت، از پایان حقیقت و مرگ هنر حرف می‌زند. خدای هر فرهنگ، در واقع، آفریننده آن فرهنگ برای ترمیم دردها و رنج‌هایش است و این همان «چهره‌تراژیک زندگی» است. از این رو «تراژدی» پیوند عمیقی با «خانه» دارد؛ به عبارت دیگر، چهره اصلی زندگی انسان، دنبال کردن بی‌پایان خانه است و چون به خانه‌ای نمی‌رسد، آن را می‌سازد.

تراژدی زندگی ما «جست و جوی خانه» نیست بلکه پرسش از «امکان خانه‌داری» است. چهره اصلی زندگی انسان، دنبال کردن بی‌پایان خانه است و چون به خانه‌ای نمی‌رسد، آن را می‌سازد. اگر در گذشته تراژدی آدمی، گم کردن خانه و جست و جوی آن بود اما تراژدی امروز، رویاروشدن با اصل پرسش وجود خانه است. نسبت انسان با خانه آینه‌ای برای درک تاریخ تراژدی زیستن آدمی است. وقتی سخن از «خانه» به میان می‌آید، ظاهراً هرکسی می‌تواند در این باره وارد گفت و گو شود اما اغلب، واژه «خانه» برای افراد، وجه شاعرانگی را برجسته می‌کند. ما «خانه» را می‌شناسیم و به آن نیاز داریم. بر این اساس، خانه‌نداشتن احساس بدی است و با خانه‌داشتن می‌توان این احساس بد را از بین برد. اما گاهی انسان «احساس بی‌خانگی» عمیق تری دارد که با داشتن خانه از بین نمی‌رود. اینجا «بی‌خانگی» یک امر وجودی است که انسان یا توجه عمیق به اصل بودنش دچار رنج می‌شود. «خانه» از واژه‌هایی است که گاهی برای بیان درک عمیق تر از بودنش به یک «استعاره» بدل می‌شود. اینجا جست که نیاز داریم واژه‌ها، نشانه‌ها، عکس‌ها و آثار هنری را به گونه‌ای به کار بگیریم که احساس، عاطفه و دریافت ما را آشکار کند و این «شان هنر» است. در مقام تفکر هم این گونه است. انسان موجود متفکر است. «هنر» یکی از گونه‌های بروز پاسخ‌های عمیق آدمی از «اصل وجود خود» است. نگاهی تاریخی به تفکر و هنر نشان می‌دهد در تاریخ فلسفه شاهد تحولی بنیادین هستیم؛ این تحول بنیادی با نام نیچه



در تنگنای بیم و امید

کتاب «در تنگنای بیم و امید؛ پژوهشی درباره زندگی مهاجران مسلمان در کانادا» حاصل کار پژوهشی چندساله‌ای است روی داده‌های مربوط به سرشماری‌ها، نظرسنجی‌ها، مصاحبه‌های رودرو، مباحثات طولانی با سایر پژوهشگران، و بالاخره مشاهدات نویسنده. نسخه انگلیسی کتاب با عنوان «مسلمانان به مثابه معضل در کانادا: روایت پیوندی ناقص» را انتشارات دانشگاه بریتیش کلمبیای کانادا در ۲۰۱۴ منتشر کرد. این کتاب نخستین بررسی جامع وضعیت مسلمانان در کانادا است؛ کشوری که به لحاظ تجربه جهانی مهاجران در کشورهای مقصد، غالباً به مثابه استثنایی بر قاعده شناخته می‌شود. آگاهی از این تجربیات باید برای خواننده ایرانی اهمیت ویژه‌ای داشته باشد چرا که سالانه نزدیک به ۱۰ هزار ایرانی کشور خود را به قصد اقامت دائم در کانادا ترک می‌کنند؛ رقمی که در ده سال گذشته ایران را به یکی از ده کشور عمده مهاجر فرست به کانادا تبدیل کرده است. نویسنده در مقدمه‌ای که بر ترجمه فارسی نوشته مخاطبین ایرانی کتاب را به دو بخش تقسیم می‌کند: آنها که به «مهاجرت» فکر می‌کنند و آنهايي که به «موضوع مهاجرت» فکر می‌کنند. دسته نخست افرادی از جامعه‌اند که در فکر مهاجرت از ایران بوده یا هستند و دسته دوم کسانی اند که به پژوهش یا سیاست‌گذاری درباره مهاجرت و سایر موضوعات اجتماعی مرتبط با آن مشغول اند. این کتاب می‌تواند برای هر دو دسته این مخاطبان بالقوه سودمند باشد. برای دسته نخست حاوی اطلاعاتی درباره مهاجرت و بعضی مسائل پس از آن است که شاید پیش از مهاجرت به آنها نیندیشیده باشند و برای دسته دوم مشتمل بر نکاتی تئوریک یا روش‌شناختی و همچنین اشاراتی به پیشینه پژوهش در این خصوص است. این سودمندی بالقوه برای گروه نخست وقتی روشن تر می‌شود که بدانیم همه ساله ایرانیان بسیاری مهاجرت می‌کنند و تعداد بسیار بیشتری نیز متقاضی مهاجرت اند بدون تصویر چندان روشنی از آنچه در کشور مقصد می‌گذرد. برای گروه دوم هم همین بس که بدانیم به رغم وجود چنین جریان عظیم مهاجرتی و با اینکه در بسیاری کشورها مطالعه مهاجرت به موضوعی جاافتاده تبدیل شده است، در ایران هیچ مرکز و نهادی وجود ندارد که به‌طور جدی درگیر چنین مطالعاتی باشد.

عدالت طوسی

مرتضی یوسفی‌راد



گروه‌ها، اصناف و اقشار مختلف لازم است تا به تکمیل بینجامد. مثل زن و مرد، سیاست تعدیل و توازن و تعادل در مناصب اجتماعی و... و برابری در برابر قانون و حقوق عمومی، قانون و شریعت از دیگر معیارهای سیاسی عدالت از دیدگاه خواجه‌نصیر هستند. به‌زعم خواجه توازن و میانه‌روی، نمی‌تواند فاقد معیار و مبنای روشن باشد. به‌طور کلی فقدان مبنای معیار مساوی فقدان توازن است. «یوسفی‌راد گفت: «خواجه‌نصیر معتقد است عدالت و معیارهای آن برای پایایی حقوق و پیشگیری از ظلم است. او می‌گوید عدالت برای حق، تناسب، تساوی، رعایت قانون و نظم است تا در سایه آن جامعه و نظام سیاسی متوازن و تعادل شود در نتیجه به شکوفایی استعدادها و کمالات انسان بینجامد.» او با اشاره به اینکه عدالت سیاسی به معنای وضع الشی فی موضعه نسبت به افراد مدنی مادامی که طبع آنها به مصلحت یا مفسدت جامعه اثر گذارد گسترش می‌یابد، گفت: «خواجه‌طوسی ضمن تقسیم‌بندی فلسفی از طبایع افراد مدنی معتقد است اگر طبع بعضی شرارت است و این طبع مخل به اخلاق جامعه و تعاملات مدنی است، باید به اصلاح آن برآمد و الا شرارتش به اخلاق مدنی جامعه آسیب می‌رساند.»

کرسی عرضه و نقد ایده علمی معیارهای عدالت سیاسی در اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی با ارائه مرتضی یوسفی‌راد، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، هفته گذشته برگزار شد. یوسفی‌راد با طرح این سوال که معیارهای سیاسی عدالت خواجه نصیرالدین طوسی کدامند و در کدام سطح تحلیل قرار می‌گیرند؟ گفت: «معیارهای سیاسی عدالت از دیدگاه خواجه‌نصیر عبارتند از اعطای ادای حقوق مردم به حسب شأن‌ها و استعدادها و استحقاق‌ها نسبت به حقوق شخصی افراد، اعطای ادای حقوق مردم به نحو برابر و مساوی در بهره‌وری همگانی از خیرات عمومی مثل امنیت و آسایش و فرصت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. تقسیم و توزیع خیرات عمومی به همگان به میزان استحقاق‌ها (همان عدالت توزیعی مبتنی بر استحقاق‌ها با هدف برابری اجتماعی با حفظ تمایزها و میزان سودمندی برای جامعه است). در خیرات عمومی و مشترک حق همگان است که به میزان نیازشان از آن بهره‌مند شوند.» او ادامه داد: «پاسداری از حقوق مردم (استیفای حقوق)، شایسته‌سالاری، رعایت تناسب‌ها در سیاست‌گذاری‌ها، رعایت تکافی‌ها در سیاست‌گذاری‌ها میان



شکل گیری ایدئولوژی

سه رکن صنعتی شدن غرب

نشست «شکل گیری ایدئولوژی تاریخ غرب در عصر روشنگری و بیراهه های نگرش تاریخی در ایران» هفته گذشته در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با سخنرانی پرویز پیران جامعه شناس و پژوهشگر برگزار شد. پیران در این جلسه گفت: «در برخی مباحث به دیالکتیک خاص و عام نیاز داریم. یعنی دانش عام باید با توجه به مسائل فرهنگی و قومی با شرایط بومی تطبیق داده شود. متأسفانه عمده تاریخ ما را غربی ها برای ما جمع آوری کرده اند. ما متأسفانه غرب را هم به درستی نمی شناسیم. روشنگری یکی از مهمترین دوره های حیات بشری است. ایدئولوژی غربی در عصر روشنگری با بزرگ کردن اندیشه یونان شروع می شود.»

او ادامه داد: «دو نگاه افراطی و تفریطی نسبت به مدرنیته در کشور ما وجود دارد؛ یا به کلی غربی شدن را توصیه می کنند یا به کلی رد مدرنیته و فاسد شدن غرب به واسطه مدرنیته را عنوان می کنند. در مباحث علمی و تاریخی انصاف و مستند و دقیق صحبت کردن (Exactness) خیلی مهم است. مدرنیته محصول درون زای غرب است. مدرنیته یک مبنای عقلانیت دارد و سه رکن صنعتی شدن، شهری شدن و دموکراسی سیاسی. انسان در مدرنیته محور قرار می گیرد.» این جامعه شناس یادآور شد: «عصر روشنگری زمینه را برای انقلاب فرانسه و انقلاب ایالات متحده فراهم می کند. تغییرات فرهنگی

و اجتماعی شکل می گیرد و زمینه برای سرمایه داری صنعتی آماده می شود. منطق سرمایه داری در جهت انباشت سرمایه برای سرمایه گذاری مجدد پدید می آید. در این شرایط رفورم مذهبی کاملاً با این منطق هماهنگ می شود. مارتین لوتر به دلیل فساد و بحران کلیسا رابطه انسان با خدا را مستقیم اعلام می کند و می گوید دیگر نیازی به کلیسا نیست. صحبت از اصلاح مذهب می کند نه نابودی مذهب. در اینجا کار ریاضت کشانه بدون لذت مطرح می شود که می بینیم با انباشت سرمایه برای سرمایه گذاری مجدد هماهنگ است.»

این پژوهشگر اظهار داشت: «بیکن می گوید دانش قدرت است. شبیه شعر توانا بود هر که دانا بود. اما فردوسی دانا بودن را در رابطه با ۱۰ نوع عقل مطرح می کند. در حالی که منظور بیکن از دانا بودن همان عقل ابزاری است. در مدرنیته غلبه عقل ساینزکتیو بر عقل آیزکتیو را شاهد هستیم. دانش غربی از یونان آغاز شد و گفته می شود یونانیان چون نژاد برتر و زن برتری داشته اند خودشان خود به خود به این دانش ها رسیده اند. برخی مدعی شده اند که ریشه تفکر یونانیان برگرفته از ایران است. همچنین از مصریان تأثیر گرفته اند. اما در تاریخ این تأثیر پذیری ها را حذف می کنند. از ارسطو تا مونتسکیو نگاه دوگانه به جهان مبتنی بر شرق بربر و غرب دموکرات را می بینیم.»

اقتصاد سیاسی

تکرار طرح شکست خورده

مرکز پژوهش های مجلس در جدیدترین گزارش خود درباره بودجه هفتمندی یارانه ها اعلام کرده است که در تبصره های ۱۴ و ۱۸ لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ به موضوع هدفمند کردن یارانه ها و افزایش قیمت حامل های انرژی پرداخت شده است. طبق تبصره ۱۴، سهم سازمان هدفمندسازی یارانه ها از منابع حاصل از فروش داخلی حامل های انرژی، ۳۷ هزار میلیارد تومان تعیین شده است. همچنین در مصارف سازمان مزبور ۲۳ هزار میلیارد تومان بابت پرداخت یارانه نقدی در نظر گرفته شده است که به معنای حذف حدود ۳۳ میلیون نفر از جامعه هدف قانون هدفمند کردن یارانه ها است. نکته مثبت تبصره ۱۴ عدم اجازه برداشت از بودجه عمومی دولت به منظور تأمین مصارف سازمان هدفمندسازی است. در تبصره ۱۸ لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ پیشنهاد افزایش قیمت حامل های انرژی برای کسب ۱۷ هزارو ۴۰۰ میلیارد تومان درآمد جدید مطرح شده است. این پیشنهاد شیوه افزایش قیمت حامل های انرژی را مشخص نکرده است؛ بنابراین آثار و تبعات اجتماعی آن را نمی توان تعیین کرد. علاوه بر این مصارف این تبصره نیز کاملاً مبهم و نامشخص است و به نظر می رسد تکرار طرح شکست خورده بنگاه های زودبازده سال ۱۳۸۵ است. همچنین گفتنی است این تبصره مغایر قوانین بالادستی از جمله قانون هدفمند کردن یارانه ها، ماده ۳۹ قانون برنامه ششم توسعه و ماده یک قانون الحاق برخی مقررات به قانون تنظیم برخی از مقررات مالی است؛ بنابراین پیشنهاد می شود ضمن حذف بند الف تبصره ۱۸ منابع حاصل از افزایش قیمت حامل های انرژی در تبصره ۱۴ لحاظ شود و مصارف آن با نگاهی به قوانین پیش گفته بازویسی شود. در تبصره ۱۸ به طور کلی به مابه التفاوت افزایش قیمت حامل های انرژی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ اشاره شده و مشخص نیست کدام گروه از حامل های انرژی مشمول افزایش قیمت هستند. این در حالی است که در قانون هدفمند کردن یارانه ها حامل های انرژی به صورت مجزا تعیین تکلیف شده اند. این موضوع بر ابهام های تبصره ۱۸ افزوده است. در این گزینه درباره بنزین سهمیه بندی اعمال می شود تا آثار تغییر قیمت بر دهک های پایین جامعه که عموماً کم مصرف تر هم هستند کاهش یابد. البته در اجرای این گزینه لازم است با استفاده از پیشرفت های حاصل شده در مدیریت مصرف نفت و گاز و تعمیم آن به تاکسی ها و وانت بارها از مشکلات و مفاسد احتمالی سهمیه بندی پیشگیری کرد. در این گزینه بنزین سهمیه ای ۱۵ درصد و بنزین آزاد به قیمت فوب خلیج فارس افزایش قیمت می یابد و به طور کلی بنزین آزاد از نظام قیمت گذاری دولتی خارج می شود.



خوشبینی آقای وزیر

صالحی: از تئاتر حمایت می کنیم

باره که بعضی جریان ها قصد دارند سالن های نمایشی را به عنوان محلی نامناسب برای حضور خانواده ها ترسیم کنند، اظهار داشت: «حضور در سالن های نمایش یاد در نظر گرفتن این ویژگی که خانواده ما یک خانواده سنتی است به خودی خود نشان می دهد حتماً تئاترهای خوب کم نیست.»

او ادامه داد: «فضای امروز تئاتر ما در سبک های مختلف نمونه هایی دارد که در بخش تجربه های اولیه ممکن است هنوز احتیاج به پیشرفت داشته باشند و برخی هم به بلوغ رسیده اند. به همین دلیل تأکید می کنم باید راه های رفته و راه های نرفته را با هم ببینیم.»

صالحی درباره پرداخت نشدن بیش از نیمی از بودجه تئاتر گفت: «همه از شرایط کشور و مشکلات تخصیص اعتبارات محدودی که وجود دارد آگاه هستیم. گاهی وقتی این اعتبارات محدود هم تخصیص پیدا می کند ما همچنان در حوزه فرهنگ و هنر در زمینه پرداخت ها با مشکل مواجه هستیم و می دانیم که بودجه حوزه های فرهنگ و هنر و به طور خاص بودجه تئاتر بودجه محدودی است.»

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد دولت دوازدهم در پنجمین روز از برگزاری سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به تماشای نمایش «دریازدگی» نشست.

او سپس در جمع خبرنگاران درباره مسائل روز هنرهای نمایشی مانند بحث پرداخت تمام و کمال بودجه تخصصی در فاصله دو ماه مانده به پایان سال، حرکت هنرمندان در مسیر کیفیت گرایی و پاره ای حاشیه سازی ها علیه تئاتر به اظهار نظر پرداخت. او در پاسخ به این سوال که به نظر می رسد عرصه تئاتر نیز همچون حوزه کتاب و موسیقی به رایزنی برای جلوگیری از پاره ای حاشیه سازی ها نیاز دارد، گفت: «من جزو افراد خوشبین هستم و به همین دلیل تصور نمی کنم این اتفاقات به گونه ای باشد که فضا را به شکل تهدیدآمیز تصویر کند.»

در حوزه موسیقی و کتاب تلاش هایی صورت گرفت و شرایط امیدوار کننده است. بر همین اساس معتمد شرایط در عرصه تئاتر هم به همین صورت پیش می رود. وزیر ارشاد همچنین با صحنه گذاشتن بر سلامت عملکرد هنرمندان تئاتر و آثار نمایشی در این

جنوب‌خاکی

«بودجه گردوغبار خوزستان حذف شد» این تیتیر خبری بود که هفته گذشته روی خروجی خبرگزاری ایسنا آمد و بازتاب‌های زیادی هم داشت؛ آن هم درست در روزهایی که یکی از شدیدترین موج‌های گردوغباری که فقط آسمان خوزستان که استان‌های ایلام، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، بوشهر و... را هم به اشغال درآورده است. خبر را معاون توسعه مدیریت، حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کرد: «در لایحه بودجه پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی، ۱۵۰ میلیون دلار برای مقابله با گردوغبار جنوب کشور، از جمله خوزستان، در نظر گرفته شده بود که متأسفانه توسط کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی حذف شد». درست سه سال پیش، در بهمن ۹۳، در اوج روزهایی که خوزستان با آلودگی شدید هوا دست‌به‌گریبان بود و تیغ تیز انتقادات متوجه سازمان حفاظت محیط زیست و کم‌کاری‌های آن در این زمینه بود، معصومه اینتکار، رئیس وقت این سازمان، نمایندگان مجلس در کمیسیون تلفیق را عامل اصلی حذف بودجه پیشنهادی سازمان حفاظت محیط زیست برای سال ۹۴ برای مقابله با گردوغبار دانسته بود. درباره جزئیات ماجرا کریم شافعی، معاون توسعه مدیریت، حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست، با اشاره به آخرین وضعیت بودجه سازمان محیط زیست در سال ۹۷، گفته است: «پیشنهاد بودجه برای سازمان حفاظت محیط زیست چند بخش دارد؛ در حوزه جاری با پیشنهاد ۵۷ میلیارد تومانی سازمان تقریباً موافقت شده است. البته اعتبارات استانی محیط زیست مستقل است و جداگانه لحاظ می‌شود». او با اشاره به پیشنهاد سازمان محیط زیست برای پیش‌بینی بودجه گردوغبار در سال ۹۷ تصریح کرد: «در لایحه بودجه پیشنهادی به مجلس ۱۵۰ میلیون دلار برای مقابله با گردوغبار جنوب، از جمله خوزستان در نظر گرفته شده بود که متأسفانه از سوی کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی حذف شد». معاون سازمان حفاظت محیط زیست با این بیان اینکه سازمان حفاظت محیط زیست امسال با تدبیر شخص رئیس جمهور پیشنهاد جدیدی در لایحه بودجه دولت گنجانده بود، گفت: «ما مخالف این حذف هستیم و اصرار داریم که این میزان بودجه تصویب شود.» در همین حال اما رئیس کمیسیون تلفیق بودجه ۹۷ در واکنش به این خبر این‌طور گفت: «ردیف ریزگردها در بودجه سال آینده باقی خواهد ماند». غلامرضا تاجگردون با اشاره به اظهارات معاون سازمان محیط زیست درباره حذف بودجه مقابله با گردوغبار خوزستان در سال ۹۷، گفت: «متأسفم از اینکه در دو ماه بررسی بودجه کشور، مسئولان محیط زیست کشور، از رئیس تا معاون ایشان، حتی یک بار دنبال موضوع آلودگی محیط زیست و ریزگردها نیامدند، متأسفانه اعتبار مربوط به ریزگردها را بدون آن در بودجه گذاشتند که مردم عزیز خوزستان را طبق معمول علاف تصمیمات غیرمستولانه خودشان کردند.



فقه پارلمان

تفاوت قانونگذاری اسلامی و سکولار

هم فقه نظام است. فقهی که مبنای قانون گذاری است، فقه نظریه و نظام است نه فقه مسائل. مجموعه استنباطات فقها برای اینکه به قانون تبدیل شود، به تنقیح و تدوین و طراحی و تطبیق با موضوعات نیاز دارد. بعد از رسول خدا و ائمه، تشخیص مصلحت در قوانین متغیر به عهده فقیه جامع شرایط است. مرحله تشخیص، استنباطی نیست بلکه تحت عنوان تدابیر شرعی یا «سیاست‌های شرعی» شناخته می‌شود. «کعبی این مساله را مطرح کرد که قانون گذاری طبق قانون اساسی باید در چارچوب اصول مذهب رسمی کشور باشد و این مساله به عهده مجلس است و تشخیص این مساله به عهده شورای نگهبان است اما به نظر می‌آید اراده قانون گذار در قانون اساسی این بوده که مجلس در زمینه قوانین متغیر قانون گذاری کند نه اصول و احکام مذهب رسمی کشور. او یادآور شد: «ما قوانین مدون اسلامی داریم که قبل از مجلس وجود داشته‌اند. اصل ۱۵۶ یکی از وظایف قوه قضاییه را اجرای قوانین مدون جزایی اسلام اعلام کرده است. معلوم می‌شود که یک دسته قواعد مدون اسلامی داریم که ساخته و پرداخته مجلس نیست. در حال حاضر طبق رویه موجود، مجلس هم درباره قواعد ثابت و هم متغیر نظر می‌دهد. قوانین ثابت خارج از حیطه صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. البته نمی‌گوییم قوانینش خلاف شرع است چون توسط شورای نگهبان تایید می‌شود اما به نظر، رویه دیگری وجود دارد که باید به آن دقت شود.»

دوره آموزشی «رویکردشناسی فقه حکومتی» با سخنرانی آیت‌الله عباس کعبی، نماینده مجلس خبرگان و عضو پیشین شورای نگهبان، به همت مدرسه آفاق برگزار شد. آیت‌الله کعبی پیرامون عرصه قانون گذاری بر پایه فقه حکومتی، با طرح این سوال که قوه مقننه اسلامی و قوه مقننه سکولار چه تفاوت‌هایی دارند، گفت: «قوه مقننه سکولار به فقهات و اسلام کاری ندارد و براساس طرح و لوایح که محصول کار کارشناسی است، قانون گذاری می‌کند. قانون هم در جامعه تولید ارزش می‌کند. قوه مقننه اسلامی تشریح می‌کند. مشروع و قانون گذار خداست. تبیین شریعت به عهده رسول خدا و ائمه اطهار است. بعد از تبیین، مرحله‌ای به نام تشخیص داریم. تشخیص در عصر غیبت به عهده مجتهدین جامع‌الشرایط است. مجموعه آنچه فقها تشخیص می‌دهند برای اجرا شدن نیاز به چند مرحله دارد. اول برنامه ریزی است. برنامه ریزی با کارشناسان عادل است. بعد از برنامه ریزی نوبت مرحله اجرا و پیاده‌سازی است. نقطه عزیمت قانون گذاری تشخیص مجموعه قوانین اسلامی است. مرحله آخر هم نظارت بر اجراست. نقطه آغاز و پایان قانون گذاری بر عهده اجتهاد است.»

کعبی در نقد شرایط امروز قانون گذاری بیان کرد که نقطه عزیمت به عهده فقها و مجتهدان نیست و فقه در اینجا فعال نیست، بلکه منفعل است. او با اشاره به سه نوع فقه گفت: «یکی فقه مساله محور است که خروجی اش رساله عملیه است. دوم، فقه نظریه محور است. نوع سوم

مورد عجیب رشیدپور

انتخاب مجری گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس جمهور خبرساز شد



واکنش‌های زیادی درباره عملکرد رضا رشیدپور در گفت‌وگو با رئیس جمهوری در شبکه‌های اجتماعی آغاز شد.

برخی معتقد بودند که این مصاحبه نسبت به ساختارهای کلی سازمان صداوسیما در گفت‌وگو با روسای جمهوری کاملاً متفاوت بوده است و به همین دلیل هم توانسته مخاطبان بیشتری را به ویژه مردم عادی به دیدن ترغیب کند، از طرفی دیگر عده‌ای نیز بر این باور بودند که سوالات رشیدپور از حسن روحانی چالشی و مهم نبود و به غیر از تاکیدات او بر متفاوت بودن این گفت‌وگو، تفاوت دیگری در این مصاحبه دیده نمی‌شد. ادامه این حواشی، واکنش رضا رشیدپور در برنامه سه شنبه گذشته «حالا خورشید» را به دنبال داشت.

او در این برنامه با تشکر از نقدهای مردم درباره مصاحبه او با رئیس جمهوری، در واکنش به این نقدها چنین گفت: «سه نکته را مردم بدانند؛ من مسئول مصاحبه با رئیس جمهوری بودم نه مناظره با ایشان. وظیفه داشتم از مشکلات و دغدغه مردم پرسش کنم، نه اینکه به آنها پاسخ دهم. زمان برنامه باید طولانی‌تر می‌بود چرا که بخش مهمی از پرسش‌ها باقی ماند.»

رضا رشیدپور در حالی دوشنبه شب هفته گذشته مقابل حسن روحانی رئیس جمهوری نشست که از همان دقایق آغازین اعلام نامش با واکنش‌ها و حاشیه‌های زیادی از تعریف و تمجید گرفته تا انتقاد و گلایه همراه شد. از صبح زمانی که اعلام شد اجرای این برنامه برای نخستین بار به رضا رشیدپور سپرده شده است، نگاه رسانه‌ها و مخاطبان بیش از گذشته به این برنامه جلب شد.

برخی این گونه تحلیل کردند که رشیدپور که این روزها با برنامه صبحگاهی «حالا خورشید» در شبکه سه رضایت نسبی مخاطبان را به دست آورده، می‌تواند از مقبولیت کافی برای اجرای این برنامه برخوردار باشد. برخی نیز پیش‌بینی کردند که به دلیل حوادث اخیر، گفت‌وگوی زنده تلویزیونی حسن روحانی کمی متفاوت‌تر از دوره‌های گذشته باشد و انتخاب چنین فردی برای اجرا بتواند کمک کننده باشد.

گفت‌وگوی زنده حجت‌الاسلام حسن روحانی از ساعت ۲۱ و ۵۰ دقیقه دوشنبه شب گذشته آغاز شد و از همان ابتدا رشیدپور تاکید کرد که مخاطبان گفت‌وگوی «خاص و متفاوتی» را تجربه خواهند کرد و البته بر این عبارات تا انتهای مصاحبه نیز چند بار دیگر از سوی او تاکید شد. زمان چندانی از آغاز مصاحبه نگذشته بود که

راز صبر

آیت الله مجتبیٰ تهرانی
بحار الانوار ج ۹۲ ص ۲۸۵ و ص ۲۹۲



روی عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: زای علی بن الحسنین علیه السلام رجلاً یطوف بالکعبه وهو یقول اللهم انی اسألك الصبر قال فصر علی بن الحسنین علیه السلام علی کتفه قال سألت البلاء قل اللهم انی اسألك العافیه و الشکر علی العافیه فان الشکر علی العافیه خیر من الصبر علی البلاء.

روایت از امام رضا صلوات الله علیه منقول است که حضرت فرمودند: روزی زین العابدین صلوات الله علیه در مسجد الحرام در حال عبادت بودند که دیدند شخصی در حالی که طواف کعبه می کند بلند می گوید: اللهم انی اسئلك الصبر. دارد فصر بکتفه.

امام زین العابدین علیه السلام با دست مبارک زدند به شانه همین شخصی که طواف می کرد. در ادامه روایت دارد. قال: سئلت البلاء، با این دعا از خدا تقاضای بلا می کنی. ما سه نوع صبر داریم: صبر بر طاعت، صبر بر مصیبت و صبر بر مصیبت. درخواست صبر، یعنی بلاهای که سمت من می آید، تحملش را داشته باشم. معلوم می شود به سراغ خط بلا و مصیبت رفته ای و در آن خط داری کار می کنی و می خواهی پادشهرش را به دست بیآوری که کمتر تحت فشار باشی.

حضرت به او فرمودند: سئلت البلاء، تو از خدا بلا می خواهی که می گویی: اللهم انی اسئلك الصبر. به جای این دعا بگو: اللهم انی اسئلك العافیه و الشکر علی العافیه. خدا می از تو عافیت می خواهم. دقیقاً ضد بلا است این دعا و حتی توفیق شکرگزاری را هم درخواست می کنی. هم عافیت بده، هم توفیق شکرگزاری که به خاطر این عافیتی که به من دادی شکر هم بکنم.

حضرت به آن شخص می فرمایند این را از خدا بخواه. روایت مفصل است. در ذیلش حضرت این جمله را فرمودند: فان الشکر علی العافیه خیر من الصبر علی البلاء. سپاسگزاری از عافیتی که خداداده، بهتر است از صبری که نسبت به بلا داده است. زیرا در مورد بلا چاره نداری. بلا آمده، چه کار می خواهی بکنی؟ صبر در بلا ارزش زیادی ندارد. به همان مقداری که جزع و فرح نکنی ارزش دارد. اما جایی که خدا به تو عافیت داده، شکرش با اختیار خود تو است و فشاری هم بر تو نیست. ارزش این شکر، از ارزش آن صبر خیلی بیشتر است.

بنابراین حضرت به او فرمودند: فان الشکر علی العافیه خیر من الصبر علی البلاء. انسان باید نحوه دعا کردن را هم از اولیای خدا بیاموزد. ما نمی فهمیم که چگونه دعا کنیم. اولیای خدا ما را از نظر ایمان، ارزیابی می کنند، بعد به ما یاد می دهند چگونه دعا کنیم.

حضرت به آن شخص فرمودند: تو کجا و صبر بر بلا کجا! برو از خدا عافیت بخواه. بعد هم بر آن عافیتی که به تو داده است شکر کن که این شکر موجب افزونی عافیت هم می شود.



رسانه

چراغ سبز

تویتر رفع فیلتر می شود؟

در حالی که به دلیل تجربه های پیشین در برخورد با شبکه های اجتماعی، مردم نگران دائمی شدن فیلتر اینستاگرام و تلگرام بودند، اما با دستور رئیس جمهوری رفع فیلتر اتفاق افتاد.

حسن روحانی هفته گذشته در گفت و گوی تلویزیونی به محدودیت های ایجاد شده برای فضای مجازی اشاره کرد و در توضیح اینکه چرا با وجود تاکید بر اینکه دست وزیر روی دکمه فیلترینگ نمی رود، این اتفاق افتاد، گفت: «اگر این فضا برای چند روزی محدود شد برخی در اذهان شان این بود که این بهانه ای بوده که این فضا را برای همیشه ببندیم اما این گونه نیست. هر چیزی ممکن است در یک مقطعی به دلیل اضطراب انجام شود اما مهم این است که دائمی نشود. البته باید از اخلاق و ایمان مردم هم در این زمینه حفاظت شود.» رئیس جمهوری



گشتی در موزه کمونیسم

اروپای شرقی در دوره شوروی



نوشتن داستان های کتاب این امکان را به نویسنده داده تا مسائل را عینی تر شرح دهد. دراکولیچ در ابتدای کتاب خطاب به خواننده نوشته: «ببینید، من متوجه هستم که بعید نیست خواننده ناآشنا با وضعیت اروپای شرقی در دوران کمونیسیم برخی از داستان های این کتاب را، اگر نکوید دروغ و توهم محض است، دست کم فوق العاده جعلی و ساختگی بداند. بنابراین متأسفانه باید خیال تان را صد درصد راحت کنم که اصلاً از این خبرها نیست. کاری ندارم داستان مذکور از زبان یک سگ حکایت می شود یا گربه یا یک حیوان خانگی، وحشی یا ناشناخته دیگر، به هر حال تمامی این ها از دیدگاه اشخاص و رویدادهایی که شرح شان آمده اتفاق افتاده اند. اطمینان از صحت و سقم شان هم کاری ندارد. راستش خود من که داستان نویسم از تخیلات و تصورات سیاستمداران که مدارک و شواهد فراوانش در همین کتاب آمده است، اغلب عرق شرم به پیشانی ام می نشیند! ولی بعد از سال ها که فراوان درباره دوران حکومت کمونیسیم و عواقبی که برای مردم عادی داشت نوشتم، به این نتیجه رسیدم که ما، آن طور که اغلب درباره این تکه از دنیا می گویند، تاریخچه زیاده از حد نداریم، بلکه بیش از اندازه خاطر و کلی داستان و اسطوره داریم.» دراکولیچ به عنوان روزنامه نگار با نشریات مختلفی مثل نیویورک تایمز، نیورپابلیک و... کار کرده و همچنین یکی از سردبیران نشریه نیشن هم بوده است.

«گشتی در موزه کمونیسیم» عنوان کتابی است از اسلاونکا دراکولیچ که به تازگی با ترجمه سما قرایی توسط نشر هنوز منتشر شده است. دراکولیچ نویسنده و روزنامه نگاری است که در سال ۱۹۴۹ در کرواسی متولد شد و از او آثاری داستانی و غیرداستانی به چاپ رسیده است که غالب آنها درباره وضعیت اروپای شرقی در دورانی است که هنوز حکومت شوروی از بین نرفته بود. «هولوگرام ترس»، «پوست مرمین»، «طعم مرد»، «اس» و «تخت خواب فریدا» از جمله رمان های دراکولیچ است. «گشتی در موزه کمونیسیم»، روایت هایی داستانی و تمثیلی از زبان حیوانات مختلف است. در این کتاب داستان هایی درباره کشورهای که جزئی از بلوک شرق بوده اند روایت شده و هر کدام از داستان ها حیوانی خاص روایت کرده است. استفاده از حیوانات برای نوشتن داستان هایی تمثیلی سابقه زیادی در ادبیات دارد و دراکولیچ نیز در این کتاب از این شیوه استفاده کرده است. در توضیح پشت جلد کتاب درباره این شیوه آمده است: «استفاده از حیوانات برای روایت این داستان های تمثیلی در کتاب موفقیت آمیز بوده است. دراکولیچ با راوی قرار دادن حیوانات (که عمدتاً حیواناتی خانگی اند) توانسته از موضوع ها فاصله بگیرد و با درک و دریافتی بیشتر به آنها نظر کند. مثلاً استفاده از طوطی تیتو یا گربه رهبر سابق لهستان امکانی برای نویسنده فراهم کرده تا از این مردان چهره ای انسانی تر ارائه کند.» استفاده از حیوانات برای

حمله شهردار

محمدعلی نجفی بعد از انتشار گزارش علیه محمدباقر قالیباف، باموجی از واکنش‌ها مواجه شده تا آنجا که حتی برخی از اصلاح‌طلبان و دولتی‌ها به او اعتراض کرده‌اند. در جدیدترین واکنش حتی وزیر کشور نیز از این رفتار شهردار تهران انتقاد کرده است.

تیر آخر آقای شهردار

آیا نجفی در سال ۹۷ شهردار می‌ماند؟



ارائه نظر شخصی نقش دستگاه‌های بازرسی و نظارتی را پررنگ‌تر کنند چرا که طبیعتاً اگر در نهاد و ارگانی تخلف یا ابهامی وجود داشته باشد باید از طریق مسیر قانونی و از سوی نهادهای ذی ربط دنبال شود، نه اینکه مدیر جدید به خودی خود نقش نهادهای نظارتی را ایفا کند و مدیران پیشین را مورد اتهام قرار دهد.»

چمران: شوکه‌شدم

اما مهدی چمران که ۱۱ سال از ۱۲ سالی که قالیباف شهردار تهران بوده، رئیس شورای شهر بوده است، در واکنش به گزارش نجفی درباره عملکرد قالیباف گفت: «این گزارش سیاه‌نمایی بوده است و باید ثابت شود. آقای نجفی خودشان شش سال در شورای شهر بوده‌اند و از نزدیک دیده‌اند که حساب‌برسان همه اسناد مالی را بررسی می‌کنند.» او با اعلام اینکه از گزارش نجفی جا خورده و ناراحت شده است، گفت: «ادعاهایی که ایشان علیه مسئولان گذشته مطرح کرده‌اند باید اثبات شود. ادعای خیانت و فساد چیز کوچکی نیست که بتوان به راحتی از کنار آنها گذشت. بنابراین من تقاضا دارم که این حرف‌ها ثابت شود.» چمران با اشاره به اینکه شهرداری حتی قبل از دولت، سیستم بودجه نقدی و غیرنقدی را راه‌انداخته بود، گفت: «آقای نجفی اعلام کرده‌اند که بودجه شهرداری به صورت دیمی اختصاص پیدا می‌کرده و خرج می‌شده است، در حالی که چنین چیزی نبوده و همه چیز روشن و شفاف است.» او از معاونان شهرداری سابق و خود قالیباف خواست که برای اعاده حیثیت‌شان شفاف‌سازی کنند و گفت: «از آنجایی که تهمت‌های بزرگی به این افراد نسبت داده شده من خواهش می‌کنم که آنها در هر عرصه‌ای که می‌توانند توضیح بدهند تا اتفاقات شفاف بشود. مثلاً اینکه می‌گویند چندین هزار نفر استخدام شده‌اند یا ۵۰ درصد حساب‌ها حسابرسی نشده است باید اثبات شود.»

دفتر قالیباف: آسیاب به نوبت

در ادامه این اظهارنظرها، دفتر محمدباقر قالیباف، شهردار سابق تهران طی جوابیه‌ای، به برخی از گفته‌های صادق زیباکلام که او هم در راستای گزارش نجفی به قالیباف حمله کرده و واکنش نشان داد که برخی پاسخ‌ها به گزارش نجفی را نیز در ادامه داشت. در این متن آمده بود: «این مرقومه پر از ادعاها و سوگیری‌های غیرمنصفانه علیه محمدباقر قالیباف، عضو مجمع تشخیص مصلحت و شهردار سابق تهران است که لازم به پاسخ‌گویی است. لازم به یادآوری است، آنچه تحت عنوان گزارش ۵۰۰ صفحه‌ای شهردار کنونی علیه مدیریت سابق در صحن شورا ارائه شد، پر از اغلاط

گمانه‌ها از پایان زودهنگام دوران شهرداری محمدعلی نجفی حکایت دارد



همان‌طور که گفتیم طی نامه‌ای به قید فوریت از ایشان خواسته‌ایم که این کار انجام شود.» وی همچنین از مسئولان خواست که مبادا از تریبون‌های رسمی فساد را اعلام کنند که ثابت نشده باشد.

اما این گزارش با واکنش منفی برخی اصلاح‌طلبان هم مواجه شد. احمد حکیمی‌پور، عضو چهارمین دوره شورای شهر تهران با بیان اینکه بهتر است مدیران جدید عملکرد خود را به اطلاع مردم برسانند با انتقاد از رفتارهای غیر اخلاقی مدیران گفت: «بمنده معتقدم به جای آنکه علیه مدیر قبلی اظهارنظر کنیم بهتر است مدیران و مسئولان جدید عملکرد و توفیقات خود را تبیین کنند چرا که نقد گذشته وزیر سوال بردن مدیران قبلی نه تنها رفتار صحیحی نیست، بلکه آزار دهنده و برخلاف میل عمومی مردم است. بی‌شک اگر از این رفتارهای سیاسی دست برداریم به زودی با واکنش‌های منفی مردم مواجه می‌شویم. هر مدیری که مسئولیت جدیدی را می‌پذیرد بدون تحقیق و اطلاع از وضعیت نهاد مربوطه پشت میز مدیریت نمی‌رود، بنابراین از وضع آن مجموعه اعم از مثبت یا منفی آگاه است پس باتوجه به اینکه با علم به وضعیت موجود مسئولیت را پذیرفته دلیلی برای نقد گذشته ندارد، بلکه عمده مسئولیت وی کمک به رفع کاستی‌ها، اصلاح گذشته و پیشبرد فعالیت‌ها به نفع جامعه است.» حکیمی‌پور با تأکید بر اینکه اگر تخلفی صورت گرفته نهادهای نظارتی باید آن را بررسی کنند نه شهردار تهران افزود: «به نظر می‌رسد مسئولان باید به جای

محمدعلی نجفی روزهای سختی را پشت سر می‌گذرانند. خیلی‌ها معتقدند که او روزهای آخر حضورش را در ساختمان بهشت پشت سر می‌گذراند. می‌گویند اصلاح‌طلبان از او ناراضی هستند و به همین زودی باید در انتظار جایگزین شدن یک فرد جدید باشیم. درست در چنین شرایطی است که محمدعلی نجفی تلاش کرده تا با یک حمله ایدئولوژیک آخرین شانس خود را برای ماندگاری در شهرداری تهران آزمایش کند. او ساده‌ترین راه را انتخاب کرده است: «حمله به محمدباقر قالیباف.»

روایت یک گزارش

در صحن شورای شهر همه منتظر شنیدن گزارشی از دستاوردهای شهردار جدید تهران بودند اما با سیاه‌های از وضع تهران در ۱۲ سال اخیر روبه‌رو شدند. این گزارش ۱۰۰ روزه به شکلی بود که صدای اعضای شورای شهر اصلاحات را هم در آورد. محمدجواد حق‌شناس در سی‌وهفتمین جلسه علنی شورای شهر تهران، با اشاره به گزارش ۱۰۰ روزه نجفی گفت: «کاش در این گزارش به نقاط قوت گروه مدیریت قبلی نیز اشاره می‌شد چرا که آن موقع نگاه منصفانه‌تری می‌توان به این گزارش داشت.» حق‌شناس در ادامه با بیان جمله‌ای طعنه‌آمیز به نجفی یادآور شد: «اگر با نگاه منصفانه نقد کنیم می‌توان این انتظار را از آیندگان داشته باشیم که آنها نیز ما را با نگاه منصفانه نقد کنند.» نجفی از یک قرارداد بیش از یک میلیاردی سخن گفته که پول آن صرف انتخابات در اردیبهشت شده است. وی این اظهارات را براساس اقرار یک کارمند عنوان کرده است: «در بررسی‌های بیشتر متوجه شدیم که درست است این مبلغ به حساب شرکت مذکور واریز شده اما تنها ۱۷۳ میلیون تومان را به این شرکت داده و مابقی را به یک حساب دیگر که متعلق به رئیس دفتر یکی از معاونین قبلی بوده واریز کردند و این پول نیز خرج انتخابات شده است. این در حالی است که آن فرد مذکور مکتوب اقرار کرده که از ۱۷۳ میلیون تنها ۲۰ میلیون به خودش تعلق گرفته و مابقی سهم دیگران بوده است.» علاوه بر چنین مواردی، شهردار تهران با اظهارات یک جانبه و اغراق‌آمیز مدیریت سابق را در بسیاری از قراردادها، پروژه‌ها و کارکردها متهم به فساد و تخلف کرده و به جای آنکه این کار را به نهادهای قضایی بسپارد خود در مقام قاضی قرار گرفته و آنها را به خیانت متهم ساخته است. او اعداد نجومی از بدهی‌ها و تخلفات مالی اعلام کرده است.

واکنش‌ها به گزارش نجفی

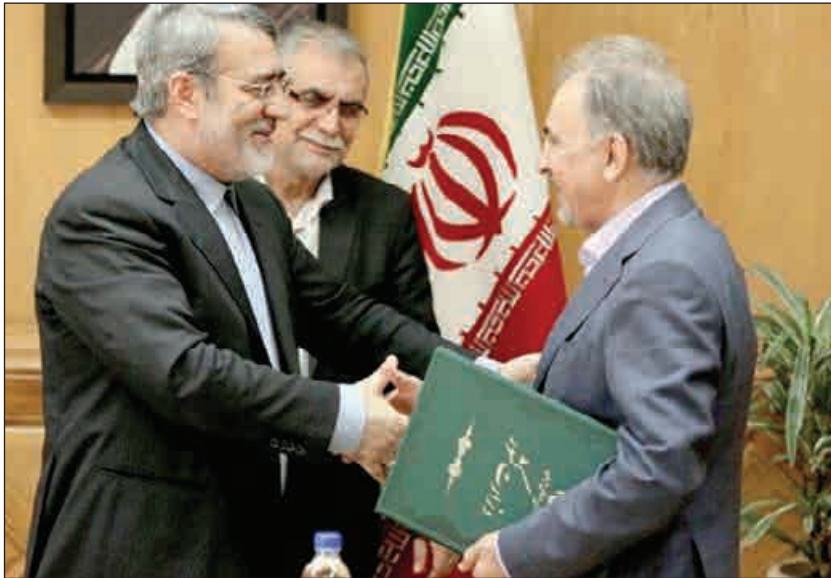
این اظهارات نجفی البته با واکنش‌های مختلفی مواجه شد. چنان‌که دادستان تهران از نامه خود به شهرداری تهران برای ارائه مستنداتش درباره تخلفات مالی شهرداری سابق خبر داد. عباس جعفری دولت‌آبادی در مورد اظهارات اخیر شهردار تهران در جمع اعضای شورای شهر و اعلام برخی تخلفات شهردار پیشین از جمله انعقاد قرارداد میلیاردی پژوهشی و صرف آن پول در هزینه‌های انتخاباتی اظهار کرد: «در اینجا از مسئولان گله داریم. اگر آنها به فساد می‌رسند ابتدا باید به مراجع رسمی کشور بگویند. به اندازه کافی روان و افکار مردم را با اخباری که بدون اثبات در اختیار دیگران قرار می‌دهیم پریشان می‌کنیم. چهارشنبه در نامه‌ای به آقای نجفی از ایشان مستنداتش را خواستیم.» دادستان تهران با تأکید بر اینکه طرح و اعلام موارد فساد بدون دلیل و اثبات و بدون تصویب در مرجع رسمی محل اشکال است، ادامه داد: «آقایان مسئول از جمله شهردار تهران اگر دلایلی برای فساد در جایی دارند اول به دستگاه قضایی، بازرسی کل کشور و دادستانی اعلام کنند. بر همین اساس نیز



پرویز سروری گفته است
نجفی راه روحانی را در
پیش گرفته است



صادق زیباکلام با تکیه بر
گزارش نجفی سخنانی علیه
قالیباف مطرح کرده است



مورد اشاره قرار ن داده بود. می توان گفت این سیاه نمایی، کادویی به اصلاح طلبان برای کاهش انتقادات از عملکرد نجفی بود.

این پایان ماجرا نیست

ولی آیا این پایان ماجراست؟ براساس گزارش ها و اخبار آنچه نجفی تحت عنوان گزارش ۵۰۰ صفحه ای علمی ساخت، نه تنها مستند و علمی نیست، بلکه دارای گاف های بزرگی است که فعالین اصلاح طلب نیز به آن آگاهند. از این رو برخورد سیاسی با این گزارش به جای برخورد تخصصی و فنی که به روشن شدن زوایای تاریک و غیرواقعی آن کمک می کند در دستور کار قرار گرفته است. در عین حال انتقادات به عملکرد نجفی و آینده ای که این عملکرد می تواند در انتخابات بعدی برای اصلاح طلبان به عنوان دردسر تفسیر شود، باعث گردیده تا به قول یادداشت نویس روزنامه قانون، پایان تلخ برای نجفی همچنان مدنظر باشد. به هر حال مقایسه عملکرد قالیباف و نجفی در ماه های آینده بیشتر از امروز خواهد بود و شهردار ناتوان تهران عملا خود را در برابر حجم کارها و دشواری های مدیریت پایتخت باخته است که این می تواند ضربه مهلکی به حیثیت اصلاح طلبان و اعضای شورای پنجم باشد.

شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان که بانی اصلی معرفی لیست اعضای شورای شهر بوده، در این زمینه طی جلساتی احساس نگرانی کرده و در حال رایزنی هایی برای رقم زدن این پایان تلخ هستند. از سوی دیگر در همان زمان انتخاب شهردار تهران، تقابل سخت میان کارگزاران و حزب اتحاد ملت که بیشترین اعضای شورای پنجم متعلق به آنهاست، در جریان بود. براساس توافق درونی تصمیم به حمایت از نجفی شد اما این حمایت مشروط تنها توانسته تا ۵ ماه دوام بیاورد. بیشترین انتقادات از عملکرد نجفی از سوی اعضای شورای شهر مرتبط به اتحاد ملت صورت گرفته و دیگری یکی از اعضای شورا با نجفی در جلسه صبحانه کاری شهردار و شورا نیز خبرساز شد.

بازی انحرافی

با وجود چنین جوی در میان مدیریت شهری جدید اصلاح طلبان یک بازی انحرافی جدیدی راه انداخته اند تا نجفی از مجموعه مدیریت شهری با هزینه های بسیار پایین تری برای جریان اصلاح طلب کنار گذاشته شود.

تهران را در سال ۸۴ به ۷۰ هزار نفر رسانده است؟ آیا جناب ایشان اطلاع دارند بیش از ۳۰ هزار نفر به صورت ۲۴ ساعته در زیرزمین تهران برای تکمیل خطوط مترو و احداث تونل ها در سال های اخیر مشغول کار بوده اند؟ آیا احداث ابرپروژه هایی مانند شهر آفتاب، باغ کتاب و صدها فرهنگسرا و سرای محله بدون وجود نیروی انسانی می توانستند سروسامان بگیرند؟ باید چند برابر شدن حجم خدمات رسانی و توسعه و پیشرفت شهر تهران را متناسب با نیروی انسانی شهرداری در نظر گرفت. سال ۸۴ تهران کجا قرار داشت و اینک کجا قرار دارد؟ قالیباف علاوه بر شورای دوم، منتخب شورای سوم و چهارم نیز بود که از قضا دوستان اصلاح طلب چون دکتر نجفی نیز در شورای سوم به وی رای داده بودند. به هر حال عملکرد قالیباف و دستاوردهایش پیش روی شهروندان تهرانی قرار دارد و آینه تمام نما از یک عملکردی مبتنی بر مدیریت جهادی است. این عملکرد بدون شک در آینده نزدیکی با کارنامه خالی شهردار کنونی مقایسه خواهد شد و چنین مقایسه ای کابوس روزهای حساس اصلاح طلبان خواهد بود. سیاه نمایی و نجومی سازی تنها برای کوتاه مدت جوابگو خواهد بود اما در میان مدت و درازمدت شهروندان پایتخت به دنبال پاسخگویی مدیران جدید شهری نسبت به برنامه ها و وعده های انتخاباتی شان خواهند بود. «

حدود یک ماه قبل بود که روزنامه قانون در یادداشتی شهردار تهران را فاقد صلاحیت های لازم جهت تصدی این پست دانسته بود و پیشنهاد استیضاح او را مطرح ساخته بود: «به نظر می رسد چالش اعضای شورای شهر تهران و شهردار کمی پیچیده تر از این است که به نظر می رسد. اتفاقی که اگر از هم اکنون برایش تدبیری اندیشیده نشود، می تواند باعث بروز یأس و ناامیدی در بدنه رای این جماعت شورا شود... سخن این است که یک پایان تلخ بهتر از تلخی بی پایان برای روابط شورا و شهرداری می تواند باشد. شورا اگر معتقد به این است که شهردار تهران در پیشبرد برنامه هایش با شورا سر لجبازی دارد، می تواند او را استیضاح کند.»

این گزارش ها در مجموع سلسله تولیدات رسانه ای در جبهه اصلاحات علیه شهردار تهران بابت انتصابات، عملکرد ضعیف و تقابل با اعضای شورای شهر بود و به نظر می رسد فشارها ثمربخش بوده و نجفی در گزارشی ۵۰۰ صفحه ای در روز یکشنبه هفته جاری به صورت کاملا یکجانبه و بدبینانه عملکرد شهردار سابق را به چالش کشیده و حتی یک مورد از دستاوردهای قالیباف را

و آمارسازی های ناصواب و همچنین ادعاهای کذب است که برخی از اعضای شورای شهر سابق و معاونان سابق شهرداری به تعدادی از اتهامات پاسخ داده اند. به اذعان کارشناسان این گزارش یک سیاه نمایی کینه توزانه نسبت به عملکرد مدیریت جهادی است که حتی برای خالی نبودن عریضه و واقعی نمایش دادن گزارش، شهردار محترم به تعداد اندکی از صدها ابرپروژه و طرح هایی که در مجامع بین المللی نیز مورد تمجید قرار گرفته اند، اشاره نکرده است.

آقای زیبا کلام عنوان کرده اند شهرداری تهران سال هاست که ورشکسته است. آیا یک بنگاه یا سازمان ورشکسته می تواند در یک دهه شهر تهران را متحول کند و در هر ماه یک پروژه بزرگ مانند پل طبیعت، برج میلاد، ایستگاه های جدید مترو، خطوط بی آرتی، دریاچه شهدای خلیج فارس، تکمیل شبکه بزرگراهی، ۲۲۰۰ بوستان، پارک بزرگ ولایت، نهج البلاغه، یاس و... ایجاد کند؟ زمانی که شهردار وقت تهران به عنوان هشتمین شهردار برتر جهان انتخاب شد، آیا جهان به یک ورشکسته جایزه داد؟ قرار گرفتن تهران میان ۱۰ شهر برتر دنیا در سال ۲۰۱۱ توسط سازمان ملل و چند انجمن تخصصی بین المللی و اعطای لوح برترین تجارب شهری توسط قائم مقام سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ به شهردار تهران در ناپل ایتالیا، نشان از ورشکستگی شهرداری داشت؟ نویسنده با استناد به گزارش شهردار تهران بازم بر عدد دهمی ۵۲ هزار میلیاردی شهرداری پافشاری می کند؛ بدون آنکه این ادعا با سند اثبات شده باشد و مبنای دستیابی به آن مشخص باشد.

در حالی که براساس گزارش حسابرسی در پایان دوران شهردار سابق دهی شهرداری مجموعا ۱۶ هزار میلیارد بوده، مدیریت جدید با احتساب طرح های نیمه تمام و پرونده هایی که در محاکم قضایی وجود دارد، این رقم را سه برابر کرده است. چرا آقای زیبا کلام و همکاران او در سال های اخیر چشمان خود را بسته و این همه دستاورد را در تهران نمی بینند. شهردار سابق طول خطوط مترو را از ۷۵ کیلومتر به ۳۲۰ کیلومتر رسانده که هزینه بهره برداری از هر کیلومتر بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیارد تومان است. یعنی برای احداث ۲۰۰ کیلومتر حداقل ۴۰ هزار میلیارد تومان هزینه شده است. هزینه بهره برداری از هر ایستگاه مترو بین ۴۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان است.

اگر این اعداد و ارقام جمع زده شوند، به خوبی مشخص می شود بودجه تهران در ۱۲ سال گذشته در کجاها صرف می شده که اینک شاهد تهرانی جدید هستیم. پاسخگویی به هر یک از آمارسازی های گزارش ۵۰۰ صفحه ای شهردار وقت به راحتی با توجه به دستاوردهای مدیریت جهادی شدنی است اما در این بخش از جوابیه لازم است به نکات مهمی اشاره شود. محمدعلی نجفی شش سال در شورای سوم شهر تهران حضور داشته و با رای اعضای اصلاح طلب بود که محمدباقر قالیباف به عنوان شهردار برگزیده شد. در این مدت شهردار کنونی تهران آیا شاهد حجم تخلفات نبودند که هیچ گزارشی از تذکر نجفی به شهردار وقت موجود نیست! چگونه می تواند مدعی این حجم از تخلفات و به اصطلاح ویرانه بودن تهران باشد ولی در سال های حضور در شورا تذکری نداد یا سوالی از شهردار وقت نپرسید؟ بهتر نیست؟

آقای زیبا کلام به این تناقضات بیندیشند؟ در حالی که در تمامی گزارش های شهردار وقت از ۶۸ هزار کارمند شهرداری سخن به میان می آید، چگونه جناب آقای زیبا کلام این عدد را رند کرده و به ۷۰ هزار نفر رسانده و مدعی است قالیباف ۳۵ هزار کارمند شهرداری

سال از ریاست ایشان بر دولت ادامه دارد! به نحوی که معاون اول رئیس جمهور به جای بیان عملکرد چندساله خود عنوان می‌کند که به تازگی ماشین سقوط کرده را از ته دره بالا آورده‌ایم! بنابراین مشخص نیست این ماشین تصادفی کی تعمیر شود و امیدی اصلا به تعمیر و حرکت آن شاید نباشد. آنچنان که یکی از متحدین و تنوریسین‌های اصلاح طلب عنوان کرده هستند سال برای ترمیم آسیب‌های دولت قبلی باید وقت بگذاریم! ظاهر آقای نجفی به علت اینکه کارنامه قابل ارائه‌ای در چهار ماه مدیریت خود ندارند ترجیح داده‌اند راه دولت را در پیش گرفته و همان روند را تکرار کنند!

شاید چهار سال آینده اگر از آقای شهردار گزارشی بخواهیم وی عدم انجام امور را به گردن شهرداری قبلی انداخته و مدیریت قالیباف را به محلی برای «سروش گذاشتن» بر ناتوانی‌های خود تبدیل کند؛ هرچند که شیوه بسیار نامطلوبی را اتخاذ کرده‌اند. بنده معتقدم گزارش ۵۰۰ صفحه‌ای نجفی بیش از اینکه ناظر به بررسی فعالیت‌های مدیریت شهری در دوران قالیباف باشد یک گزارش سیاسی است. نجفی شش سال عضو شورای سوم بوده‌اند و اتفاقاً دکتر قالیباف برای ایشان شهردار شدند، یعنی نجفی شش سال تمام مدافع عملکرد شهرداری تهران بودند، حال باید از نجفی پرسید اگر به کارنامه شما در شورای سوم مراجعه کنیم چند بار به شهردار تذکر دادید؟ چند سوال و چقدر علیه عملکرد نامطلوب وی موضع گیری داشته‌اید؟ مگر شما شورای چهارم را متهم به فقدان نظارت بر شهرداری نکردید در حالی که عمر شورای سوم با حضور شما بیشتر از شورای چهارم بود! اتفاقاً شما، قالیباف را شهردار کردید. در شش سالی که بهترین زمان ارائه خدمات مدیریت شهری بود آقایان چه نظارت و تذکر و کنترلی داشتند که امروز بتوانند از آن دفاع کنند؟»

در واکنشی دیگر معاون سابق منابع انسانی شهرداری تهران گفت: «مردم تهران با گوشت و پوست خود درک کرده‌اند که تهران چقدر تغییر کرده و دیگر نیازی نبود با اطلاعات غلط گزارش دهی کنند. کاش شهردار جدید تهران به عنوان یک مدیر اعلام می‌کرد که پس از ۴ ماه چه برنامه‌ای برای بهبود کیفیت زندگی مردم خواهد داشت.»

سیدجعفر تشکری هاشمی گفت: «در گزارش اعلام شده یعنی شهرداری طی ۱۲ سال گذشته هیچ کار مثبتی انجام نداده بود، به جای اینکه شهردار فعلی در نقش اپوزیسیون ظاهر شود بهتر بود می‌گفتند پس از

تهران همان رفتاری را انجام داد که آقای روحانی در پنج سال گذشته تکرار کرده است، بار تمامی ناکارآمدی‌ها و عدم پاسخگویی‌ها به مطالبات مردم را بر گردن مسئولان قبلی انداختن مهم‌ترین راهبرد و راهکار آقایان در مواجهه با شدند و مشکلات جامعه است. هر چند که آقای نجفی نیز وامدار پیاده کردن مدل و الگوی آقای روحانی در عیب‌جویی و انداختن تقصیر به گردن سایرین است اما توجه به این نکته برای ایشان و سایر دوستان شهرداری و شورای شهر ضروری است که رابطه شهرداری و شورای شهر رابطه‌ای متقابل و همانند برخورداری از دو بال برای به پرواز در آمدن و حرکت کردن است. شهردار در این رابطه موظف به عمل کردن به مصوبات شورای است از این رو به صورت بسیار ساده می‌توان گفت آقای نجفی خود باید اولین نفر در پاسخگویی به دادخواست خود تنظیم کرده‌اشان باشند! چرا ایشان به عنوان عضو شورای سوم به شهردار رای می‌دهند و دوستان اصلاح طلب ایشان در این سال‌ها کوچک‌ترین تذکر: سوال یا استیضاحی از مدیریت قالیباف نداشته‌اند؟

بر فرض آقای نجفی سال اول متوجه سوء مدیریت قالیباف نشدند کل شش سال همچنان متوجه نبودند؟ چرا در آن سال‌ها یقه شهردار را نگرفتید و الان مدعی شدید؟ به یاد دارم در آخرین جلسات شورای سوم همه اعضای شورا عملکرد سال ۹۱ شهرداری را مورد تأیید قرار دادند. در آن جلسه که با حضور حسابر س شورا و حسابرس شهرداری برگزار شد در رای گیری همه عملکرد را تأیید کردند. آیا آقای مسجدمجمعی در شورای سوم و چهارم حضور نداشت؟ آیا آقای سالاری در شورای چهارم و دوازده دوست اصلاح طلب ایشان در این شورا امکان اظهار نظر نداشتند؟ آیا این دوستان هیچ مدرکی دال بر تأیید طومار آقای نجفی ندیدند که آن روزها علیه سوء مدیریت شهردار عنوان کنند؟»

در تحولی دیگر، پرویز سروری عضو شورای چهارم شهر تهران با اشاره به اینکه نجفی هم مسیر سیاه‌نمایی رئیس جمهور شده، گفت: «به احتمال زیاد نجفی راه روحانی را در پیش گرفته است. دقیقاً مثل روحانی که طبق وعده خود قرار بود گزارش صدروزه از عملکرد موفقیت‌های دولت خود را به اطلاع عموم برساند، به ناگاهان با گزارشی سیاه از ضعف‌های دولت گذشته مواجه شدیم! دولت یازدهم کارنامه فاقد عملکرد مثبتش و ناتوانی‌هایش را متوجه دولت قبلی کرد و متأسفانه آن‌گونه که مشاهده می‌کنیم این روند بعد از گذشت پنج

نجفی که از اعضای برجسته حزب کارگزاران است و در دولت نیز نفوذ بالایی دارد در صورت حذف اجباری می‌تواند تمامی معادلات شورای شهر و اصلاح طلبان را در برقراری روابط نزدیک شهرداری و دولت بر هم بزند.

از سوی دیگر هرگونه اختلاف نظری در میان اصلاح طلبان و پررنگ شدن این اختلاف در میان افکار عمومی هزینه‌های بسیاری دارد که خود را در انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات شوراهای شهر در چند سال آینده نشان خواهد داد.

ترغیب نجفی برای تقابل با جریان رقیب و حمله به دستاوردهای محمدباقر قالیباف از جمله مواردی بوده که به گزارش بی‌اساس ۵۰۰ صفحه‌ای نجفی انجامیده است. این گزارش را می‌توان گاف بزرگ نجفی دانست که با وجود ادعای مدیریت و حتی ۶ سال حضور در شورای شهر به شاخص‌ها و آمارهای آن شک کند.

محمدعلی نجفی شش سال در شورای سوم شهر تهران حضور داشت که همزمان با نیمی از دوران مدیریت قالیباف است. حتی ورود قالیباف به ساختمان بهشت در شورای سوم با آرای اصلاح طلبانی چون نجفی هموار شد. در طور تمام آن دوره وی حتی یک تذکر پیرامون عملکردش به شهردار نداد. از این رو مشخص می‌شود گزارشی که شهردار کنونی تهران آماده کرده به دور از واقعیت‌های موجود و جاری در جلوی چشم شهروندان تهرانی باشد.

بر این اساس، مجموع عملکرد نجفی در طول دوره کوتاه ۵ ماهه از جمله عدم حضور وی در زمان زلزله تهران به عنوان مدیر بحران شهر، توقف و کند شدن پروژه‌های شهری و توسعه پایتخت، انتصابات پرشائبه و سیاسی و ریخت و پاش‌های مالی این ذهنیت را در جریان اصلاح طلب ایجاد کرده که ادامه حضور وی در شهرداری مصادف با ریزش رای پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان و قهر آنها با صندوق‌ها خواهد شد.

تمامی نشانه‌ها از جمله گاف بزرگ گزارش ۵۰۰ صفحه‌ای این موضوع را ثابت می‌کند که اصلاح طلبان آگاهانه شهردار تهران را در یک بازی تقابلی با رقیب انداخته‌اند تا زمینه‌های حذف وی نه به دست اصلاح طلبان بلکه در این بازی انحرافی پرهزینه و پرچالش با رقیب صورت گیرد. موضوعی که از لابه‌لای گزارش‌ها و اخبار به بیرون درز کرده در شورای عالی سیاست‌گذاری و احزاب اصلاح طلب رقیب کارگزاران از جمله حزب اتحاد ملت شنیده می‌شود.

چرا حالا؟

اما در اظهار نظری دیگر، مجتبی شاکری، عضو شورای چهارم شهر تهران به گزارش ۱۰۰ روزه نجفی اشاره کرد و گفت: «بنده بعد از طرح موضوعات شهردار در خصوص عملکرد مدیریت شهری گذشته به این نتیجه رسیدم که اتفاقاً ایشان تیر خلاصی به اصلاح طلبان شورای سوم و شورای چهارم زد مدیریت شهری قالیباف. آقای نجفی شما و دوستان اصلاح طلب چند سال زمان نیاز داشتید تا متوجه سوء مدیریت قالیباف شوید؟ آیا شش سال برای شما و چهار سال برای ۱۳ اصلاح طلب شورای چهارم زمان زیادی نبود؟ مسلماً شهردار تهران باید پاسخگویی عدم کارآمدی خود و دوستانش در شوراهای شهر پیشین باشد.»

وی با انتقاد از شهردار تهران در اظهار نظرهای عنوان شده با بیان اینکه ایشان باید پاسخگویی دادخواست‌شان در برابر مردم باشند به دوران حضور آقای نجفی در شورای شهر اشاره و خاطر نشان کرد: «اظهارات آقای نجفی فرار رو به جلو برای عدم پاسخگویی در حوزه کاری خود در مجموعه مدیریت شهری است. شهردار



نگاه حزبی و جناحی او به قالیباف شاید نشان از واگمراهی برای ماندن در ساختمان شهرداری دارد.
بهتر بود او به جای سیاه‌نمایی سعی می‌کرد، از کارآمدی قالیباف در اداره الگو بگیرد.

۴ ماه برای شهر چه برنامه‌ای داشته‌اند و یک شهر را با جمعیت ۱۰ میلیون نفری چگونه می‌خواهند اداره کنند نه اینکه همه چیز را سیاه و خاکستری نشان دهند و این نهایت بی‌انصافی است، مردم پارک‌ها، بزرگراه‌ها، مترو، بی‌آرتی، سراسر محلات، مجموعه‌های بزرگ فرهنگی و... را با چشم خود دیده‌اند و دادن این نگاه منفی فقط دیدن نیمه خالی لیوان است که به دور از حق و انصاف خواهد بود، اگر می‌خواهند انتقادی هم کنند باید از روی واقعیت صحبت کنند و بعد حسن انجام کار را بگویند نه اینکه خلاف واقع گزارش دهی کنند.

اخبار متعددی داریم که در ماه‌های اخیر جمع زیادی بدون کوچک‌ترین سابقه‌ای به شهرداری آمده‌اند و در انتصابات اخیر هم می‌بینیم که بسیاری از آنها خارج از شهرداری بوده‌اند و این ایراد به نظر می‌رسد جای پاسخ‌دهی دارد. آیا این پرسنل موجود در شهرداری که حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر می‌شوند کافی نبوده که حالا از خارج از شهرداری استخدام کرده‌اند و اگر هم این درست بوده چرا برای مدیریت قبلی استخدام نیروی جدید کار ناشایستی است اما برای مدیریت فعلی خوب است.

این نشان می‌دهد نگاه بی‌طرفانه‌ای وجود ندارد. «تشریح‌های شمی در پاسخ به این سوال که پس چرا برای ۱۳۵ هزار نفر فیش حقوقی صادر شده است، گفت: «جای تعجب دارد که چرا اطلاعات ناروا در جامعه منتشر می‌شود به جای دادن اطلاعات غلط کاش کمی فکر می‌کردند و می‌گفتند چگونه ۴ سال آینده را اداره خواهند کرد.»

ما در شهرداری شرکت‌های پیمانکار داریم، مثلاً پیمانکار فضای سبز داریم که گاهی حقوق نیروهای خود را از شهرداری می‌گرفت اما به موقع پرداخت نمی‌کرد که باعث تجمع و اعتراض نیروهایش شده بود، در مدیریت قبلی تصمیم گرفتیم با توافق پیمانکاران لیست نیروها را به شهرداری بدهیم و از سرجمع صورت وضعیت‌ها حقوق کارگران داده شود، پرسنل شرکت باز یافت هم همین وضعیت را داشت، ما کمیته امداد نیستیم که افراد را تحت پوشش قرار دهیم.»

تاکتیک دسته جمعی

در این میان یک تحلیل دیگر هم این است که نجفی در این اقدام خود تنها نبوده و برخی اصلاح‌طلبان دیگر نیز از قبل برای این پروژه برنامه‌ریزی داشته‌اند. روزنامه اصلاح‌طلب آرمان پیش‌تر نوشته بود: «اگر

این موضوع را بی‌بیزیریم که محمدباقر قالیباف مرد کناره‌گیری از عرصه سیاسی نیست و سکوت او را به منظور سازماندهی نیروهای نزدیک به خود برای فتح سنگر مجلس بدانیم، باید افشاگری محمدعلی نجفی را تیر خلاص اصلاح‌طلبان به نقشه‌های قالیباف برای ورد به مجلس یازدهم بدانیم.» روزنامه آرمان در ابتدا نگرانی خود را از حضور قالیباف در انتخابات و فعالیت‌های سیاسی کشور چنین بیان می‌کند: «بعد از انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی اصلاح‌طلبان در این انتخابات و انتخابات شورای شهر تهران، محمدباقر قالیباف جز یک بار آن هم به صورت کوتاه هیچ‌گونه اظهارنظر مهمی در عرصه سیاسی نداشته است. در همان یک بار هم او اعلام کرد اگر انصراف نمی‌داد به طور یقین نتیجه انتخابات ریاست جمهوری تغییر می‌کرد. اگر این اظهارنظر را تنها اظهارنظر مهم قالیباف بعد از پذیرش شکست از روحانی و انصراف به نفع حجت‌الاسلام رئیسی بدانیم، از فحوای سخن وی می‌توان اینگونه برداشت کرد که قالیباف این سردار شکست خورده عرصه سیاست، قصد کناره‌گیری از عرصه سیاسی را ندارد.

هرچند او این روزها سکوتی سنگین را سرلوحه کار خود قرار داده است اما برخی اعتقاد دارند قالیباف درصدد تجدید قوا و احتمالاً اقدامات تشکیلاتی بر محور جمن و اصولگرایان در انتخابات مجلس آینده است. او به شدت در حال رصد تحركات اصلاح‌طلبان و برخی از جداشدگان از مکتب اصولگرایی برای برنامه‌ریزی در جهت حضور خود و مدیران نزدیکش به همراه برخی اصولگرایان در مجلس یازدهم به منظور بازگشت به چرخه سیاست است.» این در حالی است که زیبا کلام از فعالان جریان اصلاحات، افشاگری‌های اصلاح‌طلبان را زمینه تخریب موفقیت‌ها و سوابق اجرایی قالیباف - به عنوان یکی از مهم‌ترین امتیازات وی - می‌داند و می‌نویسد: «شاید تنها نقطه قابل اتکای قالیباف برای بقا در صحنه سیاسی کارکرد وی به عنوان یک نیروی اجرایی موفق اصولگرا باشد که پرواضح است از این بابت هم عملکرد دوازده‌ساله آقای قالیباف و حقایق و افشاگری‌هایی که در رابطه با دوره مدیریت وی هر روز در حال مطرح شدن است، نشان‌دهنده عدم کامیابی او به عنوان یک نیروی اجرایی کارآمد است. حتی اگر این فرض را در نظر گرفته که تنها بخش کمی از اتهامات وارد شده توسط اشخاصی همچون دکتر حافظی و شورای شهر فعلی تهران در رابطه با عملکرد آقای قالیباف از جمله عقد

قراردادهایی غیر شفاف در زمان تصدی وی، حجم بالای استخدام‌های بی‌ضابطه و بدهی هنگفت شهرداری به دولت و بخش خصوصی صادق باشد، در این صورت نمی‌توان نمره قابل قبولی به عملکرد او به عنوان شهردار تهران داد.»

در حالی که ناامیدسازی اصولگرایان از باقر قالیباف در نوشته‌های جریان اصلاحات به وضوح دیده می‌شود؛ صادق زیبا کلام همچنین درباره اثر افشاگری‌های اصلاح‌طلبان درباره قالیباف و تاثیر آن در آینده سیاسی وی نوشته است: «شهردار سابق تهران، امروز چه در اذهان عمومی مردم و چه در طیف‌های مختلف سیاسی به ویژه اصولگرایان به عنوان یک نیروی سیاسی تمام شده به حساب می‌آید و هیچ‌گونه آینده و جایگاه سیاسی را چه در میان اصولگرایان چه خارج از محدوده این طیف نمی‌توان برای او متصور شد.

آنچه مشخص است اینکه آقای قالیباف امروز چه در میان اذهان عمومی جامعه و چه در میان اصولگرایان و دیگر طیف‌های سیاسی به عنوان یک نیروی سیاسی و اجرایی پایان یافته است و نمی‌توان برای او آینده‌ای مشخص متصور بود. مصطفی درایتی، از فعالان اصلاح‌طلب نیز در راستای ناامیدسازی جریان اصولگرا از آینده سیاسی قالیباف نوشته است: «از منظر دیگر گزارش نجفی آینده سیاسی قالیباف را مجهول کرده است. او که سابقه‌ای طولانی در شهرداری تهران داشته، اکنون باید بر اساس گزارش شهردار تهران به افکار عمومی پاسخگو باشد. قالیباف همواره سعی می‌کرد از سکوی شهرداری برای پریدن به پاستور استفاده کند که البته هر بار ناکام ماند. واقعیت آن است که باتوجه به شکست‌های پیاپی آقای قالیباف از نمایندگانی جریان اصلاحات و عملکرد نه‌چندان شفاف وی در شهرداری تهران او دیگر فاقد آینده سیاسی روشن است. قالیباف را باید تمام شده پنداشت و جریان اصولگرا نیز اگر بخواهد آینده سیاسی خود را به قالیباف گره بزند، نمی‌تواند دست‌آورد موفقی در ورود به عرصه سیاسی داشته باشد. زمانی که یک شخص چندین بار خود را در معرض رای مردم قرار می‌دهد، دیگر نمی‌تواند به عاملی برای ایجاد کنش سیاسی در کشور یا پویایی یک جریان سیاسی از منظر داخلی تبدیل شود. هرچند این فرد دارای سابقه فراوانی باشد. بسیاری از اصولگرایان نیز به این نتیجه خواهند رسید که دوران قدرتمندی سیاسی قالیباف به سرآمده است. در نتیجه اگر جریان اصولگرا آینده خود را با قالیباف پیوند بزند، دچار خطای استراتژیکی شده است. بازی کردن با یک مهره ناموفق می‌تواند یک جریان سیاسی ناموفق را در معرض نابودی قرار دهد.

گذشته از اینکه قالیباف در آینده در میان اصولگرایان چه وزنی خواهد داشت و آیا اصولگرایان تمایل دارند خود را در سبد قالیباف بریزند یا نه، واقعیت آن است که قالیباف اکنون باید در مقابل عملکرد خود در شورای شهر تهران پاسخگو باشد. بدهکار کردن شهرداری تهران آن‌هم به میزان درآمد سه سال این نهاد چیزی نیست که از دید مردم مورد غفلت قرار بگیرد. از این گذشته نهادهای قضایی و نظارتی نیز به گزارشات شهرداری کنونی تهران در مورد عملکرد گذشته شهرداری ورود کنند تا سره از ناسره جدا شود.»

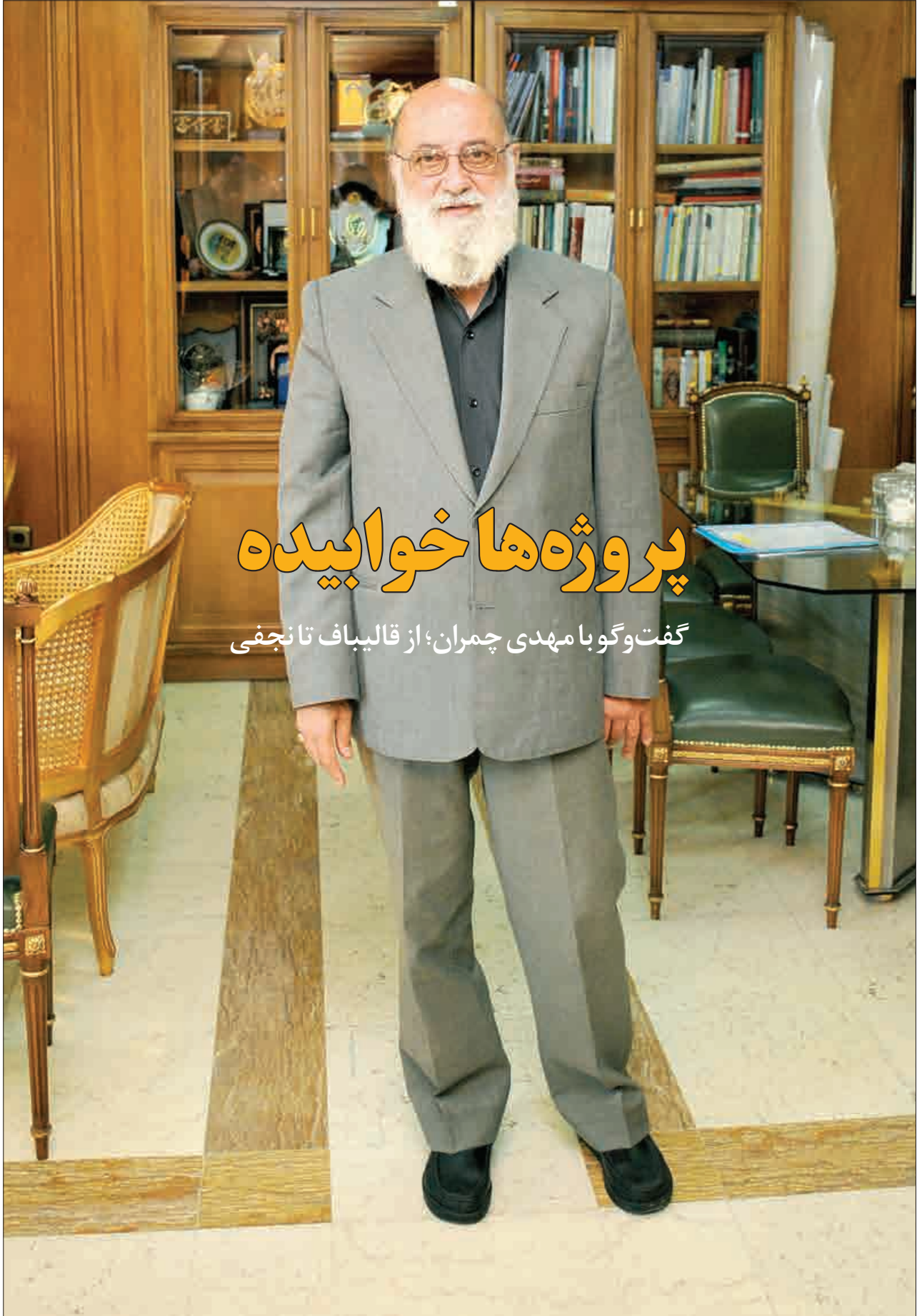
هر چه باشد به نظر می‌رسد که محمدعلی نجفی دیگر زمان زیادی برای ماندن در بهشت ندارد.

آیا او در سال ۹۷ در بهشت خواهد ماند؟ نگاه حزبی و جناحی او به قالیباف شاید نشان از واهمه‌اش برای ماندن در ساختمان شهرداری دارد.

بهبتر بود او به جای سیاه‌نمایی سعی می‌کرد، از کارآمدی قالیباف در اداره الگو بگیرد. ▶



دادستان تهران از نامه خود به شهردار تهران برای ارائه مستنداتش درباره تخلفات مالی شهرداری سابق خبر داد



پروژه‌ها خوابیده

گفت‌وگو با مهدی چمران؛ از قالیباف تا نجفی

گزارش ۱۰۰ روزه‌ای که آقای نجفی به شورای شهر تهران ارائه کرد، انتقادهای واکنش‌های زیادی را به همراه داشت. خودتان وقتی این گزارش را رویت کردید و اخبار مربوط به آن را شنیدید، چه ارزیابی‌ای داشتید؟

▲ من گزارش را ندیدم اما گفتند «گزارش مفصلی است». من بخش‌هایی از صحبت‌شان را شنیدم و بخش‌هایی را هم در رسانه‌ها دیدم ولی متأسفانه خود اصل متن گزارش را با جزئیاتش ندیدم. معتقدم همه مسائلی که طرح می‌شود باید مستدل باشد، حال آنکه بخش عمده‌ای از موضوعات مندرج در این گزارش فقط ادعا شده بود و مدرک، سند و استدلالی برایش وجود نداشت.

آقای چمران! شما ۱۳ سال رئیس شورای شهر تهران بودید و آقای قالیباف نیز ۱۲ سال مسئولیت مدیریت شهر تهران را برعهده داشت. برخی موضوعات مطرح شده در گزارش آقای نجفی را به سیاه‌نمایی تعبیر می‌کنند، فکر می‌کنید مردم چه قضاوتی کردند وقتی با چنین گزارشی مواجه شدند؟

▲ باید از خود مردم سوال بشود که نظرشان در این مورد چیست؟ من جزئیات و مسائل را در جریانم و می‌دانم، به خصوص آنهایی که در ارتباط با شورا است. حالا قراردادهایی گفته شده که شهردار باید بباید قراردادها را اعلام کند، با چه کسی، چگونه، چه زمانی بسته است؟ چون شورا از قراردادهای شهرداری خبر ندارد ولی آن مسائلی که در ارتباط با شورا بود، سیاه‌نمایی می‌دانم، یعنی اینگونه نبود که حسابداری ما می‌باشد، چون لغت دیمی را به کار بردند، این سخن درستی نیست و هر کسی از اصول حسابداری و حساب و کتاب سررشته داشته باشد، می‌داند که چند هزار میلیارد تومان را نمی‌شود دیمی برد و هزینه کرد. ما برای تصویب بودجه شهرداری، شرکت‌ها و سازمان‌ها کلی در شورا بر سر و کول هم می‌زدیم؛ بعد برای تفریح بودجه، بهترین حساب‌رسان قسم خورده و درجه یک را با رای همه اعضا انتخاب می‌کردیم، یعنی شهرداری در انتخاب آنها دخالتی نداشت. نتیجه هر سال حسابداری را برای بررسی دقیق و موشکافانه در یک کمیسیونی که روسای کمیسیون‌ها بودند، می‌آوردند و سپس گزارش‌هایی در صحن شورا قرائت می‌شد. الان هم بسیاری از حسابداری‌ها مانده که هنوز نیآورده‌اند. باید بیاورند و این‌ها را قرائت کنند. حسابرسان خود می‌آمد

۲ مهدی چمران در واکنش به گزارش ۱۰۰ روزه نجفی، شهردار تهران به شورای شهر گفت: «بخش عمده‌ای از موضوعات مندرج در این گزارش فقط ادعا شده بود و مدرک، سند و استدلالی برایش وجود نداشت.» رئیس شورای شهر چهارم تهران یاد آور شد: «شورای شهر و شهردار تریبون دارند و می‌گویند و صدا و سیما و روزنامه‌ها همه می‌نویسند اما تریبون مدیریت قبلی چند سایت است ولی به عقیده من باید از آنها هم سوال شود و آنها هم پاسخگو باشند.»

همه بندهای حسابداری را قرائت می‌کرد؛ مثل مجلس شورای اسلامی هم نبود که دیوان محاسبات بیایند و در عرض یک ساعت یا دو ساعت یک گزارش بدهد و تمام شود؛ خیر. شاید بیش از چند ماه قرائت گزارش‌های حسابداری طول می‌کشید چون بخش اعظم نظارت ما در همین بحث‌های حسابداری بود. برای اولین بار در شهرداری ما آمدیم و بحث نقدی و غیرنقدی را مطرح کردیم چون در شهرداری بخش غیرنقدی مطرح نبود، بنابراین حساب و کتابی برای بودجه‌های غیرنقدی اصلا وجود نداشت. چکش را می‌گرفتند و برای سال بعد می‌گذاشتند، بعد آن موقع وقتی نقد می‌شد، به حساب می‌آوردند، منتها ما تمام غیرنقدی‌ها را هم به حساب آوردیم و فشار زیادی را در دوره سوم تحمل کردیم که این نقدی و غیرنقدی را در سیستم حسابداری شهرداری مورد توجه قرار دهیم؛ همان طور که گفتم قبلش به این دقت نبود. البته من نمی‌گویم «دیمی» بود، بلکه می‌گویم «به این دقت نبود».

بعد از این اتفاق دقت کافی شد، همان طور که الان هم است، ما خزانه داشتیم و تمام پول‌ها باید به حساب خزانه واریز می‌شد و از آنجا به بخش‌های دیگر تخصیص داده می‌شد. بنابراین حساب و کتاب شهرداری را ما آنلایم و هر روز داشتیم و می‌توانستیم کنترل کنیم و کنترل هم می‌کردیم. بعد هم حسابداری سالانه داشتیم. حسابداری سال‌های اولی که ما آوردیم و انجام دادیم، خود حسابرسان گفتند «غیرقابل بررسی است»، به خاطر اینکه حساب و کتاب درستی نبود؛ بعد یک مصوبه‌ای داشتیم که آنچه تا قبل از سال ۸۲ است، همه را کنار بگذاریم، چون از آن موقع کلی ما فاقد داشتیم که مانده بود.

فاقد چیست؟

▲ فاقد یک اصطلاحی در شهرداری است، یعنی

بودجه‌ای خرج شده اما با برنامه انحراف داشته است. بنابراین قبل از سال ۸۲ را گذاشتیم و از ۸۲ به بعد را حسابداری کردیم. و این کار را تا سال گذشته انجام دادیم. چند روز پیش هم من خوشحال شدم چون دیدم شورای شهر پنجم دوباره برای بررسی حساب‌های سال گذشته شهرداری حسابرسان انتخاب کرد. ما برای اولین بار در شرکت‌ها و سازمان‌های شهرداری که طبق اساسنامه خودشان می‌توانستند حسابرسان بگیرند و نتیجه حسابداری را ارائه می‌دادند، گفتیم این کار را قبول نداریم و باید شورا حسابرسان معین کند. در واقع آنها برای خودشان حسابرسان معین می‌کردند، ما نیز در شورای شهر حسابرسان جداگانه‌ای را تعیین می‌کردیم که مدتی هم بحث شد که این دو تا یکی شوند، اعضای شورا نپذیرفتند و گفتند ما کارمان را مستقلا انجام می‌دهیم. برای اولین بار شرکت‌های شهرداری را هم حسابداری و نتیجه را در صحن علنی شورا اعلام کردیم. این کار، یک کار دقیق حسابداری بود بنابراین گفتن اینکه حسابداری دیمی بوده، دور از انصاف است و کلام صحیحی نیست. حالا مسائل دیگری هم مطرح شده بود.

در مورد موضوع نیروی انسانی، من انتظار داشتم و انتظار دارم که معاونان یا خود جناب آقای شهردار سابق بیایند و پاسخ دهند و ریز مسائل را روشن کنند چون آنها در پایان دوره به طور کتبی و رسمی به صحن شورا گزارش ارائه دادند. البته دیدم معاون مالی مدیریت گذشته شهرداری در یکی از رسانه‌ها دفاع کرده بود و رقم بدهی را ۱۴/۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و گفت چقدر به کجاها شهرداری بدهکار است. پس دقیقاً رقم بدهی شهرداری مشخص بود اما یکدفعه اعلام شد رقم بدهی شهرداری ۵۷ هزار میلیارد تومان است که احتمالاً جمع رقم پروژه‌های نیمه‌تمام و بدهی‌های سال آینده بیشتر از این بشود، البته گفتیم آنها را بایستی دوستان بیایند و خودشان پاسخ دهند. آنچه در ارتباط با شورا است، در مورد حسابداری، برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و جزئیاتی که هیچ وقت در گذشته دنبال نمی‌شد، همه را با دقت تمام دنبال و در صحن شورا قرائت شد و حتی اگر خلاقی می‌دید یا اعضای شورا خلاقی را تشخیص می‌دادند به سازمان بازرسی و قوه قضائیه ارسال می‌شد تا در دادگاه مطرح شود و نتیجه‌اش را هم دستگاه قضایی اعلام می‌کرد که در خیلی از موارد گفتند «تخلیفی نیست»، البته بعضی از آنها هنوز هم در دادگاه مطرح است، بنابراین شورای شهر نه تنها آن حسابداری و حسابداری را انجام می‌داد، بلکه اگر خلاف را هم می‌دید، این تخلف را رسماً به شهردار و مراجع قضایی منعکس و پیگیری می‌کرد تا رفع شود و از شهرداری گزارش می‌خواستیم که نتیجه رفع آن خلاف را هم ارائه دهد، بنابراین همین طور بخواهند مطالبی را بدون استدلال و پشتوانه عنوان کنند، غیرمنصفانه است. البته من یک بحث کلی هم دارم، گزارش ۱۰۰ روزه با اینکه، دیگران قبلاً ۱۲ سال پیش چه کرده‌اند، کاملاً متفاوت است. باید گفت چه کرده‌اید، نه دیگران چه کرده‌اند یا نکرده‌اند؟ در ۱۲ سال واقعاً یک تهران دیگری ساخته شد و کسانی که تهران را بعد از ۱۲ سال ببینند، به خوبی می‌توانند قضاوت کنند. اینکه الان می‌شود و چه می‌کنند، بحث دیگری است.

بایستی بگویند چه می‌کنند و الان چه دارند چه اقدامی انجام می‌دهند؟ کدام پروژه را در دست تکمیل دارند؟ خط ۷ مترو را تکمیل می‌کنند؟ پروژه پل‌های بزرگراه ارتش و بزرگراه امام علی (ع) را تکمیل می‌کنند؟ بزرگراه شهید صیاد شیرازی، پل شهید لاجوردی را که روی خیابان صنایع است تکمیل می‌کنند؟ بزرگراه یادگار امام که انتهایش باید به پل شهید کاظمی متصل شود و به سمت فتح و میدان ۹ دی برود در حال تکمیل است؟ پروژه ۹۴



زمانی که نجفی در شورا بود انتقاد به قالیباف نداشت



که اگر آنها به او فشار می‌آورند، این فشار نه به خاطر گزارش یا عدم گزارش بلکه به دلیل یک سری معادلات سیاسی است که خودشان روی آن حساب بازی می‌کنند. من فکر می‌کنم آنچه الان اتفاق می‌افتد و فشار است، برای آن است که چرا کاری انجام نمی‌شود؟ این را عموم مردم می‌گویند که چرا کاری انجام نمی‌شود؟ اگر کاری هم در حال انجام است چرا کند و اینقدر لخت پیش می‌رود؟ حتی عده‌ای هم می‌گویند «اگر قراردادهای قبلی نبود، معلوم نبود الان وضع رفت و روب شهر تهران چگونه بود»، چون امتداد همان قراردادهاست، ما انتظار داشتیم با همین سرعتی که روند کار پروژه‌ها و قراردادها جلو می‌رفت، ادامه می‌یافت، نه اینکه متوقف شود. الان دارد وضعیت به حالت قبل از سال ۸۲ برمی‌گردد که چند سال شهرداری متوقف بود و کار مهمی در آن انجام نمی‌شد، امروز نیز اقدامات شهرداری به نزدیک توقف رسیده است. حالا اینکه سوال شد این گزارش فشارهای سیاسی را کم می‌کند یا خیر؟ معتقدم فشارهای مردمی را بیشتر می‌کند و بیشتر هم کرد. خوب توقعات مردم بالا می‌رود، نه اینکه بالا رود، مردم می‌پرسند «شما الان برای شهر چه کردید؟» به فرض آن موقع اشتباهاتی شد، به دادگاه بدهید، ولی الان بگویید چه می‌کنید، الان چگونه این کار را می‌کنید؟ همین که بگویید ما می‌خواهیم با فساد مبارزه کنیم، ادعا کردن این مساله کافی نیست، روش‌اش چیست و چه کار می‌خواهید بکنید، با فساد گذشته می‌خواهید مبارزه کنید یا آنکه روش کاری‌تان را می‌خواهید روشن کنید؟»

به نکته‌ای اشاره کردید که انتظار دارید مدیران شهرداری دوره مسئولیت آقای قالیباف بیایند و پاسخ دهند به مواردی که در این گزارش ۱۰۰ روزه آقای نجفی وجود دارد. آیا شما انتظار دارید آنها چطور واکنشی نشان دهند؟

▲ من البته در برنامه تلویزیونی دیدم که مثلا معاونت حمل و نقل در مورد دوطبقه کردن اتوبان صدر صحبت می‌کردند، ایشان می‌گفت «اگر می‌گویید این پروژه بیخود است، آن را بنیدید و ببینید چه اتفاقی می‌افتد». البته من می‌گویم «هر بچه‌ای هم می‌تواند

که طبق قانون باید به اطلاع مردم رسانده و برای وزارت کشور به صورت رسمی ارسال شود. این اهمیت دارد، حالا شهردار خودش بیاید، یک گزارش دهد، فی‌نفسه بدون اینکه سند و مدرکی اعلام کند، آن گزارش، گزارشی نیست که بتوان رویش حساب کرد، ولی روی گزارش حسابرس را می‌شود حساب باز کرد. یعنی قابل اتکا و مهم است. البته شهرداری در ۱۰۰ روز کمتر هم می‌تواند گزارش تهیه کند اما این با گزارشی که حسابرس تهیه می‌کند، متفاوت است. حسابرس تک‌تک اسناد را بررسی می‌کند، مدارک کمبود را می‌گیرد، اگر مدارک کمبودها را نتوانست تامین کند، در گزارش خودش با جزئیات می‌نویسد که من این مدارک را خواستم، ولی به من ندادند، به این گزارش می‌شود استناد کرد ولی گزارش‌هایی شبیه آنچه آقای نجفی ارائه داد، قابل استناد نیستند.

بعد از اینکه آقای نجفی شهردار تهران شد، طرف ک مدت کوتاهی انتقادهای به عملکرد او از سوی اصلاح‌طلبان شدت گرفت. برخی معتقدند «آقای نجفی با ارائه این گزارش، می‌خواست فشار این انتقادهای به خود کم کند.» فکر می‌کنید آقای نجفی موفق می‌شود با چنین روش‌هایی خودش را از زیر فشار انتقادات خارج کند؟

▲ مسائل پشت پرده سیاسی را من نمی‌دانم، چرا

این روحیه‌ای که آدم اول کار مدام بگوید فلانی بد کار کرده، مناسب نیست. یعنی ما متاسفانه در کشورمان یک روشی را پیش گرفتیم که همه می‌آیند و می‌گویند قبلی‌ها بد هستند، چنین صحنه‌ای را وقتی جوانی مشاهده می‌کند چه قضایاتی خواهد کرد وقتی می‌بیند همه این آدم‌ها پشت سر قبلی‌ها بد می‌گویند، در حالی که در زمان خودشان آدم‌های خوبی قلمداد می‌شدند

درصد تمام شده پایانه شرق را به اتمام رساندند؟ خیر، این پروژه‌ها همه خوابیده و کاری نمی‌شود. حالا آمده‌اند روی اینکه ۱۲ سال پیش چه شده یا چه نشده، ایراد می‌گیرند. این فلسفه که همه‌اش بگویم تقصیر قبلی‌ها است، برای مردم مشمنز کننده است. الان بگویند که چه می‌کنند و چه کردند و چه در چنته دارند.

به طرح ادعاهای بدون سند در گزارش آقای نجفی اشاره کردید که تداعی گر کارهای آقای احمدی نژاد است، او نیز برای حرکت روبه جلو چنین روش‌هایی را به کار می‌گرفت. همان دوره اصلاح‌طلبان منتقد این رویکرد و رفتار آقای احمدی نژاد بودند. به نظر شما چرا خودشان در این وادی قرار گرفتند؟

▲ حالا من به رئیس جمهور قبل کاری ندارم که چنین کاری می‌کرد یا نمی‌کرد، این دوستان منتقد بودند یا نبودند، ولی به طور کلی این روحیه‌ای که آدم اول کار مدام بگوید فلانی بد کار کرده، مناسب نیست. یعنی ما متاسفانه در کشورمان یک روشی را پیش گرفتیم که همه می‌آیند و می‌گویند قبلی‌ها بد هستند، چنین صحنه‌ای را وقتی جوانی مشاهده می‌کند چه قضایاتی خواهد کرد وقتی می‌بیند همه این آدم‌ها پشت سر قبلی‌ها بد می‌گویند، در حالی که در زمان خودشان آدم‌های خوبی قلمداد می‌شدند.

این اعتماد عمومی را سلب می‌کند، بنابراین اگر بد هستند و بد بودند، آن نقاط ضعف، تخلف بوده و به قول دادستان محترم برای قوه قضائیه بفرستند، اینکه حالا بیایند و بایستند و بگویند تخلف شده، این دردی را دوا نمی‌کند. مثلا من چند روز پیش هم دیدم که گفتند بدی آب و هوا تقصیر قبلی‌ها است. خوب این مدسه که هر چه می‌شود، می‌گویند تقصیر قبلی‌هاست. این روش و نحوه برخورد درست نیست، باید نشان دهند خودشان الان چندم‌دهه حلاج هستند.

شما خودتان شش سال در شورای شهر سوم با آقای نجفی از نزدیک ارتباط داشتید. انتظار داشتید آقای نجفی که آن دوره موافق عملکرد آقای قالیباف بود و هیچ انتقاد و تذکر و اخطار صریح و جدی هم به آقای قالیباف نداشت، امروز چنین گزارشی را مطرح کند؟

▲ حالا انتظارداشتن یا نداشتن من صحیح نیست، هر کسی می‌تواند در زمان خودش تصمیم مقتضی را مطابق همان زمان اتخاذ کند. البته بحث نان به نرخ روز خوردن با آن فرق می‌کند. آدم می‌تواند در زمان حال فکر کند که باید این کار را بکند یا نه. بله، ایشان جزو کسانی بود که به آقای قالیباف رای داد، حسابرسی‌ها را در شورا می‌شنیدند، تفریح بودجه‌ها را شاهد بود و اصلا خودشان در کمیسیون برنامه و بودجه حضور داشت و من انتقاد شدیدی از ایشان به آقای قالیباف در خاطر ندارم. حالا دقیقا یادم نیست که تذکر داشتند یا نه ولی اعتراض شدیدی را ندیدم.

برخی می‌گویند حسابرسی ۱۲ سال مدیریت شهرداری ظرف ۱۰۰ روز امکان ندارد. فکر می‌کنید واقعا این گزارش حداقل‌های کارشناسی را داشت؟

▲ من نمی‌دانم که چه کسی تهیه کرده و چگونه تهیه کرده است.

باتوجه به شناختی که به حوزه شهری و حسابرسی دارید بفرمایید.

▲ نه، اسناد و مدارک حتما باید همراه آن باشد. گزارش رسمی، گزارش حسابرس است، یعنی حتی خود شهرداری هم نباید گزارش دهد، باید سند و مدرک به حسابرس ارائه دهد. معتقدم گزارش حسابرس است



فاینانس و گشایشی باز شود، واگن‌های مترو از چین خریداری شد. این‌ها را باید حساب باز کنند. الان هم فاینانس باز کنند و بخواهند سفارش دهند و پول اول را بپردازند، یک سال تا یک سال و نیم دیگر واگن را به ما می‌دهند که تازه باید آن واگن‌ها را بیاوریم اینجا مونتاژ کنیم، چون ما حدود ۵۰ درصد واگن‌ها را در ایران می‌سازیم. حالا بوژی، موتور و یک سری قطعات و تجهیزات از چین باید خریداری شود، بقیه‌اش را در واگن‌سازی تهران می‌ساختند و هر از گاهی ۵۰، ۶۰ و ۸۰ واگن را وارد مترو می‌کردیم. این کافی نیست، ما حداقل باید الان هزار تا واگن بیاوریم و این را باید الان سفارش دهند که تا یک سال و نیم دیگر این واگن‌ها بیاید در خط قرار بگیرد. این مساله می‌تواند آلودگی هوای تهران را تقلیل دهد.

انتظار تان از آقای نجفی چه بود، چون خودش در دولت یازدهم حضور داشت؟

▲ ایشان در جلسه‌ای که با نمایندگان مجلس در برج میلاد داشت، اعلام کرد دولت تا به حال هیچ کمکی برای مترو و اتوبوس نکرده است. ما وقتی مدیریت شهری را تحویل دادیم هفت هزار دستگاه بود، الان تعداد اتوبوس‌ها کمتر شده و اتوبوسی نیز وارد نشده است. این اتوبوس‌های دوکابین را هم شهرداری باز راسا و بدون کمک دولت خریداری کرد و حتی گمرکش را هم داده است. این دولت و دولت قبل دیگر اتوبوس به تهران و هیچ شهری نداد، یعنی نخریدند و ندادند. حالا اگر قول می‌دهند و قول داده‌اند که می‌دهند، چه بهتر؛ باید اتوبوس برای شهر تهران تهیه کنند. تا دو سال آینده باید اتوبوس‌های شهر تهران طبق طرح جامع ترافیک به ۱۱ هزار دستگاه برسد. در حالی که امروز آمار اتوبوس‌ها زیر هفت هزار دستگاه است.

این نکته را هم یادآور شوم که هر سال حداقل هزار دستگاه اتوبوس در تهران فرسوده می‌شود. اتوبوس‌هایی هم که فرسوده شده، فعلا جایگزین نشدن و اگر همین طوری بخواهیم برویم، آمار اتوبوس‌ها در سال آینده به شش هزار دستگاه کاهش پیدا می‌کند، در حالی که باید زیاد می‌شد. بنابراین باید اقدام شود، با حرف کار به جایی نمی‌رسد. برای مترو هم گفته بودند تا عید ما هزار واگن می‌آوریم اما این حرف نیز عملی نیست چون تا سفارش دهند، خیلی زود این اتفاق بیفتد، یک سال طول می‌کشد تا بتوانند قطارهای مترو را بیاورند و مونتاژ کنند و حتی مونتاژ شده هم بخواهند بیاورند، کمتر از یک سال قطعاً طول نمی‌کشد. من خودم یاد هستم و آن موقع هم به آقای محسن هاشمی که مسئول مترو بود، اصرار می‌کردیم که سریع‌تر قطارها را به ناوگان مترو تهران اضافه کنند، ایشان خودش می‌رفت چین، آنجا برنامه می‌گذاشت و دستور حمل می‌داد و کارهایش را می‌کرد، باز یک سال طول می‌کشید تا بتواند قطارها تحویل بگیرد. بنابراین اینکه ما فقط بگوییم باید این کار کنیم، کافی نیست. این حرف باید عملی شود. واقعا باید واگن بخرند، واقعا باید اتوبوس بخرند، آن وقت خواهند دید که آلودگی هوای تهران بسیار کمتر از این خواهد شد.

صحبت‌های رئیس‌جمهور را هم می‌فرمایید چطور ارزیابی کردید؟

▲ حالا اجازه دهید به صحبت‌های آقای رئیس‌جمهور ورود نکنم، چون بحث زیاد شد، ولی در مورد شهر و در مورد آب و هوا و مترو و اتوبوس این بحث‌ها بود که خیلی خوب است، اگر اتوبوس بخرند، اگر به مترو کمک کنند که البته من در لایحه بودجه ندیدم چنین چیزهایی گذاشته باشند، حالا اگر می‌خواهند بگذارند، دیگر آن بحث دیگری است. ▶

فرا تر از این‌هاست، ولی به طور کلی الان کاری نشده که ما بخواهیم قیاس کنیم. حالا در آینده ان شاء الله که کار خوب شود. من این انتظار و توقع را دارم که بیایند و شروع به کار کنند.

به نظر شما اگر همین مشی و رویکردی که در گزارش ۱۰۰ روزه از آقای نجفی شاهد بودیم، بخواهد ادامه پیدا کند، چه آثاری برای مدیریت شهری خواهد داشت و ماحصلش برای خود جریان اصلاح طلب چه خواهد بود؟

▲ من فکر می‌کنم که یک شکست است، اگر بخواهد به همین روش ادامه پیدا کند. قطعاً و یقیناً باید در روش کاری خودشان تجدیدنظر و واقعا کار کنند. اینکه مدام ایراد بگیریم، مساله و مشکلی از مردم حل نمی‌شود و حتی گفتم برای مردم مشمئزکننده است که مدام بخواهند بنشینند و ایرادهای گذشته را گوش کنند. دوستان باید بدانند ایراد گرفتن تنها کافی نیست. اگر با این روش بخواهند جلو بروند، به جایی نمی‌رسند.

در صحبتی که آقای رئیس‌جمهور با مردم انجام داد، قسمتی هم در مورد حمل و نقل عمومی بود. شما صحبت‌های رئیس‌جمهور را چگونه دیدید و نظراتان چیست؟

▲ من منتظر عمل هستم، اینکه ما هم می‌دانیم و چند سال است می‌گوییم مترو ساخته شده و تونل‌ها و ریلش آماده است. خط هفت به عقیده من چون واگن نبود، تعطیلش کردند، وگرنه می‌توانست کار کند. خرید واگن کاری نیست که شهرداری بتواند راسا انجام دهد. یک تعداد محدودی را در سال می‌خرند و می‌آورند که شهرداری تهران هم این کار را کرده است، ولی باید

بفهمد وقتی سه لاین در پایین داریم، دو تا لاین در بالا، این وضعیت به تسهیل و روان‌سازی ترافیک کمک می‌کند؛ پس نیازی به بحث ندارد. حالا در مورد طراحی‌اش و در مورد مطالعه‌اش یا نحوه ساختش، یک بحث تخصصی است اگر کسی بحثی داشته باشد. این طرح حدود دو سال می‌آمد و می‌رفت، تا در شورا به تصویب رسید که انجام شود؛ هم از جهت ترافیکی و هم از جهت کنترل‌کنسیون یا ساختمان آن و سایر مسائل و یکی از کارهای ارزنده‌ای است که انجام شده و کلی جایزه و مدال بین‌المللی به آن تعلق گرفت که انجام شد؛ حالا اگر می‌گویند که تأثیری ندارد، آن را ببندند و ببینند چه می‌شود. اگر الان باز است چون به ترافیک کمک می‌کند. حالا به هر حال من دیدم ایشان این پاسخ را داده بود و معاونت دیگری که معاونت برنامه‌ریزی بود، آقای امانی دیدم مفصل در مورد آن ۱۳ هزار تا استخدام پاسخ داده بود که چنین ارقامی نبوده است؛ در واقع یک عده‌ای را تبدیل وضعیت کرده‌اند و استخدامی در کار نبوده است. بعد در مورد معاون مالی دیدم که درباره بدهی نیز پاسخ داده که اینقدر نبوده و نیست بلکه بدهی این میزان است. به هر حال می‌توانم بگویم که آنها در حال حاضر تریبونی در دست ندارند. شورای شهر و شهردار تریبون دارند و می‌گویند و صدا و سیما و روزنامه‌ها همه می‌نویسند اما تریبون مدیریت قبلی چند سایت است ولی به عقیده من باید از آنها هم سوال شود و آنها هم پاسخگو باشند.

به نظر شما آقای نجفی و اعضای شورای شهر پنجم در پایان دوره کارنامه قابل ارائه‌ای هم‌وزن مدیریت شهری در دوره چهارم یا دوره سوم یا حتی دوره دوم می‌توانند ارائه دهند؟

▲ من الان نمی‌توانم پیش‌بینی کنم، آنچه الان می‌بینم، این است که کار نمی‌شود. نه تنها قابل قیاس نیست، اصلا کار نمی‌شود که بخواهند قیاس کنند. برای اینکه همه تازه کار هستند، مثلاً شما تعداد مصوبات را ببینید، قابل قیاس نیست، کارهای عمرانی را ببینید، قابل قیاس نیست، کارهای اجتماعی را ببینید، قابل قیاس نیست. حالا فکر جدیدی است که ما در همه کارهای شهر ضرورت ندارد دخالت کنیم، فقط به کارهای خود شهرداری بپردازیم که این هم ایده‌ای است. البته از نظر من چندان پسندیده نیست، چون شهرداری وظیفه‌اش

هر کسی از اصول حسابداری و حساب و کتاب سررشته داشته باشد، می‌داند که چند هزار میلیارد تومان را نمی‌شود دیمی برد و هزینه کرد. ما برای تصویب بودجه شهرداری، شرکت‌ها و سازمان‌ها کلی در شورا بر سر و کول هم می‌زدیم؛ بعد برای تفریح بودجه، بهترین حساب‌رسان قسم خورده و در چه یک را با رای همه اعضا انتخاب می‌کردیم

اجرایی» هیچ وقت در پازل سیاسی اصلاح طلبان کامل نشد و آنها در این زمینه الگویی ندارند که به جامعه عرضه کنند.

بنابراین طبیعی است که حضور این چنین شخصیتی (عملیاتی و اصولگرا) در حوزه‌های سیاسی همچون ریاست شهرداری تهران و کوشش برای به دست گیری قدرت قوه مجریه هیچ گاه از سوی آنها تحمل نشود.

به راه انداختن ماجرای فساد در مسکن شهرداری تهران پیش از انتخابات ریاست جمهوری دور دوازدهم و ارائه مجموعه اسنادی در ۵۰۰ برگ که اخیراً از سوی آقای نجفی علیه قالیباف ارائه شد، دقیقاً بر همین محور قرار گرفته است. اصلاح طلبان تحمل فردی عملگرا را ندارند، چرا که سیستم مشروعیت بخش سیاسی آنها «ادبیات» و «گفتمان» (شما بخوانید) حرف است. این در حالی است که قالیباف با «عملگرایی» و «کار» توانسته است برای خود اقبال و محبوبیت ایجاد کند.

از این رو ارائه اسناد تخلف از سوی نجفی را باید سیاسی و به منظور متهم سازی قالیباف و در حاشیه نگه داشتن او دانست. بسیاری از تحلیلگران سیاسی اصلاح طلب بر این باور هستند که قالیباف سعی دارد در انتخابات مجلس حضور پیدا کند و از همین روست که سعی می کند با طرح مسائلی همچون فساد مالی و... برای او حاشیه امنی به وجود نیاورند. در واقع حضور قالیباف در عرصه سیاست هرگز برای اصلاح طلبان قابل پذیرش نیست، چرا که حضور چنین فردی که زبان «عمل» را خوب می داند، برای آینده این جریان سیاسی خوشایند نیست.

از سوی دیگر ارائه این اسناد در همان روزهای اول واکنش‌های جدی در پی داشت و دادستان تهران با اشاره به اینکه اگر این اسناد قابل اعتبار هستند بهتر است به منظور پیگیری در اختیار قوه قضائیه قرار بگیرد و به نامه‌ای با قید فوریت به شهردار تهران خبر داد تا او این اسناد را برای پیگیری در اختیار قوه قضائیه قرار دهد.

نکته قابل تأمل در رفتار سیاسی نجفی و تیم مدیریتی شهرداری تهران در اینجاست که آقای شهردار در دور سوم شورای شهر تهران نماینده مردم بوده و او یکی از رای دهندگان برای حضور مجدد قالیباف در شهرداری بوده است و در دوره چهارساله حضور خود هرگز شهردار را مورد سوال قرار نداده و قالیباف در دوره‌ای به عنوان شهردار تهران ماند که نیمی از اعضای شورای شهر مخالفان فکری او محسوب می شدند، اما هرگز مورد بازخواست همین اعضای اصلاح طلب هم قرار نگرفت.

بهتر است آقای نجفی به جای طرح این چنین مسائلی حاشیه‌ای که هیچ وقت قابل اثبات نخواهد بود و همگان بر سیاسی بودن آن واقف هستند، به اداره شهرداری تهران به عنوان نهادی خدماتی بپردازند و اگر کهولت و بیماری قلبی به او اجازه میدهد به مراکز زیر نظر خود بیشتر نظارت کنند تا فساد و رانت میلیاردری که امسال در جریان برگزاری نمایشگاه مطبوعات داده شد تکرار نشود.

این فساد آتقدر بزرگ بود که روزنامه قانون که رویه‌ای اصلاح طلبانه دارد، به آن پرداخت و مجبور به انتشار برخی از ابعاد آن شد. این روزنامه اصلاح طلب در ۹۶/۹/۶ خیر از رانت برگزاری نمایشگاه خودرور در شهر آفتاب داد و اشاره کرد که دو تن از مدیران ارشد شهرداری‌های تهران و مشهد افرادی هستند که از این رانت آشکار استفاده کرده‌اند.

به آقای نجفی باید پیشنهاد کرد که اگر دغدغه مبارزه با فساد را دارند. نگاهی به گزارش این روزنامه بیندازند و دستور دهند در خصوص شرکت «هرمس» کمی تحقیق شود. شاید متوجه شوند در زیر دست ایشان چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است. ▶



قالیباف، نداشته بزرگ جریان اصلاحات

تاملی بر رفتارهای سیاسی که علیه شهردار پیشین در جریان است



رضا حیدری

روزنامه‌نگار

وضعیت جسمانی نجفی به ریاست او در ساختمان خیابان بهشت رای اعتماد داده‌اند؟

البته بر کسی پوشیده نیست که جریان اصلاح طلبی در کشور حرکت سیاسی را بر هرکنش دیگری ترجیح داده است، از این رو این خرده بر آنها شاید وارد نباشد که یک شخصیت سیاسی اصلاح طلب را بر مسند بزرگترین شهرداری کشور (از لحاظ لجستیک و امکانات) قرار داده‌اند. نهادی که بیش از هر چیزی خدماتی است و باید به صورت عینی و کامل به رتق و فتق امور جاریه مردم تهران بپردازد. از سوی دیگر انتخاب این چنینی شخصی نشان از فقر شدید نیروهای اجرایی در میان اصلاح طلبان است. کافی است نگاهی به سر تا پای این جریان سیاسی انداخت تا متوجه شد که هسته مرکزی و ستون فقرات آن را نیروهای روشنفکر، کارشناسان سیاسی و عده‌ای از اساتید دانشگاه شکل داده‌اند که اساساً با مقوله کار اجرایی و عملیاتی آشنا نیستند.

این تحلیل را حتی می توان کلان تر برد و به گزینه‌های آنها برای ریاست جمهوری نگاهی انداخت. خاتمی، روحانی و عارف هیچ کدام حتی موسس یک «خیابان» نبوده‌اند که به صندلی قوه مجریه (عامل اجرایی و عملیاتی کشور) تکیه زده‌اند.

در واقع نجفی این روزها بر صندلی کسی تکیه زده است که مردم تهران او را با کارهای عظیم عمرانی‌اش می شناسند. شخصیت محمدباقر قالیباف دقیقاً همان نداشته بزرگ جریان اصلاح طلبی است. «کار و عملیات

انتخاب نجفی، مدیر پایه‌سن گذاشته اصلاح طلب به عنوان شهردار تهران را باید یکی از نقاط ضعف جدی شورای شهر دانست. نجفی پیش از این برای تصدی وزارت آموزش و پرورش از نمایندگان مجلس رای اعتماد گرفت و بعد از آن هم از ریاست سازمان گردشگری (یکی از حیاط خلوت دولت‌ها) به دلیل سنگینی و دشواری کار انصراف داد تا راحت تر بتواند با قلبی که آن را به تیغ جراحان سپرده بود دوران کهنسالی خود را پشت سر بگذارد.

اما مطرح شدن نام او و پذیرش سمت شهرداری تهران این سیاستمدار سالخورده را دوباره به عنوان یکی از سوزهای اصلی رسانه‌های کشور بدل کرد. هرچند که پذیرش شهرداری پایتخت برای بسیاری غیرقابل هضم بود و هنوز هم مورد طعن بسیاری قرار دارد که چطور او اداره سازمان گردشگری را به دلیل فشار و خستگی و انهداد اما حاضر شد یکی از اجرایی ترین و خدماتی ترین سمت‌های موجود در کشور را بپذیرد؟

البته بیش از اینکه این انتقاد به شخص نجفی وارد باشد، باید پیکان تند انتقاد را به سوی اعضای شورای شهر نشانه گرفت که بر اساس چه شاخص‌هایی و بدون توجه به

اصلاح طلبان هم اهل «بگم بگم» شدند

گفت‌وگو با محسن پیرهادی

امید کرمانی‌ها

خبرنگار

چرا اصلاح طلبان برای انتخاب شهردار تهران به نام نجفی رسیدند؟

▲ برای پاسخ به این سوال باید ابتدا ترکیب شورای شهر تهران را از نظر گذراند. شورای پنجم متشکل از ۴ طیف اصلی است. گروه اول اصلاح طلبان نزدیک به سید محمد خاتمی و حزب مشارکت هستند، دسته دوم کارگزارانی‌ها هستند. دسته سوم افراد نزدیک به دولت که البته با بخش قبل اشتراکاتی هم دارند و بخش چهارم افرادی هستند که در مجموع به صورت روشن در هیچ یک از این سه دسته قرار نمی‌گیرند، اگر چه در مجموع اصلاح طلب محسوب می‌شوند. اما دلیل قرارگیری آنها در لیست اصلاحات، نزدیکی به یکی از چهره‌های شاخصی بوده که مسئول بستن لیست بوده‌اند. از این جهت شورای پنجم تقریباً برآیند این ۴ دسته کلی است و گزینه این شورا

▲ محسن پیرهادی، عضو شورای شهر چهارم معتقد است: «گزارش شهردار به گفته خود و توسط عده‌ای درون و بیرون شهرداری تهیه شد، اما بیش از آنکه گزارش باشد یک بیانیه سیاسی است و در واقع کسی که در حال حاضر به واسطه مسئولیتش باید در موقعیت پاسخگویی باشد، با هجمه به دیگری و تخریب سازی، سعی در پوشش نا کارآمدی‌ها و نارسایی‌ها دارد تا زمان بخرد.»

برای عموم مردم هستند که فقط سران جریان خودشان به آنها مطمئن هستند و در واقع برای جریان اصلاحات سربازان خوبی هستند. بنا به این تحلیل باید گفت چند فرد و گروه بالادستی، مهم‌ترین تصمیم‌سورا یعنی انتخاب شهردار را هدایت می‌کنند و انتخاب نجفی هم، تصمیم همان بالادستی‌هاست و بسیاری از اعضای شورا، صرفاً به آن کسی که به آنها دیکته شده رای داده‌اند.

اساساً مدیر هزینه است. مدیری کاملاً ستادی و نه میدانی است و نزدیک به ۴۰ سال در مسئولیت‌های مختلف بوده و امروز ۶۷ ساله است. حتی در کشورهای موفق دنیا در مسائل اداری و دولتی معمولاً شهرداران افراد جوان هستند و نمونه‌های فعلی آن شهرداران فعلی لندن، پاریس، برلین و توکیو هستند که همگی در زمان انتصاب بین ۱۰ تا ۲۵ سال از شهردار فعلی تهران جوان تر بوده‌اند.

جالب است بدانید ۱۰۷ سال است که از تاسیس نهاد شهرداری تهران می‌گذرد و تهران در این مدت ۵۸ شهردار به خود دیده و غیر از چند نفر که اطلاعات چندانی از آنها موجود نیست، آقای نجفی کهن‌سال‌ترین شهردار تاریخ تهران است.

از سوی دیگر، مدیریت شهر تهران، نمونه کوچک‌تری از مدیریت کل کشور است و همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی بین‌المللی در آن وجود دارد. شهرداری تهران از آنجا که بودجه‌اش از طریق دولت تامین نمی‌شود، باید خودش به درآمد پایدار برسد و این یعنی شهردار تهران باید مدیر درآمد باشد، در حالی که آقای نجفی مدیر هزینه است و در مسئولیت‌های قبلی هم همین‌طور عمل کرده است.

آیا با نجفی می‌توان امیدوار به بهبود مدیریت شهری یا حفظ وضعیت کنونی بود؟

▲ اگر بنا باشد وضعیت به همین ترتیبی که در حال پیش رفتن است جلو برود، نه تنها تهران پیشرفتی نخواهد داشت، بلکه وضع موجود نیز حفظ نخواهد شد. شهر یک موجود زنده است و مرتباً رسیدگی می‌خواهد. به ویژه در تهران که در سطح بالایی از پیچیدگی است و به عنوان مثال جمعیتش بالغ بر ۹ میلیون نفر است و فقط اختلاف جمعیت صبح و شب آن ۵ میلیون نفر است. یعنی جمعیت شهر تهران از جمعیت بیش از ۱۰۰ کشور دنیا بیشتر است. در حال حاضر تهران رکود را طی می‌کند و ایستایی آن نه تنها وضع موجود را حفظ نخواهد کرد بلکه شاخص‌های کیفیت زندگی در حوزه‌های رفاهی، حمل و نقل عمومی، زیست محیطی و سرانه‌های آموزشی، تفریحی و ورزشی کاهش خواهد یافت.

چرا بعد از مدت کوتاهی اصلاح طلبان به منتقد نجفی تبدیل شدند؟ هجمه‌ها به نجفی برای چیست؟

▲ مسأله اول در علل ایجاد نارضایتی از نجفی در میان اعضای شورای شهر، انتصابات اوست. با توجه به ترکیب شورا انتصابات صورت گرفته نمی‌تواند رضایت همه را جلب کند چرا که هر گروه تلاش می‌کند افراد خود را در مسئولیت‌های مهم شهرداری ماهره چینی کند. از طرف دیگر طبیعی است که هر مسئولی پس از آنکه در بوته آزمایش به ویژه در مدیریت مشکلی مانند شهرداری تهران قرار گرفت، اقداماتش موافق و مخالفی پیدا کند، اعضای شورا چون برآمده از رای مردمند، مرتباً نارسایی‌ها را گزارش می‌کنند و نوک پیکان مردم به سمت آنهاست. نتیجه آن خواهد بود که آنها از شهردار ناراضی شوند.

از سوی دیگر شورای شهر باید نسبت به شهرداری دست بالا را داشته باشد و بر آن ناظر باشد، اما اکثریت شورای فعلی چون از اعتبار و شهرت کافی در حوزه اجتماعی و سیاسی برخوردار نیستند، در برابر شهرداری نمی‌توانند بالاتر باشند و نظارت داشته باشند، به طوری که آقای دکتر نجفی که ۳۰ سال پیش وزیر بوده، امروز نظارت و تذکر فردی که سن او از سابقه مدیریت خودش کمتر است را نخواهد پذیرفت و این عدم پذیرش و بی‌توجهی طبیعتاً نارضایتی اعضای شورا را به همراه می‌آورد.

از جهت دیگر این یک‌سایه‌گردهای جریان اصلاحاتی است که ابتدا با جلب حمایت حداکثری فردی را به مسئولیت می‌رسانند و بعداً وقتی متوجه نقاط ضعف



آیا حضور نجفی در جایگاه شهردار تهران انتخاب مناسبی برای مدیریت شهری بود؟

▲ انتخاب نجفی از جهت سیاسی، انتخاب مناسبی بود و در واقع دقیقاً مطابق با اهداف جریان اصلاح طلب بود. نجفی توانست وفاق خوبی در میان اعضای شورا و نفرت بالادستی جریان اصلاح طلب و کارگزاران به وجود آورد، اما از جهت کاری و عملکردی ایداً به صلاح نبود. آن قدر بخش سیاسی ماجرا در انتخاب شهردار پررنگ شد که اصلاح طلبان فراموش کردند باید شهرداری انتخاب کنند که برای شهر کار هم بکند. شهرداری ابر شهری مانند تهران، فردی عملیاتی، اهل کار میدانی، پرتحرک و نسبتاً جوان می‌خواهد که بتواند هم برای شهر درآمد کسب کند و هم برای آن هزینه کند، این در حالی است که آقای نجفی

برای سمت شهرداری تهران، باید مورد اتفاق هر ۴ گروه باشد. بنابراین گزینه‌ای مانند محسن هاشمی که کاملاً کارگزارانی است و چندان مورد تایید جریان مشارکت نیست، چندان اقبالی نخواهد داشت.

از سوی دیگر جریان اصلاحات با یک چالش جدی رو به رو بود و آن هویت سیاسی نمایندگان و ترس از ریزش و سرخوردگی بدنه اجتماعی بود. اتفاق مجلس ۹۴ که ۱۴۰ نماینده با لیست امید به مجلس رفتند اما ۱۰۷ نفر در رای گیری انتخاب رئیس به عارف رای دادند، کار را به جایی رساند که اصلاح طلبان این بار برای قراردادن اسامی افراد در لیست انتخابات شورا، سفت و سخت عمل کنند و بی‌گدار به آب نزنند. دقیقاً به همین دلیل است که بسیاری از اعضای فعلی شورای شهر پایتخت افراد ناشناخته‌ای



عوامانه بود

گفت وگوبا اقبال شاکری درباره گزارش ۱۰۰ روزه شهرداری

۵ اقبال شاکری، عضو شورای شهر چهارم تهران با انتقاد از گزارش ۱۰۰ روزه نجفی می گوید: «این گزارش عوامانه و فقط برای فرافکنی و زمان خریدن و فرار از مسئولیت بود. اگر اعضای محترم شورای شهر و شهردار محترم تهران این مسیر غلط را اصلاح نکنند، دوره مسئولیت خود را به پایان نمی رسانند و به سرنویشت شورای شهر اول دچار می شوند.»

با چنین گزارشی عملکرد خودش را به عنوان عضو شورای شهر دوره سوم زیر سوال برد. او ۶ سال عضو شورای شهر سوم تهران بود و گزارش امروزش صحت عملکرد آن ۶ سال عضویتش را انکار کرد چون دو روش متضاد با هم هستند. به نظر کار بسیار اشتباهی انجام داد و مردم قضاوت می کنند یعنی مردم قضاوت می کنند افرادی که در مصدر مسئولیت هستند، چه در شورا و چه در دولت چه کاری انجام دادند. کار بسیار اشتباهی بود و اگر بخواهند این مسیر را ادامه دهند نه تنها خدمتی به مردم نمی کنند بلکه شهر را هم با آشفتگی های زیادی مواجه خواهند کرد. این سیاه نمایی ها مردم را گمراه نمی کند، مردم خودشان قضاوت خواهند کرد و می دانند کسانی که کار کردند

■ امید کرمانی
خبیرنگار

شما عضو شورای شهر چهارم تهران بودید و از نزدیک مدیریت آقای قالیباف و مدیران شهرداری را رصد می کردید، اخیراً آقای نجفی شهردار تهران با حضور در شورای شهر گزارشی از عملکرد مدیریت گذشته شهرداری ارائه داد. وقتی شما این گزارش را شنیدید و اخبار مربوط به آن را دریافت کردید، چه ارزیابی داشتید؟

▲ به نظر من می آید شهردار تهران به خاطر کوتاهی هایی که در این مدت نسبت به خدمات شهری انجام داد، چنین گزارشی را قرائت کرد تا فرافکنی کند. او قرار بود گزارش ۱۰۰ روزه کارهای خود را بدهد اما به جای آن، به طرح گزارشی پرداخت که موضوع سوال است. به نظر من این اقدام آقای نجفی با هدف فرار از مسئولیت انجام شد.

موضوعاتی که او ذکر کرد، اولاً در تعریف اختیارات و وظایف شهردار نبود چون دستگاه قضایی باید نظر دهد، حداکثرش این است که موارد را به مراجع قضایی گزارش می کرد و از آنها می خواست پیگیری کنند. ثانیاً آقای نجفی

انتخاب خود می شوند حاضر نیستند تبعات آن را بپذیرند و از آن مسئول فاصله می گیرند. مشابه همین اتفاق میان سران جریان اصلاح طلب و دکتر حسن روحانی هم رخ داده تا جایی که حتی می گویند روحانی اصلاً اصلاح طلب نیست و انتخاب ما هم نبود.

گزارشی که نجفی در شورای شهر قرائت کرد و مدیریت قبلی شهرداری را مورد اتهام قرار داد، آیا تهیه شده توسط خود او بود؟ نجفی از طرح این گزارش چه هدفی داشت؟ آیا می خواست فشار اصلاح طلبان را از روی خود بردارد؟

▲ گزارش شهردار به گفته خود او توسط عده ای درون و بیرون شهرداری تهیه شد اما بیش از آنکه گزارش باشد یک بیانیه سیاسی است و در واقع کسی که در حال حاضر به واسطه مسئولیتش باید در موقعیت پاسخگویی باشد، با هجمه به دیگری و تخریب، سعی در پوشش ناکارآمدی ها و نارسایی ها دارد تا زمان بخرد. ضمن اینکه این اقدامات موجب رادیکالیزه شدن فضای جامعه و شیفت محور مباحث و مطالبات از کار و خدمت به سیاست است. اما این دوام نخواهد داشت و مردم حتی اگر از پیشبینیان ناراضی باشند، می خواهند بداند مسئولان فعلی چه برنامه ای دارند و برای بهبود اوضاع چه خواهند کرد.

این سلیقه سیاسی که همواره احمدی نژاد را به تمسخر می گرفت و می گفت او بدون استدلال نسبت به دیگران اتهام زنی می کند، چرا خود به الگو برداری از رفتارهای احمدی نژاد روی آورده است؟

▲ باید از خود آقای نجفی و جریان او پرسید که حالا چرا خودشان احمدی نژادی عمل می کنند. تهمت های بیجا، افشاکاری های دروغین، مدیریت هیجانی و غیر متعادل و به اصطلاح راه انداختن «بگم بگم» همان چیزی بود که مورد تمسخر اصلاح طلبان بود و حالا خودشان به همان روش روی آورده اند. البته من معتقدم که احمدی نژاد در این شیوه ها از دوستان حرفه ای تر عمل می کرد و اگر قرار بود این اقدامات دردی از کسی دوا کند برای احمدی نژاد موفقیتی ایجاد می کرد. سرگذشت چهره ها می تواند درس عبرت باشد.

به نظر شما وقتی این گزارش قرائت شد، چقدر در جامعه اثرگذار بود؟ مردم به گزارش نجفی چه واکنشی داشتند؟

▲ گزارش آقای نجفی از آنجا که در برابر محسوسات مردم قرار گرفت، بیش از آنکه باورهای مردم در مورد تحولات دهه گذشته تهران را زیر سوال ببرد، گزارش را زیر سوال برد. شهر تهران در ۱۰ سال گذشته با سرعت چشمگیری در اکثر حوزه ها رشد کرده و در مجموع سرمایه انسانی، اجتماعی و فیزیکی آن چند برابر شده است.

از همین جهت است که گزارش دکتر نجفی، نه تنها آن طور که خودشان انتظار داشتند موجی ایجاد نکرد، بلکه با واکنش منفی بسیاری از مردم روبه رو شد.

به نظر شما نجفی که هنوز چند ماه از آغاز کارش در شهرداری تهران نگذشته و به چنین روش های برای فرار از پاسخگویی رو آورده، در پایان دوره مسئولیت خود چه کارنامه ای برای عرضه دارد؟

▲ آقای نجفی باید سریعاً هم در همکاران و هم در برنامه های خود تجدید نظر کند. پایتخت ایران اسلامی قطعاً نباید این چنین اداره شود. اگر چه برخی نقاط ضعف مدیریت شهری فعلی قابل اصلاح نیست اما با همین وضعیت هم می توان نتیجه بهتری گرفت. به جای آنکه مرتباً در صدد یافتن نقطه ای برای تقابل باشند باید به بهبود وضعیت شهر بیندیشند که این برای خودشان هم بهتر است. ▶

با کسانی که کار نمی‌کنند و دائم سعی می‌کنند پرونده دیگران را زیر و رو کنند چه تفاوتی دارند.

شما به بحث تضاد در رفتار و نوع رویکرد آقای نجفی در حوزه مدیریت شهری بازمانی که عضو شورای شهر تهران بود، اشاره کردید، اصلاح طلبان در دوره سوم شورای شهر از جمله کسانی بودند که به شهردار شدن آقای قالیباف رای دادند و در واقع آن دوره از حامیان او بودند، این تضاد را آیا این طور معنی می‌کنید که آقای نجفی یک دوره حامی آقای قالیباف در شورای شهر تهران شده است برای توجیه عملکرد چندماهه خود منتقد آقای قالیباف شده است؟

▲ به نظرم همین طور است. یعنی اگر گزارش ۱۰۰ روزه ارائه می‌داد، مردم متوجه می‌شدند، چند دستگاه اتوبوس اضافه کرده است، چند خط بی‌آر تی جدید تعریف کرده است، چند ایستگاه مترو ساخته است، چند واگن به مترو داده است، چقدر در بهبود وضع ایمنی و نظافت و بهداشت شهر کمک کرده است چون هیچ چیز از اینها نگفته، یعنی بهتر دیده با فرافکنی، از پاسخگویی فرار کند، غافل از آنکه این کارش سابقه خود او را هم با تضاد مواجه کرد.

این گزارش آقای نجفی وقتی به مردم ارائه شد، واکنش‌های عمومی به این گزارش چه بود؟

▲ اخیراً در جمع دانشجویان و فرهیخته‌ای بودم، دانشجویان ریزبین هستند و معمولاً انتقادی همه مسائل را نگاه می‌کنند اما آن جمع دانشجویی بدون استثنا همه اعلام کردند، این آقای شهردار با گزارش ۱۰۰ روزه‌اش نشان داد که اصلاً امکان خدمتگذاری به مردم را ندارد. مردم در آینده متوجه خدمات آقای قالیباف می‌شوند و خواهند فهمید با توسعه خطوط مترو، بی‌آر تی، ایستگاه‌های مترو و احداث بزرگراه‌ها چقدر حمل و نقل شهری تسهیل شده است. این قضاوت برای خود من خیلی جالب بود. بنابراین آقای نجفی با این گزارش‌ها نمی‌تواند مردم را گمراه کند تا آنها نتوانند قضاوت کنند چه کسی کار کرد و چه کسی کار نکرد. در ثانی گزارش را برای پیگیری و قضاوت باید به مرجع قضایی بفرستند و نباید خود را در جایگاه قاضی قرار می‌دادند. اخیراً شاهد بودیم دادستانی هم به این

مردم در آینده متوجه خدمات آقای قالیباف می‌شوند و خواهند فهمید با توسعه خطوط مترو، بی‌آر تی، ایستگاه‌های مترو و احداث بزرگراه‌ها چقدر حمل و نقل شهری تسهیل شده است

اقدام اعتراض کرد. ثالثاً آقای نجفی نه تنها شهرداری را زیر سوال برد بلکه تمامی ارکان نظارتی و شش سال عضویت خودش در شورای شهر را زیر سؤال برد. یعنی آنها چیزی نمی‌فهمیدند اما آقای نجفی ظرف ۱۰۰ روز توانست وضعیت ۱۲ ساله شهرداری را بررسی و اظهار نظر و قضاوت کند. این کار عجیب و غریب و غیره صحیحی است. متأسفانه بای شده که برای آنکه بر آرا و احساسات سوار شوند، به جای آنکه بگویند چه کار کردند، دائم گذشته دیگران را می‌کاوند و مشق دیگران را خط می‌زنند. این کار بسیار اشتباهی است و مردم را ناامید کردن و کاری برای مردم انجام ندادن برخلاف خواست جامعه است. این روش اشتباه در دولت و شهرداری باید کنار بگذارند و بگویند خودشان چه کار می‌کنند. چقدر توانستند در وعده و وعده‌هایی که در زمان انتخابات دادند به آنها عمل کنند؟

شما این نکته را گفتید که این گزارش نمی‌تواند ظرف ۱۰۰ روز همه ۱۲ سال گذشته مدیریت شهرداری را رصد کند. آیا این گزارش توسط خود آقای نجفی تهیه شده است یا عده‌ای متنی را نوشتند و او فقط قرائت کرد؟

▲ من اطلاعی از ماهیتش ندارم باید از خود آنها سوال کرد که چطور اینقدر سریع توانستند این کار را انجام دهند. تهیه گزارش حسابرسی یک سال، حداقل ۶ ماه زمان می‌برد. ما هر سال درآمد و هزینه شهرداری را حسابرسی می‌کردیم یعنی آقای نجفی طوری سخن می‌گوید که انگار در دوره‌های گذشته چنین اتفاقی نمی‌افتاده است. حداقل در چهار سال زمان شورای شهر چهارم هر سال نه فقط شهرداری بلکه کار حسابرسی سازمان‌ها و شرکت‌ها انجام شد و به مردم نیز گزارش دادیم. یعنی این گزارش‌ها در صحن شورا قرائت می‌شد و رسانه‌ها در جریان قرار می‌گرفتند، بعد اگر تخلفی رخ

داده بود به مراجع قضایی ارسال می‌کردیم. اگر هم مشکلی بود به شهرداری تذکر می‌دادیم. قراردادها و گزارش‌ها موجود است. بسیاری از مسائلی که ما انجام دادیم بدون هوچی‌گری و داد و بیداد بود. فکر می‌کردیم باید کاری حرفه‌ای و منطقی انجام دهیم تا مشکل حل شود. با رسانه‌ای کردن و ایجاد سروصدا مردم خیبری نمی‌بینند. کار حسابرسی هر سال ۶ ماه و گاهی بیشتر، زمان می‌خواهد، بر همین اساس هم این کار با فاصله انجام می‌شد چون بررسی اسناد، پیدا کردن مغایرت‌ها و تقاضای پاسخگویی از مسئول مربوطه زمان می‌برد، بنابراین وقتی چنین گزارشی را دیدم تعجب کردم.

به نظر شما این گزارش، حداقل‌های کارشناسی را دارد یا گزارش سیاسی تنظیم شده است؟

▲ گزارش عوامانه و فقط برای فرافکنی و زمان خریدن و فرار از مسئولیت است و گرچه این گزارش را بفرستند مراجع قضایی آن وقت خواهند دید که چقدر بازرسی و بررسی‌اش به لحاظ کار تخصصی زمان می‌خواهد. اگر مدیران ما دچار این آفت بشوند، از آن زمانی که رای مردم در اختیارشان گذاشته تا خدمتگزاری کنند، غافل می‌شوند و عقب می‌مانند.

اینکه می‌گویید آقای نجفی می‌خواست یک توجیهی برای دوره مسئولیت چند ماهه‌اش بیاورد...

▲ من فقط نمی‌گویم اعضای اصلاح طلب دوره‌های گذشته و فعلی شورای شهر هم این را می‌گویند، آنها هم اعتراض کردند.

اصلاح طلبان یا اینکه خودشان آقای نجفی را به عنوان شهردار انتخاب کردند، امروز منتقد او شدند؛ آیا آقای نجفی با این گزارش می‌خواست حجم انتقادهای جریان اصلاحات به خودش را کم کند؟

▲ این گزارش هیچ خاصیتی ندارد جز فرار از مسئولیت. دوم مقداری مثلاً می‌خواست همسوی سیاسی را منحرف کند. معتمد این موضوع همین طوری ادامه پیدا کند خود شورای شهر تهران و هم جریان سیاسی شهردار تهران دچار این تردید می‌شوند که چه کار کنند. یعنی تا چه زمانی باید این وضع را تحمل کنند. چه زمانی شهردار می‌خواهد به وضعیت شهر رسیدگی کند چون این قول را به مردم دادند و امروز در آن مانده‌اند، بنابراین دنبال راه چاره‌ای می‌گردند که از این وضعیت خارج شوند.

یعنی احتمال آنکه اصلاح طلبان آقای نجفی را از مدیریت شهری کنار بگذارند وجود دارد؟

▲ چند نمونه از خدماتی که شهر باید به خودش ببیند عرض کردم. ارائه این خدمات نیازمند یک وقت کافی و تیم قوی و متخصص و مسلط بر موضوعات است. وقتی آثاری از اینها مشاهده نکنند به نظر شما راه صحیح چیست؟

در مجموع در پایان چهار سال به فرض آنکه آقای نجفی شهردار بماند آیا او کارنامه‌ای برای عرضه دارد یا خیر؟

▲ اگر اعضای محترم شورای شهر و شهردار محترم تهران این مسیر را طی کنند قاطعانه عرض می‌کنم عمر نه شهرداری و نه شورا به پایان نخواهد رسید.

یعنی دوره پنجم شورای شهر نیز به سر نوشت دوره نخست دچار می‌شود؟

▲ اگر این مسیر را طی کنند به همین سرنوشت دچار خواهند شد و این را کاملاً می‌شود پیش بینی کرد. امیدواریم که افراد هوشمندی این مسیر را اصلاح کنند. ▶



نجفی نه تنها شهرداری را زیر سوال برد بلکه تمامی ارکان نظارتی و شش سال عضویت خودش در شورای شهر را زیر سوال برد

دوراهی

اصلاح طلبان در شرایط سختی گرفتار شده‌اند. بدنه رادیکال از آنها عبور کرده و آنها که تلاش می‌کردند خود را به حاکمیت نزدیک کنند حالا در یک دوگانه تعیین کننده فرار گرفته‌اند. تصمیمی که خواهند گرفت بر سرنوشت شان بسیار تاثیرگذار خواهد بود.

سیاست

برزخ

اصلاح طلبان در مقابل بدنه رادیکال خود چه می‌کنند؟



۱ آژیر خطر در جناح اصلاح طلب به صدا در آمده است؛ صدایی بلند که از سوی سران جناح اصلاح طلب بلند شده است.

ماجرای این قرار است؛ «اصلاح طلبان در برزخی عجیب گیر افتاده اند. مانده اند میان بدنه رادیکال و حاکمیت. نمی دانند جانب کدام سو را باید بگیرند.» این همه ماجرای است که این روزها با هشتگ‌هایی علیه رئیس دولت اصلاحات در فضای مجازی دنبال می‌شود.

چنین است که برخی چهره‌های اصلاح طلب در این روزها به روشنی از خطر پیش رو گفته‌اند و خواسته‌اند که خانه تکانی انجام شود برای ماندن در فضای سیاسی. هر چه هست آنها اکنون در یک دوگانه تعیین کننده قرار دارند. باید تصمیم بگیرند. یک تصمیم سرنوشت ساز.

موج تازه علیه اصلاح طلبان

جدیدترین موج علیه اصلاح طلبان بعد از سخنرانی اخیر محمد خاتمی به راه افتاده است. یک سخنرانی که همچون بیانیه مجمع روحانیون بی حاشیه نماند و بار دیگر اصلاحات و اصلاح طلبان مورد آماج حمله‌های انتقادی تند در فضای مجازی قرار گرفتند. فضای مجازی یادآور شعاری بود که برخی در جریان اعتراضات به زبان آوردند. شعاری که رنگ و بوی عبور از اصلاح طلبی و اصولگرایی می‌داد. چه آنکه رئیس جمهوری اصلاحات هم در جریان دیدار روز یکم بهمن به آن اذعان کرد و گفت مردم از همه ناراضی هستند؛ اصلاح طلب و اصولگرا ندارد! همزمان با برگزاری این دیدار هشتگی در فضای توئیتری به راه افتاد که از لحاظ کیفی به واسطه خشم و ناامیدی که از راه و روش اصلاح طلبانه به نمایش می‌گذاشت مورد توجه قرار بگیرد.

اگر تا دیروز شعار عبور از روحانی سر داده می‌شد، حالا گویا شعار تغییر کرده است و نه تنها عبور از جریان‌ها و جناح‌ها بلکه گروهی ایده عبور از ماهیت اصلاح گری که جریان اصلاحات داعیه آن را دارند سر می‌دهند. اصلاحاتی که مخالفان، آن راه‌های بی‌خاصیت می‌دانند. راهی که گویی در بیست سالگی و اوج جوانی بدنه اجتماعی خود را ناامید کرده است.

نقد درون جریانی

در واکنشی به این ماجرا روزنامه اعتماد در گزارشی ضمن هشدار به اصلاح طلبان نوشته است: «اعتراضات

جدیدترین موج علیه اصلاح طلبان بعد از سخنرانی اخیر محمد خاتمی به راه افتاده است. یک سخنرانی که همچون بیانیه مجمع روحانیون بی حاشیه نماند و بار دیگر اصلاحات و اصلاح طلبان مورد آماج حمله‌های انتقادی تند در فضای مجازی قرار گرفتند

مردمی اخیر نه تنها زنگ هشدار برای شنیدن صدای معترضان بود، بلکه زنگ خطری برای جناح‌های سیاسی نیز محسوب می‌شود تا به خلاها و گپ‌های موجود در جناح متبوع‌شان پاسخ‌های روشنی بدهند. به نظر می‌رسد که وقت آن رسیده تا اصلاح طلبان در بیست سالگی این جریان مانیفست دقیقی تعریف کنند تا در بزنگاه‌های مهم به ویژه شرایط اعتراضی مواضع اصلاح طلبانه بی‌هیچ شائبه‌ای مشخص و روشن باشند و در این بزنگاه‌ها مشخص باشند که باید از آنها انتظار رفتاری با ماهیت اپوزیسیونی داشت یا نه؟ چه آنکه علیرضا علوی تبار نیز در یکی از سخنرانی‌های حزب اتحاد ملت مطرح کرد «برخی از بیان این حرف ناراحت می‌شوند اما واقعیت است؛ تکلیف خودتان را مشخص کنید. اگر برای اصلاح ساختار آمده‌اید، لوازمی دارد. باید مشخص باشد که رقبای درون حکومتی هستیم؟ اصلاح طلبان اعتدالی هستیم یا طرفداران اصلاحات بنیادین؟» در حال حاضر این سوال مطرح است که اصلاح طلبان اساسا تا کجا می‌توانند دست به اصلاح‌گری بزنند و مرزهای این اصلاح‌گری تا کجاست؟ شاید یکی از دلایل بی‌مهری این روزها به اصلاحات و اصلاح طلبان ریشه در عملکرد آنان دارد. عملکردی ضعیف با ترکیبی از محافظه کاری و عقلا نیت سیاسی که اغلب مرزهای آن جابه‌جا شده است. چه آنکه محمدرضا تاجیک هم به این موضوع اشاره کرد و گفته بود برخی به بهانه عقلا نیت سیاسی اصلاح طلبی را به مسلخ می‌برند. اصلاح طلبان و کنشگران سیاسی این جریان باید به پرسش‌های مردم پاسخ دهند چه آنکه اصلاح طلبی و اصلاحات راه و روشی ناخوشایند و مستحق ناسزا نیست اما سال‌ها به مثابه مسکنی عمل کرده که درمان را به تعویق انداخته است و حالا وقت آن رسیده که دست کم اصلاح طلبان

مقصود خود را از اصلاح‌گری به صورتی تشکیلاتی و شاید مدون مطرح کنند تا تکلیف بدنه اجتماعی‌شان با آنها خصوصا در بزنگاه‌های مهم مشخص شود. همچنین راهکارهای مشخص و عملیاتی ارائه دهند که سرنوشتش به نا کجا آباد سیاسی کاری ختم نشود.»

خانه تکانی

عباس عبدی این روزها یک ایده مهم دارد. او از خانه تکانی سخن می‌گوید. او تا کید می‌کند: «جریان اصلاح طلب باید دست به خانه تکانی جدی بزند. این جریان از سال ۸۸ و حتی قبل از آن، باید اقدام می‌کرد. بنده نیز معتقد بودم و بارها در فضای عمومی و جلسات نیز خدمت دوستان عرض کرده‌ام که با این ادبیات و نگاه نمی‌شود کاری از پیش برد.» او اضافه می‌کند: «بنابرین معتقدم در عین حال که جریان اصلاح طلب می‌تواند نزدیک‌تر به ساختار رسمی عمل کند و به اصلاح آن کمک کند، در عین حال می‌تواند مواضع روشن‌تر و مشخص‌تری نسبت به ناهنجاری‌ها و نابخردی‌های وضع موجود داشته باشد.» عبدی می‌گوید: «خوشبختانه نقطه تمایز صحبت آقای خاتمی مباحثی است که درباره رادیو و تلویزیون مطرح کرده است. به نظر من عملکرد دستگاه قضایی و شورای نگهبان هم باید مورد توجه قرار بگیرند؛ باید مشخص شود که رفتارهای آنها چه تاثیری در فضای امروز جامعه داشته و دارد.» او در نهایت می‌گوید: «برداشت من این است که ایشان هم به این موضوع اذعان دارد. معتقدم اصلاح طلبان باید مواضع صریح خود را روشن‌تر منتشر کنند و مرزهای خود را با نیروهای خارج از اصلاحات و هم با وضعیت و ایرادات کنونی این سیستم که کم هم نیست، تبیین و روشن کنند. من فکر می‌کنم که از چنین بیانیه‌ای استقبال خواهد شد.»

چرخش به امر اجتماعی و مساله مردم

غلامرضا ظریفیان، از اعضای شورای مرکزی مجمع ایثارگران، نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره لزوم شیفت یا چرخش اصلاحات از امر سیاسی به امر اجتماعی می‌گوید: «همه کسانی که دغدغه ایران، جامعه ایران و حتی سرنوشت نظام را دارند تمام تلاش‌شان این است که کمک کنند تا جامعه با توجه به ظرفیت‌های داخلی به گونه‌ای بتواند بازتعریف شود که حل مشکلات اساسی با توجه به توان نیروی انسانی، سیاسی و اجتماعی اتفاق بیفتد و نگاه‌ها به بیرون از کشور معطوف نشود.» او ادامه می‌دهد: «در همین راستا، از مدتی قبل هم آقای خاتمی و هم جریان اصلاح طلب به موضوع آسیب شناسی این جریان توجه کرده‌اند.

اگر تبار جریان اصلاح طلبی را از ۱۲۰ سال قبل و جریان مشروطه در نظر بگیریم یا حتی آن را مصادف با خرداد ۷۶ فرض کنیم، که این دو البته از هم جدا نیستند، اصلاح طلبان، جریان روشنفکری دینی و روشنفکران عمدتا معطوف به سیاست بوده‌اند و سیاست را نقطه کانونی اندیشه خود قرار داده‌اند.

اگرچه این، مساله مهمی بوده است. اما به دلیل تکتیکی که در جامعه ایران وجود دارد از نظر بیشتر و علایق و ذائقه‌ها، به نظر می‌رسد که یکی از آسیب‌های جریان اصلاح طلب، صرفا محدود شدن به سیاست باشد. اصلاح طلبان زمانی می‌توانند چتر خود را بر تمام آحاد جامعه گسترده کنند که از اصلاحات معطوف به سیاست به اصلاحات معطوف به جامعه شیفت کنند. مساله موجود در جامعه به قدری گسترده است که عرصه سیاسی را هم شامل بشود.»

این استاد دانشگاه اضافه می‌کند: «براین اساس، اصلاح طلبان باید از امر سیاسی به امر اجتماعی چرخش



عباس عبدی این روزها یک ایده مهم دارد. او از خانه تکانی سخن می‌گوید



اگر تادبروز شعار عبور از روحانی سر داده می‌شد، حالا گویا شعار تغییر کرده است و نه تنها عبور از جریان‌ها و جناح‌ها بلکه گروهی آینده عبور از ماهیت اصلاح‌گری که جریان اصلاحات داعیه آن را دارند سر می‌دهند

حمایت خود شده است. آنان که چنین می‌اندیشند با ذکر مثال‌هایی از عملکرد نامزدهای مورد حمایت اصلاح‌طلبان در دوره‌های اخیر انتخابات یادآور می‌شوند که این عملکرد نه به نام این افراد بلکه به نام کلیت اصلاح‌طلبی ثبت شده است و این موضوع می‌تواند برای آینده حیات سیاسی اصلاح‌طلبان حاوی خطرات قابل ملاحظه‌ای باشد. هر کدام از این دو نگاه به استقبال رهبران اصلاحات از اصلاح در این جریان سیاسی را بپذیریم در نتیجه تفاوتی ایجاد نمی‌شود. در صورتی که این شروع برای تغییر در جریان اصلاح‌طلبی ادامه دار باشد و به نتیجه مشخصی برسد ما با دو وجه مثبت و منفی روبه‌رو خواهیم شد. وجه مثبت این تصمیم آن است که اصلاح‌طلبان با اصلاح خطاهای گذشته خود و تغییر در اهداف، الگوی عمل و برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت خود این سیگنال را به جامعه معترضان و همین‌طور بدنه اجتماعی حامی اما منتقد خود خواهد فرستاد که صدای اعتراض و انتقاد آنان به گوش رهبران و تصمیم‌گیران این جریان سیاسی رسیده است و حرکت آینده اصلاحات بر مسیری خواهد بود که خواست مردم در آن نمود عینی تری داشته باشد. اما این تصمیم مانند هر تصمیم دیگری وجه منفی نیز با خود به همراه خواهد داشت. تغییر در الگوی عمل جریان اصلاحات در عمل سبب افزایش محدودیت‌ها برای این جریان خواهد شد زیرا این تغییر که می‌توان آن را به تغییر حالت فردی نشسته به ایستاده تشبیه کرد به‌طور طبیعی خوشایند مراکز قدرت نخواهد بود و ممکن است سبب برخورد‌هایی از جنس آنچه در سال ۸۸ رخ داد، شود. از طرف دیگر تغییر در جریان اصلاح‌طلب به‌طور طبیعی به معنای کناره‌گیری از معتدلان، دولت مستقر، اصولگرایان معتدل و تا حدودی حزب کارگزاران خواهد بود، این اتفاق شاید بتواند برای آنان که در پی اصلاح‌طلبی اصیل هستند خوشایند باشد اما در ایران امروز که «عملگرایی» حرف اول را در سپهر سیاسی آن می‌زند، ممکن است سبب حذف تدریجی اصلاح‌طلبان از قدرت و بازگشت طیف تندرو به نهادهای انتخابی شود. مطلب آخر آنکه آنان که به هر دلیلی به این نتیجه رسیده‌اند یا رساننده شده‌اند یا خواهند رسید که دوی دردهای جریان اصلاح‌طلبی «اصلاحات در اصلاحات» است می‌بایست پیش از هر اقدامی تمام جوانب آن را سنجیده و پس از محاسبه دقیق «هزینه-فایده» اقدامات و اثر بلندمدت آن وارد اجرای تصمیمات اتاق‌های فکر شوند. در سیاست اشتباه‌های کوچک هم توان‌هایی بزرگ خواهد داشت! «به‌هر حال هر چه هست به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان در برزخی خطرناک مانده‌اند.»

تصمیم تعیین‌کننده

روزنامه بهار در مطلبی در این مورد نوشت: «با نگاهی به گفته‌های اخیر سیدمحمد خاتمی که در نشست با انجمن مدرسین دانشگاه‌ها سخنانی را به بهانه اعتراضات اخیر مطرح کرده است، برخی معتقدند که این تلاش برای تغییر در برنامه‌ها و الگوی عمل جریان اصلاحات ناشی از انتقادات و اعتراضات بدنه حامی این جریان است که نسبت به رفتار سیاسی اصلاح‌طلبان در دوره‌های اخیر انتخابات انتقاداتی جدی را به رهبران و تصمیم‌گیران این جریان سیاسی وارد می‌دانند. آنان که اعتراضات اخیر را عامل اصلی تلاش اصلاح‌طلبان برای اصلاح درون‌گفتمانی می‌دانند با اشاره به برخی شعارهای مطرح شده در سطح خیابان و همراهی قابل توجه فضای مجازی با این شعارها که نوعی عبور از اصلاح‌طلبان در آن مشهود بود، به این نتیجه رسیده‌اند که گروه‌های قابل توجهی در جامعه تمایلی به نوع کنشگری سیاسی اصلاحات در این سال‌ها ندارد و این مسیر را باعث تحقق اهداف دموکراسی خواهانه خود نمی‌دانند. این گروه از رصدگران عرصه سیاست معتقدند به همین دلیل که شاهد فاصله افتادن میان متن جامعه و جریان اصلاحات هستیم سیاستگذاران این جریان ترغیب شده‌اند تا تغییراتی را در نحوه تصمیم‌گیری خود و برنامه‌های مدنظرشان برای آینده به وجود بیاورند. بخش دیگری از تحلیلگران عملکرد منتخبان در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و شورای شهر را دلیلی برای اصلاح در اصلاحات می‌دانند. آنان معتقدند جریان اصلاح‌طلبی در دوره‌های اخیر انتخابات بدون توجه به ماهیت و اهداف این جریان اصیل سیاسی و گاه با پشت کردن به آن به سمت و سوی گروه‌هایی همچون کارگزاران و به‌خصوص اصولگرایان معتدل حرکت کرده است و این تغییر مسیر اندک‌اندک سبب تغییر ماهیت جریان اصلاحات و فاصله گرفتن آن از بدنه اجتماعی مورد

برخی چهره‌های اصلاح‌طلب در این روزها به روشنی از خطر پیش‌رو گرفته‌اند و خواسته‌اند که خانه‌تکانی انجام شود برای ماندن در فضای سیاسی. هر چه هست آنها اکنون در یک دوگانه تعیین‌کننده قرار دارند. باید تصمیم بگیرند. یک تصمیم سرنوشت‌ساز

کنند؛ یعنی در زیست جهان جامعه ما، هم بخشی از جوانان هستند و هم با تنوع قومیتی، مذهبی و جنسیتی مواجه هستیم که نیازهای این جامعه صرفاً معطوف به امر سیاسی و سیاست نیست. از مساله اشتغال گرفته تا ازدواج، اوقات فراغت، دنیای مجازی، دسترسی آزاد به گردش اطلاعات، رفاه اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی، کرامت، منزلت اجتماعی و... بنابراین جریان اصلاح‌طلبی هم به لحاظ نظری و تئوری و ادبیات باید به امر اجتماعی توجه کند و دامنه خود را از عرصه سیاست فراتر تعریف کرده و به مردم و مساله مردم توجه کند. مردم مسائل مختلفی دارند که سیاست یکی از آن مسائل است.»

اصلاح‌طلبان فاصله انتقادی خود با دولت را حفظ کنند

به گفته ظریفیان «جریان اصلاحات به‌عنوان یکی از کانون‌های امید مردم، باید بتواند این امید را حفظ کند. باید وارد عرصه‌هایی شود که از آن غفلت شده است.» او می‌گوید: «مردم نباید احساس کنند که جریان اصلاح‌طلبی به دنبال دعوی اصلاح‌طلب و اصولگراست و تا زمانی که بیرون از قدرت است، در اپوزیسیون قرار دارد و وقتی وارد قدرت می‌شود، نگاهش تغییر می‌کند. باید بستر توجه به مطالبات مردم در بستر غیررادیکال، دموکراتیک و حقوقی ایجاد شود.»

اصلاح‌طلبان باید فاصله انتقادی خود از دولت را حفظ کنند و این گونه تلقی نشود که اصلاحات به‌دست آوردن فرصت‌های مدیریتی، جامعه را فراموش کرده‌اند.

بر این اساس مطمئن هستیم اگر مردم احساس کنند مساله آنها، مساله اصلاحات است، به بهبود و تغییر شرایط امیدوار می‌شوند.»

توجه به موضوع کارآمدی

علی تاجرنیا از اعضای حزب اتحاد ملت هم از لزوم توجه به کارآمدی سخن گفته اما همچنان جریان اصلاحات را جریانی می‌داند که با مردم همسویی دارد. او می‌گوید: «راهبرد اصلاح‌طلبان در دو دهه گذشته، همسویی با مردم بوده است، چه در مقطعی که نگاهش به طبقه فرودست بوده و شعار عدالت اجتماعی داده و چه مقطعی که برای طبقه متوسط از آزادی سیاسی سخن گفته است. مهم این است که مردم به‌نوعی احساس کرده‌اند جریان‌های موجود سیاسی کارآمدی ندارند و فقط حرف می‌زنند.»

او ادامه می‌دهد: «آنچه بین مردم و اصلاح‌طلبان فاصله می‌اندازد، همین بحث است و البته آنچه اصولگرایان را از آنها دور می‌کند، احساس عدم صداقت در آن جریان است. بنابراین اصلاح‌طلبان باید در حوزه کارآمد، طرحی نو دراندازند.»

به گفته تاجرنیا، «ما اگر از اصلاحات دم می‌زنیم که کار درستی است، نباید تنها به هم نوایی با مردم بسنده کنیم. یعنی باید در حوزه عمل و تحقق خواست مردم گام برداریم؛ این مردم مشکل‌شان بحران کارآمدی است.» او می‌گوید: «اگر فقط بخواهیم شعار بدهیم و این گونه با مردم هم‌نوایی کنیم، نتیجه آن برخورد با اعتراضاتی می‌شود که این برخورد راه حل مشکلات نیست.»

به نظر می‌رسد توجه به خواست و مساله مردم و تغییر گفتمان اصلاح‌طلبی به این سمت، همان موضوعی است که جریان اصلاحات باید آن را سرلوحه خود قرار دهد. طی طریق در همین مسیر بدون توجه به آنچه در متن و حاشیه جامعه می‌گذرد، پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان را با ریزش مواجه خواهد کرد.



عملکرد دولت و ریزش رای اصلاح طلبان

گفت‌وگو با محمد علی وکیلی

بازبگویی راویان قرائت حداقلی بود که توانستیم به ائتلاف حداکثری برسیم و حماسه ۹۲ را شکل دهیم و بعد با همین مشی بود که ۹۴ خلق و بعد ۹۶ تکرار شد. البته الان هم سطح انتظارات قرائت حداکثری، حداکثری باقی مانده است. با مقیاس قرائت حداکثری، جریان اصلاح طلبی راه یافته به حاکمیت، جریان کامروایی نیست، کامیاب نیست. اما با مقیاس کسانی که کمی واقع‌گرا هستند و مناسبات قدرت را می‌دانند، به گذشته اصلاح طلبی واقف هستند، سرنوشتی که بر اصلاح‌طلبان گذشت را می‌دانند. آنها معتقد هستند که این مشی به ماندگاری اصلاح طلبی در جمهوری اسلامی کمک می‌کند و چون ما معتقد هستیم بقای جمهوری اسلامی به بقای گفتمان اصلاح طلبی هست، به همین دلیل کسانی و جریانی و طیفی معتقد هستند با همین مشی عقلایی، ولی حداقلی در آرمان‌ها و حداکثری در تعامل، می‌شود این روزنه را به مرور به پنجره تبدیل کرد، به مرور تبدیل به دربی کرد، چنان‌که این اتفاق افتاد. ما بعد از یک دوره انسداد مطلق برای اصلاح‌طلبان، در سال ۹۲ روزنه‌ای باز شد به نام ریاست جمهوری، در سال ۹۴ پنجره‌ای باز شد به نام امید مجلس و در سال ۹۶ درب ریاست جمهوری مجدد و شورای شهر اصلاح‌طلبان در کلان‌شهرها باز شد. به نظر من این مشی می‌تواند این مسیر را تعمیق ببخشد، البته به هر حال نقدهایی وجود دارد، بخشی از بدنه اجتماعی، این مشی و تب تند تغییر طلبی را عقب‌تر و ناهماهنگ با آهنگ حرکت، منطبق نمی‌دانند یا تغییری در آهنگ حرکت این جریان حداقلی را نیاز می‌دانند. خب البته رفتار دولت هم بر تندی آن افزوده و بنابراین انتقادات را دوچندان کرده است.

شما اشاره کردید به اینکه نقدهایی وجود دارد و واقعا هم همین‌طور است. نقدهایی وجود دارد که می‌گویند اگرچه اصلاح‌طلبان خودشان را راپرور انتخابات می‌دانند، ولی آقای روحانی یک گزیننه اصلاح طلب نیست. یا مثلاً در بحث مجلس؛ لیست امید وقتی وارد مجلس می‌شود، چند نفر از نمایندگان از جمله حضرت تعالی هستند که روچیه اصلاح طلبی دارند. این در درازمدت ممکن است منجر به از دست دادن بخشی از سبد رای شان شود؛ اگر با همین گروه حداقلی که شما اشاره کردید دید واقع‌گرایی دارند، با این روند اگر جلو بروند، امکان دارد بخشی از سبد رای شان را از دست دهند؟

بی‌تردید این تفاوت رویکردها روی امید و ناامیدی بخشی از بدنه اجتماعی تأثیر دارد؛ به هر حال یک درهم آمیختگی بین جریان راه یافته به حاکمیت و دولت برآمده از صندوق رای اصلاح‌طلبان، بیشتر جریان اصلاح طلب را آسیب پذیر کرده است. مضاف بر اینکه این دولت در دور دوم کمترین ارتباط را با جریان اصلاح طلبی، به خصوص با جریان اصلی حامی خودش که امید مجلس بود، دارد. می‌توان گفت دولت در شرایط کنونی به یک معنا کاملاً دولت به معنای خود آقای روحانی و در معنای دیگر در انقطاع کامل ارتباطی با جریان امید که جریان اصلی حامی ایشان بوده و هست، به سر می‌برد و این هم کارآمدی امید را کاهش می‌دهد، هم ضریب آسیب پذیری دولت را دوچندان می‌کند. آستانه تحمل ما هم برای تداوم این وضعیت طبیعی است که با توجه به انتظاراتی که جامعه ما از ما به عنوان حامیان دولت آقای روحانی دارند، آستانه محدودی خواهد بود. ما خواهان این هستیم که دولت در پاسخ‌گویی به ملت، چابک‌تر، به‌روزتر و کارآمدتر باشد و احساس می‌کنیم از این جهت کاستی‌های بنیادی وجود دارد. اصلاً از آن طرف هم این تعامل قطع شده، ماندم که الان باید چگونه برخوردی کرد؟ مشکل اصلاح‌طلبان این است که اگر مردم از

جریان اصلاح طلبی طی سه دهه گذشته، فراز و فرودهای گوناگونی رو به رو بوده است. اکنون با پشت‌سر گذاشتن روزگاری که هم برای خودشان و هم برای نظام، هزینه‌سازی کرده‌اند و پس از ریزش‌های فراوان، در شرایط عقلایی‌تر در سپهر سیاست ایران، به دنبال نقش آفرینی هستند. هر چند همچنان شکل جدید سیاست‌ورزی خود را دست نیافته‌اند و صرفاً حضور در قدرت برایشان کافی است؛ اگرچه در نهایت، دولت برآمده از رای و حمایت آنها، پشت‌کند و تغییر جهت دهد. محمد علی وکیلی معتقد است: «عبور از روحانی را خطای استراتژیک می‌دانیم، اما پشیمانی از روحانی را زود هنگام و خطا می‌دانیم، اما حمایت بی‌چون و چرا و حمایت همه‌جانبه‌ای که در گذشته داشتیم را در شرایط فعلی به هیچ وجه نه به صلاح دولت و نه به صلاح ملت می‌دانیم.»

آقای وکیلی، اشاره کردید که دو گروه در درون طیف اصلاح طلبی وجود دارد؛ یک طیف که قرائت حداقلی دارند و طیف دیگر که قرائت حداکثری دارند و الان آن طیفی که قرائت حداقلی دارند و آن طور که برداشت کردم از صحبت‌های شما و معتدل‌تر هستند، توانستند جریان امور را به دست بگیرند. چقدر گفتمان این گروه در درون طیف گسترده اصلاح طلبی قابل پذیرش است؟ آیا می‌توانیم بگوییم گفتمان جدید اصلاح طلبی را خواهند ساخت؟

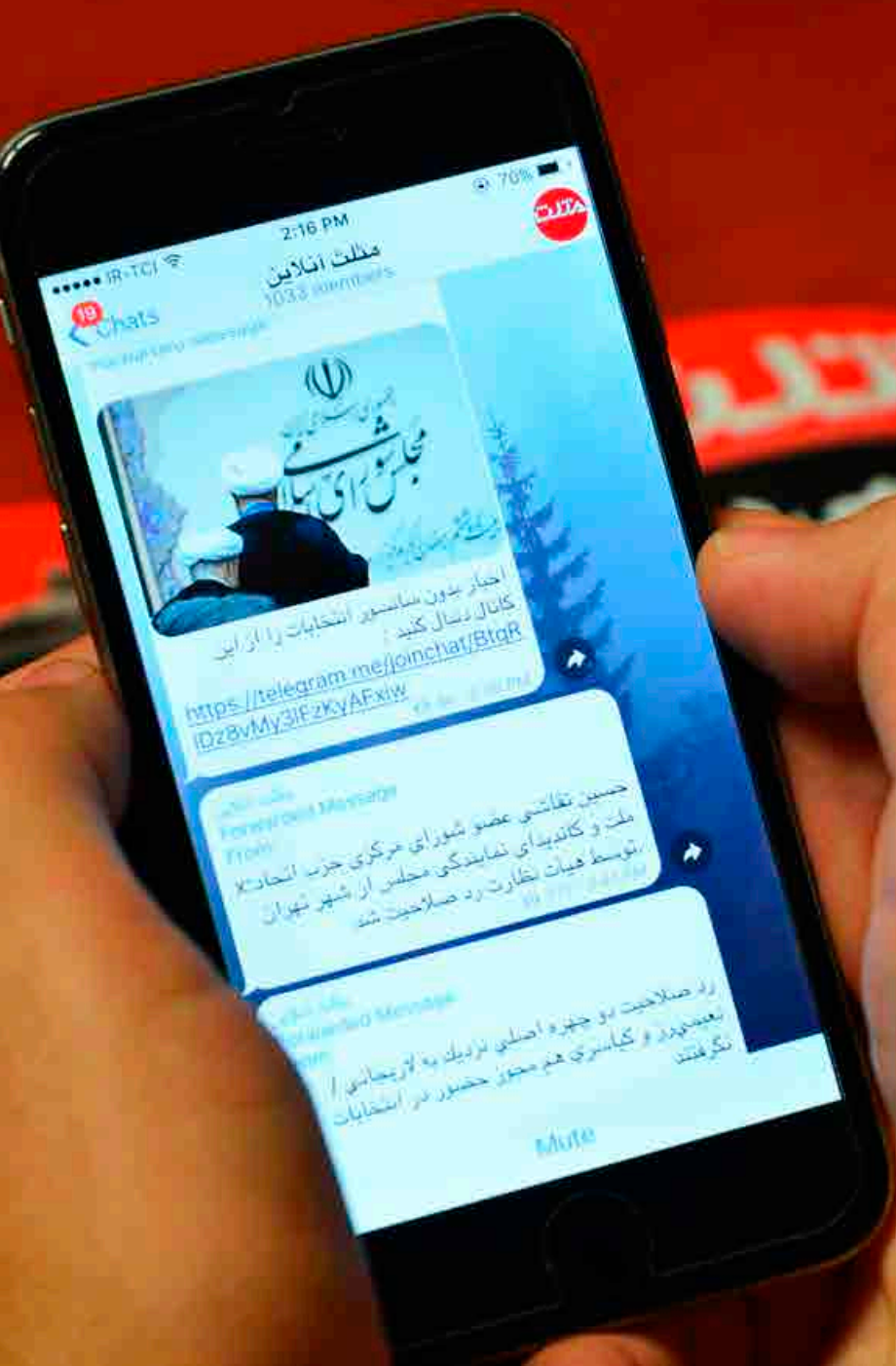
این قرائت حداقلی بود که امکان ائتلاف در سال ۱۳۹۲ را به وجود آورد؛ یعنی به دلیل حداقلی بودن قرائت، امکان ائتلاف حداکثری را فراهم آورد. قرائت‌های حداکثری، امکان حداقلی برای ائتلاف دارند، چون غیریت‌شان زیاد است؛ غیریت قرائت حداکثری، حداکثری است، اما غیریت قرائت حداقلی، حداقلی است. به همین دلیل امکان تعامل حداکثری را با گروه‌های زیادی دارند، به همین دلیل هم سال ۹۲ در حقیقت با

زمان زیادی از تولد اصلاحات در دهه ۷۰ خورشیدی می‌گذرد؛ به نظر تان یک بازنگری و اصلاح درون‌طیفی را در زمان فعلی، چه میزان ضروری می‌دانید؟ اساساً لزوم این بازنگری چیست؟

اصلاح طلبی یک طیف و به هر حال گفتمان فراگیری است که طیفی را شامل می‌شود. قرائت حداقلی و قرائت حداکثری از گفتمان اصلاح طلبی، جریانات مختلفی را شامل می‌شود. طی سال‌های گذشته، برخی از سال‌ها بود که راویان قرائت حداکثری، صحنه‌گردانان اصلی بودند. اما طی این سال‌های اخیر، به خصوص اکنون، راویان قرائت حداقلی بیشتر نقش آفرین هستند. آن راویان قرائت حداکثری گرفتار هزینه‌های سنگینی شدند، ولی الان به هر حال از سال ۱۳۹۲ به این طرف روزنه‌ای باز شد و راویان قرائت حداقلی، امکان ورود به دامنه حاکمیت را پیدا کردند. به عبارت دیگر می‌توان گفت جریان امید در مجلس شورای اسلامی و در شورای اسلامی شهر تهران جزو راویان قرائت حداقلی به حساب می‌آیند که بیشترین زمینه‌سازگاری با آرمان‌های اولیه نظام را دارند و می‌شود گفت دغدغه‌شان برگشت به همان آرمان اولیه است. به همین جهت این جریان حداقلی معتقد است که ما به لحاظ پارادایم، صاحب جمهوری اسلامی هستیم؛ دکترین اصلی جمهوری اسلامی از آن پارادایم اصلاح طلبی با این قرائت هست پس بنابراین صاحب اصلی جمهوری اسلامی این قرائت و این پارادایم به حساب می‌آید، ولی در این سال‌های ادبیات اصلاح طلبی دچار یک عوجاج در دفاع از پارادایم شده است. بنابراین انطباقی بین «ادبیات» و «پارادایم» وجود ندارد، فشار زمانه باعث شده که این دوگانگی اتفاق بیفتد و این ادبیات موجب سوء استفاده رقیب قرار بگیرد؛ به همین جهت اصرار راویان قرائت حداقلی این است که باید ادبیات به گونه‌ای اصلاح بشود تا انطباق کامل پیدا کند با همین پارادایم اصلاح طلبی به معنای «خطامام»ی آن و آرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی.

کانال تلگرامی مثلث آنلاین فوری از اخبار مطلع شوید

@ mosalasonline



دولت ناامید شوند، چون پایگاه اجتماعی این دولت را اصلاح طلبان می دانند و بحق هم است، ممکن است تبعات منفی برای اصلاح طلبان داشته باشد. این دولت به ماهو خود دولت، فاقد هرگونه پایگاه اجتماعی است. پایگاه ۹۸ درصدی این دولت، اصلاح طلبان هستند. اگر از دولت پشیمانی اتفاق بیفتد که متأسفانه از جهات مختلفی در این بوق پشیمانی نواخته می شود، قربانی این پشیمانی دولت نیست. پشیمانی از آن گفتمانی است که این دولت محصول آن است و آن گفتمان اصلاح طلبی است. مصیبت این نیست که مردم از اصلاح طلبان عبور کنند، مصیبت این است که مردم از اصلاح طلبان عبور کردند، دیگر پشت خاک ریز اصولگرایان هم قرار نمی گیرند.

به نظر شما اصلاح طلبان در این زمان سه سال باقی مانده به پایان دولت دوم آقای روحانی، باید چه راهبردی را پیش بگیرند؟ همچنان حمایت کنند یا نه؟

▲ به نظر من حمایت گفتمانی و انتقاد حداکثری عملکردی باید در دستورکار قرار دهند. انتظار حداقلی مردم این است. ما عبور از روحانی را خطای استراتژیک می دانیم؛ پشیمانی از روحانی را زود هنگام و خطا می دانیم اما حمایت بی چون و چرا و حمایت همه جانبه ای که در گذشته داشتیم را در شرایط فعلی به هیچ وجه نه به صلاح دولت و نه به صلاح ملت می دانیم. ما حمایت مان را گفتمانی می دانیم، دولت باید به لحاظ گفتمانی همچنان حمایت شود، ولی به لحاظ عملکردی باید بی محابا نقد شود. قصور از این دولت با این سرمایه اجتماعی، به هیچ وجه پذیرفته نیست. دولت مشی دوره دوم خود را به نظر من نسبت به دور اولش کاهش داده؛ هم افت عملکردی داشته و هم افت گفتمانی داشته و این پذیرفتنی نیست.

برای تثبیت این چهره واقع گرای عقلانی که طیف حداقلی آن را دنبال می کنند، آیا اصلاحات ساختاری هم باید صورت بگیرد؟ آیا در درون جریان و طیف اصلاح طلبی، افراد هم باید دچار تغییری بشوند؟

▲ بدون تردید در پروسه زمان آدم هایمان دچار تحولات زیادی شدند، همان طوری که در اردوگاه اصولگرایی خیلی اتفاقات افتاده است. اصولگرایان سرشناسی با شناسنامه ۳۰ ساله و ۴۰ ساله، آمدند به اردوگاه اصلاح طلبی پیوستند و گاهی حتی از اصلاح طلبی هم عبور کردند بعضی از آنها. در اردوگاه اصلاح طلبی هم ما شاهد فراز و فرود رفتاری بین چهره های برجسته ای بودیم و هستیم. حتما در جریان اصلاح طلبی باید پذیریم که یک نوگرایی نسلی اتفاق افتاده است. البته از این جهت دچار یک شکاف نسلی هستیم. در دوره هشت ساله دولت آقای احمدی نژاد دست ما از دانشگاه ها کوتاه بود و در تربیت نیرو با مشکلات اساسی ایرویه رو بودیم؛ هزینه تشکل های اصلاح طلبی بالا رفت و خروجی نیروی انسانی اصلاح طلبی از دهه ۸۰ به بعد با مشکلات اساسی روبه رو شد و این الان به نظر من یکی از تهدیدهای جریان اصلاح طلبی به حساب می آید، اما از سویی یک نسلی که می شود گفت نسل دوم و سوم اصلاح طلبی هستند - که الان خیلی از آنها در مجلس و شورا حضور دارند - به هر حال کسانی هستند که می شود گفت نمایندگان روایت حداقلی از اصلاح طلبی هستند و نمایندگان جریان واقع گرا و رویکرد واقع گرایی به جریان اصلاح طلبی به حساب می آیند. اینها کسانی هستند که می توانند هزینه فایده کنند. به همین دلیل به عقیده ام الان فرصت خوبی برای یک بازتعریف داریم؛ هم عناصر گفتمانی اصلاح طلبی، هم اصلاح ادبیات اصلاح طلبی. از این جهت به عقیده ام یک فرصت طلایی پیش روی ماست. ▶

منطقه ممنوعه

دونالد ترامپ با ضرب الاجلی که برای اصلاح برجام تعیین کرد این بار توپ را در زمین اروپا انداخته است. اروپا نیز به بهانه حفظ برجام، انگشت بر برنامه های موشکی ایران گذاشته است و زمه های مبنی بر درخواست برای مذاکرات موشکی به گوش می رسد. در واقع به نظر می رسد اروپا برای حفظ برجام به فشارهای غیربرجامی بر ایران روی آورده و خود نیز خیلی بی میل نیست که در حوزه موشکی که خط قرمز جمهوری اسلامی است محدودیت هایی بر ایران اعمال کند.

سیاست خارجی

تیتریک



فریب

چرا اروپایی ها همراه
ترامپ شده اند؟

تکمیل پازل برجامی آمریکا
توسط پاریس و لندن
چرا پاریس بر محدودیت‌های
موشکی ایران اصرار می‌کند؟



نسخه دموکرات‌های آمریکا
برای برجام
وضع تحریم‌های جدید
بدون نقض توافق هسته‌ای



هزینه‌های سیاست برجامی
ترامپ برای اروپا
دکتر هادی اجیلی
در گفت‌وگو با مثلث

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا پس از تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای ایران، اعلام کرد که در صورت عدم رفع آنچه وی «نقص برجام» می‌خواند، وی دیگر تعلیق تحریم‌ها را تمدید نمی‌کند. از سوی دیگر، شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که رایزنی‌های فشرده‌ای میان کاخ سفید، کنگره و اتحادیه اروپا در خصوص تغییر برجام صورت گرفته است. این رایزنی‌ها در حالی صورت گرفته است که مقامات اروپایی در ظاهر بارها اعلام کرده‌اند که باید به توافق هسته‌ای احترام گذاشت! در هر حال، دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان باید تحرکات اخیر آمریکا (کاخ سفید و کنگره) و اتحادیه اروپا را به صورت هوشمندانه‌ای رصد کند.

روایت وزارت خارجه آمریکا از مواضع ترامپ

هیتر نورث، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اخیراً در پاسخ سوالی درباره اینکه دونالد ترامپ در بیانیه اخیر خود دقیقاً مشخص نکرده که آیا دوباره عدم پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را اعلام خواهد کرد یا خیر گفت: «ترامپ هفته گذشته تعلیق تحریم‌های ایران را به مدت ۱۲۰ روز دیگر تمدید کرد. این تمدید به خاطر این بود که زمان کافی برای همکاری بیشتر دولت با اعضای کنگره برای تدوین قانون جدید درباره توافق هسته‌ای وجود داشته باشد تا به این مساله کمک کند که بتواند ایران را به صورت بهتری با توافق سازگار کند و همچنین سختگیری علیه ایران بیشتر شود. این چیزی است که کاخ سفید تصمیم گرفته است.» وی همچنین گفت که تمدید تعلیق تحریم‌ها و تایید پایبندی ایران به توافق دو مساله جداگانه هستند.

نورث اضافه کرد: درباره بحث‌هایی که بین دولت و کنگره صورت گرفته، آنطور که به من گفته شده، آنها به پیشرفت‌های خوبی درباره قانون (اصلاح) برجام رسیده‌اند و همچنین زبان مورد نظر آنها به هم نزدیک شده است. اخیراً باب کورکر رئیس کمیته روابط خارجی آمریکا نیز مدعی شده بود که در این زمینه با نمایندگان اتحادیه اروپا در حال رایزنی هستند و به پیشرفت‌هایی نیز برای اصلاح برجام دست یافته‌اند. از حدود ۳ ماه پیش دونالد ترامپ با ادعای عدم تایید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای از کنگره آمریکا خواست قانون جدیدی تدوین کنند تا اجرای برجام را برای ایران سخت‌تر و بعضی بندهای جدید به آن اضافه کنند و یا آنها تغییر دهند. این درحالیست که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکنون ۹ بار پایبندی دقیق ایران به برجام را تایید کرده است. همچنین کشورهای اروپایی نیز گفته‌اند که برجام باید به همین شکلی که الان وجود دارد اجرا شود و با هرگونه تغییری در آن مخالف هستند. مقامات ایرانی نیز بارها تاکید کرده‌اند که هیچ گونه تغییر و یا مذاکره مجدد را بر سر برجام نخواهند پذیرفت.

واکنش دوباره ایران به موضوع مذاکرات موشکی

به نظر می‌رسد یکی از موضوعاتی که آمریکا و اتحادیه اروپا سعی دارند به برجام اضافه کنند، موضوع توان موشکی ایران است. مساله‌ای که خط قرمز جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه ادعای روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز انگلیس مبنی بر پذیرش ورود به

گفت‌وگویی فشرده و جدی» در موضوع برنامه موشکی و مسائل منطقه‌ای توسط مقامات کشورمان در نشست اخیر در بروکسل را شدیداً تکذیب کرد و چنین ادعایی را بی اساس دانست. قاسمی در همین ارتباط گفت: «سیاست و موضع جمهوری اسلامی ایران در خصوص برنامه دفاعی موشکی کشور کاملاً مشخص و روشن است و دیگر کشورها نیز به خوبی از این موضع جمهوری اسلامی ایران آگاهی دارند.» سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: «موضع جمهوری اسلامی ایران بدون توجه به جوسازی‌ها، تهدیدات، مواضع و دیدگاه‌های ایالات متحده آمریکا و دیگران، هیچ تغییری نکرده و همچنان که بارها اعلام شده است، برنامه موشکی ایران کاملاً جنبه دفاعی و بازدارندگی داشته و علیه هیچ کشوری نیست و طرح ادعاهای واهی و بی پایه و اساس، تغییری در این موضع اصولی و اساسی کشور ایجاد نخواهد کرد.» سخنگوی دستگاه دیپلماسی اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران به هیچ کشوری اجازه دخالت در امور داخلی و سیاست‌های دفاعی به ویژه برنامه موشکی خود را نخواهد داد. قاسمی همچنین سیاست ایران در منطقه را سیاستی سازنده، ثبات‌ساز و در جهت تقویت هر چه بیشتر صلح و امنیت منطقه و جهان خواند.» وی در پایان افزود: «بدخواهان و افراط‌گرایان اگر نمی‌توانند کمکی به ثبات و امنیت در منطقه کنند، اجازه ندارند نقش ایران را که برای مبارزه با تروریسم، ناامنی و بی‌ثباتی هزینه‌های بیشماری را پرداخت کرده است، نادیده گرفته و موجب تشدید هرج و مرج و ناامنی و توسعه تروریسم در منطقه شوند.»

پیش‌بینی اندیشکده «سوفان» در خصوص برجام

از سوی دیگر، اندیشکده سوفان در گزارشی پیش‌بینی کرده رئیس‌جمهور آمریکا در موعد بعدی رفع تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران از توافق هسته‌ای برجام خارج خواهد شد. گروه «سوفان» که در زمینه تحلیل‌های امنیتی و ارائه مشاوره‌های اطلاعاتی و راهبردی به دولت‌ها و سازمان‌ها فعالیت می‌کند در گزارشی جدید پیش‌بینی کرده «دونالد ترامپ» (رئیس‌جمهور آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک) (برجام) خارج خواهد شد. «سوفان» این پیش‌بینی را بر اساس غیرقابل اجرا بودن شرایطی که ترامپ برای پایبند ماندن آمریکا به برجام برای کشورهای اروپایی تعیین کرده، انجام داده است. در گزارش این گروه تحقیقاتی آمده است: «شروط رئیس‌جمهور ترامپ برای ادامه اجرای توافق هسته‌ای با ایران بعید است توسط سایر قدرت‌های بزرگ برآورده شوند و ایالات متحده ممکن است اواخر بهار از این توافق خارج شود.» به‌رغم این، «سوفان» نوشته سیاست‌سازان در واشنگتن برای نجات برجام، در حال همکاری با کنگره آمریکا برای برآورده کردن دست کم بخشی از مطالبات رئیس‌جمهور هستند. اندیشکده «سوفان» در یکی دیگر از محورهای این گزارش نتیجه‌گیری کرده است: «در صورت خروج آمریکا از توافق، اروپا و سایر قدرت‌ها با این کشور همراه نخواهند شد، اما اعمال مجدد تحریم‌ها به اقتصاد ایران لطمه خواهد زد.»

اروپا در مرحله ارزیابی خواسته‌های ترامپ

در چنین شرایطی مقامات اروپایی از بررسی

خواسته‌های ایالات متحده آمریکا در برجام سخن به میان آورده‌اند. یک کمیسیون اتحادیه اروپا گفت: «ما بیانیه رئیس‌جمهور آمریکا درباره توافق هسته‌ای با ایران را به دقت بررسی و پیامدهای آن را ارزیابی می‌کنیم.» جانز هان، کمیسیونر حسن‌همجوری و توسعه اتحادیه اروپا با بیان اینکه این اتحادیه بیانیه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در خصوص توافق هسته‌ای و ادامه تعلیق تحریم‌های ایران را به دقت بررسی می‌کند، گفت: «اتحادیه اروپا به همراه انگلیس، فرانسه و آلمان در حال رایزنی درباره پاسخ به این بیانیه هستند و پیامدهای آن را بررسی می‌کنند.» بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، اتحادیه اروپا بارها تاکید کرده است که توافق هسته‌ای موضوعی جداگانه است اما مقامات اروپایی مایلند بگویند که محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران را در نشست هفته گذشته‌شان در بروکسل تحت فشار قرار داده‌اند.» این کمیسیون اروپایی تصریح کرد: «این مسائل شامل تنش‌ها در خاورمیانه، برنامه موشکی بالستیک ایران و اعتراض‌های اخیر در ایران است. اگر بخواهیم شفاف صحبت کنیم باید بگوییم که تمام این مسائل باید رسیدگی شود، اما باید خارج از چارچوب توافق هسته‌ای باشد. اگر برجام وجود نداشته باشد، رسیدگی به هیچ‌یک از این مسائل ساده نخواهد بود.» به گزارش خبرگزاری فرانسه، این در حالی است که مقامات ایران بارها هرگونه تغییر در برنامه جامع اقدام مشترک را غیرمحمول دانسته‌اند.

حمایت دیگر اعضای ۵+۱ از برجام

طی یک هفته اخیر، دیگر اعضای ۵+۱ حمایت خود را از برجام اعلام کرده‌اند. وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد دستاوردهای مثبت در مورد مسائل مهمی همچون اجرای توافقنامه حل و فصل وضعیت پیرامون برنامه هسته‌ای ایران (برجام) باید با دقت رفتار کرد. مقامات وزارت خارجه روسیه و مجلس سنا این کشور حداقل در یک هفته گذشته بارها بر حفظ برجام و لزوم اجرای مفاد آن از سوی تمام شرکت‌کنندگان در این توافق بین‌المللی از جمله آمریکا تاکید کرده‌اند. سرگئی ریابکوف معاون وزیر خارجه و اکشن به اظهارات دونالد ترامپ روسیه در نخستین واکنش به اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا را اعلام کرد که مسکو اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا را منفی می‌داند. مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای روسیه گفت: «تصمیم برای تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای در مورد ایران در یک دوره معین، چیزی بیش از یک اقدام ظاهری نیست و نباید این اقدام بیش از حد واقعی ارزیابی شود.» وی در ادامه گفت: «مصرانه به مقام‌های آمریکایی زیانبار بودن سیاست‌های آنها را بازگو خواهیم کرد، اما تکرار می‌کنم پس از اظهارات ترامپ، سرنوشت برجام به شدت زیر سوال رفته است.» چین یک بار دیگر اعلام کرد مواضع این کشور در قبال توافق هسته‌ای روشن و شفاف است و از آن در هر شرایطی دفاع می‌کند. لوکانگ سخنگوی این وزارتخانه گفت که در روزهای گذشته بارها مواضع یکن دربار این توافق تشریح شده است. او افزود ایران و دیگر طرف‌های ذی‌ربط، پاسخ آمریکا را درباره برجام داده و بر پایبندی واشنگتن به آن تاکید کرده‌اند و چین نیز مانند آنها چنین درخواستی ندارد. وی گفت: «از دیدگاه یکن برجام یک توافقنامه بسیار مهم بین‌المللی است و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم اجرای دقیق آن

شروط ژرمن‌ها

آلمان چگونه به پرونده هسته‌ای ایران نگاه می‌کند؟

حتی افرادی مانند سناتور باب کور کر و سناتور تام کاتن مذاکراتی را با دیگر اعضای مجلس سنا در خصوص گنجاندن این شرایط در برجام صورت داده‌اند که تاکنون مورد موافقت کنگره قرار نگرفته است. همان گونه که مشاهده می‌شود، درخواست ترامپ از کنگره و اتحادیه اروپا در این خصوص کاملا مشخص است. بنابراین اظهارات مقامات آلمانی در خصوص بی‌اطلاعی از مواضع هسته‌ای ترامپ و درخواست دقیق کاخ سفید از ترویج‌کنندگان اروپایی در خصوص برجام غیر قابل پذیرش است. در جریان برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک (تایستان امسال) مقامات آمریکایی مذاکرات فشرده‌ای را با مقامات آلمانی و فرانسوی و انگلیسی داشتند. حتی برخی رسانه‌های غربی گزارش دادند که آمریکا در رایزنی‌هایی فشرده، در صدد است موافقت آلمان را نیز (مانند انگلیس و فرانسه) در راستای اصلاح برجام و تغییر آن جلب کند. بنابراین برلین کاملا از رویکرد واشنگتن نسبت به برجام و تقاضاهای ترامپ برای تغییر توافق هسته‌ای به سود منافع ایالات متحده آمریکا آگاه است. «موضوع بعدی به مواضع دوگانه برخی کشورهای اروپایی از جمله سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه در قبال توافق هسته‌ای با ایران بازمی‌گردد. حمایت کلی این سه کشور از توافق هسته‌ای برای استمرار برجام کافی نیست. این موضوعی است که خود کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز نسبت به آن آگاه هستند. مقامات سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان نیز بعضا چراغ سبزی‌هایی را به کاخ سفید در خصوص «اصلاح برجام» نشان داده‌اند. در جریان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک (شهر پور ماه امسال)، تلاش آمریکا برای متقاعد کردن فرانسوی‌ها در خصوص گنجاندن موضوع توان موشکی ایران در برجام به نقطه اوج خود رسید. امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه نیز بارها اعلام کرده است که می‌توان بر سر موضوعاتی مانند توان موشکی ایران و اعمال محدودیت‌های هسته‌ای پس از سال ۲۰۲۵ میلادی با ایران مذاکره کرد. واقعیت امر این است که «اصلاح برجام» مترادف با «تغییر برجام» و «تغییر برجام» مترادف با «خروج از برجام» است. این نکته‌ای است که جمهوری اسلامی ایران بارها خطاب به اعضای ۵+۱ و خصوصا آمریکا و ترویج‌کنندگان اروپایی عنوان کرده است.

در چنین شرایطی مقامات آلمانی به جای محکوم کردن دولت آمریکا و تأکید بر «اجرای تمام‌عیار برجام» و «غیر قابل تغییر بودن توافق هسته‌ای»، از مذاکره با مقامات آمریکایی با هدف مشخص شدن مواضع واشنگتن در خصوص توافق هسته‌ای سخن می‌گویند! بدون شک هم‌اکنون کشورهای اروپایی از جمله آلمان صرفا باید میان «پایبندی کامل و صد درصدی به سند فعلی برجام» و «خروج از توافق هسته‌ای» یک گزینه را انتخاب کنند. بازی دوگانه و اتخاذ مواضع پارادوکسیکال در این خصوص به هیچ عنوان قابل قبول نیست. اگر آلمان و اتحادیه اروپا در صدد حفظ برجام هستند، لازم است به رویکرد چندگانه خود در این خصوص پایان دهند. در غیر این صورت، مسئولیت ابطال توافق هسته‌ای از سوی ایالات متحده آمریکا، بر عهده سه کشور اروپایی نیز خواهد بود؛ موضوعی که لازم است دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان صراحتا در خصوص آن به ترویج‌کنندگان اروپایی هشدار دهد. ▶

حنیف غفاری

روزنامه‌نگار



۲ آلمان یکی از اعضای ۵+۱ و از کشورهای فعال در جریان سلسله مذاکرات هسته‌ای با ایران محسوب می‌شود. آلمان به همراه انگلیس و فرانسه ترویج‌کنندگان اروپایی را تشکیل می‌دهند. آلمان اگرچه در شورای امنیت سازمان ملل متحد دارای حق وتو و عضویت دائمی نیست، اما از کشورهای بانفوذ در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. از این رو مواضع برجامی آلمان در قبال ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، خصوصا اینکه طی هفته‌های اخیر، برخی مواضع اعلامی از سوی دولت آلمان با خواسته‌های کشورمان در خصوص برجام مطابقت نداشته است. اظهارات اخیر سخنگوی دولت آلمان در خصوص برجام، نشان می‌دهد که به رغم ادعای مقامات آلمانی نسبت به توافق هسته‌ای و پایبندی به آن، برلین رویکرد چندگانه‌ای را در خصوص این توافق در پیش گرفته است. به عبارت بهتر، تأکید مقامات آلمانی بر اینکه ایران باید از مزایای برجام بهره‌مند شود، با رفتار عملی مقامات این کشور تناقض دارد. صورت مسئله این است که اخیرا سخنگوی دولت آلمان از دولت ترامپ خواسته است تا «دقیقا» مشخص کند که از توافق هسته‌ای با ایران چه می‌خواهد و در برجام به دنبال چیست!

استفان سبیرت در این خصوص عنوان کرده است: «برلین به دنبال جزئیات بیشتری درباره این مسئله است که واشنگتن از توافق هسته‌ای با ایران چه چیزی می‌خواهد. آلمان از توافق هسته‌ای حمایت می‌کند و در کنار آن ایستاده است. آلمان شرایط را با شرکای اروپایی تجزیه و تحلیل خواهد کرد.» علاوه بر سبیرت، میا آدبار سخنگوی وزارت خارجه آلمان نیز تأکید کرده است که ژرمن‌ها قصد دارند با آمریکایی‌ها دیدار کرده و هدف و درخواست دقیق ترامپ در خصوص برجام را دریابند. به راستی هدف مقامات آلمانی از بیان این اظهارات چیست؟ آیا آنها به دنبال زمینه‌چینی برای تغییر در توافق هسته‌ای هستند؟ آیا آنها واقعا نسبت به مواضع ایالات متحده آمریکا در قبال توافق هسته‌ای آگاه نیستند؟ در خصوص مواضع اخیر مقامات آلمانی نکاتی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد: «نخستین نکته، به کلیت درخواست آلمان از آمریکا در خصوص مواضع هسته‌ای ترامپ بازمی‌گردد. همان گونه که اشاره شد، مقامات آلمانی به خوبی درخواست‌های ترامپ در خصوص توافق هسته‌ای را می‌دانند! رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در جریان تمدید دوباره تعلیق تحریم‌های هسته‌ای، خواسته‌هایی غیر منطقی و غیر عقلانی را در خصوص توافق هسته‌ای تحت عنوان «شروط چهارگانه» بیان کرد. شروط عمده ترامپ در خصوص تأیید برجام، یکی بازرسی از اماکن نظامی ایران، دیگری دائمی شدن محدودیت‌های برنامه هسته‌ای ایران و حذف بندهای موسوم به «غروب آفتاب» از برجام و در نهایت ایجاد ارتباط میان برنامه موشکی و هسته‌ای ایران است، به نحوی که هر گونه تست موشکی ایران، مترادف با نقض برجام شناخته شود. اینها نکاتی بود که ترامپ نه تنها در زمان حال، بلکه طی یک‌سال اخیر نیز به عناوین مختلف مطرح کرده است.

از سوی ایران را مورد تأیید قرار داده و گزارش‌هایی در این باره منتشر کرده است. او تصریح کرد: «برجام به عنوان یک دستاورد بسیار ارزشمند از سوی جامعه بین‌المللی و چین مورد حمایت است و همواره طرف‌های دیگر باید آن را با دقت به اجرا بگذارند. این سخنگو گفت: «اگر اختلافی وجود دارد باید از راه‌های مناسب به دنبال حل و فصل آن بود اما مهم این است همه جوانب ذی‌ربط باید با اراده سیاسی به دنبال اجرای دقیق برجام باشند و مقررات و اصول آن را مورد احترام قرار دهند.» «وانگ یی» وزیر خارجه چین هم در مصاحبه‌ای از آمریکا خواست به این توافق بین‌المللی احترام گذاشته و مانند دیگر طرف‌ها آن را اجرا کند. امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در پاسخ به درخواست نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای تغییر برجام، خواستار احترام او به توافق هسته‌ای ایران شد و بر لزوم پایبندی به مفاد توافق هسته‌ای تأکید کرد. کاخ الیزه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد ماکرون تأکید کرده همه کشورهای جهان باید به توافق هسته‌ای ایران احترام بگذارند. سفیر فرانسه در واشنگتن هم با تأکید بر اینکه تأیید برجام و تعلیق تحریم‌های هسته‌ای واشنگتن علیه ایران مسأله داخلی آمریکا است، اعلام کرد که کشورش بر اجرای کامل برجام پایبند می‌ماند. سخنگوی وزارت خارجه انگلیس نیز اظهار داشت که موضع انگلیس در قبال توافق هسته‌ای ایران مشخص است. ما آن را توافقی حساس که دنیا را امن می‌کند به حساب می‌آوریم. همچنین وزارت امور خارجه آلمان در واکنش به بیانیه دولت آمریکا در خصوص برجام تأکید کرد که برلین همچنان به ادامه اجرای کامل توافق هسته‌ای با ایران متعهد است.

ادامه واکنش‌ها به مواضع برجامی ترامپ

از سوی دیگر، واکنش چهره‌های علمی و سیاسی نسبت به رویکرد برجامی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا ادامه دارد. «پیتر جنکینز»، نماینده سابق انگلستان در ژانسون بین‌المللی انرژی اتمی در یادداشتی در فرادای انتشار بیانیه ترامپ، آن را پر از جملاتی دانست که «فقط نیمی از حقیقت را می‌گفت؛ پر از کذب و سفسطه بود و خواندن همه اینها برای فشار خون آدمی مضر است.» همچنین دکتر «جیم والش»، استاد دانشگاه ام‌آی‌تی آمریکا و کارشناس برجسته هسته‌ای تمدید دوباره تعلیق تحریم‌های هسته‌ای ایران را نشان دهنده شکاف میان سخن و عمل ترامپ دانست و اولتیماتوم برجامی وی را غیرواقعی بیانه خواند. او در ادامه ادعای رئیس‌جمهور آمریکا را که این آخرین بار است که تحریم‌ها را تعلیق می‌کند، مگر آنکه در برجام بازنگری شود رد کرد و آن را منطبق بر واقعیت‌ها ندانست. وی گفت: «ترامپ درباره خیلی مسائل، اولتیماتوم داده است. دشوار بتوان جدیدی وی را بر اساس حرف زدنش سنجید.

در گذشته ترامپ چیزهایی گفته که بعدا برعکس آن را بیان کرده است.» این ادبیات از یک سو بدین معناست که در تدوین برجام از نهایت ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل بهره گرفته شده است و از این رو آمریکا با دعوی منطقی و حقوقی نمی‌تواند آن را از بین ببرد و تنها راه، ادعاهای بی‌پایه و غیرمنطقی است و از سوی دیگر رئیس‌جمهور آمریکا را نیز در مقابله با برجام مستأصل نشان می‌دهد. در هر حال، نکته اصلی اینجاست که هر گونه اقدامی از سوی ایالات متحده آمریکا برای تغییر برجام، مترادف با خروج واشنگتن از توافق هسته‌ای محسوب می‌شود. در این خصوص ترویج‌کنندگان اروپایی و دیگر اعضای ۵+۱ نیز باید قاطعانه از برجام حمایت کرده و اساسا گزینه‌ای به نام «اصلاح برجام» را مطرح نکنند. ▶

همراه شوند. بنابراین فشار روی اروپاییان وجود دارد و حتما اروپاییان درجه‌ای از این فشارها را پذیرفته‌اند، به‌خصوص فرانسوی‌ها این موضوع را به ایران منتقل کرده‌اند. اما از دید ایران مذاکره در مصالح عالیه ممنوع است و بحث توانمندی نظامی هم از مصالح عالیه است، که کشورها راجع به مصالح عالیه مذاکره نمی‌کنند زیرا به امنیت، تمامیت ارضی، استقلال و نظام سیاسی مربوط می‌شود و کشورها در مورد این موضوعات حاضرند بچنگند، اما مذاکره یا انعطاف به خرج ندهند. به نظر نمی‌رسد که تا امروز از جانب ایران چراغ سبزی نشان داده شده باشد مبنی بر اینکه حاضر به مذاکره در این موضوعات است. فقط یک نکته ممکن است وجود داشته باشد که این نکته در نوع خودش ممکن است بلاشکال باشد. اگر آمریکایی‌ها سعی دارند ذهنیت اروپایی‌ها را درباره ایران تغییر بدهند برای جلوگیری از این اقدام آمریکایی‌ها، بهتر است ایران هم با توضیح و تبیین مساله توانمندی‌های دفاعی‌اش برای اروپا آنها را قانع کند که نگاه آمریکا یک نگاه خصمانه است. زیرا به‌طور طبیعی آمریکا هر رفتار ایران را به گونه‌ای غلط تفسیر خواهد کرد.

بنابراین ممکن است ایران در تلاش باشد برای اصلاح ذهنیت اروپاییان و اینکه تحت تاثیر آمریکاییان قرار نگیرند، صحبت‌هایی درباره این موضوعات و اقناع رفتار آنها صورت داده باشند یا بخواهند صورت بدهند. بنابراین تا امروز در مساله موشکی نه مذاکره صورت گرفته نه گفت‌وگو، بلکه صحبت‌هایی غیررسمی برای دفاع از حقوق ایران صورت گرفته است. در عین حال سیاستمداران ما مواظب هستند که علامتی به آمریکا یا اروپا ندهند مبنی بر اینکه ما حاضریم درباره این موضوعات مذاکره کنیم؛ بلکه باید نشان دهند ایران به هیچ‌وجه حاضر نیست در این موضوعات مذاکره کند. در واقع ایران به این مباحثی که ردوبدل شده گفت‌وگو یا مذاکره نمی‌گوید، بلکه اینها صحبت‌های غیررسمی است که در محافل دیپلماتیک جریان دارد. از طرف دیگر از همان ابتدا گفته شده برجام مذاکره درباره برنامه هسته‌ای ایران است بنابراین اینکه برجام را منوط کنیم به گفت‌وگو درباره مسائل دیگر اساسا اشتباه است. ضمن اینکه شروطی که ترامپ گذاشته از اصل اشتباه است؛ زیرا در برجام در مورد

یک موضوعات مشخصی مذاکره شده و پرونده آن هم بسته شده است. بنابراین اکنون نمی‌تواند مسائل دیگر را پیش بکشد و به آن نسبت دهند. اروپا یا آمریکا ممکن است بخواهند تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع کنند، اما این مسائل ربطی به اجرای برجام ندارد. ضمن اینکه اقدامات مغایر برجام را هم نباید انجام دهند.

بنابراین اروپاییان نمی‌توانند به بهانه مساله موشکی ایران، تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع کنند کما اینکه وضع تحریم آمریکا علیه ایران در چارچوب قانون کاتسا نیز اشتباه است؛ زیرا در برجام تصریح شده کشورهای عضو، نه تنها خودشان، بلکه جامعه بین‌المللی را باید تشویق کنند که با ایران وارد تعامل و همکاری‌های اقتصادی شوند. ▶

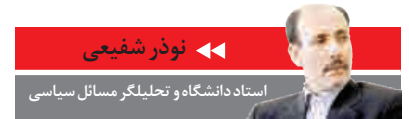
جنگ ذهنیت‌سازی

آمریکادر تلاش برای امنیتی کردن برنامه موشکی ایران است

دیدگاه ایران، توانمندی‌ها برای حفظ امنیت و بقا است. این تضاد و تعارض بین آمریکا و ایران از قبل بوده و در آینده هم خواهد بود. اما دیدگاه اروپاییان به توانمندی‌های دفاعی ایران متفاوت از آمریکا است. برخی از کشورهای اروپایی می‌پذیرند که ایران در یک زمانی مورد تجاوز قرار گرفته، در آن زمان همه علیه ایران در کنار عراق قرار گرفتند و ایران تحریم تسلیحاتی شد. بنابراین هر کشوری برای امنیت خودش نیازمند درجه‌ای از توانمندی‌های دفاعی است. اما آمریکایی‌ها درصددند این دیدگاه را در اروپا تغییر دهند. یعنی آن نگاه امنیت‌محوری را که در دیدگاه اروپاییان است، به یک نگاه تهاجم‌محور تغییر دهند. به عبارت بهتر این گونه به اروپاییان تفهیم کنند که



توانمندی‌های نظامی ایران جنبه تهاجمی دارد. آمریکا برای اینکه این دیدگاه را به اروپاییان تحمیل کند نوعی گروکنشی کرد؛ به این صورت که آنها در مساله برجام اروپا را همراهی می‌کنند، مشروط بر اینکه اروپاییان در قضیه توانمندی‌های نظامی ایران از جمله برنامه‌های موشکی ایران یا ما همکاری کنند. به همین خاطر آمریکا تعلیق تحریم‌های ایران را به انجام چنین اقدامی از جانب اروپاییان منوط کرده است. بنابراین نکته مهم این است که آمریکا در حقیقت برنامه‌های نظامی ایران را که جنبه دفاعی دارد، یک بعد تهاجمی می‌بخشد و به این شکل مساله ایران را یک مساله امنیتی می‌کند. در حقیقت سعی دارد ایران را به شکل یک تهدید و خطر جلوه دهد و نوعی ایران‌هراسی را در ذهن اروپاییان ایجاد کند، تا با آمریکا



نوذر شفیعی

استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی

۳ در پی مهلت چهار ماهه دونالد ترامپ برای بازبینی توافق هسته‌ای با ایران، مقام‌های جمهوری اسلامی در واکنش به تاکید رئیس‌جمهوری آمریکا بر لزوم اصلاح توافق هسته‌ای و توقف برنامه موشک‌های بالستیک ایران، می‌گویند که تهران به هیچ‌وجه درباره برجام و برنامه موشکی خود مذاکره نخواهد کرد. این در حالی است که ترامپ و مشاورانش به خوبی می‌دانند مذاکرات موشکی با هدف ایجاد محدودیت و نظارت بر فعالیت‌ها و برد موشکی، یک خط قرمز حاکمیتی برای ایران است و مقامات این کشور به هیچ‌وجه راضی به مذاکره و مصالحه در موضوع بازدارندگی‌ای نمی‌شوند که مربوط به بقا و امنیت ملی کشور است. در واقع باید گفت این مساله از تفاوت نگاه ایران و آمریکا نشات می‌گیرد. نگاه ایران و آمریکا به مساله توانمندی‌های دفاعی ایران از هم متفاوت است و این تفاوت نگاه به دلیل تعارض منافع است؛ تعارض منافع هم به این دلیل است که این دو کشور دو هویت جداگانه دارند. به این معنا که آمریکا یک کشور مستکبر، انحصارطلب و سلطه‌گر است. اما ایران یک کشور تجدیدنظرطلب است که ساختارهایی را که ایالات متحده به عنوان قدرت هژمون به وجود آورده و نظم جهانی می‌نامد، قبول ندارد. بنابراین به دلیل این دو هویت متضاد، منافع و سیاست‌هایشان متفاوت خواهد بود. متاثر از این بنیاد نظری آمریکایی‌ها، برنامه‌های نظامی ایران را یک برنامه تهاجمی می‌دانند، یعنی مدعی هستند هدف افزایش توانمندی‌های ایران، سلطه بر منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است. برعکس، ایران این توانمندی‌ها را دفاعی می‌داند و این موضوع را استناد می‌دهد به اینکه

در تاریخ معاصر، ایران هیچ‌گاه یک قدرت مهاجم نبوده و اغلب مورد تعرض و تهاجم واقع شده است. به‌خصوص در جنگ هشت‌ساله زمانی هم که از طرف عراق مورد حمله واقع شد، در حقیقت آمریکایی‌ها و غربی‌ها بودند که صدام را تحریک به حمله به ایران کردند و در آن زمان هم با تمام توانمندی‌های مادی به خصوص تسلیحات نظامی در پشت صدام حسین قرار گرفتند. از قضا در آن شرایط ایران را تحریم تسلیحاتی هم کردند بنابراین متاثر از این داده‌ها، ایران معتقد است براساس برآوردهایی که از تهدیدات احتمالی در منطقه و خارج از منطقه دارد، توانمندی‌های دفاعی‌اش را با قصد تامین امنیت برای خود افزایش می‌دهد. بنابراین از دیدگاه نظامی آمریکا، توانمندی‌های ایران برای تهاجم و سلطه است؛ اما از





پارادوکس

اروپا نمی تواند آمریکا و مذاکرات موشکی با ایران را همزمان داشته باشد



دیاکو حسینی

عضو ارشد مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری

به همین خاطر به نظر می رسد اروپاییان نسبت به برهم خوردن نظم بین المللی، بی اهمیت شدن موضوع توافقات بین المللی و چند جانبه گرایی هراس بیشتری دارند، تا نگرانی های اقتصادی که در روابط تجاری ایران و اروپا وجود دارد. بنابراین برای آنها موضوع برجام فراتر از رابطه با ایران و موضوع توافق هسته ای است که این مساله به نظم بین المللی که اروپا می تواند نقش مفیدی با کمک دیپلماسی در این خصوص داشته باشد، باز می گردد.

در این میان برای ایران بهترین گزینه ادامه رابطه با اروپا و تلاش برای گسترش زمینه های همکاری با اروپا است؛ حتی اگر بتوانیم با اروپاییان درباره موضوعات منطقه ای وارد گفت و گو شویم به مراتب رسیدن به نتیجه راحت تر است تا زمانی که بخواهیم با اروپایی ها در مورد مسائل موشکی وارد مذاکره شویم. بنابراین به نظر می رسد ایران این پیام را به اروپا منتقل کرده و در حال ارسال این پیام است که ایران آماده است با اروپاییان در مورد موضوعات مختلفی گفت و گو کند؛ مشروط به اینکه این مذاکرات بر اساس احترام متقابل به منافع بین ایران و اروپا تعریف شده باشد و بر اساس پیروی اروپا از آمریکا بنا نشده باشد.

این مسیر تنها مسیری است که می تواند به ایران در بهره برداری از اختلافات و بی اعتمادی های موجود میان اروپا و آمریکا کمک کند. ایران هم این موضوع را به خوبی درک کرده و متوجه هراس ها و نگرانی های اروپا از آمریکا است. بنابراین با مقداری نرمش می تواند از نزدیک شدن غیر ضروری اروپا و آمریکا در رابطه با مسائل ایران جلوگیری کند.

همچنین به رغم اینکه در بخشی از کشورهای اروپایی حلقه های قوی محافظه کاری از جمله در فرانسه وجود دارد، اما در عین حال افرادی هم هستند که با نگاه های سابق اروپا و مسائل منطقه ای ما مشکل دارند و به دنبال این هستند که راه اروپا را از آمریکا جدا کنند. بنابراین همکاری های ایران با این طیف های سیاسی در اروپا کمک خواهد کرد به اینکه اولاً گروه های نوحفاظه کار در وزارت امور خارجه های اروپا تضعیف شوند و در عین حال احتمال تعمیق همکاری های نظامی و سیاسی اروپا و آمریکا در مساله ایران را کمتر می کند که در حقیقت این مسیری است که ایران انتخاب کرده است. ▶

مساله برجام برای رسیدن به مذاکرات موشکی با ایران برای اروپا بسیار ضعیف است؛ کما اینکه قطعاً از طرف ایران هم مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. ضمن اینکه این مساله که اروپا چطور می خواهد ایران را برای ورود به مذاکرات موشکی تشویق کند در ابهام قرار دارد. در واقع اروپا در این پارادوکس گرفتار است که قوانینی که ممکن است در آینده وضع شود تا ایران را مجبور به مذاکرات موشکی کند، می تواند به راحتی به نقض برجام منجر شود و به صورت خود به خود اروپا را هم از برجام خارج کند که این سناریو مورد پسند اروپاییان نیست.

به عبارت دیگر اروپا این اراده را دارد که به هر طریقی برجام را حفظ کند، اما از یک طرف هم اروپا اعلام کرده که مایل است در مورد مسائل موشکی و منطقه ای با ایران وارد مذاکره شود. از طرف دیگر اگر اروپا بخواهد در برابر آمریکا بایستد و یک جنگ تجاری با آمریکای از برجام خارج شده را ایجاد کند، در آن صورت اهرم زیادی ندارد که ایران را به این نوع مذاکرات موشکی هدایت کند. به این معنا که وجود آمریکای استراتژی تهدید خروج از برجام اجزای است در دست اروپا، برای اینکه ایران را به پای میز مذاکرات موشکی بکشاند.

به عقیده من اروپا در یک پارادوکس عظیم گرفتار شده است؛ از یک طرف اگر بخواهد به این سطح از مذاکرات با ایران دست پیدا کند نیاز دارد که همچنان سمپاتی های سیاسی را با آمریکا در ارتباط با ایران نشان دهد از طرف دیگر اگر بخواهد چنین کاری را انجام دهد خود به خود در معرض نقض برجام قرار خواهد گرفت. بنابراین اروپایی ها استراتژی مشخصی برای عبور از این پارادوکس و رسیدن به هر دو هدف یعنی نگه داشتن آمریکا در برجام و رسیدن به توافق موشکی و منطقه ای با ایران ندارند. آنها هم منتظرند ببینند ایران چه پیشنهاداتی را ارائه می دهد.

از طرف دیگر باید گفت که برجام یک دستاورد برای اتحادیه اروپا و در ارتباط با مزیت اتحادیه اروپا یعنی دیپلماسی و چند جانبه گرایی است. از دست رفتن این توافق بدین مفهوم است که تنها ابزار موجود اروپا، یعنی دیپلماسی عملاً به حاشیه رفته و اعتبار اروپا از دست برود. این مساله به اوج گرفتن دوباره نظامیگری در حل و فصل اختلافات بین المللی و تحت الشعاع قرار گرفتن اروپا به واسطه قدرت نظامی آمریکا کمک خواهد کرد.

۴ دونالد ترامپ بعد از همه تهدیدها و گزاره گویی هایی که در باب برجام داشت مجدداً ترجیح داد با طرح شروطی تا چهار ماه آینده در برجام بماند. هدف وی از طرح این شروط همراه کردن اروپا با آمریکا و ایجاد اجماع علیه ایران است. شاید بتوان گفت جنگی ترین و بحث برانگیزترین شرط وی، مذاکرات درباره مساله موشکی ایران است. اما در واقع شروطی که از جانب ترامپ وضع شده است، تاثیری جدی در برآورد هایی که اروپایی ها پیش از این در مورد مساله موشکی ایران داشتند، صورت نداده است. این موضوع شاید به این خاطر است که اروپا انتظار این موضع را از جانب آمریکا در مورد برجام داشت و نسبت به این مساله هم مطلع بود که آمریکا در تلاش است آنچه را که به اصطلاح نواقص برجام می نامد، از طریق اعمال فشارهایی پیش ببرد؛ از این طریق ایران را هم مجبور کند پای میز مذاکرات موشکی و مسائل منطقه ای بنشیند. در واقع باید گفت اروپایی ها و آمریکایی ها در مورد اینکه باید در رابطه با مسائل موشکی ایران مذاکره شود، کاملاً اتفاق نظر دارند؛ تنها تفاوت در اینجاست که از نظر اروپاییان مسائل موشکی و منطقه ای باید در چارچوب جداگانه ای مورد بررسی قرار بگیرد. این چارچوب به دو شرط بستگی دارد؛ اول اینکه آمریکا در برجام باقی بماند و برجام را ترک نکند، دوم اینکه اگر قرار است تحریم های تازه ای علیه ایران به بهانه مساله موشکی، حقوق بشر و مسائل منطقه ای وضع شود، این تحریم ها مستقیماً برجام را نقض نکند. با وجود این دو شرط اروپا حاضر به همکاری با آمریکا در مورد مسائل موشکی ایران و تشویق ایران به مذاکره است. اما به عقیده من شروطی که ترامپ برای ۱۲۰ روز آینده گذاشته است، مقداری فشارهای سیاسی اروپا را زیاد می کند تا نظر ایران را به انجام مذاکرات موشکی جلب کند و این تنها تفاوتی است که بین تهدید تعلیق های برجام و قبل از آن وجود دارد.

در واقع می توان این گونه گفت که از بین شروط برجامی دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، اروپاییان روی بحث موشکی ایران که فضای مناسب تری هم دارد، متمرکز خواهند شد. ضمن اینکه گفت و گو های پراکنده آنها با طرف ایرانی نشانه علاقه مندی آنها به این مساله است و به نوعی در تلاشند تا از این فضا استفاده کنند و ایران را نسبت به ترک احتمالی آمریکا از برجام و پیامدهایی که می تواند داشته باشد بترسانند. اما در حقیقت هیچ استراتژی مشخصی از طرف اروپا و آمریکا درباره اینکه چطور می توانند ایران را وارد مذاکره موشکی کنند و اساساً چه انتظاری از این مذاکرات در آینده وجود دارد، اعلام نشده است و به نظر می رسد اروپاییان در مورد این موضوع اتفاق نظر ندارند. همچنین طرف ایرانی هم نسبت به این موضوع هوشیار است که پیامدهای خروج احتمالی آمریکا از برجام، صرفاً مربوط به ایران نیست و به همه اعضا کنندگان این توافق مربوط است. به این معنا که همه اعضا باید به نحوی مسائل مربوط به این توافق را کنترل کنند که خروج احتمالی آمریکا از برجام، به این توافق آسیب نزنند. به عبارت دیگر احتمال اهرم قراردادن



یارکشی واشنگتن

اروپا نمی خواهد ایران را از دست بدهد



۵ تنش‌های برجای ایران و آمریکا شکل تازه‌تری به خود گرفته و ایالات متحده به دنبال یارکشی است. وزیر خارجه آمریکا تلاش دارد با کشاندن اروپایی‌ها به سمت خود در این منازعه فشارهای بیشتری را به ایران وارد کند. موضوع برنامه موشکی ایران مساله‌ای است که آمریکا روی آن دست گذاشته است و باتوجه به حساسیت اروپایی‌ها به این موضوع احساس می‌کنند می‌توانند در این مسیر آنان را با خود همراه کنند. اما در ابتدا باید یادآور شوم که مساله موشکی هیچ ربطی به توافق برجام ندارد و مستقل از برجام است. مساله دوم اینکه ایران ناچار است در برابر تهدیدهایی که هم در سطح جهان از سوی آمریکا و هم در سطح منطقه از سوی رژیم اسرائیل دارد، خود را به سلاح‌های دفاعی تجهیز کند. بنابراین نمی‌توان یک کشور را به خاطر تهدیدهایی که در منطقه و جهان در برابرش وجود دارد از سلاح‌های دفاعی محروم کرد. بنابراین مواضع اروپا در برابر شروط اخیر ترامپ، از جمله مساله موشکی قابل تامل است. اما ایران شفاف و صریح بیان کرده که موضوع موشکی یک مساله دفاعی است و مذاکرات در این میان جایی ندارد. زیرا ایران از ابتدا تاکید کرد که اولاً موشک‌های ایران از سلاح‌های متعارفی است که همه دنیا از جمله ایران هم دارند، ثانیاً وقتی آنها انواع و اقسام موشک‌ها با بردهای مختلف را تولید می‌کنند، اجازه ندارند در این حوزه برای جمهوری اسلامی ایران تعیین تکلیف کنند. ضمن اینکه موشک‌های ایران امکان ندارد که به کلاهک هسته‌ای مجهز شوند. زیرا از یک سو طبق برجام چهار مسیر اصلی که امکان داشت ایران به سمت سلاح هسته‌ای برود بسته شده؛ از سوی دیگر در دکتترین هسته‌ای ایران، تولید سلاح هسته‌ای جایی ندارد و ایران بارها این موضوع را پیش و پس از برجام اعلام کرده است. همچنین در برجام هم این موضوع ذکر شده است. بنابراین جلساتی که وزیر خارجه آمریکا با وزرای خارجه فرانسه و انگلیس برگزار می‌کند بیشتر جنبه تبلیغاتی و رسانه‌ای دارد و خواست

اسرائیل را مبنی بر محدودیت یا حذف موشک‌های ایران تعقیب می‌کنند. این در حالی است که هیچ بحث و مذاکره‌ای در مورد فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی اسرائیل وجود ندارد و انواع سلاح‌های پیشرفته توسط آمریکا و فرانسه در اختیار آنها گذاشته شده است. ضمن اینکه تهدید اسرائیل نه فقط علیه ایران، بلکه علیه کل کشورهای خاورمیانه وجود دارد. بنابراین کشورهای غربی و اروپایی به جای اینکه منشأ تهدید و خطر را کنترل کنند، در صدد هستند قدرت دفاعی ایران را محدود کنند. در این میان هفته‌نامه اشپیگل به نقل از محافل دیپلماتیک در بروکسل ادعا کرد که آلمان، فرانسه و بریتانیا در پی وضع تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران هستند. در این رابطه باید گفت اشپیگل یک هفته‌نامه شناخته‌شده آلمانی است که کاملاً تحت نفوذ صهیونیست‌های آلمان است و مطالبی هم که چاپ می‌کند در ادامه فضا سازی‌ها و عملیات‌های روانی است که پیش از این ذکر کردم. اما در شرایط کنونی اروپا مناسبات خوبی با ایران در رده‌های مختلف اقتصادی دارد و سرمایه‌گذاری‌های زیادی در ایران داشته و خواهد داشت. ضمن اینکه منافش هم ایجاد می‌کند که با ایران رابطه داشته باشد، همچنان که کره جنوبی، ژاپن و هند هم همین مسائل را دارند و به‌رغم همه مخالفت‌هایی که آمریکا دارد تعاملات‌شان را پیش می‌برند.

بنابراین احتمال کمی وجود دارد که در نهایت آمریکا بتواند اتحادیه اروپا را از این مسیر منحرف کند؛ به دو دلیل ساده، یک اینکه منافع‌شان ایجاد می‌کند با ایران رابطه داشته باشند، دوم هم اینکه آنها با آمریکا در مسائل مختلف از جمله پیمان پاریس و آینده ناتو در اروپا و سایر موضوعات مهم دیگر اختلاف نظر دارند. با همه این تفاسیر اگر هم اروپا و آمریکا با هم علیه ایران هماهنگ شوند بر این موضوع واقفند که در مسیر دفاعی ایران تاثیر نخواهند گذاشت. از طرف دیگر باید بر این نکته تاکید کرد که منطقی بر چهار شرطی که ترامپ گذاشته حاکم نیست و هیچ سختی با برجام ندارد. در واقع چند کشور بعد از ۱۲ سال تلاش پراکنده و ۲ سال تلاش متمرکز به توافقی دست یافته‌اند، بعد یکی از طرف‌های توافق که آمریکا باشد شرط می‌گذارد که اگر چهار اقدام مهم که با اساس برجام هم در تضاد است، انجام نشود از توافق خارج می‌شود. این در شرایطی

است که اوپاما هم در ابتدا این درخواست‌ها را مطرح کرد اما او به این نتیجه رسید که نمی‌تواند این موضوعات را داخل توافق بگنجانند، زیرا در آن صورت برجام ملغی می‌شود. این درخواست آمریکا مانند این است که ایران مصرا نه درخواست می‌کند که همه تحریم‌ها باید قبل از توافق لغو شود؛ که این امر شدنی نبود. به همین خاطر ترامپ خودش هم می‌داند که شروطی که مطرح کرده قابلیت اجرا ندارند و هدفش از طرح آن به هم زدن توافق است؛ که به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپا در این بخش نمی‌تواند با واشنگتن هم‌سو شود. اگرچه موضوع موشکی از مسائلی است که اتحادیه هم اعلام کرده خواهان محدود کردن قدرت موشکی ایران است، اما این مطالبه خارج از توافق برجام است و طرح آن بی‌نتیجه است.

لازم به ذکر است با اینکه ترامپ از ابتدای دوره ریاست جمهوری‌اش تهدید به خروج از برجام می‌کرد اما چون منافع آمریکا مانند ایران و دیگر کشورها به ماندن در برجام است، همچنان در این توافق باقی مانده است. به همین جهت مطالبات ترامپ از ایران و تحت فشار قرار دادن اروپاییان در این جهت بی‌پایه و اساس است. بهترین اقدام برای اتحادیه اروپا هم این است که از تهدیدات علیه ایران بکاهند. به این معنا که اسرائیل رسماً اعلام کند که معاهده ام‌پی‌تی‌رای می‌پذیرد، پذیرفتن نظارت آژانس در فعالیت‌های هسته‌ای و تضمین دادن به درست نکردن بمب هسته‌ای. زیرا دادن امتیازات اقتصادی و وعده‌های اقتصادی در زمینه مسائل موشکی و دفاعی به آمریکا راهگشا نیست و راه به جایی نخواهد برد. ضمن اینکه پیش از توافق برجام بهانه‌هایی وجود داشت که آمریکا می‌توانست به اتکا شش قطعه‌ای تحت فصل هفتم، اتحادیه اروپا را تحریم و تهدید کند. اما دیگر قطعه‌های تحت فصل هفتم و ۱۲ قطعه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پی‌ام‌دی که ایران را به تولید سلاح هسته‌ای متهم می‌کرد، وجود ندارد. بنابراین از یک طرف پیش از این ایالات متحده از طریق این قطعه‌ها اتحادیه اروپا را در رابطه با ایران تهدید می‌کرد، از طرف دیگر الان اروپا با آمریکا در زمینه‌های دیگر هم اختلاف دارند.

این جمله ترامپ را باید به خاطر سپرد که گفت: «اروپاییان می‌خواهند با ایران مبادله و معامله داشته باشند و ما هم نمی‌توانیم مانع شویم.» بنابراین در این شرایط آمریکا بهانه کافی برای فعال کردن مجدد تحریم‌های ثانویه را ندارد. زیرا تحریم‌های ثانویه باعث شده بود ایران نتواند با هیچ کشوری مبادلات انجام دهد، به صورتی که چین و روسیه هم نمی‌توانستند با ایران مبادلات داشته باشند، چه برسد به اتحادیه اروپا. اما امروزه این شرایط وجود ندارد؛ از طرفی کاخ سفید در نظر دارد اتحادیه اروپا را قانع کند که به بهانه نقض حقوق بشر و بی‌ثبات سازی در منطقه، تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع کنند که عملاً برجام را بی‌خاصیت کنند که بعید می‌دانم اروپاییان در دام چنین نقشه‌ای بیفتند.

آمریکا برای رسیدن به نتیجه دلخواهش سعی دارد ایران را وادار به ترک برجام کند؛ در حالی که ایران محکم و هوشمندانه سیاست اجرای برجام را ادامه می‌دهد. تاییدیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را هم گرفته است و این آمریکا است که در شرایط انزوا قرار گرفته است. ▶





رفقای نیمه راه

اروپا در دوراهی آمریکا و برجام چه خواهد کرد؟



سید مسعوده میرسعودی
سردبیر مجله ایرانی روابط بین الملل

زمانی که در سال ۲۰۱۵ میلادی برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و ۵+۱ یعنی بین پنج قدرت جهانی و کشوری از خاورمیانه منعقد شد، دیپلماسی شکل گسترده تری به خود گرفت. برجام قدمی به سوی دیپلماسی و گفت و گو بود؛ هر چند مخالفانی در داخل و خارج داشت ولی اکثریت قریب به اتفاق از گسترش تعامل با مذاکره خشود بودند و این برنامه را به عنوان الگویی برای این نوع تعاملات می دانستند. متحدان اروپایی نیز این نوع دیپلماسی را در راستای هنجارهای نورماتیو اتحادیه اروپا ارزیابی کرده و آن را مسیری برای حل موضوعاتی از این نوع با مذاکره و گفت و گو می دانستند.

با این مقدمه وارد مسائل و سناریوهای پیش روی برجام می شویم که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا برای این توافق متصور شده است. ترامپ در آخرین اظهار نظرش در مورد برجام آن را «بدترین قرارداد تاریخ آمریکا» توصیف و خواستار اصلاحات عمیق در آن شده است.

ایرادات آمریکا بر برجام شامل سه مولفه است:
۱- مهار برنامه موشک های بالستیک ایران و فعالیت های غیر هسته ای در منطقه.

۲- موضوع فعالیت های ایران در منطقه و سعی در بی ثبات سازی منطقه (نقض روح برجام)

۳- نقض حقوق بشر مخصوصا با ناآرامی های اخیر

ایران

طرف های اروپایی شامل انگلستان، فرانسه و آلمان، محور اصلی در انعقاد توافق برجام بودند و تا به امروز بیشترین حمایت را از برجام داشته اند. استناد سخنان شان نیز بر اساس تایید آژانس بین المللی انرژی است که هر بار در وقت مقرر، پایبندی ایران را نسبت به این موضوع تایید کرده و این شاخص اصلی در حمایت از برجام برای طرف های اروپایی بوده است.

هر چند مشکلات بانکی ایران در تعاملات بین المللی هنوز به مرحله عملیاتی نرسیده ولی تایید پایبندی ایران به برجام توسط آژانس بین المللی انرژی، توانست سرمنشا قراردادهای اقتصادی زیادی بین طرف های اروپایی و ایران قرار بگیرد.

در ادامه این سوال پیش می آید که اروپا با این حمایت عمیق و پابرجا از برجام، به دنبال تصمیم و تاکید اخیر آمریکا بر خروج از برجام در صورت عدم اصلاح آن، چه استراتژی ای را در پیش خواهد گرفت؟ آیا اروپا در مذاکرات دو جانبه با ایران و یا چند جانبه با همتایان اروپایی سعی در جلب نظر آمریکا برای تایید برجام دارد؟

آیا اروپا قدرت مخالفت با آمریکا را در موضوع برجام دارد؟

آیا اروپا در انتخاب بین ایران و آمریکا، ایران را انتخاب می کند؟

اروپا با تایید برجام سعی در اثبات خود به عنوان بازیگر کلیدی بین المللی در ساختار جهانی دارد، اما آیا این مهم

برای اروپا محقق خواهد شد؟

آیا آمریکا سعی دارد با موضوع برجام بار دیگر سیاست های bandwagoning (همراهی) اروپا نسبت به آمریکا را مخصوصا به روسیه و چین نشان دهد؟ و سوال آخر اینکه بالاخره اروپا در قبال برجام چه استراتژی ای اتخاذ خواهد کرد؟

در تحلیل این موضوع می توان چند نکته کلیدی را در ارتباط اروپا با ایران یادآور شد؛ نخست اینکه ایران به عنوان کشوری مطرح است که از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برای اروپا متمایز و ویژه است که در این موضوع شکی نیست. بنابراین اروپا سعی دارد به هر ترتیبی که شده ارتباط با ایران را حفظ کند. با نگاهی به تعاملات اقتصادی چند سال اخیر طرفین و تعاملات بعد از توافق برجام می توان این موضوع وابستگی به ایران را کاملا درک کرد.

بنابراین نمی توان منکر شد که برجام عواید اقتصادی داشته، چون حداقل برای برخی از کشورهای خارجی بدون منفعت نبوده و تنها در یک نمونه واردات ایران از فرانسه در پسابرجام چهار برابر شده است.

در نیمه اول سال ۹۴ که هنوز برجام اجرایی نشده بود، حجم کالاهای وارداتی از فرانسه به ایران ۲۳ هزار تن بود اما با رشد بیش از ۷۰ درصدی در نیمه اول سال ۹۵ به ۵۷ هزار تن رسید و در نیمه اول سال ۹۶ هم رشد بیش از ۳۰ درصدی (چهار برابری) را نسبت به دوران قبل از برجام طی کرد.

ضمن اینکه افزایش قابل توجه واردات در دو سال اخیر، منحصر به کشور فرانسه نیست و بر اساس آمار تجارت

نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. بنابراین هر بازیگری زورش بیشتر است امنیت بیشتری دارد و بقای خودش را طبق نظریه رئالیستی تضمین می‌کند.

سناریوی چهارم (مطلوب) به خود ایران ربط دارد مبنی بر اینکه مسائل عمیق اقتصادی در کشور را با تشکیل اتاق‌های فکر و مشاوره با کارشناسان اقتصادی حل کند. چون ایراد حقوق بشری که در پی ناآرامی‌های اخیر به ایران گرفته شد، بیشتر اعتراضات معیشتی بوده و باید به برنامه‌ریزی‌های اقتصادی سعی در جلب اعتماد جامعه داخلی ایران شود. همچنین حاکمیت و دولتمردان، جامعه مدنی ایران را ارج نهاده و بیشترین انرژی را در این محور بگذارند. اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی داخل کشور را بیشتر به‌داده‌وسی کند فقط روابط مسالمت‌آمیز در بیرون را حفظ کنند. فعالیت‌های موشکی یکی از مسائل حساس برای آمریکا است و ایران می‌تواند این فعالیت‌ها را طبق توافق نانوشته ۳۴ کشور در رابطه با عدم اشاعه تکنولوژی موشکی (MTCR) تنظیم کند تا راه‌راه برای ایرادهای نابجای آمریکا ببندد.

نتیجه‌گیری

هر کشوری در فعالیت‌های داخلی و بیرون مرزی باید بتواند فعالیت‌های سیاست خارجی خود را با پتانسیل‌های خود چک و بالانس کند تا بتواند در ساختار بین‌الملل به‌نحوی موثر عمل کند. ایران در زمان حساسی به سر می‌برد و تکیه بر اروپا یا روسیه و چین نمی‌تواند آینده ایران را تضمین کند. دولتمردان ایران باید از مشاوره‌های اقتصادی قوی برخوردار باشند و مشکلات را از داخلی‌ترین لایه حل کنند و به این موضوع فکر کنند که برجام نیز یک مرحله بوده و حتی خود را برای خروج احتمالی کشور از این قرارداد نیز آماده کنند. ترمیم و ارتقای زیرساخت‌های اقتصادی می‌تواند خیلی از مسائل داخلی و به‌دنبال آن خارجی را حل و فصل کند و پرستیژ و عملکرد ایران در ساختار بین‌المللی را ارتقا دهد.

نباید فراموش کنیم خروج یا فشار آمریکا برای خروج از یک قرارداد بین‌المللی مثل برجام در جهانی که دیپلماسی و گفت‌وگو مرتبه رفیعی دارد بیشتر به ضرر آمریکاست، حتی اگر در جایگاه هم‌زمن قرار گرفته باشد. ▶

یک هدف دیگر هم دارد و آن ارسال سیگنال‌هایی به روسیه و چین است که مسائل ایران غیرقابل مذاکره است و و نه تنها اتحادیه اروپا بلکه روسیه و چین نیز باید حقیقت را بپذیرند. در این موارد روسیه و چین سعی خواهند کرد با احتیاط عمل کنند؛ مخصوصاً روسیه با انتخابات پیش‌رو سعی خواهد کرد در این موضوع بیشتر نظاره‌گر باشد تا عمل کننده.

آینده‌پژوهی: درباره استراتژی اروپا در مورد برجام چندین سناریو را می‌توان طراحی کرد: اول اینکه اروپا بیشترین قدم‌های خود را در مسیر اصلاحات برجام خواهد برداشت و سعی خواهد کرد مطابق نظر آمریکا محدودیت‌های موشکی را در برجام اتخاذ کند. همچنین در مذاکرات دوجانبه با ایران نیز سعی خواهد کرد این اصلاحات برجام را به ایران بقبولاند که راهی به‌جز این برای حفظ حمایت برجام ندارد.

محدودسازی فعالیت‌های ایران در منطقه نیز یکی از مسائل کلیدی برای آمریکا در خاورمیانه است که آن را عامل بی‌ثباتی در منطقه و نقض روح برجام تلقی می‌کند. البته بعید به نظر می‌آید که ایران از این موضع عقب‌نشینی کند.

درباره آینده برجام نیز یک سناریوی (ممکن) این است که به نظر می‌رسد اروپا نتواند در موضوع برجام در مقابل آمریکا قرار گیرد، بنابراین آینده خوبی برای این قرارداد بین‌المللی متصور نیست. آمریکا به احتمال قوی از برجام خارج می‌شود و قدرت‌های اروپایی هم نمی‌توانند ادامه مسیر دهند. سناریوی دوم (نامطلوب) این است که برجام اصلاحات را پذیرفته و یک قرارداد دست‌وپاگیر برای همه فعالیت‌های ایران باشد که قدرت حرکت‌های ملی و فراملی را از ایران خواهد گرفت.

سناریوی سوم (ناممکن) این است که ایران قبل از آمریکا از برجام خارج شود که این هشدار بین‌المللی برای آمریکا و متحدانش خواهد بود و این سیگنال را به جهانیان خواهد داد که نهادهای بین‌المللی (سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) در برابر قدرت‌های بزرگ عاجز هستند. همچنین این موضوع را بیان می‌کند که هنوز «سیاست قدرت» حاکم است و برای امنیت بیشتر باید زور گفت، زیرا در جهان آن‌را شکی جای برای مذاکره نیست، سرشت انسان‌ها بد است و همکاری بین‌المللی هم

خارجی کشور، واردات کالا از آلمان در پنج ماه اول سال ۹۶ نسبت به مدت مشابه سال ۹۴ یعنی زمانی که هنوز برجام اجرا نشده بود، ۴/۴۶ درصد رشد پیدا کرده است.

ایتالیا و هلند هم بهره چشمگیری از برجام برده‌اند؛ چرا که واردات ایران از این کشورها هم در پنج ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال ۹۴ (یعنی بازه زمانی قبل از اجرای برجام) به ترتیب بیش از ۴۲ و ۷۸ درصد رشد کرده است.

با نگاهی گذرا به مبادلات اقتصادی سایر کشورهای اروپایی نیز می‌توان به جرات گفت با اینکه مشکلات بانکی بین ایران و جهان بعد از توافق برجام حل نشده، ولی در حجم مبادلات اقتصادی بی‌تاثیر نبوده و کماکان مبادلات وجود دارد.

از طرفی دیگر برای اروپا مسیر ترانزیت انرژی از روسیه بسیار مهم است؛ هم‌اکنون ترکیه این مهم را برعهده دارد و اروپا همیشه به ایران هم به‌عنوان قسمتی از تامین انرژی و هم به‌عنوان مسیر ترانزیت انرژی با مبداء غیر از روسیه فکر کرده است. پس ایران با این محورها و مقاصد برای اروپا ارزشمند است.

آمریکا نیز کاملاً به این موضوع واقف است و سعی در محدود کردن دایره عمل ایران با دست دیگران دارد. بنابراین اتحادیه اروپا با این مشخصات بهترین گزینه برای آمریکا است.

در حقیقت ترامپ با ۱۲۰ روز تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای، این بار به اروپا در خصوص خروج از برجام اولتیماتوم داده و نه به ایران.

آمریکا با این کار سعی دارد این موضوع را القا کند که اروپا فقط در کنار آمریکا می‌تواند پرستیژ خود را حفظ کند و باید سیاست bandwagoning (همراهی) خود با آمریکا را حفظ کند و راهی جز این هم ندارد. اروپا نیز سعی دارد با حفظ پرستیژ و با ایجاد اصلاحات این مسیر را طی کند. درحقیقت اروپا در وقت داده شده سعی خواهد کرد سیاست «یکی به نعل یکی به میخ» را دنبال کند تا بتواند هم رضایت آمریکا و هم حمایت از ایران را نمایش دهد و هم پرستیژ بین‌المللی خود را حفظ کند. در این بین احتمالاً جنب و جوش و مذاکرات دوگانه و چندگانه هم صورت خواهد گرفت.

از دیگر سو، آمریکا با کارت بازی اروپا در موضوع برجام

فشار بر اروپا

تهران نباید روی پکن و مسکو حساب باز کند



میر قاسم مومنی

مدیرعامل موسسه مطالعات بین‌المللی چشم‌انداز ابرار نوین

باتوجه به اینکه توافق برجام یک موفقیت و پیروزی بزرگ برای اروپا بوده و در واقع اروپا توانسته است در سطح بین‌المللی یک بحران را مدیریت کند و ارزش بسیاری برای آنها دارد، به همین جهت اروپا حاضر نیست به‌خاطر توسعه‌طلبی‌های ترامپ از منافع برجام محروم شود و از این رو به‌دنبال حفظ برجام و کسب رضایت آمریکا هستند. باتوجه به مذاکرات انجام گرفته بین مقامات آمریکایی و اروپایی، سیاست فشار بر ایران با محوریت توسعه موشکی، حقوق بشری و تروریسم در حال تدوین است و در واقع می‌توان گفت میحث توسعه موشکی و مستشاری ایران ابزاری جهت فشارهای سیاسی و طرف‌بین‌المللی علیه ایران شده است. در این خصوص مقامات فرانسه، آلمان و انگلیس به‌صورت پراکنده مطالبی را ارائه کرده‌اند که به‌نظر می‌رسد استراتژی فشار بر ایران و کشاندن ایران به میز مذاکره این بار از جانب اروپا شروع شده است. در این خصوص اروپا سه‌ماه فرصت دارد که چارچوب و محورهای مذاکره با ایران را تدوین و جهت شروع مذاکرات اقدام کند.

چون در صورت خروج آمریکا عملاً برجام به شکست

سیاست خارجی آمریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ یک سیاست تهاجمی است که هدف آن نیز ایجاد شکاف بین متحدین آمریکا با مخالفان آن کشور در جهان است. ترامپ یکی از بزرگترین چالش‌های سیاست خارجی خود را پرونده ایران و کره شمالی می‌داند و به همین جهت از اوایل روی کار آمدن، ترامپ سیاست خصمانه‌ای علیه ایران و توافق برجام داشته است.

تمدید مشروط توافق برجام از سوی ایشان در جهت همراه کردن اروپاییان در سیاست‌های خصمانه علیه ایران قابل ارزیابی است و این سیاست مبتنی بر فشار به شرکای اروپایی آمریکا در راستای شروع مذاکرات در خصوص موضوعاتی همچون حقوق بشر، تروریسم و حضور ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن و بندهایی از توافق برجام است.

خواهد انجامید و اروپا بیشترین میزان ضرر را متحمل خواهد شد؛ به همین جهت باید آمادگی لازم جهت هرگونه مذاکره و اقدام متقابل را پیش‌بینی کرد. در این خصوص به‌نظر نمی‌رسد روسیه بتواند اقدام عملی خاصی انجام دهد. انتخابات ریاست جمهوری پیش‌روی روسیه و رقابت سخت ولادیمیر پوتین با مخالفان قدرتمند خود در داخل روسیه موقعیت این کشور را جهت حمایت همه‌جانبه از ایران تضعیف خواهد کرد و این موضوع با فرصت سه‌ماهه ترامپ به اروپا جهت ایجاد تغییرات در مفاد برجام هم‌زمان است. به همین جهت در این خصوص مانباید زیاده‌بر حمایت روسیه و چین حساب کنیم چرا که هر دو کشور روسیه و چین علی‌رغم رقابت‌های موجود با آمریکا در موضوعات امنیت بین‌المللی و منطقه‌تفاهم ضمنی دارند. به همین جهت باید در نظر داشت که اولاً فشار به ایران جهت حضور پشت میز مذاکرات موشکی و مسائل حقوق بشری افزایش خواهد یافت و دوم اینکه اروپا و آمریکا به یک سیاست و استراتژی واحد علیه ایران خواهند رسید و این یک وضعیت خاصی علیه کشور ایجاد خواهد کرد. در این برهه زمانی بهترین استراتژی و راه مقابله، اتحاد ملی و مردمی است؛ چرا که هرگونه اختلاف و رقابت سیاسی ناسالم در داخل بین احزاب و گروه‌های سیاسی می‌تواند موقعیت مقابله با آمریکا و اروپا را سخت‌تر نماید. ▶

خواستنه نامعقول غرب

ایران تاکید دارد که برد موشک‌هایش زیر دوهزار کیلومتر است



عبدالرضا فرجی‌راد

استاد ژئوپلیتیک و کارشناس مسائل بین‌المللی

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا با تعیین یک مهلت ۱۲۰ روزه به کنگره ایالات متحده و اتحادیه اروپا خواستار بازنگری در برجام و اصلاح آنچه «ایرادهای» این توافق اتمی نامیده است، شد. از طرفی مقامات اروپایی و رسانه‌ها مدعی شدند که بین ایران، فرانسه، انگلیس و آلمان توافق شده مذاکراتی درباره برنامه موشکی ایران خارج از برجام انجام شده است. اما سیدعباس عراقچی،

عربستان بالای دوهزار کیلومتر است و موشک‌های قاره‌پیما با برد بالا را از چین خریداری کرده است؛ این در حالی است که ایران با تجربه جنگ با عراق این حق طبیعی اش است که خود را در محدوده مجاز به تنها سلاح دفاعی اش یعنی موشک مجهز کند. بنابراین کشورهای غربی وقتی این ادعا را برای یک کشور بزرگ در منطقه‌ای متشنج مطرح می‌کنند، باید بتوانند با استدلال از ادعای خودشان دفاع کنند. مثل این است که آنها بخواهند ایران اصلا غنی‌سازی نداشته باشد در حالی که امارات، ترکیه، مصر و پاکستان همگی دارند که اصلا و منطقی‌شدنی نیست؛ مساله موشکی نیز مانند همین موضوع است. بنابراین طبیعتا در باب این مساله صحبت شده است و ایران هم استدلال‌های خودش را مطرح کرده و بر اساس منافع خودش صحبت می‌کند. زیرا در مقطع کنونی که مساله برجام مرتباً مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد در کنارش موضوع موشکی نیز مطرح می‌شود. اما با توجه به اینکه مساله موشکی مستقل از برجام است، ایران نیز این موضوع را گوشزد می‌کند و از منافعش به هر طریقی دفاع می‌کند که این نوع گفت‌وگو در همین سطح هم بحث و مذاکره نام می‌گیرد.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد در هفته‌های اخیر مواضع اروپا با آمریکا در رابطه با موضوع موشکی و مسائل منطقه کمی نزدیک شده است. استدلال اتحادیه هم این است که برای اینکه برجام پایدار بماند، در رابطه با مسائل منطقه و موشکی به آمریکا نزدیک می‌شویم تا آمریکا فشارش را در مورد برجام کم کند. بنابراین امکان دارد در ماه‌های آینده اروپا با آمریکا همراهی کند. در این صورت به نظر می‌رسد که اگر ایران مطالبات آنها را در رابطه با مسائل موشکی و منطقه برآورده نکند، آنها هم از حجم معاملات اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران می‌کاهند. زیرا غرب این گونه ادعا می‌کند که این مسائل ارتباطی با توافق برجام ندارد و مرتبط با مباحث موشکی و دخالت‌های ایران در منطقه است که در این صورت آنها به زعم خودشان خدشه‌ای به برجام وارد نکرده‌اند. طبیعتاً در همین راستا فعالیت‌هایی که آمریکایی‌ها انجام می‌دهند مانند سفر رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا به اروپا یا مایک پنس به اسرائیل و عربستان در راستای فشار بر ایران انجام می‌شود.

از این رو به نظر می‌رسد اروپاییان در حال مطرح کردن مسائل منطقه و موشکی هستند که امتیازاتی بگیرند و بتوانند ترامپ را راضی کنند تا بعد از ۱۲۰ روز از برجام خارج نشود. از طرف دیگر ایالات متحده و غرب با عربستان و برخی از کشورهای عربی هماهنگ هستند و در این میان منافع هم دارند. مضاف بر اینکه باید بپذیریم حضور ایران در منطقه مانند سوریه و لبنان، اثر منفی بر نفوذ و حضور فرانسه می‌گذارد و یک رقابت ژئوپلیتیکی در می‌گیرد که ایران در این رقابت باید خیلی ظریف و هوشمندانه عمل کند. در این میان روسیه و چین به عنوان دیگر اعضای گروه ۱+۵ اعلام کردند که مخالف اجرایی شدن شروط ترامپ هستند و قاعده‌ها به نظر نمی‌رسد که با تحریم‌ها همراهی کنند. مگر اینکه آمریکا و اروپا مسائل موشکی و منطقه را به شورای امنیت بکشاند و روس‌ها مجبور باشند از دستور شورای امنیت اطاعت کنند که این موضوع هم به ضرر روسیه است، زیرا فسکو و تهران در سوریه با همدیگر همکاری می‌کنند و طبیعتاً مخالف اقدام آمریکا و اروپا هستند. ▶

کیلومتر نخواهیم داشت و اگر این موضوع مورد مذاکره قرار گیرد نشان از این نیست که ایران در موضع دفاعی و موشکی اش کوتاه آمده است.

در گفت‌وگو با طرف فرانسوی یکی از موضوعات مساله موشکی است و مساله دیگر بحث منطقه است. به عنوان مثال آنها می‌گویند ایران در عراق و سوریه حضور نداشته باشد، این در حالی است که ایران نقش ثبات‌دهنده در سوریه و عراق دارد و مبارزه با تروریسم نیز نقش فعالی دارد. از این رو ایران در مذاکرات و نشست‌هایی که دارد، باید از مسائلی از قبیل ادعای نقش بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه ابهام‌زدایی کند. زیرا ایران هر بار که به دعوت



دولت‌های منطقه به عنوان مستشار پاسخ مثبت داده، به حاکمیت آن دولت‌ها و مبارزه با تروریسم کمک کرده است. بنابراین در درجه اول در پاسخ به ادعاهای طرف مقابل، ایران باید دلایل خود را مثلاً از حضور در منطقه توضیح دهد. در درجه دوم آنها درخواست‌هایی دارند مبنی بر اینکه ایران مبارزه با تروریسم را به آنها واگذار کند، این در حالی است که اروپایی‌ها حتی نتوانستند اقدامات تروریستی در کشور خودشان را هم کنترل کنند. بنابراین ایران در مقابل این درخواست آنها بیان می‌دارد که امنیت ایران به این مساله گره خورده، ضمن اینکه اقدامات رسمی و به دعوت آنهاست. در باب مساله موشکی هم ایران در مذاکرات همواره تاکید کرده که برد موشک‌هایش زیر دوهزار کیلومتر است و شک و تردیدی که آنها دارند، مساله‌ای است که خودشان باید به فکر راه چاره‌ای برایش باشند و ایران بیش از این نمی‌تواند کاری کند. از طرفی اگر آنها بخواهند ایران به طور کلی برنامه موشکی اش را تعطیل کند، خواسته‌ای نامعقول و نابجا را مطرح می‌کنند. در شرایط کنونی در کشورهای منطقه، برد موشک‌های

معاون ظریف خبر منتشر شده در رسانه‌ها مبنی بر اینکه ایران با کشورهای غربی درباره مسائل موشکی مذاکره کرده، راد کرد و گفت این خبر صحت ندارد. در واقع باید گفت گفت‌وگویی صورت گرفته است که یکی از بحث‌هایی هم که در آن مطرح شده موضوع موشکی است. طرف ایرانی هم متقابلاً در بحث و گفتگوی مطرح شده پاسخ‌ها و استدلال‌های خودش را بیان کرده است. اما این گفت‌وگو به این معنا نیست که طرفین در بحث موشکی وارد جزئیات شدند. در حقیقت این مباحثه در این حد بود که ایران در برد ۲۰۰ کیلومتر به بالا هیچ فعالیتی ندارد؛ باید توجه داشت اساساً بحث موشکی در برجام موضوعیتی ندارد و موضوع موشکی یک مساله دفاعی برای ایران است. شاید برداشت طرف خارجی از این گفت‌وگو، مذاکره موشکی باشد، اما طرف ایرانی هم اظهار می‌دارد که مذاکرات در این جهت که ایران در بحث دفاعی و موشکی کوتاه بیاید نبوده است. ضمن اینکه در آینده هم ممکن است این بحث‌ها ادامه پیدا کند که اینگونه مقامات نظامی ایران هم اعلام کردند که ما در رابطه با بحث موشکی تلاشی برای برد بالای دوهزار

داشته است. چرا داخل ایران تا بدین حد نسبت به مساله مذاکره حساسیت وجود دارد؟

▲ به نظر من ایران نباید از مذاکره و اهمه‌ای داشته باشد؛ زیرا مذاکره بدین مفهوم است که ما شرایط خود را توضیح دهیم و طرف مقابل نیز شرایط ما را درک کند. اگر اروپا شرایط ایران را به درستی درک کند، آنگاه راه حلی پیش پای این مساله خواهد گذاشت. به عنوان مثال زمانی که پاکستان و هند در برابر یکدیگر قرار گرفتند، پاکستان اعلام کرد که در برابر هند، بلاذفاع است و اگر به سمت سلاح هسته‌ای رفت به این دلیل است که به نوعی بازدارندگی در مقابل هند برسد و این مساله نیز برای جهان قابل فهم بود. این بدان مفهوم است که تمام کشورها ملاحظات امنیتی و دفاعی خود را مطرح می‌کنند، برای جهان آن را جامی اندازند و حمایت دیگر کشورها را نیز جلب می‌کنند. اما اگر ایران خیلی خواهان مذاکره نیست، به دلیل بدعهدی‌های واشنگتن در خصوص مذاکرات هسته‌ای است. اگر آمریکا درباره برجام به تمام تعهداتش پایبند مانده بود شاید امروز ایران تا بدین حد نسبت به مساله مذاکره حساس نمی‌شد.

برخی تحلیلگران معتقدند که مذاکرات موشکی در مقطع فعلی اصلا مفهومی ندارد و در نهایت مذاکرات برد-باخت خواهد بود. شما این تحلیل را درست می‌دانید؟

▲ اینکه بخواهیم حکمی صادر کنیم و از ابتدا برچسبی به این موضوع بچسبانیم رویکرد درستی نیست. نتیجه بحث موشکی بستگی به آن دارد که ما مذاکرات را به چه صورت پیش ببریم. چراکه استدلال ما برای جهان قابل فهم و درک است و مذاکره کنندگان ما نیز حرفه‌ای هستند.

در حال حاضر با توجه به اینکه ایران با کشورهای اروپایی همکاری‌هایی دارد و آقای تخت‌روانچی نیز اخیراً در این رابطه توضیحاتی ارائه کردند مبنی بر اینکه طرفین برای حل موانع بانکی در تلاش هستند یا برخی گفت‌وگوهای منطقه‌ای را آغاز کرده‌اند، تهران در دوره‌ای که آمریکا برای اروپا ایجاد کرده باید چه سیاستی را در پیش بگیرد؟

▲ ایران باید در این برهه کشورهای اروپایی را در کنار خود نگه دارد تا بتواند از منافی که برجام برایش ایجاد کرده و همکاری با این کشورها بهره‌مند شود. همچنین ما باید با روشی پیش برویم که آمریکا نتواند کشورهای اروپایی را بار دیگر در اجماع علیه ایران با خود همراه کند. بلکه ایران باید روشی را دنبال کند که کشورهای اروپایی با ایران همراه شوند.

در نهایت اینکه برجام چه منافی برای کشورهای اروپایی به دنبال داشته که تا بدین حد حفظ برجام برایشان اهمیت دارد؟

▲ اول اینکه از نظر حقوقی، برجام برای اروپا تعهدی است مستقل از ایران و آمریکا که آنها باید به این توافق متعهد باشند. دوم اینکه کشورهای اروپایی نگران صلح و امنیت بین‌الملل هستند در حالی که دونالد ترامپ این دغدغه را ندارد. رهبران اروپایی دریافته‌اند که اگر ترامپ را به حال خود رها کنند ممکن است جهان را به سمت درگیری و آتش بکشاند. بنابراین از نگاه صلح و امنیت بین‌الملل، آنها از برجام حمایت می‌کنند تا این توافق زنده بماند. دلیل سوم حمایت آنها از برجام نیز این است که آنها می‌خواهند روابطشان شان را با ایران گسترش دهند و نمی‌خواهند روابطشان با تهران گروگان توافق هسته‌ای یا شکستن این توافق باشد. بنابراین اروپا مایل است که در سایه توافق هسته‌ای به گسترش روابط با ایران بپردازد. اینها سه دلیل اصلی هستند که باعث شده کشورهای اروپایی بجد به حمایت از توافق هسته‌ای برخیزند. ►



ایران باید شرایطش را برای اروپا توضیح دهد

گفت‌وگوی مثلث با نماینده پیشین ایران در سازمان ملل

۹ علی خرم، کارشناس مسائل بین‌الملل و نماینده پیشین ایران در سازمان ملل در گفت‌وگو با هفته‌نامه مثلث درباره احتمال مذاکرات موشکی با کشورهای اروپایی گفت که مذاکره به معنای وادادن مواضع یا منافع نیست و ایران باید شرایطش را برای کشورهای اروپایی توضیح دهد. در واقع به گفته این کارشناس، اگر گفت‌وگوها درباره مساله موشکی ایران در یک شرایط برد-برد دنبال شود، می‌توان بدن پرداخت اما اگر قرار باشد طرف مقابل شرایط ایران را درک نکند و ایران فقط توانایی موشکی‌اش را محدود کند، اینچنین گفت‌وگو‌هایی نباید صورت بگیرد.

تغییراتی بدهد آنها نیز باید امتیازاتی به ایران بدهند، مبنی بر اینکه ایران از نظر بازدارندگی و دفاع از کشور مشکی نداشته باشد.

داخل کشور نسبت به هرگونه مذاکره موشکی بارها هشدار داده شده است. اما هفته گذشته آقای عراقچی، معاون وزیر خارجه ایران با اشاره به این مساله که ایران با هیچ کشوری در خصوص مسائل موشکی کشور مذاکره نکرده و نخواهد کرد، گفت که اگر منظور از مذاکره ریزنی‌های معمول سیاسی است که مقامات کشورها در ملاقات با یکدیگر انجام می‌دهند و در این ملاقات‌ها مسائل مورد علاقه خود را مطرح می‌کنند، نگرانی‌هایی را که دارند بیان می‌کنند و طرف مقابل در حدی که صلاح بداند به این نگرانی‌ها پاسخ می‌دهد و یا نگرانی‌های متقابل خود را مطرح می‌کند، باید بگوییم این ریزنی‌های سیاسی بین ما و همه کشورها در مورد موضوعات مختلف همیشه وجود

به دنبال ضرب‌الاجلی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا برای کشورهای اروپایی در جهت اصلاح برجام تعیین کرد، شاهد تقلائی کشورهای اروپایی برای جلب نظر مثبت ترامپ هستیم. به نحوی که آنها چندی است صحبت از مذاکرات موشکی با ایران را یا هدف راضی کردن ترامپ مطرح می‌کنند. نظر شما راجع به امکان انجام این مذاکرات چیست؟

▲ در ابتدا باید توجه داشت که مذاکره به معنای وادادن مواضع یا منافع نیست؛ مذاکره می‌تواند به این ترتیب باشد که ما شرایط جمهوری اسلامی ایران را توضیح دهیم. به‌طور مثال این مساله را بیان کنیم که در اثر تحریم‌های آمریکا یا مشکلات دیگر، جمهوری اسلامی ایران از امکانات نیروی هوایی برخوردار نیست و چون طی این ۴۰ سال از این امکانات برخوردار نبوده، بنابراین برای دفاع از خود سامانه موشکی‌اش را تقویت کرده است. در ضمن همچنانکه بارها در ایران تاکید شده است، اگر این سامانه موشکی را نداشته باشیم، کشور قادر به دفاع از خود در برابر تهاجمات احتمالی نیست. این توضیحات و استدلال برای همه جهان قابل فهم است، بنابراین ایران باید توضیحاتش را از این زاویه مطرح کند و بگوید که اگر در جهان از جهت نیروی هوایی، تجهیزات، جنگنده و هواپیما به روی ایران باز شود و تحریم‌ها برداشته شود، ایران دیگر داعیه‌ای برای گسترش سامانه موشکی‌اش ندارد. چنین استدلالی به معنای این نیست که مذاکره‌کننده ایرانی واداده است، بلکه طرف ایرانی شرایطش را توضیح می‌دهد و اروپایی‌ها نیز اگر این استدلال را بپذیرند می‌توانند با دادن امتیازهایی به ایران در خصوص موشکی با طرف مقابل به نتایجی دست یابند. البته باید توجه داشت که مذاکره باید برد-برد باشد و دو طرف به یکدیگر امتیاز بدهند. اگر قرار باشد طرف ایرانی در قابلیت تولید سامانه موشکی‌اش

اروپا در قامت پلیس خوب

ایزدی نقش اتحادیه اروپا در فشار موشکی بر ایران را تشریح کرد

دکتر ایزدی چندی است که کشورهای غربی به سرمدمداری فرانسه صحبت از مذاکرات موشکی با ایران را مطرح کرده‌اند. البته این مساله بعد از صحبت‌های اخیر دونالد ترامپ و ضرب‌الاجلی که برای کشورهای اروپایی جهت اصلاح برجام تعیین کرد، شدت گرفته است. به نظر شما اقدامات کنونی اروپا و آمریکا بر سر مساله موشکی ایران را چطور می‌توان تفسیر و تحلیل کرد؟

▲ آمریکا و اروپا با مطرح کردن مسائل موشکی ایران در حال تکرار بازی پلیس بد و پلیس خوب هستند و این بار آمریکا نقش پلیس بد و اروپا نقش پلیس خوب را ایفا می‌کند. البته در این سناریوی پلیس خوب و بد، هم پلیس خوب و هم پلیس بد هدف‌شان مشترک، اما نوع ایفای نقش‌شان متفاوت است. در واقع پلیس خوب به هدف رجوع و اعلام می‌کند که اگر با آنها همراه نشوند پلیس بد وارد صحنه خواهد شد و اقدامات بدتری انجام خواهد داد. در حال حاضر اروپا در قامت پلیس خوب ظاهر شده و هدفش نیز برنامه موشکی و نقش منطقه‌ای ایران است. اروپا می‌خواهد با اقداماتش از ایران در این حوزه‌ها امتیاز بگیرد و بهانه‌اش نیز این است که اگر به آمریکا و ترامپ امتیاز ندهند برجام از بین خواهد رفت. اکنون پرسش این است که چرا اروپا و آمریکا احساس می‌کنند که می‌توانند بیشتر از آنچه که در برجام امتیاز گرفته‌اند از ایران امتیاز بگیرند؟! پاسخ این پرسش نزد ایران است. آیا اغراق‌های گسترده‌ای که در مورد برجام وجود داشت ترجمه شد و به دست ترامپ رسید و او با آن عقبه تاجر مسلک خود احساس کرد که اگر برجام تا بدین حد برای ایرانیان خوب بوده پس شاید بتوان این توافق را گروگان گرفت و امتیازهای بیشتری کسب کرد. روی چنین سناریویی باید تحلیل کرد و اندیشید. بنابراین لازم است که ادبیات داخل کشور را چ به برجام تصحیح شود و مسئولان کشور این تعریف‌های بی‌جهت را ادامه ندهند. به نظر من باید اعلام شود که اگر برجام واقعا برای آمریکا بد است و بدترین توافق تاریخ است از آن خارج شوند، ایران نیز پس از آنها خارج خواهد شد.

در این صورت طرف مقابل این گونه احساس نمی‌کند که می‌تواند برجام را به گروگان گرفته و امتیازهای بیشتری کسب کند.

این بحث اصلاح برجام که ترامپ و تیم او آن را مطرح می‌کنند آیا اصلشدنی است؟

▲ توجه داشته باشید در تاریخ روابط بین الملل و توافقاتی که وجود دارد مواردی بود که آمریکا خواهان الحاق یک توافق جانبی و تکمیلی شده است منتها سه شرط برای توافق تکمیلی وجود دارد؛ شرط نخست این است که توافق اولیه به درستی اجرا شود. این در شرایطی است که در خصوص برجام، آمریکا از همان هفته‌های نخست بدعهدی کرد و به نقض این توافق روی آورد. شرط دوم این است که دو طرف رضایت داشته باشند؛ در این خصوص نه ایران راضی است و نه لاقول در ظاهر کشورهای اروپایی راضی به تکمیل برجام هستند. سومین شرط برای توافق جانبی این است که طرف مقابل نیز آمادگی داشته باشد تا امتیازاتی بدهد اما آمریکا آمادگی دادن هیچ امتیازی را ندارد. بنابراین چنین مساله‌ای منتفی است. واقعیت این است که واشنگتن هم محدودیت‌های برجامی علیه ایران را می‌خواهد، هم نظرات‌ها را که در

▲ فواد ایزدی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگویی با هفته‌نامه مثلث به بررسی مواضع اخیر غرب در باره برنامه موشکی ایران پرداخت



و گفت اکنون اروپا و آمریکا در حال ایفای نقش پلیس خوب و بد هستند. به گفته این کارشناس، در حال حاضر اروپا در قامت پلیس خوب و آمریکا در قامت پلیس بد ظاهر شده‌اند. هدف اروپا نیز برنامه موشکی و نقش منطقه‌ای ایران است. اروپا می‌خواهد با اقداماتش از ایران در این حوزه‌ها امتیاز بگیرد و بهانه‌اش نیز این است که اگر به آمریکا و ترامپ امتیاز ندهند برجام از بین خواهد رفت.

تاریخ بی‌نظیر است و هم اینکه نمی‌خواهند ایران منفعتی از برجام ببرد و در عین حال تحریم‌های جدیدی را نیز تحمل کند.

ایران باید چه سیاستی را دنبال کند تا کشورهای غربی به رهبری آمریکا نخواهند دائما از ایران امتیاز بگیرند؟

▲ ایران باید به صراحت اعلام کند که با این سبک بازی همراه نیست و علاقه‌اش به برجام نیز کمتر از آن چیزی است که آمریکا گمان می‌کند. در این صورت آستانه تحمل ایران نسبت به برجام در محاسبات طرف مقابل دیگر بالا نخواهد بود و آمریکا درمی‌یابد که اگر بخواهد بیش از این با برجام بازی کند، ایران به راحتی از این توافق صرف نظر خواهد کرد.

آیا اروپا با مطرح کردن بحث موشکی و با توجه به نگرانی‌هایی که در این رابطه دارد، می‌خواهد یک تیر و دو نشان بزند؟

▲ بله اروپایی‌ها با مطرح کردن مساله موشکی که برای خود آنها نیز دغدغه است به خصوص برای فرانسوی‌ها با یک تیر، دو نشان می‌زنند. یعنی آنها هشدار ترامپ درباره خروج از برجام را بهانه قرار داده‌اند تا در زمینه موشکی از ایران امتیازاتی بگیرند. این در شرایطی است که مقامات کشور بارها تاکید کرده‌اند که مذاکرات موشکی صورت نخواهد پذیرفت و اگر طرف ایرانی به سمت کوتاه آمدن در حوزه مسائل موشکی پیش برود، گام بسیار خطرناکی برداشته است.

آقای عراقچی صحبت‌های وزیر خارجه فرانسه مبنی بر مذاکرات موشکی را تکذیب کردند و گفتند در خصوص برخی مسائل و نگرانی‌ها رایزنی‌های معمول سیاسی انجام شده است. اما با توجه به حرف و حدیث‌هایی که پیش آمده به نظر می‌رسد که مذاکراتی در این خصوص صورت گرفته است. نظر شما در این رابطه چیست؟

▲ صحبت‌های اخیر آقای عراقچی را باید در کنار صحبت‌های دو سال پیش ایشان قرار دهیم. آقای عراقچی در آن زمان گفته بودند که اجازه فکر کردن به طرف مقابل را در حوزه‌هایی مانند موشکی نمی‌دهیم اما امروز می‌گویند که صحبت‌هایی در این رابطه شده است. این مساله که طرف ایرانی می‌گوید صحبت می‌کنیم اما مذاکره نمی‌کنیم به نوعی طرف مقابل را به آنچه که می‌خواهد نزدیک می‌کند که این برای کشور ما خطرناک است.

چه سناریوهایی را برای وضعیت فعلی در باره برنامه موشکی ایران متصور هستید؟

▲ ایران در عمل در خصوص مسائل موشکی نمی‌تواند مذاکره کند زیرا مواردی که طرف‌های غربی به ویژه آمریکا از ایران می‌خواهند قابل پذیرش نیست. به عنوان مثال دونالد ترامپ اخیرا گفته است که موشک‌های ایران تخریبگر است پس باید جلوی توسعه موشکی ایران گرفته شود. این در حالی است که این صحبت‌ها خنده‌دار است مگر می‌شود موشک حالت تخریب‌کنندگی نداشته باشد. بنابراین آنها چیزهایی از ایران می‌خواهند که اصلا قابل پذیرش نیست. ما وقتی نمی‌توانیم خواسته‌های آنها را در حوزه موشکی بپذیریم باید به صراحت این مساله را بیان کنیم این ادبیات که بگوییم صحبت می‌کنیم اما مذاکره نمی‌کنیم به نفع ما نیست، بلکه باید صراحت بیشتری داشته باشیم. تا اردیبهشت ماه، ترامپ یک بار دیگر باید در مورد برجام و ماندن یا خروج از آن تصمیم بگیرد. احتمالا تا آن زمان اطرافیان وی به او می‌گویند که برجام، توافق خوبی است و نباید از آن خارج شوند بلکه باید در توافق باقی بمانند و از ایران امتیازات بیشتری بگیرند. بنابراین احتمال آنکه ترامپ در برجام باقی بماند نیز دور از تصور نیست.

ما اگر در حوزه موشکی کوتاه بیاییم، آمریکا فردا مساله دیگری را مطرح می‌کند و خواهان امتیاز گرفتن از ایران در حوزه‌های دیگر می‌شود. بنابراین ایران یک بار برای همیشه باید به آمریکا ثابت کند که اجازه نمی‌دهد آنها هر طور که می‌خواهند رفتار کنند.

همان طور که اشاره کردم ما باید آشکارا نشان دهیم که حتی اگر ترامپ تصمیم به خروج از برجام بگیرد، جامعه‌ای برای ایران نخواهد بود زیرا برجام، توافق خیلی خوبی برای ایران نبوده است و بود نبودش برای ایران خیلی تفاوتی نمی‌کند. در واقع اگر آمریکا در برجام باقی بماند ما محدودیت‌های برجامی را همراه با تحریم‌ها خواهیم داشت اما اگر خارج شود لاقول دیگر محدودیت برجامی نخواهیم داشت.

اگر آمریکا خارج شود، آیا اروپا نیز به پیروی از این کشور و برای حفظ منافعتش از این توافق خارج خواهد شد و واکنش ایران چه خواهد بود؟

▲ اگر آمریکا از برجام خارج شود، تمام تحریم‌های یکجانبه این کشور باز خواهد گشت. بنابراین اگر ایران در برجام باقی بماند هم محدودیت‌های برجامی را باید داشته باشد و هم تحریم‌های بیشتری از سوی آمریکا کشور اعمال خواهد شد. اروپا نیز می‌تواند در چنین شرایطی از کمپانی‌هایش دفاع کند و به عنوان مثال جریمه‌های آمریکا را بپردازد تا بتواند با ایران مرادوات اقتصادی داشته باشد. اما آنها چنین کاری نخواهند کرد و سناریوی پلیس خوب و بد در اینجا تکرار خواهد شد.

اگر یک زمانی مذاکراتی در حوزه موشکی صورت بگیرد، آیا ممکن است این مذاکرات نتیجه برد-برد داشته باشد یا این سناریو ممکن نیست؟

▲ مادر در برجام هم مذاکره برد-برد نداشتیم و در حوزه موشکی هم که طرف اصلی ما آمریکا است به هیچ عنوان به نتیجه برد-برد در هیچ موضوعی نخواهیم رسید زیرا برای طرف آمریکایی، چیزی به نام برد-برد معنا ندارد.

یا حتی توافق ثانویه به معنای نقض غرض توافق اولیه محسوب می‌شود؛ نقض غرض توافق اولیه نیز به معنای تغییر ماهوی در آن است. در چنین شرایطی برجام ارزش خود را از دست خواهد داد، بنابراین فرانسه نیز مانند ایالات متحده به دنبال تغییر برجام، اما با ادبیاتی متفاوت است. نکته جالب توجه اینکه بوریس جانسون، وزیر امور خارجه انگلیس نیز چندی پیش در اظهاراتی مدعی شد که مقامات آمریکایی در صدد خروج برجام نیستند، بلکه در صدد اصلاح توافق هسته‌ای می‌باشند! همان گونه که مشاهده می‌شود، در مواضع پاریس و لندن، نرمش‌های محسوسی در مقابل ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است. نرمش‌هایی که باید از سوی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان محکوم شود. انگلیس و فرانسه همچنان سعی دارند روی واژه تکمیل برجام مانور داده و آن را به عنوان یک رویکرد متداول در خصوص توافق هسته‌ای جلوه دهند. این در حالی است که واژه تکمیل برجام اساساً معنا و مفهومی به جز تغییر برجام ندارد. در این معادله، توافق مکمل اساساً محلی از اعراب نداشته و به معنای خروج آمریکا و ترویج‌کننده اروپایی از برجام است. همان گونه که اشاره شد، در جریان ملاقاتی که میان ماکرون و ترامپ و در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شهریور ماه امسال صورت گرفته است، طرفین بر سر آنچه اصلاح برجام می‌خوانند توافق کرده‌اند. مروری بر مواضع رئیس‌جمهور فرانسه نیز نشان دهنده همین حقیقت است. امانوئل ماکرون از یک سو عنوان می‌کند که برجام غیر قابل تغییر بوده و از سوی دیگر، خواستار تکمیل توافق هسته‌ای، آن هم با گنجانیدن موضوع توان موشکی ایران و اعمال محدودیت‌های دائمی علیه ایران شده است! بدیهی است که این رویکرد متناقض به هیچ عنوان قابل قبول نیست. آنچه مسلم است اینکه کوچک‌ترین تغییری در توافق هسته‌ای، به معنای عدول طرف مقابل از تعهدات خود از برجام و به عبارت بهتر، خروج رسمی اعضای ۵+۱ از توافق هسته‌ای محسوب می‌شود. اصرار بر این موضع صریح و قاطعانه از سوی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان می‌تواند خنثی‌کننده بازی مشترک ایالات متحده آمریکا و فرانسه در تقابل با برجام باشد.

هم‌اکنون بازی مشترک فرانسه و ایالات متحده آمریکا باید مورد رصد هوشمندان و کامل دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان قرار گیرد. نباید این موضوع را فراموش کرد که واشنگتن و پاریس در حال تکمیل یک پازل مشترک در قبال توافق هسته‌ای با ایران هستند. به عبارت بهتر، نباید بازی پاریس و واشنگتن را در این حوزه مجزا در نظر گرفت. یاد کردن از فرانسه به عنوان بازیگری واسطه‌گر یا بازیگری مستقل خطایی محاسباتی در حوزه سیاست خارجی ما محسوب می‌شود. پاریس هم‌اکنون در کسوت بازیگر مکمل آمریکا وارد میدان تقابل با برجام شده است. در این میان، ادبیات نرم مقامات فرانسوی نباید ما را نسبت به مخاطرات ناشی از تغییر رفتار ناگهانی این کشور غافل سازد. واقعیت امر این است که رئیس‌جمهور فرانسه و وزیر امور خارجه وی قصد ندارند رفتاری مشابه دولت قبلی این کشور (اولاند و لوران فابیوس) در قبال توافق هسته‌ای داشته باشند، اما همان رویکرد دولت سابق خود را در تقابل با فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان ادامه می‌دهند. بنابراین، در اینجا نباید رفتار دولت فرانسه را به مثابه رویکرد دولت فرانسه در قبال توافق هسته‌ای تلقی کرد. همان گونه که مشاهده می‌شود میان اظهارات مقامات فرانسوی و انگلیسی در خصوص برجام و رویکرد عملی آنها در قبال توافق هسته‌ای تفاوت وجود دارد؛ تفاوتی که باید از سوی ایران به خوبی درک شود. ▶



تکمیل پازل

چرا پاریس بر محدودیت‌سازی موشکی ایران اصرار می‌کند؟

سعید سجانی

خبرنگار

ایفا می‌کند. شواهد موجود نشان می‌دهد که دونالد ترامپ و امانوئل ماکرون، روسای جمهور ایالات متحده آمریکا و فرانسه در صدد بازتعریف سیاست برجامی کاخ سفید برآمده‌اند. سخنان ماکرون در خصوص احتمال تکمیل برجام با گنجانیدن موضوع توان موشکی ایران و محدودیت‌های زمانی جدید علیه برنامه هسته‌ای کشورمان، موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

حدود یک ماه قبل، رئیس‌جمهور فرانسه اظهار داشت که برجام غیر قابل تغییر است اما وی همچنان از تکمیل توافق هسته‌ای سخن می‌گوید! آنچه مسلم است اینکه تکمیل توافق هسته‌ای به معنای تغییر این توافق محسوب می‌شود. در چنین شرایطی مشخص نیست که ماکرون چه چیزی را مصداق تغییر توافق هسته‌ای می‌داند! دونالد ترامپ شروطنی از جمله بازرسی از اماکن نظامی ایران، گنجانیدن موضوع توان موشکی ایران در برجام و حذف بندهای مربوط به محدودیت زمانی برجام شده است. بدیهی است که اعمال هر گونه تغییری در این مفاد، هر چند در قالب توافق مکمل باشد، به معنای نقض غرض توافق اصلی محسوب شده و مصداق عینی خروج طرف‌های مقابل از توافق هسته‌ای است. ماکرون خود نیز به خوبی می‌داند که گزاره‌ای به نام تکمیل توافق هسته‌ای از طریق الحاقیه، توافق مکمل

۱۱ در تابستان امسال و در آستانه برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، مذاکرات مفصلی میان مقامات آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی در قبال برجام برگزار شد. انگلیس به عنوان متحد سنتی ایالات متحده و فرانسه به عنوان یکی از کشورهای عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، وارد معامله‌ای تمام عیار با واشنگتن بر سر برجام شده‌اند. اگرچه پاریس و لندن بارها مخالفت خود را با خروج آمریکا از برجام اعلام کرده و خواستار احترام به توافق هسته‌ای شده‌اند اما در عمل، شاهد همراهی نسبی فرانسه و انگلیس با ایالات متحده آمریکا بر سر اصلاح برجام هستیم. به عبارت بهتر، فرانسه و انگلیس در صددند اصلاح برجام را به عنوان موضوعی قابل قبول جلوه داده و میان آن با ابطال برجام تفکیک قائل شوند. این در حالیست که هر گونه اصلاح برجام به مثابه تغییر برجام و هر گونه تغییری در برجام به معنای لغو توافق هسته‌ای است. این موضوعی است که فرانسه و انگلیس (که اتفاقاً مستقیماً در جریان توافق هسته‌ای قرار داشته‌اند) نمی‌توانند منکر آن شوند!

در این معادله، دولت فرانسه نقش پرنرنگی را

نسخه دموکرات‌های آمریکا برای برجام

وضع تحریم‌های جدید بدون نقض توافق هسته‌ای

علی گنجی

خبر نگار

۱۲ طی روزهای اخیر، مذاکرات سناتورهای دو حزب دموکرات و جمهوریخواه بر سر توافق هسته‌ای با ایران جدی‌تر شده است. با اعلام ضرب‌الاجل ۱۲۰ روزه ترامپ، این روند شدت بیشتری گرفته است. حدود سه ماه قبل نیز رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به کنگره اعلام کرد که ۶۰ روز برای اصلاح برجام و تغییر آن مطابق شروطی که وی معین کرده است فرصت دارند. با این حال پس از دو ماه سناتورهای آمریکایی به توافقی در این خصوص

شود. این سناتور دموکرات معتقد است: «خبر بد این است که نحوه بیان رئیس‌جمهور ترامپ، یعنی ضرب‌الاجل و شرایطی که او مطرح کرد، کار ما را دشوارتر می‌کند. من فکر می‌کنم امکان پیشرفت وجود دارد، اما اول باید از آخرین گفت‌وگوها میان دولت و اروپایی‌ها با خبر شویم. در این خصوص لازم است نشست‌هایی با مقامات اروپایی برگزار شود.» یک رمزگشایی ساده از اظهارات این کاردین نشان می‌دهد که دموکرات‌ها معتقدند اعمال هر یک از شروط ترامپ برای اصلاح و تغییر توافق هسته‌ای، منجر به تغییر ماهیت این توافق و خروج رسمی ایالات متحده از برجام خواهد شد. در این صورت ایالات متحده آمریکا



از جمله سناتورهای دموکرات مخالف برجام بوده است. در سال ۲۰۱۵ میلادی و زمان تصویب برجام در سنای آمریکا، بن کاردین به همراه سناتورهای دموکراتی مانند چاک شومر و باب مندز با برجام مخالفت کرد. با این حال کاردین به عنوان سناتور ارشد و با نفوذ حزب دموکرات در کنگره آمریکا هم‌اکنون نسبت به هزینه‌های لغو توافق هسته‌ای با ایران آگاه است. از این رو طی روزهای آتی نام بن کاردین را در قبال توافق هسته‌ای با ایران بیشتر می‌شنویم. در این خصوص مسلمان‌دیده‌هایی نیز میان کاردین و افرادی مانند تام کاتن، تد کروز و باب کورکر و دیگر سناتورهای حزب جمهوریخواه صورت خواهد گرفت. نکته دیگری که دموکرات‌ها نسبت به آن نگاهی

منفی دارند، اصرار ترامپ بر گنجانده شدن موضوع توان موشکی ایران در برجام است. ترامپ در جریان تمدید تعلیق تحریم‌های ایران اعلام کرد که طرح جدید بایستی به صراحت - برای اولین بار - در قوانین آمریکا ذکر کند که موشک‌های دوربرد و برنامه‌های تسلیحات اتمی، جدانشدنی هستند و ساخت و آزمایش موشک توسط ایران بایستی مشمول تحریم‌های شدید شود. به عبارت بهتر، ترامپ معتقد است که باید میان فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران ارتباطی مستقیم برقرار شود و آزمایش‌های موشکی ایران به مثابه نقض برجام مورد شناسایی و اشننگتن و ترویج‌های اروپایی قرار گیرد. با این حال بن کاردین به نمایندگی از دیگر سناتورهای حزب دموکرات در این خصوص معتقد است که موشک‌های بالستیک، اصلاً جزئی از برجام نیستند، بنابراین گنجاندن آنها در قانون، اقدام مناسبی نیست. بن کاردین در این خصوص تاکید کرده است: «حسب اطلاع من، هیچ مشکلی برای تحریم ایران، بابت موشک‌های بالستیک وجود ندارد. ما همین حالا یک قانون در این زمینه تصویب کرده‌ایم و به قوانین بیشتری نیاز داریم؛ می‌توانیم این کار را انجام بدهیم و اروپا آماده است با ما همراه شود.»

به عبارت بهتر، بن کاردین و بسیاری از سناتورهای آمریکایی نسبت به اینکه بستر و شرایطی مناسب برای گنجاندن موضوع توان موشکی ایران در برجام وجود ندارد آگاه هستند. چندی پیش رهبر معظم انقلاب اسلامی تاکید کردند که مذاکره بر سر توان موشکی و دفاعی ایران اساساً امکان‌پذیر نیست. وزارت امور خارجه کشورمان نیز بارها اعلام کرده است که هر گونه مذاکره مجدد بر سر برجام (از جمله مذاکره بر سر گنجاندن توان موشکی ایران در توافق هسته‌ای) امکان‌پذیر نیست.

لازم به ذکر است که سناتورهای هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه طی دو سال اخیر نقش بسزایی در نقض مفاد ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۹ برجام داشته‌اند. با این حال سناتورهای دموکرات در برهه فعلی معتقدند که اقدامات ترامپ در تقابل با توافق هسته‌ای و اعلام شروط چهارگانه غیر منطقی وی برای تغییر برجام، با استقبال جامعه جهانی رو به رو نشده و ایالات متحده آمریکا را به عنوان عامل برهم زننده توافق هسته‌ای با ایران معرفی خواهد کرد. از این رو سناتورهای دموکرات (که هم‌اکنون ۴۹ کرسی سنادر دست دارند)، پروژه مهار ترامپ در قبال برجام را تا اندازه‌ای کلید زده‌اند. در هر حال باید در انتظار مواضع نهایی سناتورهای دموکرات در قبال برجام و شروط اعلام شده از سوی ترامپ ماند. شروطی که اعمال هر یک از آنها به مثابه خروج رسمی ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای تلقی خواهد شد. ▶

باید هزینه سختی را بابت خروج از توافق هسته‌ای بپردازد. از این رو دموکرات‌ها معتقدند باید دو نکته مهم را قبال برجام مدنظر قرار داد؛ یکی اجماع نظر با مقامات اروپایی، به گونه‌ای که ترویج‌های اروپایی حاضر شوند با ایالات متحده آمریکا بر سر برجام و آینده آن همکاری کنند. نکته دیگر نیز مربوط به وضع تحریم‌های جدید علیه ایران است، به گونه‌ای که این تحریم‌ها با متن برجام تناقض ظاهری نداشته باشد. لازم به ذکر است که بن کاردین

دست پیدا نکردند. اگرچه افرادی مانند تام کاتن و باب کورکر سعی کردند با ارائه طرحی به کنگره، زمینه اجماع سناتورهای دموکرات و جمهوریخواه حول آن را مهیا سازند اما در نهایت این طرح مورد موافقت اکثریت سنا قرار نگرفت. در این طرح پیش‌بینی شده بود که هر گونه آزمایش موشکی ایران (موشک‌های دارای قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای) نقض برجام محسوب شود! همچنین در این طرح پیش‌بینی شده بود که مخالفت جمهوری اسلامی ایران با بازرسی از اماکن نظامی کشورمان به مثابه نقض توافق هسته‌ای و خروج ایران از آن تلقی شود. همچنین محدودیت زمانی تحریم‌ها نیز در این طرح نادیده انگاشته شده است.

سناتورهای دموکرات هم‌اکنون معتقدند که می‌توان بدون نقض برجام و بدون آنکه ترامپ سختی از نقض توافق هسته‌ای با ایران به میان بیاورد، می‌توان تحریم‌های تازه‌ای علیه ایران وضع کرد. «بن کاردین»، عضو ارشد دموکرات در کمیته روابط خارجی مجلس سنا معتقد است که شروطی که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا برای باقی ماندن در برجام گذاشت باعث شده کار اعضای کنگره برای مذاکره بر سر حفظ این توافق دشوارتر

سناتورهای هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه طی دو سال اخیر نقش بسزایی در نقض مفاد ۲۸، ۲۷، ۲۶ و ۲۹ برجام داشته‌اند. با این حال سناتورهای دموکرات در برهه فعلی معتقدند که اقدامات ترامپ در تقابل با توافق هسته‌ای و اعلام شروط چهارگانه غیر منطقی وی برای تغییر برجام، با استقبال جامعه جهانی رو به رو نشده

هزینه‌های سیاست برجامی ترامپ برای اروپا

دکتر هادی آجیلی در گفت‌وگو با مثلث

توافق ایران با آمریکا بود و حالا اگر بدون لحاظ کردن اروپا، ترامپ برجام را کنار بگذارد، عملاً هویت و جایگاه و استقلال و نقش و اعتبار اروپا در تمام این فرآیند مذاکرات و توافق زیر سوال می‌رود.

اما آنچه رخ خواهد داد دو حالت بیشتر ندارد؛ یا ترامپ موفق می‌شود اروپا را برای بازنگری برجام همراه کند که این گزینه بعید است یا فشار ترامپ باعث می‌شود که اروپا در مورد وضع تحریم‌های غیرهسته‌ای علیه ایران مجبور به همراهی با آمریکا شود مشروط به اینکه برجام حفظ شود. اینگونه می‌شود که ایران نه می‌تواند از برجام خارج شود نه عایدی خواهد داشت، بلکه عملاً در گرو و رهن حفظ شدن برجام دچار بن‌بست راهبردی می‌شود.

فرض کنیم که ترامپ و دولت آمریکا پس از ۱۲۰ روز از توافق هسته‌ای خارج نشوند. در اینجا سوالی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا برجام می‌تواند بدون ایالات متحده آمریکا و صرفاً با مشارکت اتحادیه اروپا و خصوصاً تروییکای اروپایی ادامه پیدا کند؟

▲ برجام به‌طور کلی بدون ایالات متحده آمریکا عملی و اجرایی نیست و اگر آمریکا تعهدات خود را نقض کند و تحریم‌های یکجانبه را علیه ایران باز گرداند، دلیلی ندارد که ما بخواهیم به تعهدات خود عمل کنیم. در غیر این صورت، یعنی اگر برجام مدام از سوی آمریکا نقض شود و ما نسبت به حفظ برجام پایبند باشیم، عملاً کشورهای اروپایی در قبال توافق هسته‌ای نگرانی نخواهند داشت. نکته دیگر اینکه اروپا با آمریکا واقعاً بر سر برجام اختلاف دارد، اما وضع تحریم‌های ثانویه از سوی کنگره آمریکا، ارتباطی با مقامات اروپایی ندارد و در حیطه اختیارات آمریکاست. در این خصوص دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ما باید موضع قاطعانه‌ای را اتخاذ کند. بر این اساس باید صراحتاً به اروپا اعلام کرد که اگر جلوی ایالات متحده آمریکا را در این روند نگیرد، در آن صورت توافق هسته‌ای لغو خواهد شد. در غیر این صورت، اروپا به دنبال انجام تعهدات آمریکا و حتی خود، در قبال برجام نیست و تمایل دارد توافق هسته‌ای به صورت علیل به حیات خود ادامه دهد. ▶

۱۳ تقابل رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا علیه توافق هسته‌ای با ایران به نقطه اوج خود رسیده است. ادعای ترامپ در خصوص عدم پایبندی ایران نسبت به توافق هسته‌ای در حالی صورت می‌گیرد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش‌هایی پی در پی، پایبندی کشورمان نسبت به برجام را مورد تایید قرار داده است. از سوی دیگر، سایر بازیگران بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپا ظاهر اقدامات سلبی دولت ترامپ در قبال توافق هسته‌ای را محکوم کرده و خواستار حفظ این توافق هستند. با این حال گاهی رویکرد دوگانه‌ای در خصوص برجام از سوی کشورهای اروپایی مشاهده می‌شود. در این خصوص گفت‌وگویی با دکتر هادی آجیلی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناس مسائل بین‌الملل صورت داده ایم که از نظر تان می‌گذرد.

سیگنال‌هایی را به ترامپ در خصوص تغییر برجام نشان می‌دهند. به‌طور کلی رویکرد کشورهای اروپایی نسبت به برجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

▲ اروپا به دو دلیل از این موضع ترامپ فاصله می‌گیرد. یکی بی‌اعتباری ترامپ و مواضع غیرمنطقی و یکجانبه‌گرایانه وی است که اروپا سعی دارد سیاست‌های ترامپ در هیچ زمینه‌ای تقویت نشود. ترس آنها از اعمال نظر ترامپ در برجام تقویت مواضع بین‌المللی ترامپ است که باعث هزینه برای اروپا در سایر موضوعات می‌شود. بنابراین مهار ترامپ جزو سیاست‌های اروپا است، از سوی دیگر اروپا، برجام را محصول فعالیت سیاسی خود می‌داند و معتقد است که برجام منجر به رفع نگرانی‌های امنیتی اروپا شده است و عواید تجاری زیادی ناشی از رفع تحریم ایران به دست آورده است و نمی‌خواهد این منافع تجاری را از دست بدهد. ضمن آنکه اروپا می‌داند زمانی که به عنوان سه کشور اروپایی با ایران مذاکره می‌کرد مانع تراشی آمریکا نگذاشت که توافقی حاصل شود و عملاً برجام حاصل

اقدامات سلبی دونالد ترامپ در قبال توافق هسته‌ای با ایران به نقطه اوج خود رسیده است. وی اخیراً برای یک بازه ۱۲۰ روزه تعلیق تحریم‌های هسته‌ای را تمدید کرده و در ▲ عین حال، ادامه این روند را منوط به اعمال تغییراتی غیر قابل قبول در برجام کرده است. نظر شما در این خصوص چیست؟

تلاش ترامپ در وهله اول به هم زدن هر آن چیزی است که خواسته و سیاست و ارثیه او با ما بوده است. در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی نیز ترامپ بارها سیاست‌ها و رفتارها و داشته‌های دولت او با ما را به نقد کشید. یکی از اینها توافق با آسیا پاسیفیک بود، نفتا، کوبا و غیره و یکی از این سیاست‌های او با ما هم برجام بود، بنابراین ترامپ سعی و علاقه دارد که برجام یا از بین برود یا به گونه‌ای تغییر کند که دیگر میراث او با ما تلقی نشود، بلکه حاصل کار ترامپ تلقی شود. از سوی دیگر تلاش ترامپ بی‌خاصیت کردن برجام برای ایران و ممانعت از ایران برای نیل به منافع حاصل از برجام است. بنابراین، در تحلیل رفتار رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در قبال برجام، لازم است این موارد مدنظر قرار داده شود. از سوی دیگر، ترامپ در قبال توافق هسته‌ای با ایران نگاه خاص خود را دارد. ترامپ این گونه استدلال می‌کند که برجام منجر به تنفس ایران و قدرتمندتر شدن و ادامه سیاست‌های منطقه‌ای آن شده است. از این رو رئیس‌جمهور آمریکا قائل به ادامه فشارها روی ایران است. رفتارهای برجامی اخیر ترامپ نیز در همین راستا قابل تحلیل است. صورت مساله در این خصوص کاملاً مشخص است. ترامپ در یک کلام می‌گوید برجام فشارها را روی ایران کم کرده است، اما نگرانی‌های آمریکا را در قبال منطقه کاهش نداده است. رئیس‌جمهور آمریکا عنوان می‌کند که برجام برای مهار ایران کافی نبوده و از سوی دیگر، نگرانی‌های ایالات متحده در منطقه همچنان روی زمین مانده است.

تروییکای اروپایی از یک سو خواستار احترام به توافق هسته‌ای با ایران شده و از سوی دیگر،



ارز بی ارزش؟!

نرخ ارز، قیمت یک واحد پول رایج برحسب پول رایج دیگر است. در واقع مقدار لازم از یک واحد پولی که می‌تواند مقداری از واحد پولی دیگر خریداری کند، همان نرخ ارز است. نرخ ارز می‌تواند یک عامل تبدیل باشد. نرخ ارز قیمت نسبی پول خارجی به پول داخلی است که به‌عنوان یکی از عوامل کلان اقتصادی، همواره مورد توجه جامعه اقتصادی و مالی بوده است. در واقع، این نرخ بیانگر شرایط اقتصادی کشور بوده و عاملی برای مقایسه اقتصاد ملی با اقتصاد سایر ملل است. بازار ارز ایران، یکی از مهم‌ترین بازارهایی است که در سالیان اخیر دستخوش تحولات و نوسانات زیادی شده است.

اقتصاد

تیتراول

آماده برای پرش

سرنوشت تلخ ارز در دولت‌های مختلف



بی‌اعتمادی بازار به دولت چرا قیمت ارز بالا رفته است؟



افزایش نقدینگی قیمت ارز را بالا برده نگاهی به نقش دولت در ساماندهی بازار ارز در گفت‌وگو با دکتر بیژن عبدی



ارز در اتاق در بسته نگاهی به تحولات بازار ارز ایران در گفت‌وگو با مسعود دانشمند

احسان ارجمند

خبرنگار

نوسانات نرخ ارز و افزایش یکباره و ناگهانی نرخ ارز یا دلار، یکی از مهم‌ترین وقایع چندساله زندگی اقتصادی ایرانیان شده است. به این معنا که تا پیش از این و قبل از ۱۰ سال اخیر؛ اکثر قریب به اتفاق مردم، دوره‌هایی در زندگی را به یاد می‌آورند که نرخ ارز در آن یک شبه افزایش یافته بود و البته برای این افزایش نیز دلایل موجهی همچون جنگ تحمیلی و... داشتند.

تحولات ارز اما در سالیان اخیر، در بازه‌های زمانی نزدیک‌تری به هم رخ می‌دهد. مردم زودتر از آن آگاه می‌شوند و به تبع سبک زندگی جدیدی که در میان آنان رواج یافته، اثرات بیشتری نیز از آن متحمل می‌شوند. نوساناتی که امروز هر فردی که دستی بر آتش تحلیل دارد، از آن در جمعی سخن به میان می‌آورد. همین مساله منجر به این شده که در این سال‌ها در بازار ارز، تحولات چندان شگرفی رخ داده باشد که ایرانیان از نوسان‌لژی نرخ دلار ۷ تومانی با حسرت یاد کنند و آن را به صندوقچه خاطرات خود سپرده باشند!

در این یادداشت نگاهی بر روند تاریخی این شوک‌ها در فضای اقتصاد کشور، پس از پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌ایم.

نوسان‌لژی دلار ۷ تومنی!

نوسانات ارزی و جهش‌های ناگهانی قیمت دلار بر حسب ریال، در اقتصاد ایران پدیده جدیدی نیست. مروری بر آنچه در چهل سال اخیر شاهد آن بودیم ما را به این سمت و سو رهنمون می‌سازد که دلار دستخوش تحولات بسیار بزرگی شده که تنها گوشه‌ای از آن در زندگی امروز ما جریان دارد.

آمارهای اقتصادی این طور نشان می‌دهد که در عرض ۳۴ سال گذشته نرخ دلار حدوداً ۴۰۰ برابر شده است؛ یعنی دلار ۷ تومنی در سال ۱۳۵۷ جای خود را به دلار ۳۰۰۰ تومانی در سال ۱۳۹۲ داده و امروز نرخ دلار به بیش از ۴۶۰۰ تومان رسیده است.

مبنتی بر همین آمار و دوران‌های مختلفی که ارز در آنها دچار شوک و جهش شده می‌توان وضعیت نرخ ارز را در پنج دوره مورد بررسی قرار داد. اول از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷، دوره دوم از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳، دوره سوم از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱ و دوره چهارم از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ و دوره پنجم از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶.

زیر سایه جنگ

در سال ۱۳۵۷ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به وقایع پیش آمده و التهایات سیاسی و شرایط روانی ناشی از تغییر مدیریت سیاست‌گذاری اقتصادی، درآمدهای ارزی سابق کشور با ابهام مواجه شد. همچنین وقوع حمله خارجی در فاصله کمی پس از انقلاب نیز بر تشدید این شرایط تأثیر زیادی گذاشت. مجموع این قضایا باعث شدن نرخ ارز با جهش چشمگیری در سال ۱۳۵۷ مواجه شود. داده‌های سری زمانی بانک مرکزی مربوط به نرخ ارز در بازار غیررسمی نشان می‌دهد که در نخستین سال‌های پس از وقوع انقلاب، نرخ ارز جهش یافت و از قیمت ۷

تومان، به ۱۰ تومان رسید. به این ترتیب نخستین شوک ارزی اقتصاد کشور، با ۳۰ درصد افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست.

در سال ۱۳۶۷ و با پایان یافتن جنگ تحمیلی، کشور با یک شوک متفاوت ارزی مواجه شد. به طوری که نرخ واقعی ارز با شوکی منفی ۴۰ درصدی همراه شد و به ۶ تومان رسید. این یکی از معدود دفعاتی است که نرخ ارز در ایران از آنچه قبلاً بوده، پایین‌تر آمده و در واقع شوک نزولی را تجربه کرده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این افت قیمت، کاهش درآمدهای نفتی و صادرات نفت بود که تأثیر زیادی در شوک ارزی دوم برای کشورمان داشت.

با پایان جنگ و بهبود تدریجی درآمدهای نفتی، همچنین از سوی دیگر کاهش تقاضا برای ارز در این سال‌ها، ارز در ایران به نصف قیمت خود رسید. در این زمینه سیاست‌های تعیین‌شده بر مبنای صرفه‌جویی در مصارف ارزی و مدیریت تقاضای آن، باعث شد با وجود کمبود شدید درآمدهای ارزی، قیمت دلار افزایش پیدا نکند و بازار به نحوی مدیریت شود.

آماده برای پرش!

پس از تجربه تورم بی‌سابقه در دولت‌های سازندگی و پایان جنگ، با تشدید روند افزایشی قیمت‌های داخلی و تورم اقتصادی، نرخ ارز نیز به ناگهان در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ جهش بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد. به این ترتیب اولین شوک عمده افزایشی در نرخ ارز، پس از شوک اولیه در سال ۱۳۵۷، در این دوره پدید آمد. نرخ ارز در سال ۱۳۷۳ در حدود ۴۶ درصد افزایش یافت و به ۲۶۳ تومان رسید و در سال ۱۳۷۴ نیز در حدود ۵۳ درصد افزایش یافت و به ۴۰۳ تومان رسید. چنین جهشی در نرخ ارز در اقتصاد کشور، نه در سال‌های پیش از آن سابقه داشت و نه در سال‌های بعدی - تا سال ۱۳۸۹ - نمونه مشابهی پیدا کرد.

در نتیجه این جهش بزرگ در نرخ ارز، تورم نیز در این بازه وضعیت مشابهی داشت. به طوری که نرخ تورم سال ۱۳۷۳ حدوداً ۲۵ درصد و تورم سال ۱۳۷۴، بالغ بر ۴۹ درصد گزارش شده بود، که از جهشی بی‌سابقه در قیمت‌های داخلی در این دوره خبر می‌داد.

با وقوع این جهش بود که دولت عزم تثبیت نرخ ارز را برای نخستین بار صورت داد. پیش از این سال و در یک دوره هشت ساله، نرخ ارز رسمی بانک مرکزی تنها ۵ ریال افزایش یافته و از ۱۷۵ تومان در سال ۱۳۷۳، به ۱۷۵/۵ تومان در سال ۱۳۸۰ رسیده بود. حال آنکه ارز در بازار آزاد در سال ۱۳۸۰ به قیمتی در حدود ۷۹۲ تومان مبادله می‌شد! و مشابه سال ۱۳۷۰، در این سال نیز شکاف ایجاد شده در سیستم ارزی چندنرخ، سیاست‌گذاران پولی را به تعدیل نرخ ارز غیررسمی واداشت. در سال ۱۳۸۰ قیمت ارز در بازار آزاد، بیش از چهار و نیم برابر نرخ رسمی آن بود. به این ترتیب در سال ۱۳۸۱، در پی نابسامانی بازار ارز و رانت‌های گسترده ناشی از چندنرخ بودن ارز، بانک مرکزی اقدام به افزایش نرخ ارز رسمی و رساندن آن به سطح ۷۹۵ تومان کرد.

سقوط، آزاد!

در پایان دهه هفتاد و با ورود به دهه هشتاد شاهد افزایش آرام و هر سال نرخ دلار بودیم. افزایشی که

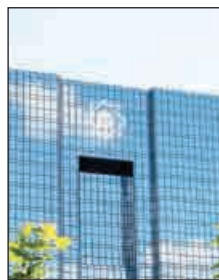
جهش‌گونه نبود و اما ثابت نیز نگه داشته نشده بود. نرخ ارز در دهه هشتاد یعنی از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۹، از ۸۱۳ تومان به ۱۱۰۰ تومان رسید، یعنی رشدی تقریباً ۲۸ درصدی داشت.

پس از آنکه در فضای بین‌المللی صحبت از تحریم به میان آمد، نرخ ارز دوباره فضای مناسبی برای جهش پیش روی خود یافت. در سال ۱۳۹۰ همزمان با تشدید زلزله‌ها مبنی بر محدود شدن درآمدهای نفتی، افزایش نرخ ارز حالتی شتابان به خود گرفت. نرخ غیررسمی ارز در پایان سال ۱۳۸۹ معادل ۱۰۳۳ تومان بود، اما در پایان اسفند سال ۱۳۹۰، بهای ارز در بازار آزاد ایران به میزان ۱۸۹۲ تومان تعیین شد. بیشترین افزایش قیمت در دی ماه این سال به وقوع پیوست و نرخ ارز در عرض یک ماه رشدی ۱۸ درصدی به خود دید. شوک ارزی سال ۱۳۹۰ در سال بعد نیز ادامه یافت و در تابستان ۱۳۹۱ نرخ ارز از حدود ۱۸۰۰ تومان در تیرماه، به حوالی ۲۳۰۰ تومان در پایان شهریورماه رسید. در مهرماه سال ۱۳۹۱؛ نرخ ارز با تقریباً ۹۰۰ تومان افزایش، به رقم ۳۱۸۲ تومان رسید.

رو به گذشته!

پس از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و تلاش برای برقراری توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۵+۱، سخن از تثبیت نرخ ارز به میان آمد. این روند اما چنان که به نظر می‌رسید، عملی نشد. نرخ دلار در شهریور ۱۳۹۶، به حدود ۳۶۰۰ تومان رسید و البته مسئولان ذی‌ربط نیز در این باره استقبال نشان دادند! در همین دوران بود که سخن از رساندن نرخ ارز به نرخ واقعی به میان آمد و عکس‌العملی در برابر این جهش صورت داده نشد.

جهش سال ۱۳۹۶، به شهریور محدود نماند و دی ماه سال جاری نیز شاهد جهش بزرگی در نرخ طلا و ارز بود. دلار در پایان دی ماه به ۴۶۰۰ تومان رسید و سکه بهار آزادی نیز از مرز یک میلیون و پانصد هزار تومان گذر کرد! در این بازار خاموش چه پیش روی اقتصاد ایران است؟! ▶



آمارهای اقتصادی این طور نشان می‌دهد که در عرض ۳۴ سال گذشته نرخ دلار حدوداً ۴۰۰ برابر شده است؛ یعنی دلار ۷ تومانی در سال ۱۳۵۷ جای خود را به دلار ۳۰۰۰ تومانی در سال ۱۳۹۲ داده و امروز نرخ دلار به بیش از ۴۶۰۰ تومان رسیده است

بی‌اعتمادی بازار به دولت

چرا قیمت ارز بالا رفته است؟



مستخدمین حسینی

معاون وزیر اسبق اقتصاد

۲ با توجه به افزایش صادرات نفت و همچنین افزایش قیمت نفت کمبود ارز توجیه اقتصادی ندارد، در نتیجه نظر غالب کارشناسان اقتصادی بر این است که دولت خود اقدام به دستکاری نرخ ارز کرده است. در این صورت بهتر است دولت به این روند ادامه ندهد چرا که بی‌اعتمادی حاکم بر فضای اقتصاد ایران تشدید خواهد شد. بحث ارز در ایران نیاز به یک آسیب‌شناسی دقیق و قابل‌تامل دارد. در اقتصاد ما آشفتگی بازارها در تمامی وجوه آن اعم از بازار پول، بازار سرمایه و کالا و ارز وجود دارد.

متأسفانه دولتمردان ما تاکنون نتوانسته‌اند بر مسائل آن فائق آیند و مسائل اقتصادی را به سمت ثبات هدایت کنند؛ به‌ویژه در زمینه متغیر کلیدی مانند نرخ سود بانکی که هنوز موفق نشده‌اند آن گونه که باید و آن گونه که صحیح است، درباره این متغیر تصمیم‌گیری کنند. این متغیر می‌تواند تأثیرات مهمی در بازارها داشته باشد. ما همواره شاهد تأثیر تصمیمات نادرست درباره نرخ سود بر بازار هستیم.

درباره ارز نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که این بازار به‌طور انحصاری در اختیار دولت است و بانک مرکزی آن را مدیریت می‌کند، در نتیجه نمی‌توان عامل اصلی نوسانات اخیر ارز را در بازار جست‌وجو کرد. همان‌طور که اگر بازار ارز را بررسی کنیم، خواهیم دید که تمامی بازیگران اصلی بازار ارز اعم از عرضه‌کنندگان، تقاضاکنندگان و... در آن حضور ندارند و این بازار به صورت انحصاری توسط بانک مرکزی مدیریت می‌شود. به‌هر حال ارز عاملی برای کسب درآمد دولت است.

گرچه دولت بارها گفته که به‌دنبال کسب درآمد از محل ارز نیست، ولی من چنین گمان نمی‌کنم و هر سال وقتی که به پایان سال نزدیک می‌شویم، می‌بینیم که به قیمت ارز دست برده شده و نوسانات آن شدید می‌شود. اگر نگاهی به سال‌های گذشته بیندازیم، می‌بینیم هر سال هنگامی که سال رو به اتمام می‌رود، همین وضعیت و نوسانات شدید بر بازار ارز ایران حاکم می‌شود. مساله اینجاست که این موضوع عدم کارایی و مدیریت نهادهای مسئول را نشان می‌دهد و این مردم هستند که جور این نوع مدیریت را می‌کشند؛ چون بخشی از بودجه از جیب مردم تامین می‌شود و اکنون نیز با افزایش نرخ ارز شاهد آن هستیم که در حمل‌ونقل، کالا و بسیاری از موارد دیگر تورم پیش خواهد آمد و هزینه آن را مردم پرداخت خواهند کرد. ضمن اینکه رانتهی را رقم می‌زند و به موجب آن عده‌ای بهره‌مند می‌شوند؛ گرچه مردم بسیاری ضرر می‌کنند. دولت اگر فاقد توانایی مدیریت ارز باشد و نتواند جلوی نوسانات نرخ ارز را بگیرد، منجر به مشکلاتی در اقتصاد خواهد شد و اگر بارقه‌ای از امید که برای رفع گرانی و کنترل تورم وجود داشت از بین برود، اعتماد از مردم سلب خواهد شد.

از نظر اقتصادی افزایش نرخ ارز توجیهی ندارد. دولت گفته است که بعد از برجام، تولید و صادرات نفت بیش از دو برابر افزایش یافته و اکنون نیز بالاتر از ۲/۵ میلیون بشکه نفت

در روز صادر می‌کنیم. ضمن اینکه قیمت نفت نیز بالا رفته و اکنون بشکه‌ای بالای ۶۰ دلار فروخته می‌شود؛ بنابراین کمبود ارز توجیهی ندارد و به نظر می‌رسد که افزایش این چنینی قیمت ارز به‌دنبال یک تصمیم صورت گرفته است. در نهایت این شائبه تقویت می‌شود که دولت عمده‌اندانه با افزایش نرخ ارز به‌دنبال پر کردن کسری بودجه خود است.

من در پاسخ به این سوال که گفته می‌شود دولت به‌دنبال این است که با افزایش نرخ ارز از صادرات حمایت کند، می‌گویم: «بحث حمایت از صادرات به بهای افزایش قیمت ارز یک بهانه است، چرا که اگر بخواهیم به صورت علمی رفتارهای اقتصادی را بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که در گذشته هرگز با افزایش نرخ ارز صادرات ما افزایش نیافته است و هیچ رابطه خطی بین افزایش نرخ ارز و صادرات وجود ندارد و اگر دولت خواهان حمایت از صادرکنندگان است، خوب است به صادرکنندگان جوایز صادراتی آن هم در قالب ریال اعطا کند؛ چرا که وقتی به صادرکنندگان ارز می‌دهیم این رفتار ما نوعی حمایت از ارز خارجی تلقی می‌شود، در حالی که ما می‌توانیم اقداماتی کنیم که پول خود را تقویت کنیم، به نظر می‌رسد مردم و فعالان اقتصادی اعتماد خود را نسبت به رفتار دولت و بانک مرکزی از دست می‌دهند. می‌بینیم که هرگاه دولت یا مقامات بانک مرکزی صحبت می‌کنند، بازارها واکنش منفی به آن نشان می‌دهند و این امر ممکن است به آن سرورود که مردم اعتمادی به رفتارهای دولت و مسئولان بانک مرکزی نداشته باشند، بنابراین بهتر است دولت رفتارش را اصلاح کند و اقدامی نکند که به این بی‌اعتمادی دامن بزند. ▶

ارز، بورس را ضربه فنی کرد

تردید در تالار شیشه‌ای

با دریافت سیگنال مزبور، تا حدودی با اطمینان بیشتر حرکت خواهد کرد. در واقع نگرانی‌های مزبور کم‌رنگ‌تر شده و ریسک‌پذیری بازار افزایش می‌یابد. در این شرایط موج قوت عوامل بنیادی می‌تواند به‌عنوان اهرمی مناسب برای خروج هرچه بیشتر و سریع‌تر از روند کنونی عمل کند. اما چنانچه فضای نوسانی بازار ارز ادامه یابد، احتمالاً سهامداران در یک فضای احتیاطی توأم با نگرانی معاملات خود را انجام دهند.

بازگشت جذابیت به بازار ارز

بیشتر فعالان اقتصادی همواره نرخ ارز را به‌عنوان عامل حمایتی از بازار سهام عنوان می‌کنند. این در حالی است که در شرایط کنونی و با توجه به سهم ۵۰ درصدی شرکت‌های کالامحور، مشاهده می‌کنیم که بازار به این موضوع واکنشی نشان نمی‌دهد. همان‌طور که عنوان شد دلیل این موضوع نیز در همان نوسانات نرخ دلار با منشأ غیراقتصادی دارد. چنانچه نوسانات مزبور کنترل شده و بازار بتواند اطمینان بیشتری از رفع نگرانی‌های غیراقتصادی داشته باشد، بورس نیز به تعادل دست می‌یابد. در این صورت سطوح قبلی نرخ ارز یا حتی اصلاح ۵ تا ۶ درصدی آن نیز باز هم برای بورس‌بازان جذاب خواهد بود.

تکمیل پازل با قیمت‌های جهانی

قیمت کالاها در بازارهای جهانی به‌خصوص در حوزه نفت و فلزات پایه مهم‌ترین عوامل صعود قیمت‌ها و رشد اخیر صنایع وابسته در بورس بوده است. به عبارت دقیق‌تر مهم‌ترین عوامل اثرگذار در صعود عمومی قیمت سهام در جریان معاملات روزهای اخیر بازار سهام سطوح بالای قیمت کالاها در بازارهای جهانی و به‌ویژه در حوزه نفت و فلزات پایه بوده است. چنانچه این روند قیمتی ادامه داشته باشد و بازارهای جهانی بتوانند سطوح فعلی خود را حفظ کنند، می‌توان به این گزینه به‌عنوان تکمیل پازلی اطمینان بخش و تقویت بورس امید داشت.

نبود نگرانی از گزارش‌های دوره‌ای

از ابتدای هفته جاری شاهد انتشار گزارش‌های عملکرد مناسب ۹ ماهه شرکت‌ها بودیم؛ گزارش‌هایی که به‌خصوص در گروه فلزی و شیمیایی نیز در ایجاد انگیزه برای تقاضای سهام بی‌تأثیر نبوده است. در شرکت‌های فلزی، گزارش‌های ۹ ماهه بسیار مطلوب ارزیابی شده است. با توجه به افزایش قیمت کالاهای پایه در بازارهای جهانی، شرکت‌ها توانستند تا حد زیادی کاستی‌های سال‌های قبل خود را جبران کنند و این موضوع نوید گزارش‌های موفق‌تری را می‌دهد، ضمن اینکه بسیاری از کارشناسان بازار سرمایه معتقدند صنایع پالایشی نیز با در نظر گرفتن مولفه‌های مربوطه شرایط بسیار خوبی را پیش‌رو دارند. با توجه به گزارش‌های منتشر شده تاکنون که همگی مطلوب ارزیابی شده است، به نظر می‌رسد که بازار بهانه‌ای از این سمت برای افت نخواهد داشت. در واقع این گزارش‌ها عاملی مثبت برای حمایت از بازار خواهد بود. به این ترتیب با توجه به عوامل مزبور و همچنین انتظار برای به تعادل رسیدن نرخ ارز در روزهای آتی، به نظر می‌رسد سردرگمی فعالان بازار سرمایه کم‌رنگ‌تر شود و بازار ریسک‌پذیری بیشتری را قبول کند. ▶

جذابیت قیمت‌ها همچنان بالاست و حمایت عوامل بنیادی همچنان مشاهده می‌شود. نمونه واضح آن خریدهای اخیر حقوقی‌ها و حرفه‌ای‌های بازار است. به طوری که این گروه نه تنها خریدار هستند، بلکه فروش‌چندانی نیز ندارند. بر این اساس فروشندگان نیز چندان راضی به فروش سهام خود در قیمت‌های کنونی نیستند. این موضوع نیز تأکیدی بر ارزندگی قیمت‌ها در حال حاضر دارد. عوامل بنیادی از قبیل سطوح بالای قیمت کالاها در بازارهای جهانی و همچنین انتشار گزارش‌های مثبت از عملکرد ۹ ماهه بنگاه‌های بورسی، از بازار حمایت می‌کند، اما همچنان برخی عوامل که بیشتر غیراقتصادی و بعضاً غیربورسی هستند به سردرگمی سهامداران منجر شده است. از یک سو همچنان احتمال بازگشت ریسک سیستماتیک ناشی از تحریم‌های بین‌المللی با هراس از کارشکنی آمریکا در برجام مشاهده می‌شود. در سوی دیگر نیز رشد بی‌وقفه نرخ ارز قرار دارد. اهمیت بازار ارز و نوسانات آن در مقطع فعلی دیگر تحت تأثیر عوامل اقتصادی نیست و تنها عرضه و تقاضا موجب افزایش آن نشده است. بلکه نگرانی از عوامل غیراقتصادی، تغییر نرخ این ارز را ایجاد کرده است.

نگاهی دقیق‌تر به ریسک غیراقتصادی

همان‌طور که عنوان شد در شرایط کنونی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ریسک بازار عامل غیراقتصادی بازگشت احتمالی تحریم‌هاست. این موضوع کاهش امیدها به آینده و وضعیت اقتصادی کشور را به دنبال دارد که البته هنوز ابعاد آن مشخص نیست. در واقع در حال حاضر تنها هاله‌ای از نگرانی بابت این موضوع تشکیل شده است. در گام نخست آینده برجام و خروج آمریکا از آن قرار دارد. در مرحله بعدی نیز میزان تأثیرپذیری وضعیت فعلی اقتصاد کشور از این موضوع و چگونگی و میزان ایجاد تحریم‌های جدید مطرح است. در نهایت نیز یک پله فراتر از تمامی این موارد، آینده وضعیت کل اقتصاد کشور و بازارهای سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرند. تمامی موارد مزبور سردرگمی و سرگیجه سهامداران بورسی را به دنبال داشته است. در این میان عده‌ای که ریسک‌گریزی بالایی دارند، تصمیم به خروج سریع از بازار گرفته‌اند که نتیجه آن همین افت اخیر بورس بوده است.

رصد بازار ارز

در بازار ارز در حالی شاهد رشد و صعود نرخ دلار هستیم که نرخ دلار آمریکا در دی‌ماه امسال توانست رشد ۸/۶ درصدی را تجربه کند. این روند در معاملات نیز تداوم یافت و در نهایت نرخ دلار آمریکا به قیمت ۴۶۴۰ تومان رسید. همان‌طور که عنوان شد در مقطع کنونی دیگر نوسانات نرخ ارز را نمی‌توان مربوط به عرضه و تقاضای شکل گرفته در بازار دانست. بلکه نگرانی از عوامل غیراقتصادی، تغییر قیمت این ارز را رقم زده است. از سوی دیگر نوسانات نرخ ارز و رشد بی‌وقفه آن باعث ایجاد نگرانی‌ها، اماواگرها و در نهایت سردرگمی بیشتر فعالان بازار سهام شده است؛ در این میان نکته مهم انتظار برای صحبت‌های رئیس جمهوری در جریان معاملات امروز خواهد بود. در این میان گمانه‌زنی‌هایی درخصوص ایجاد بازارسازی و کنترل نرخ ارز به گوش می‌رسد. چنانچه این موضوع صحت داشته باشد، شاهد ایجاد آرامش نسبی در این بازار خواهیم بود. در این صورت بازار سهام نیز

بورس تهران هفته خوبی را پشت سر گذاشت. ریشه این عقب‌نشینی شاخص سهام را می‌توان در سردرگمی معامله‌گران جست‌وجو کرد.

در حال حاضر عوامل مثبت و منفی بر سر راه تصمیم‌گیری معامله‌گران این بازار قرار گرفته است؛ عواملی که سردرگمی و سرگیجه سرمایه‌گذاران را به دنبال داشته و مانع از اتخاذ استراتژی مشخص برای ماندن یا خروج از دادوستد سهام شده است. عوامل بنیادی همچون سطوح قیمت کالاها در بازارهای جهانی و انتشار گزارش‌های مناسب عملکرد ۹ ماهه شرکت‌ها همچنان به‌عنوان عوامل جذابیت سهام بورسی مطرح هستند. با این حال نوسانات نرخ دلار می‌تواند تأثیری دوسویه بر بورس داشته باشد؛ چنانچه نوسانات اخیر نرخ دلار کنترل شود، می‌تواند عاملی مثبت در جهت رشد صنایع بورسی وابسته و در نهایت افزایش شاخص کل سهام باشد. اما چنانچه نرخ ارز به همین صعود بی‌وقفه ادامه دهد، به دلیل اینکه از عوامل غیراقتصادی نشأت می‌گیرد تأثیر مخرب بر بازار خواهد داشت. این موضوع در کنار عوامل غیربازاری (خارج از بازار سرمایه) از جمله ریسک‌های غیراقتصادی به نگرانی و ریسک‌گریزی در بورس منجر می‌شده است. تقابل این عوامل مثبت و منفی سردرگمی سهامداران را به دنبال داشته است؛ موضوعی که به نظر می‌رسد طی روزهای آتی با توجه به سیاست‌های درپیش گرفته شده، کمی کم‌رنگ‌تر شود و بازار ریسک‌پذیری بیشتری را قبول کند.

غافلگیری از عوامل غیربورسی

معاملات بورس در هفته جاری در حالی با افت شاخص در روز شنبه استارت خورد که این موضوع برخلاف انتظارات کارشناسان و فعالان بازار بود. سرمایه‌گذارانی که با تداوم رشد شاخص و افزایش قیمت‌ها، انتظار رسیدن به شاخص ۶ رقمی را داشتند، ناگهان با افت قیمت‌ها مواجه شدند. در واقع افت اخیر را نمی‌توان به منزله قرار گرفتن بازار در مسیر اصلاحی، نزولی یا حتی کاهش‌ی تفسیر کرد. به عبارت دقیق‌تر این افت بیشتر از حالت سردرگمی بورس‌بازان در تقابل نیروهای مثبت و منفی نشأت گرفته است؛ از یک سو

نوسانات اخیر در بازار ارز کشور، یکی از مهم‌ترین مباحث فضای اقتصادی امروز کشور است. به نظر شما دلیل اصلی این نوسانات چیست؟ جایگاه دولت در میان این ادله کجاست و چگونه ارزیابی می‌شود؟

▲ ارز مثل بسیاری از کالاهای کلیدی دیگر، از ابعاد و مسائل زیادی اثر می‌پذیرد و در واقع بسیاری از رخدادها می‌تواند قیمت ارز را تحت تاثیر قرار دهد. نمی‌توان به صورت تک‌بعدی به این مساله نگاه کرد. اما نکته واقعی اینکه؛ با در نظر گرفتن بازار ارز ایران، می‌توان به راحتی این مساله را دریافت که بازار عرضه و تقاضای ارز در کشور ما، به صورت انحصاری در اختیار دولت و دستگاه‌های دولتی است. عرضه ارز مربوط به بانک مرکزی است. درآمدهای نفتی به این بانک وارد می‌شود و بخش عمده‌ای از ارز کشور به این صورت در اختیار دولت قرار می‌گیرد. از سوی دیگر نیز این دستگاه‌های دولتی هستند که برای واردات مواد اولیه یا کالا، از دولت تقاضای ارز دارند. مردم نقش چندانی در این عرضه و تقاضا ندارند. همچنین بخش خصوصی مستقل نیز در کشور ما وجود ندارد که بتوان مثلاً واردات تجار را در این زمینه مورد توجه قرار داد. چه از این رو که تجار ما نیز به نوعی به دولت وصل هستند.

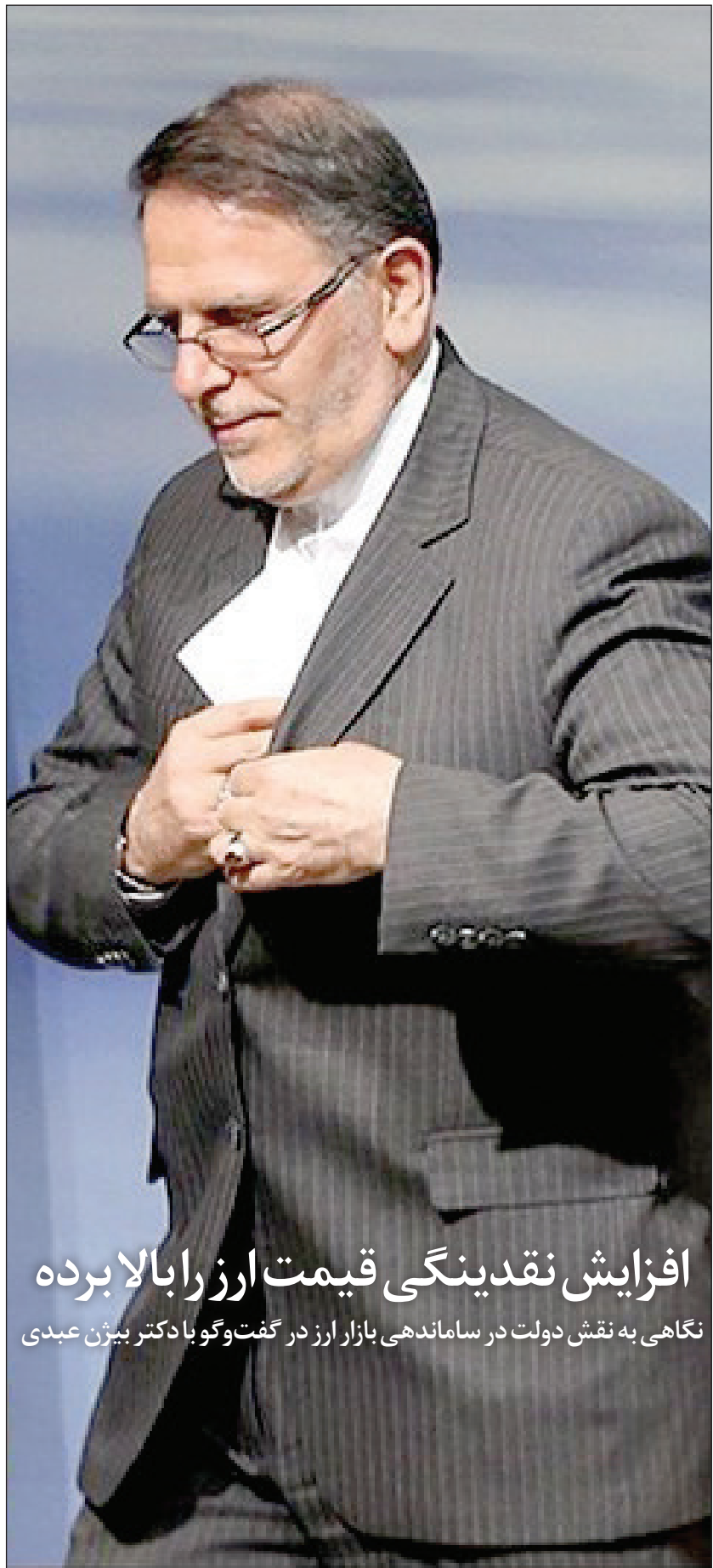
پس عرضه و تقاضای ارز در ایران انحصاری است. در این صورت نباید و نمی‌توان به صورت منطقی انتظار داشت که قیمت به صورت رقابتی و بر اساس شفافیت تعیین شود. در بازار انحصار، هر قیمتی پیشنهاد شود، ما چاره‌ای جز پذیرش آن نداریم. دولت می‌تواند نرخ ارز را از دو هزار تومان تا ۱۰ هزار تومان اعلام کند و ما نمی‌توانیم در برابر این قیمت گذاری اقدامی کنیم. این نخستین نکته درباره بازار ارز بود که باید به آن توجه داشت.

عامل دیگر؛ سیاست گذاری‌های مختلف در کشور هستند. برخی از سیاست‌گذاری‌ها، تبعات اقتصادی دارند که می‌تواند در قیمت گذاری ارز تاثیری داشته باشد. یکی از این مسائل؛ کسری بودجه دولت است. بسیاری از تحلیلگران و اندیشمندان حوزه اقتصاد در این باره صحبت کرده‌اند و بر آنند که دولت به دلیل کسری بودجه در صدد است تا با افزایش نرخ دلار درآمدزایی داشته و از این رهگذر، کسری بودجه‌اش را جبران کند. این یکی از احتمالات قابل تامل درباره نوسانات اخیر بازار است. اما چگونگی اتفاق افتادن این احتمال می‌تواند از راه‌های گوناگونی باشد؛ مثلاً اینکه بانک مرکزی در عرضه ارز، تغییراتی به وجود آورد. مکانیزم‌های پرداخت ارز را محدود کند و در نتیجه افزایش قیمت ارز را در بازار به همراه آورد.

یکی دیگر از طرق کنترل نرخ ارز این است که؛ دولت به ظاهر منابع ارزی مختلفی در اختیار دارد که اتفاقاً به برخی از آنها دسترسی ندارد. در واقع تحریم‌ها عملاً رفع نشده و ما باید به صورت چمدانی و مثل گذشته ارز را وارد کشور کنیم، یا با محدودیت‌های جدی برای انتقال درآمدهای ارزی کشور به داخل مواجه باشیم. در این صورت وقتی تقاضای ارز، روز به روز بالا می‌رود، امکان عرضه برای دولت وجود ندارد و در نتیجه قیمت بالا می‌رود.

چرا تقاضای ارز از سوی مردم و بازار بالا می‌رود؟

▲ حجم نقدینگی‌ای که دولت در این پنج سال، در شبکه بانکی ایجاد کرده، رقمی نزدیک به ۱۴۰۰ میلیارد تومان است. این در حالی است که دولت گذشته رقمی حدود ۴۳۰ میلیارد تومان نقدینه ایجاد کرده بود. امروز در شبکه بانکی حدود ۳ برابر گذشته نقدینگی ایجاد شده که



افزایش نقدینگی قیمت ارز را بالا برده
نگاهی به نقش دولت در ساماندهی بازار ارز در گفت‌وگو با دکتر بیژن عبدی

اصلاح طلب و اصولگر در حوزه اقتصادی دیده نمی شود. آنها در حوزه اقتصاد مانند هم می اندیشند و تنها در حوزه سیاست، تفاوت هایی دارند.

این جریان اقتصادی از زمان آقای هاشمی روی کار آمده و اقتصاد را در دست دارد. در زمان آقایان خاتمی، احمدی نژاد و روحانی نیز وجود داشته و دارد؛ همین جریانی که اقتصاد را به این روز سیاه نشانده است.

البته در کنار این جریان؛ فشارهای خارجی، تحریم ها و... نیز وجود داشته که اثرات زیادی داشته است. اما تازمانی که دولت در این جنبه تفکر گیر کرده، باید با همین مکانیزمها بازی کند و در واقع نمی تواند کار دیگری انجام دهد.

دولت فضای اینچینی؛ یا باید با نرخ دلار بازی کند، یا نرخ سود سپرده های بانکی را دستخوش تحول قرار دهد.

درواقع نرخ دلار که کاهش نمی یابد. ثابت نگاه داشته می شود یا افزایش می یابد...

▲ بله. افزایش ارز برای جبران هزینه ها و ثابت نگاه داشتن آن برای کنترل بازار.

از سوی دیگر، نرخ واقعی ارز به نظر من عبارت بی معنایی است. بازار ارز ما تابع شرایط رقابت نیست. پس نمی توانیم از نرخ واقعی یا رقابتی صحبت کنیم. بازار ارز ما یک بازار دولتی است که من در ابتدای عرایضم نیز به آن اشاره کردم. وقتی بازاری دولتی است؛ نباید از نرخ واقعی صحبت به میان آورد. هر قیمتی که در این بازار توسط دولت پیشنهاد شود، نرخ ارز است.

اما درباره نرخ واقعی صحبت های دیگر نیز گفته می شود که در واقع قصه است. مثلاً از یکسان سازی نرخ ارز صحبت به میان آورده می شود که این مساله اصلاً شدنی نیست! هرچه قیمت ارز بالا رود، بعد از یک وقفه زمانی، این افزایش روی تمام کالاها اثر می گذارد. کالاهای وارداتی که با ارز جدید محاسبه می شود، هزینه تمام کالاهای مصرفی، سرمایه ای و واسطه ای را افزایش می دهد. به تبع این مساله حامل های انرژی و... گران می شود و در نتیجه قدرت خرید مردم نیز جبران نمی شود. مردم فقیر هر روز در این دور باطل فقیرتر می شوند!

دور باطلی که هیچ راه خروجی از آن وجود ندارد. یکی از دلایل نوسانات ارز در سالهای اخیر نیز همین دور باطل است. ▶



همه سیاست های ارزی در ایران، امتحان خود را پس داده است. مجموعه سیاست هایی که دولتمردان ما به دنبال آن هستند، دچار یک پارادوکس است. مادر این زمینه وارد دور باطلی شده ایم که هدایت هر قسمت آن، منجر به کاستی در قسمت دیگر می شود

۴ دکتر بیژن عبیدی؛ دانش آموخته دکترای مدیریت استراتژیک با گرایش اقتصاد و پیش از این مدیرکل پژوهش های راهبردی مرکز پژوهش و سنجش افکار صدوسیما و همچنین مسئول کمیته راهبری اقتصاد مقاومتی در صدوسیما بوده است. نوسانات اخیر بازار ارز در کشور بهانه ای شد تا به گفت و گوی مختصری با ایشان بنشینیم؛ گفت و گویی که حول محور نقش سیاست های اقتصادی دولت در کنترل نرخ ارز و بازار ارز و البته انتقاد از سیاست های ارزی اعمال شده در این چند ساله اخیر گردیده است.

به همین مساله اذعان دارند. در کنار این نکته باید به معاهداتی اشاره کرد که به صورت محرمانه امضاء شده و فردی از کم و کیف آن اطلاع دقیقی ندارد. برخی از این معاهده ها البته عمومی شد، مثل سند ۲۰۳۰. دولت در ظاهر از مواضع خود عقب نشینی کرد، اما آنچه در جریان است اینکه نهادهای مربوطه همچنان در حال فعالیت هستند.

معاهده FATF یکی دیگر از این معاهدات بود. ظاهراً این معاهده برای مبارزه با پولشویی منعقد شده اما طرف غربی در پی آن بوده که اطلاعات بسیاری از افراد را در اختیار خود بگیرد. تحریم های آمریکا و اروپا علیه کشورهای ثالثی که در دوردن تحریم های ایران نقش داشتند، یکی از مهم ترین نتایج این عهدنامه ها بوده است. همین مساله منجر به عقب نشینی این کشورها و افراد بوده که برای ایران و تجار ایرانی نتیجه ای جز نامنی در بر نداشته است.

همین فضای ناامن، فضای ذهن صاحبان منابع مالی را تحت تاثیر خود قرار می دهد. آنها یا باید پول خود را از کشور خارج کنند، یا تبدیل به ارز و سکه و طلا کنند. این نتیجه اثرگیری صاحبان نقدینه های عظیم در کشور است که منجر به نوسانات ارز و بازار ارز در کشور ما شده است.

سوی دیگر این میدان، در اختیار دولت است. به گفته برخی از صاحبان نظران؛ نرخ ارز در ایران بسیار بیشتر از آن چیزی است که امروز شاهدیم. به نظر شما عزم دولت در این باره چیست؟ آیا بر آن است که نرخ دلار را به همین روال بالا ببرد و در این میان قدرت خرید مردم روز به روز کاهش یابد یا برنامه خاصی برای این مساله چیده شده است؟

▲ همه سیاست های ارزی در ایران، امتحان خود را پس داده است. مجموعه سیاست هایی که دولتمردان ما به دنبال آن هستند، دچار پارادوکس است. ما در این زمینه وارد دور باطلی شده ایم که هدایت هر قسمت آن، منجر به کاستی در قسمت دیگر می شود.

به خاطر دارم که دولت امید در ابتدای روی کار آمدنش، نقدی به دولت گذشته نوشت و منتشر کرد. یکی از مواد این نقدنامه درباره ارز بود. دولت امید، دولت پیش از خود را به شدت دربارۀ تثبیت نرخ دلار متهم کرد و ضربه ای که کشور از جهش نرخ دلار در سال ۱۳۹۳ خورد را مورد نقد جدی قرار داد. امروز اما شاهد آن هستیم که همان مصائب به روز اقتصاد ایران آمده است. دلیل این تکرار نیز همان است که مجریان سیاست های اقتصادی، همان سیاست های گذشته را برای امروز نسخه پیچیده اند!

مجریان سیاست های اقتصادی در کشور ما تغییر نکرده اند. تنها افراد سیاسی در دولت ها هستند که دچار تحول شده اند. از زمان آقای هاشمی تا به امروز، همین رویه برقرار بوده است. به نظر من دست بندی های سیاسی، چندان ارزشی ندارند. از این حیث که تفاوت جدی بین

این رقم اعم از سپرده، اسکناس، اعتبارات بانکی، سکه و... است. این به هر حال قدرت خریدی است که در اختیار جامعه قرار داده شده است. مابه ازای این قدرت خرید، ما شاهد افزایش درآمد ارزی نبوده ایم. در دولت گذشته به دلیل تحریم هایی که بودیم، تعداد بشکه های نفت صادراتی مان نصف شد و البته قیمت هر بشکه افزایش شدیدی داشت. اما در این دولت که قیمت هر بشکه به صورت متوسط ۶۰ دلار است، صادرات نفتی ما افزایش داشته و بنابر شنیده ها به حدود یک و نیم میلیون بشکه رسیده است. پس متوسط درآمدی که می توان برای دولت تصور کرد، نزدیک ۷۰ میلیارد دلار است.

روند قیمت ارز در کشور ما ثابت بوده و اما نقدینگی کشور حدود سه برابر شده است. قواعد عقلانی اقتصادی می گوید که تقاضای بالقوه برای دلار نیز سه برابر شده است. پس همین عامل می تواند قیمت دلار را به شدت افزایش دهد.

دولت تا قبل از این برای نگاه داشتن این نقدینگی در بانک های کشور، نرخ سود را بالا نگه داشته بود؛ رقمی بالای ۲۰ درصد. همین بالا نگه داشتن نرخ سود، منجر به رکود شد و بخش خصوصی با این نرخ، عملاً امکان هیچ تولیدی را نداشت و در واقع از سوی دیگر نیز با یک قدرت خرید بسیار محدود در میان مردم مواجه شد. دولت برای اصلاح این قسمت، نرخ سود را کاهش داد و در نتیجه این نقدینگی عظیم که پشت سد سود جمع شده بود، به کشور سرازیر شد.

نقدینگی به بازار وارد شد و همین یکی از دلایل بالا رفتن تقاضا برای دلار بود چرا که مردم خواهان تبدیل سرمایه شان به کالای ارزشمندتری هستند که البته ارزش آن نیز در گذر زمان حفظ شود. اینچنین است که به سمت کالاهایی می روند که نقدینگی بالایی داشته باشد و مهم ترین کالای اینچینی، طلا یا ارز در کشور ما هستند. این در واقع تقاضای سفته بازی است که به بازار وارد شده است؛ به خصوص که بازار مسکن نیز در این چند سال، به شدت دچار رکود شده و ظاهراً دولت عزمی برای فعال سازی مجدد آن ندارد. سرمایه گذاران این بخش انتظار سود و فروش املاک شان را داشتند که متأسفانه برآورده نشد. پس می توان انتظار داشت که تقاضا برای مشارکت در مسکن پایین بیاید و به قسمت هایی از بازار سرازیر شود که زودبازده است.

سهام عوامل روانی نیز در این فاکتورهای که اشاره کردید، دیده شده است. در این باره توضیح بیشتری می فرمایید.

▲ یکی از عوامل مهم دیگر در نوسانات بازار ارز، فشارها و تاثیرات روانی بر کنشگران است. مثلاً آشوب هایی که اخیراً در برخی از شهرها اتفاق افتاد و احساس عدم امنیتی که در میان مردم به وجود آورد، یکی از نمونه های تاثیرات عوامل روانی بود. در کنار آن، صحبت های مختلفی که از سوی افراد و کنشگرانی مثل آمریکا، درباره کنار کشیدن از برجام و قصد بازگرداندن همه تحریم ها، یا اینکه اروپا همصدای آمریکا شد و ایران را مکلف به پاسخگویی درباره برنامه های موشکی دانستند، فضایی را در جامعه ایجاد کرد که مردم احساس کردند شاید تحریم ها دوباره بازگردد! این در حالی بود که تحریم ها به صورت آنچنانی برداشته نشده بود. یعنی آنچه که دولت مدعی آن بود، به تأیید فعالان اقتصادی نرسید. منظوم از فعالان اقتصادی، افرادی مثل اتاق های بازرگانی است که اینها واردکننده های اصلی کشور هستند. این کنشگران که مهم ترین واردکنندگان هر روزه کشور هستند، همچنان مدعی هستند که دسترسی مالی شان به بانک ها و... برای مبادلات تفاوت چندانی نکرده است. همچنین صاحبان کارخانه ها و تولیدکنندگان نیز



ارز در اتاق در بسته

نگاهی به تحولات بازار ارز ایران در گفت‌وگو با مسعود دانشمند

محبوبه شریف حسینی

خبرنگار

ارزیابی شما از وضعیت بازار ارز در ایران چطور است؟ آقای دانشمند؛ دلیل این نوسانات پی‌درپی چیست؟

▲ بازار ارز در کشور ما، بازاری انحصاری است. به این معنا که ارز حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، ارز حاصل از صادرات فولاد و... در دست دولت است. از مجموع نود تا صد میلیارد ارزش صادراتی که در کشور ما به دست می‌آید، رقمی نزدیک به هفتاد میلیارد دلار آن در اختیار دولت قرار می‌گیرد. بنابراین دولت به دلیل در اختیار داشتن عمده ارز وارداتی، می‌تواند بازار ارز را مدیریت کند. اما اگر دولت این وضعیت را مدیریت نمی‌کند و اجازه می‌دهد که قیمت‌ها بالا و بالاتر رود، حتماً علاقه‌مند به این افزایش قیمت است. دولت هم خوب می‌داند که افزایش قیمت ارز، افزایش تورم و کالاهای توری را در پی دارد. قیمت کالا و خدمات زیاد می‌شود و همین افزایش منجر به تورم در جامعه می‌شود. اما دولت به دلیل اتخاذ سیاست‌های مقطعی، علاقه‌مند به عدم مداخله در بازار ارز است.

بخشی از ارزی که در اختیار دولت است، در قالب ارز مبادله‌ای به واردات کالا اختصاص پیدا می‌کند. این ارز در بودجه با رقمی حدود سه هزار تومان دیده شده و امروز شاهد نرخ سه هزار و پانصد تومان برای آن ارز مبادله‌ای هستیم.

بخش دیگری از ارز دولتی برای پاسخگویی به سایر نیازها وارد بازار می‌شود و در این صورت، ارز بیشتری به دولت بازمی‌گردد. به این صورت که ارز اختصاص داده شده برای واردات و هم ارزی که برای پاسخگویی به نیازهای مردم - مثل مسافرت‌های خارجی و دانشجویان و... - در اختیار دولت است، از رقمی که در بودجه دیده شده، بیشتر می‌شود. بنابراین دولت به اخذ منبع مالی بیشتر علاقه‌مند می‌شود. این نکته‌ای است که باید درباره آن به طرح یک سوال پرداخت!

دولت مدعی است که علاقه‌مند به دریافت ریال بیشتری از محل فروش ارز دولتی نیست. همان‌طور که آقای رئیس‌جمهور نیز در سخنان اخیرشان با مردم به این نکته اشاره کردند. در برابر این ادعا باید این سوال را مطرح کرد که اگر دولت چنین دعوی‌ای را ندارد، پس چرا ارز مبادله‌ای را به همان قیمت مصوب در بودجه نمی‌فروشد؟! اگر دولت ارز را به همان قیمت سه هزار تومان مصوب در مجلس شورای اسلامی بفروشد، ارز بازار هم به تبع این قیمت کاهش پیدا می‌کند.

دولت ارز مبادله‌ای را گران‌تر از قیمت مصوب می‌فروشد. به دنبال این مسأله طبیعی است که ارز در بازار آزاد نیز افزایش قیمت پیدا می‌کند و تا ۴۶۰۰ تومان می‌رود. همیشه یک فاصله‌ای در قیمت ارز مبادله‌ای و بازار وجود داشته است. فاصله‌ای که زمانی در حد ۱۰۰ تومان بوده و امروز به ۱۰۰۰ تومان رسیده است.

دلیل خودداری دولت از کاهش نرخ ارز و مطابقت آن با نرخ مصوب در بودجه چیست؟ در برخی از

اظهارنظرات مسئولان ذی‌ربط این‌طور مشاهده کردم که معتقدند نرخ ارز در ایران باید بیش از ۴۶۰۰ تومان باشد. در واقع ثابت نگه داشتن نرخ ارز در سالیان پیش، منجر به جهش اخیر در نرخ ارز شده و به ناچار باید این فضا را به عنوان یک واقعیت اقتصادی پذیرفت. نظر شما در این باره چیست؟

▲ یکی از شاخص‌هایی که قیمت ارز را تعیین می‌کند، قدرت خرید است. یعنی ما یک سبد از کالاهای اساسی را تعیین کنیم. سپس برآورد قیمتی از هزینه خرید این سبد در ایران، نیویورک، امارات و... داشته باشیم. مقایسه این نرخ‌ها، ما را به قیاس دلار به ریال، درهم به ریال و... می‌رساند. در واقع مبنای این قیاس قدرت خرید است.

این در حالی است که ما سالیان زیادی نرخ دلار را به صورت تصنعی در کشورمان ثابت نگه داشتیم. نرخ تورم ما بالا بوده و با توجه به این نرخ، ارزش پول ملی ما در قدرت خرید کاهش یافته است. در نتیجه قیمت واقعی دلار بر مبنای قدرت خرید - که البته باید بیش از نرخ کنونی باشد - دستخوش تحولات زیاد شده است.

ما برای تعیین قیمت دلار به سراغ مکانیسم بازار یا قدرت خرید نرفته‌ایم. همیشه در یک اتاق در بسته نشستیم و قیمت دلار را مشخص کرده‌ایم. تصمیمات اتاق‌های در بسته که همواره بدون توجه به تحولات بازار صورت‌بندی شده، منجر به این وضعیتی شده که امروز در اقتصادمان شاهد آن هستیم. قیمت واقعی دلار در ایران، قیمتی نیست که امروز در بازار هست. ما این نرخ را به صورت تصنعی نگه داشته‌ایم. اگر بخواهیم این قیمت را به واقعیت نزدیک کنیم و آن را بر مبنای قدرت خرید بسنجیم، فرض کنید که با نرخ پنج یا شش هزار تومان مواجه می‌شویم. اگر قیمت دلار به این مرز

تامین ارز تا حدودی بسته است. وقتی دولت می گوید که برای واردات یک سری از کالاها ارز مبادله ای نمی دهد، معنایش این است که واردکنندگان باید ارز مورد نیاز خود را از بازار آزاد تأمین کنند و این کار به معنای افزایش تقاضا در بازار است. حال این افزایش تقاضا در حالی رخ می دهد که عرضه ارز افزایش نیافته است. آقای رئیس جمهور چند وقت پیش گفتند که به طور معمول در آذر و دی قیمت ارز افزایش می یابد و در بهمن و اسفند کاهش می یابد. آقای سیف نیز مشابه همین سخنان را بر زبان آورده است. نکته اینجاست؛ ما که می دانیم افزایش قیمت ارز بد است خب چرا مسئولان اجازه می دهند در آذر و دی این افزایش قیمت رخ دهد؟ جواب این است که حتما دولت گرفتاری ها و مشکلاتی دارد که نمی خواهد همه آنها را علنی و مطرح کند زیرا بازتاب منفی پیدا می کند. بنابراین تلاش دولت این است که بی سروصدا و با چراغ خاموش این مساله را مدیریت کند. در دولت آقای احمدی نژاد هم که این مسائل اتفاق افتاد همین ماجراها بود و تفاوتی با اکنون ندارد. به هر حال دست دولت بسته است. ضمن اینکه فشار ارزی برای واردات در سه ماه آخر سال بیشتر از بقیه ماه های سال است زیرا واردکنندگان فکر می کنند که در سال آینده تغییراتی در تعرفه واردات و قوانین و مقررات مربوطه به وجود می آید و بنابراین تلاش می کنند تا حتی الامکان واردات خود را تا قبل از پایان سال انجام دهند. به همین دلیل است که تقاضا برای ارز بالا می رود. البته مقداری فشارهای بیرونی به کشور ما هست که در اینجا نمی دراهم درباره آن صحبت کنم. به هر حال به نظر می رسد اگر روند گرانی ارز به یک حد مشخصی برسد دولت تلاش می کند که ذخایر ارزی خود را وارد بازار کند تا جلوی افزایش قیمت دلار را بگیرد.

در فضای تحلیل جهش های نرخ ارز در بازار ایران، عده ای از تحلیلگران نیز به اقتصاد تک محصولی و وابستگی اقتصاد ما به نفت نظر دارند. تحلیل شما در این باره چیست؟

▲ اقتصاد ما از دوران تک محصولی بودن گذر کرده ایم. امروز درآمد نفتی و میعانات گازی و... ما حدود شصت میلیارد دلار است. سایر صادرات ما در حوزه فولاد و پتروشیمی و کالاهای دیگر نیز حدود سی و پنج میلیارد دلار است که در مجموع به ۱۰۰ میلیارد دلار می رسد و در نتیجه اقتصاد ما تک محصولی نیست.

ما در حدود سال های پایانی دهه شصت تا میانه دهه هفتاد تک محصولی بودیم؛ دورانی که مجموع فروش نفت ما حدود ۵۰ میلیارد دلار بود و صادرات تک محصولی مان نیز در حدود دو میلیارد دلار بود. این در حالی است که با نرخ هایی که عرض کردم، ما امروز به عنوان یک کشور تک محصولی شناخته نمی شویم. بنابراین ما در حال صادرات کالاهای فولادی، پتروشیمی، مس و... هستیم همچنین کالاهای ساخته شده که نزدیک به شش میلیارد دلار آن به عراق، چهار میلیارد دلار آن به افغانستان و چهار میلیارد دلار آن از راه امارات به دیگر کشورها صادر می شود. بسیاری از کالاهای دیگر نیز که امروز از ایران به دیگر کشورها صادر می شود، در همین دسته بندی جای دارد و منجر به این شده که ایران از دسته بندی کشورهای تک محصولی خارج شده باشد. اما اینکه اتکای عمده ما به درآمدهای نفتی است، اتکای غلطی است و باید از بین برود.

پیش بینی شما از وضعیت بازار ارز و نرخ ارز در چند ماه آینده به چه صورت است؟

▲ ما افراد موثر در تعیین قیمت ارز در بازار را نمی شناسیم و از آنها نیستیم. در واقع ما از افرادی نیستیم که در اتاق های در بسته می نشینند و نرخ ارز را تصمیم می گیرند. من از این افراد نیستم. ▶



۵ مهندس مسعود دانشمند؛ عضو هیات نمایندگان اتاق ایران و یکی از شناخته شده ترین چهره های حوزه اقتصاد در ایران است. عضویت در هیات مدیره

شرکت حمل واردات ایران، مدیرعاملی شرکت حمل واردات ایران، عضو هیات مدیره کشتیرانی آریا، عضویت در هیات رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و ریاست اتاق بازرگانی ایران و امارات، ایران و عراق و ایران و چین از دیگر مسئولیت های وی بوده است. نوسانات بازار ارز بهانه خوبی شد تا به صاحبه ای در این باره با مهندس دانشمند بپردازیم.

می شود. یعنی نرخ بازار و بانک و... در یک محدوده قرار می گیرند. برای رسیدن به این مرحله باید دوره ای تورم را تحمل کرد، اما در پس این دوره می توان به یک ثبات واقعی رسید.

دولت از افزایش نرخ ارز بهره می برد یا واسطه ها؟! کسری بودجه می تواند دلیل موجهی برای افزایش نرخ ارز باشد؟

▲ در این میان، برخی از فعالان حوزه اقتصاد، این مساله را مطرح کردند که امروز نیز همانند اواخر دولت احمدی نژاد که همزمان با گرانی ارز، دولت وقت، منابع درآمدی بیشتری کسب کرد و از این موضوع منتفع شد، دولت کنونی نیز به دلیل اینکه درآمدهایش کاهش یافته بی میل نیست که دلار گران شود تا از طریق فروش دلار در بازار آزاد، درآمد بیشتری به دست آورد.

بنده باید عرض کنم که نه با دولت قبلی و نه با دولت فعلی قرابت و نزدیکی نداشته و ندارم و هیچ کدام از این دولت ها برایم فرقی نمی کند اما باید به نکاتی در این باره اشاره کنم. در کشور ما بزرگ ترین دارنده ارز خارجی، دولت است. یعنی ارز حاصل از فروش نفت و صادرات پتروشیمی عمدتاً دست دولت است. بنابراین دولت است که می تواند بازار ارز را کنترل کند یعنی با عرضه ارز بیشتر یا کمتر می تواند تعادل بین عرضه و تقاضا را به نفع افزایش قیمت یا به نفع کاهش قیمت برقرار کند. زمانی که دولت به بازار، ارز سرازیر نمی کند، تعادل میان عرضه و تقاضا از بین می رود و این موضوع منجر به افزایش قیمت ارز می شود. البته من مطمئن نیستم که واقعا دولت بخواهد قیمت دلار افزایش یابد. برای اینکه دولت بهتر از هر کسی می داند که این افزایش قیمت دلار به بازار شوک وارد می کند و باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات می شود. افزایش قیمت کالا و خدمات نیز آثار تورمی خواهد داشت. این در حالی است که دولت کوشش می کند تورم را با استفاده از هر فرمولی نظیر پایه پولی، سیاست های انقباضی پولی و... کاهش دهد. بنابراین تمایل به گرانی دلار برخلاف هدف اصلی دولت در کاهش تورم است. من تصور می کنم دولت خودش کاملا به این موضوع واقف است که نباید این اتفاق بیفتد اما این سوال مطرح می شود که چرا این اتفاق در حال رخ دادن است؟ باید توجه داشت که دست دولت در

دولت ارز مبادله ای را گران تر از قیمت مصوب می فروشد. به دنبال این مساله طبیعی است که ارز در بازار آزاد نیز افزایش قیمت پیدا می کند و تا ۴۶۰۰ تومان می رود. همیشه یک فاصله ای در قیمت ارز مبادله ای و بازار وجود داشته است. فاصله ای که زمانی در حد ۱۰۰ تومان بوده و امروز به ۱۰۰۰ تومان رسیده است



رسید، به صورت یکباره رقم تورم سنگینی به اقتصاد کشور سرریز می کند. قیمت کالاهای وارداتی افزایش پیدا می کند. کالا و خدمات در داخل کشور گران می شود و این افزایش قیمت نمی تواند با افزایش دستمزدها همراه شود. در نتیجه قدرت خرید عمومی کاهش می یابد و این تورم می شود!

بنابراین دولت باید یک برنامه برای کنترل قیمت ارز داشته باشد. مثلا بگوید که من در طی پنج سال قیمت دلار را به صورتی افزایش می دهم که در انتهای این دوره، بتوان بر اساس قدرت خرید عمومی، نرخ دلار را به فلان رقم رساند و در نتیجه به سمت تک رقمی شدن نرخ دلار برویم. این مکانیزم تک رقمی شدن نرخ ارز در ایران است که تا به امروز اجرایی نشده است.

مادامی که ما قیمت ارز خارجی را بدون توجه به مکانیزم واقعی قدرت خرید پول ملی مان، مشخص کنیم، همیشه این تفاوت وجود خواهد داشت. در همین راستا همواره باید سعی کرد که با فشار یا تزریق دلار و ارز به بازار، قیمت ارز را به صورتی غیر واقعی تثبیت کرد. هر جا که دست مان را از روی این فنر برداریم، طبیعتاً شاهد یک جهش خواهیم بود. در صورت وقوع جهش؛ دولت دوباره دستش را روی این فنر می گذارد. برای کنترل نرخ ارز به بازار ارز و دلار تزریق می کند و نرخ ارز را کاهش می دهد یا ثابت نگه می دارد. در همین حین که قصد نفس تازه کردن می کند، دوباره شاهد یک جهش است. ما جرابی که در طی این سالیان ادامه داشته است. به این دلیل که تعیین نرخ دلار ما، یک مکانیزم منطقی و بر اساس منطق بازار یا اقتصاد نداشته است. ما همواره نرخ دلار را به صورت تصنعی مشخص کرده ایم و در نتیجه همیشه با این معضلات روبه رو بوده و هستیم.

اما اگر این واقعیت ها را بپذیریم و این تنش ها را رها کنیم، به جایی می رسیم که نرخ دلار در آن تک رقمی

امیدواری

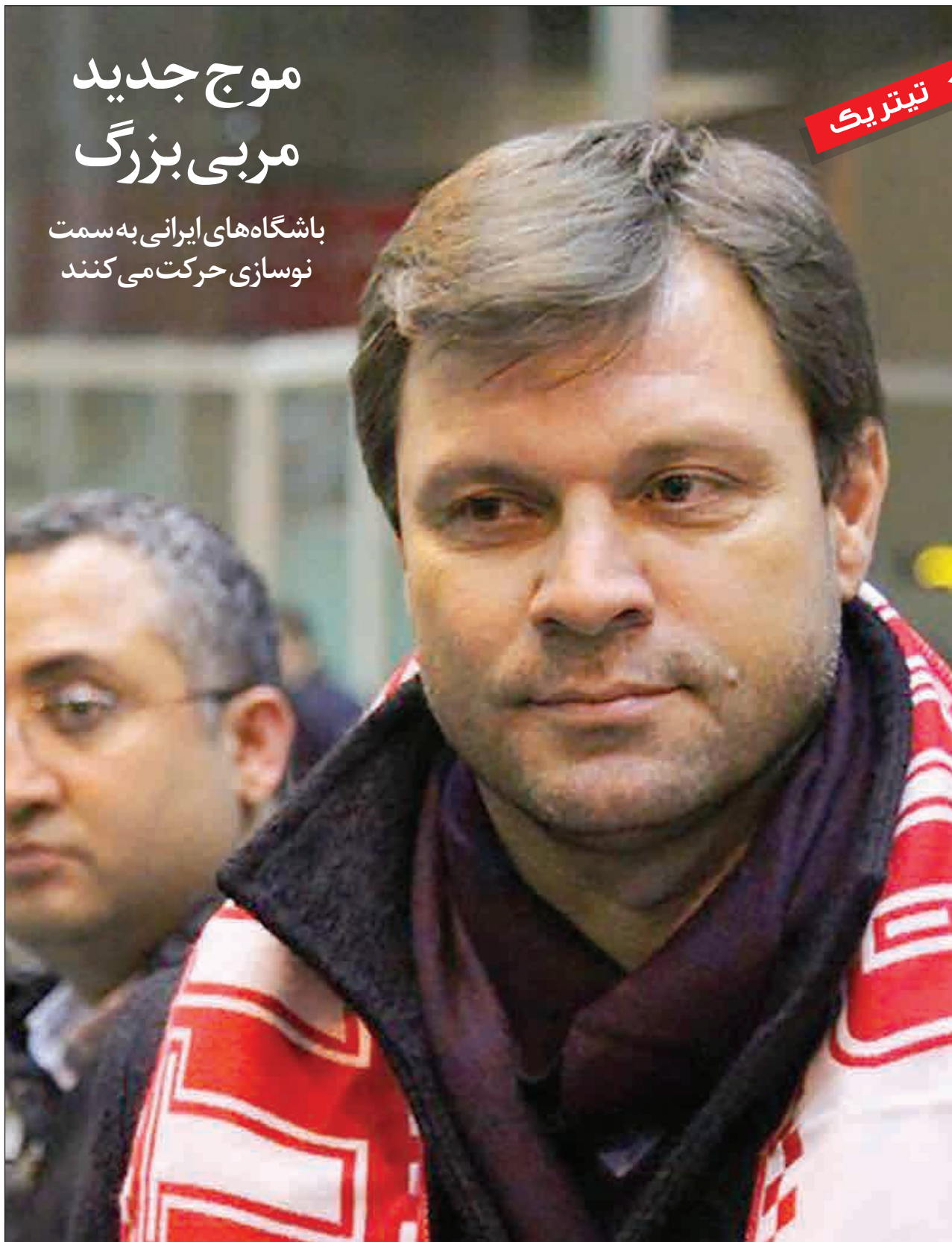
آیا ساغلام می‌تواند در ادامه بازی‌های لیگ برتر شرایط بهتری را برای تراکتورسازی تبریز رقم بزند؟ آنها به دنبال برد هستند. این خواسته روشن باشگاه و هواداران این تیم است و البته نشانه‌های روشنی در باره موفقیت این مربی ترکیه‌ای وجود دارد. هر چند زمان همه چیز را روشن خواهد کرد.

ورزش

موج جدید مربی بزرگ

باشگاه‌های ایرانی به سمت
نوسازی حرکت می‌کنند

تیتریک



فاجعه
مهدی طارمی رازهای بزرگی را
برملا کرد



شفر محبوب!
شفر برای محبوب ماندن در استقلال
باید به روند بردهایش برگردد



مجمع به سوابق من رای مثبت داد
باید سهم زنان در مجمع کمیته
ملی المپیک بیشتر شود

تراکتورسازی و سپاهان؛ تیم‌هایی که هواداران شان همیشه از آنها انتظار دارند در کورس قهرمانی باشند، پس از برآورده نشدن این انتظار دست به تغییراتی زدند تا تیم‌هایشان شرایط تازه‌تری را تجربه کنند. کرانچار و گل محمدی ابد مریبان بی کیفیتی نبودند اما شرایط برای این دو مربی به گونه‌ای پیش رفت که مدیران باشگاه‌های تراکتورسازی و سپاهان تصمیم گرفتند به تیم‌های خود شوک وارد کنند؛ تصمیمی که حق طبیعی هر باشگاهی است.

پس از شکست مقابل سپیدرود تمام امیدهایی که طلایی پوشان برای تکرار موفقیت با این مربی کروات داشتند از دست رفت تا محسن طاهری، مدیرعامل باشگاه پس از درخواست استاندار اصفهان اولین تلفات شکست در رشت باشد. پس از استعفای محسن طاهری، ادامه همکاری با کرانچار مهم ترین سوال فوتبالدوستان اصفهانی بود و در نهایت پس از جلسه‌ای که کرانچار با منوچهر نیکفر، رئیس هیات‌مدیره باشگاه سپاهان برگزار شد، طرفین برای قطع همکاری به توافق رسیدند. زلاتکو کرانچار فصل گذشته و در ۶ دیدار پایانی جایگزین عبدالله ویسی و موفق شد با کسب ۱۳ امتیاز از ۶ دیدار انتهایی، مدیران سپاهان را برای تمدید قرارداد متقاعد کند، اما آنچه در لیگ

اگر چه گل محمدی طی دوره حضورش در تراکتورسازی نتوانست انتظارات را برآورده کند، اما با این حال مدیران این باشگاه و البته هواداران تا قبل از بازی با نفت تهران از او حمایت کردند و به او فرصت دادند تا نتیجه لازم را کسب کند اما این اتفاق رخ نداد تا بعد از شکست ۲ بر صفر تراکتورسازی مقابل نفت تهران هواداران حاضر در ورزشگاه تختی تهران خواهان کناره رفتن او از سرمربیگری این تیم شوند

هفدهم اتفاق افتاد تطابقی با نتیجه‌های ۶ دیدار انتهایی لیگ شانزدهم نداشت.

طلایی پوشان که با کرانچار پس از ۲۰ مسابقه حتی به یک برد خارج از اصفهان هم دست پیدا نکردند، مقابل سپیدرود هشتمین شکست فصل را تجربه کردند تا در پایین جدول به طور کامل خطر سقوط را احساس کنند. اما نکته جالب ماجرا اینجاست که برخی رسانه‌ها بعد از جدایی کرانچار شایعه پیوستن علیرضا منصوریان به سپاهان را مطرح کردند. شایعه‌ای که اصلا به مذاق مدیران این باشگاه خوش نیامد و بلافاصله آن را تکذیب کردند. سرپرست باشگاه سپاهان گفت: «علیرضا منصوریان جزو گزینه‌های مدنظرمان برای جانشینی زلاتکو کرانچار نیست؛ ما دنبال یک مربی مثل برانکو ایوانکوویچ هستیم.» مسعود تابش درباره شایعه حضور علیرضا منصوریان در اصفهان برای ثبت قرارداد با باشگاه سپاهان گفت: «اینکه آقای منصوریان کجای کشور هستند را

نمی دانم. چون نه مذاکره‌ای با ایشان داشتیم و نه قرار است مذاکره کنیم. دیروز که شنیدم آقای منصوریان به عنوان سرمربی تیم انتخاب شده است تعجب کردم و گفتم نکند جای دیگری فعالیت می‌کنیم که از آن بی‌خبریم! برای منصوریان احترام زیادی قائلم. او یکی از مربیان دوست‌داشتنی و با دانش فوتبال ایران است اما به طور رسمی اعلام می‌کنم که مذاکره‌ای با او نداشته‌ایم.» سرپرست باشگاه سپاهان اصفهان در خصوص احتمال حضور وتورا در راس کادر فنی زردپوشان اظهار داشت: «من نمی‌خواهم در مورد اسامی صحبت کنم. ساختار باشگاه نیاز به ثبات دارد و نباید از تعداد مربی در بازه زمانی کوتاه، خوشحال بود. پیش از این اتفاقات همیشه سعی داشتیم آرامش را با حضور مربیان قوی و رزومه دار حاکم کنیم. تعداد قهرمانی‌های سپاهان نیز نشان می‌دهد که در این راه موفق بوده‌ایم.»

وی با تأیید گران قیمت بودن زلاتکو کرانچار در سپاهان، درباره نحوه جدایی این مربی و انتخاب جانشینش تصریح کرد: «نباید کتمان کرد قرارداد کرانچار گران بوده است. مربی حرفه‌ای پول حرفه‌ای هم می‌خواهد و این به معنی واخرجی باشگاه سپاهان نیست. البته به نظرم یکی از بهترین مربیان خارجی که به فوتبال ایران آمده است همین آقای کرانچار بود اما باید بی‌ذخیریم حدود ۸۰ درصد تیم را تغییر دادیم و کادر فنی به طور کامل تغییر پیدا کرد. تیم هم نتوانست با گذشت زمان به هماهنگی کافی برای کسب نتیجه برسد.»

سرپرست باشگاه سپاهان تأکید کرد: «ما یک مربی حرفه‌ای داشتیم که وقتی دیدم چگونه با بازیکنان خداحافظی کرد لذت بردم. کرانچار صورت تک تک بازیکنان را بوسید و از آنها خواست فقط و فقط بایند و برای همین موضوع هم می‌رود تا تیم نتیجه بگیرد.» تابش درباره احتمال استفاده از مربی خارجی گفت: «قرار است روز شنبه (امروز) تکلیف این موضوع را روشن کنیم. می‌خواهیم به تاکنیک‌های راهبردی خودمان بازگردیم. مثلاً گزینه‌ای مثل برانکو ایوانکوویچ را می‌خواهیم که در ابتدای حضورش در پرسپولیس نتوانست نتیجه بگیرد اما با گذشت زمان، توانایی‌هایش را بروز و ثبات فنی و مدیریتی خودش را به تیم نشان داد؛ راهی که خیلی قبل تر رفته بودیم و نتیجه خوبی هم برایمان رقم خورده بود.»

وی درباره ترس هواداران این تیم از سقوط به رقابت‌های لیگ دسته اول اظهار داشت: «به هیچ وجه به سقوط فکر نمی‌کنیم و مطمئنم اتفاقات بسیار خوبی برای آینده باشگاه سپاهان در حال رقم خوردن است.» اما شایعه حضور منصوریان در سپاهان از سوی رئیس هیات‌مدیره این باشگاه نیز تکذیب شد تا معلوم شود اصفهانی‌ها ابد اقله‌ای به جذب این مربی ندارند. منوچهر نیکفر گفت: «صحبتی که در ارتباط با منصوریان در رسانه‌ها مطرح شد کاملاً اشتباه است و فلیمنگ سریتسلف هم گزینه خارجی مدنظر باشگاه برای سرمربیگری در سپاهان نیست.» وی درباره اینکه گفته می‌شود به طول انجامیدن مذاکرات سپاهان به این دلیل است که این باشگاه منتظر حضور ابراهیم‌زاده

در ایران و مذاکره با این مربی اصفهانی است، گفت: «اولویت اصلی ما گزینه خارجی است تا یک مربی بزرگ خارجی را به سپاهان بیاوریم و اگر این مهم رخ نداد با گزینه‌های مدنظر ایرانی مذاکره می‌کنیم.» بر اساس اظهارات عضو هیات‌مدیره سپاهان قرار بر این بوده کرانچار برای ۶۰ بازی در دو فصل مبلغی در حدود ۹۰۰ هزار یورو دریافت کند که با توجه به توافق صورت گرفته، وی در پایان کارش برای ۲۰ بازی در لیگ برتر امسال چیزی حدود ۳۰۰ هزار یورو معادل بیش از یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان از سپاهان دریافت کرده است. باید دید اوضاع سپاهان که همواره یکی از مدعیان کسب عنوان قهرمانی در لیگ برتر بوده است به کجا می‌انجامد و مربی‌ای که قرار است جانشین کرانچار شود، می‌تواند از عهده مأموریت بزرگ یعنی نجات سپاهان از بحران نتیجه‌گیری برآید؟ اما این همه تغییرات این روزهای فوتبال ایران نیست. دیگر باشگاه پرتعداد فوتبال ایران یعنی تراکتورسازی تبریز نیز در کادر فنی خود دست به تغییراتی زد تا شرایط بهتری برای این تیم تبریزی رقم بخورد.

اگر چه گل محمدی طی دوره حضورش در تراکتورسازی نتوانست انتظارات را برآورده کند، اما با این حال مدیران این باشگاه و البته هواداران تا قبل از بازی با نفت تهران از او حمایت کردند و به او فرصت دادند تا نتیجه لازم را کسب کند اما این اتفاق رخ نداد تا بعد از شکست ۲ بر صفر تراکتورسازی مقابل نفت تهران هواداران حاضر در ورزشگاه تختی تهران خواهان کناره رفتن او از سرمربیگری این تیم شوند. بعد از این شکست بود که هواداران وقتی با آجورلو، مدیرعامل باشگاه مواجه شدند بار دیگر از او خواستند هر چه سریع‌تر جایی گل محمدی را از سمت سرمربیگری تراکتورسازی برکنار کند و مدیرعامل باشگاه نیز بدون اینکه حرفی بزند از ورزشگاه خارج شد.

اما بعد از چند روز بالاخره راه گل محمدی از تبریز جدا شد و این مربی جوان به دوران حضورش روی نیمکت تراکتورسازی پایان داد. با این حال گل محمدی که یکی از باخلاق‌ترین مربیان فوتبال ایران است پس از جدایی از تراکتورسازی گفت: «افتخار می‌کنم در بحرانی‌ترین و خاص‌ترین مقطع تاریخ تراکتورسازی سرمربی این تیم پرتعداد بودم و سربلندی و موفقیت هواداران و تراکتورسازی آرزوی قلبی من است. بدون تردید هدف من کمک به تراکتورسازی و کسب نتایجی در شان هواداران پرشور این باشگاه بود. بنده در شرایطی مسئولیت را قبول کردم که با حکم فیفا محروم از جذب بازیکن بودیم و به اتفاق باشگاه روی جذب ۳ بازیکن آزاد فیفایی هم با توجه به کمبودها در برخی پست‌ها حساب ویژه باز کرده بودیم که متأسفانه فیفا موافقت نکرد و اتفاقاً از همین پست‌ها هم بسیار لطمه دیدیم.»

او ادامه داد: «ما برای پرکردن جای خالی جدا شده‌ها و مصدومان روی به جوان‌گرایی آوردیم و طبق آمار موجود ۴۰ درصد دقیق بازی نیم فصل اول تراکتور به نفعی اختصاص یافت که ۵ نفرشان سابقه بازی در لیگ یک را هم نداشتند و ۵ نفرشان هم

جمعا در لیگ برتر سابقه ۳۰۰ دقیقه بازی را داشتند. این ۱۰ بازیکن شدند نفرت فیکس و ذخیره ما و ۴۰ درصد دقیق بازی ما به آنها رسید. این اتفاق در تاریخ لیگ حرفه‌ای بی سابقه است. بنده افتخار می‌کنم این جوان‌ها از این پس عصای دست مربیان خواهند بود و خواهید دید که اغلب آنها می‌توانند سال‌ها برای تراکتور بازی کنند و به سرمایه‌های گرانقدری برای این باشگاه بزرگ و پرطرفدار تبدیل می‌شوند. افتخار دارم که بگویم این جوان‌ها یادگاری و هدیه بنده و همکارانم در این برهه تاریخی به تراکتورسازی هستند و افتخار می‌کنم با حمایت هواداران و زحمات باشگاه، دستیارانم، مجموعه کادر و بازیکنان باتجربه و جوان‌های بدون تجربه این برهه و مقطع خاص را در کنار هم سپری کردیم.»

گل محمدی تأکید کرد: «باید بگویم برخی حرف و حدیث‌هایی متأسفانه پیرامون کم‌کاری بعضی از بازیکنان به وجود آمد که من به‌عنوان سرمربی تیم همه آنها را تکذیب کرده و تأکید می‌کنم همه بازیکنان با تمام توان تلاش کردند و اینجا از همه آنها تشکر می‌کنم. نفرت خوبی هم با تلاش ما و مدیریت باشگاه جذب شده‌اند که منجر به تقویت تیم شده و ان‌شاءالله با درایت کادر جدید، باشگاه، بازیکنان و حمایت هواداران و پیشکسوتان روزهای خوب در راه خواهد بود.»

سرمربی سابق تراکتورسازی از هواداران این تیم هم قدرانی کرد و یادآور شد: «وظیفه می‌دانم از طرف خودم و دستیارانم با وجود تمام اتفاقات روزهای گذشته از هواداران پرشور و عزیز تراکتور تشکر کنم که در سخت‌ترین شرایط با تمام توان از ما حمایت کردند. ما تمام تلاش خودمان را کردیم اما بعضی مسائل مانع از موفقیت کامل ما شد. بنده هم هرگز از خاطر نمی‌برم که سال‌ها پیش تراکتور به‌عنوان بازیکن بنده فرصت رشد و پیشرفت داد و هرگز یاد نمی‌رود وقتی که در ۳ بازی نخست با بدشانسی محض، اشتباهات فردی و داوری سه باخت متوالی نصیب‌مان شد هواداران با «عیبی یوخ» گفتن‌های خود مثل کوه پشت ما ایستادند و همراه با باشگاه حمایت‌مان کردند تا به آینده امیدوار باشیم و برای جبران مافات سخت کوش تر باشیم.»

این مربی جوان ادامه داد: «عادت ندارم خودم را فریب دهم یا حرفی بزنم که از حقیقت به دور باشد. بله، بین من و باشگاه سوءتفاهم‌ها و کدورت‌هایی به وجود آمد. نمی‌خواهم وارد این مباحث شوم، چون این مسائل کمکی به تیم نمی‌کند و اتفاقاً منجر به بروز خاوشی هم می‌شود. شاید همین الان هم سوءتفاهم‌ها که ناشی از اختلاف نظر‌ها بود بین ما فاصله انداخته باشد اما فارغ از این مسائل ما دست در دست باشگاه و هواداران و بازیکنان تلاش کردیم تا بر این بحران فیزیایی و بدشانسی‌ها غلبه کنیم. اتفاقاً همدلی خوبی هم وجود داشت، چون دغدغه ما و مدیریت سربلندی تیم بود. در مجموع شخصاً از مدیریت باشگاه هم تشکر می‌کنم که از ابتدای فصل همکاری خوبی داشتند. با این وجود متأسفانه نتوانستیم به همکاری دو جانبه ادامه بدهیم. اختلافات پیش آمده هم باتوجه به شرایط تیم در حوزه کار پیش آمد اما تردیدی نیست که دغدغه هر دوی ما موفقیت تیم بود ولی متأسفانه شرایط به گونه‌ای پیش رفت که این همکاری به جدایی انجامید. باید بگویم بنده و آقای آجورلو در کنار خانواده بزرگ تراکتورسازی بخشی از اهداف خود را پیش بردیم و ان‌شاءالله باشگاه و خانواده بزرگ تراکتورسازی از مربی جدید و همکارانش حمایت همه‌جانبه‌ای خواهند داشت تا مابقی اهداف هم حاصل شود.»

اما بعد از جدایی گل محمدی مدیران باشگاه تراکتورسازی با ساغلام به توافق رسیدند. مربی که هفته گذشته عادل فردوسی‌پور هم در برنامه نود از او تمجید کرد. به نظر می‌رسد این مربی ترکیه‌ای روزهای پرخبری را در فوتبال ایران سپری کند. بعد از کیش و قوس‌های فراوان یک مربی ترکیه‌ای هدایت تراکتور را برعهده گرفت تا خواسته هواداران تبریزی برآورده شود؛ ارطغرول ساغلام رسماً سرمربی تراکتورسازی است و کارش در این باشگاه را استارت می‌زند. او اگرچه قراردادی چندماهه تا پایان فصل امضا کرده، اما این قرارداد در صورت کسب نتایج مطلوب قابل تمدید است و حالا هواداران پرشور تراکتورسازی به روزهای خوب با سرمربیگری ساغلام می‌اندیشند. ساغلام بعد از رسمی شدن قراردادش حرف‌های امیدوارکننده‌ای بر زبان آورد. او که سابقه حضور در بشیکتاش را دارد، تراکتور را با این تیم ترکیه‌ای مقایسه و از تلاش برای رقم زدن بهترین‌ها صحبت کرد.

او گفت: «تشکر ویژه از آقای آجورلو دارم که تفکراتش برای آینده بسیار زیبا و صاف است. خوشحالم اینجا هستم، چرا که تراکتور گذشته خوبی دارد و ۲۵ میلیون طرفدار ترک دارد و از اینکه سرمربی این تیم شدم، خیلی خوشحالم. وقتی که دوستانم به من گفتند کجا می‌روی، گفتم به باشگاهی می‌روم که بیشترین طرفدار ترک دنیا را دارد.»

ساغلام تأکید کرد: «به این نتیجه رسیدم که انگار در کشور خودم هستم و احساس می‌کنم با انسان‌هایی از جنس خودم کار خواهیم کرد و این موضوع، خیلی من را به آینده امیدوار کرد. همه ما انسانیم و وقتی به جای دیگری می‌رویم، باید به شرایط محیط جدید عادت کنیم، اما دیگر من نیازی به سپری کردن این زمان ندارم و خیلی زود به این مردم عادت می‌کنم.»

او یادآور شد: «تراکتور بعد از گذراندن سختی، اکنون روی پای خودش ایستاده و برای آینده مسئولیت بزرگی داریم و همه با هم دست به دست هم می‌دهیم تا در وهله اول، مشکلات کنونی را رفع کرده و سپس، تا جایی که می‌توانیم، بالا برویم. زمان کار است و نباید زیاد حرف بزنیم، مسئولیت بزرگی داریم و این موضوع را می‌دانم و قول می‌دهم آنهایی که به ما اعتماد کردند را سرفاکنده نکنیم. مردم ایران هم مثل ترکیه، فوتبال را خیلی دوست دارند و از همه تشکر می‌کنم و مطمئنم همه چیز خیلی بهتر از این خواهد شد. ما آذربایجانی‌ها، ترک‌های ترکیه و ایران همه با هم برادر هستیم. سعی می‌کنم موفقیت‌هایم در تیم بشیکتاش و بورسا اسپور ترکیه را در ایران تکرار کنم و بتوانیم با تراکتورسازی به موفقیت برسیم. می‌دانم هواداران تراکتورسازی مثل هواداران بورسا اسپور و بشیکتاش خیلی پرشور هستند و تیم را ۹۰ دقیقه تشویق می‌کنند.»

سرمربی تراکتورسازی خاطر نشان کرد: «نمی‌خواهم زیاد صحبت کنم و الان وقت حرف زدن نیست و وقت عمل و کار است و در شخصیتیم یک صفحه جدید ایجاد شده و امیدوارم خواندند مرا شرمند»

هواداران تیم تراکتورسازی نکند. آیا ساغلام می‌تواند در ادامه بازی‌های لیگ برتر شرایط بهتری را برای تراکتورسازی تبریز رقم بزند؟ آنها به دنبال برد هستند. این خواسته روشن باشگاه و هواداران این تیم است و البته نشانه‌های روشنی درباره موفقیت این مربی ترکیه‌ای وجود دارد. هر چند زمان همه چیز را روشن خواهد کرد. ▶



مهدی طارمی از پرسپولیس جدا شده و به باشگاه العرافه قطر پیوسته است اما این جدایی هم باعث نشده تا حاشیه‌های قرارداد عجیب و غریب این بازیکن با ریزه‌اسپور و همچنین محرومیت پرسپولیس از حضور در پنجره نقل و انتقالات، جنجال‌های تازه‌ای برای این باشگاه به وجود نیارد. مهدی طارمی که هفته گذشته و بعد از توافق با مسئولان العرافه راهی لیگ ستارگان شد، در مصاحبه‌ای به مسائلی در خصوص پرونده پرسپولیس و باشگاه ریزه‌اسپور پرداخته که مورد توجه کمیته انضباطی قرار گرفته است. در این رابطه کمیته انضباطی با دعوت از مدیران سابق و همچنین این بازیکن در کنار اسپانسر سابق به دنبال این است تا رسیدگی به این پرونده را در دست بگیرد. طارمی هم اکنون در قطر به سر می‌برد و در پایان دوران محرومیت ۴ ماهه خود از این هفته قادر به همراهی زردپوشان العرافه خواهد بود و باید دید چه زمانی برای پاسخگویی و برطرف کردن شائبه‌های مربوط به این انتقال جنجالی به کمیته انضباطی خواهد رفت. این مهاجم در گفت‌وگو با برنامه نود حرف‌های تازه‌ای زده که لزوم پاسخگویی سرپرست پیشین این باشگاه یعنی علی اکبر طاهری را باعث شده است. هر چند طاهری سیاست سکوت پیشه کرده و ظاهراً از محصنه قراردادی که در جعلی بودن آن تردیدی وجود ندارد گریخته اما هیچ بعید نیست مراجع نظارتی و امنیتی نیز به این ماجرای پیچیده ورود کنند. آنجا که فتن به ریزه‌اسپور و برگشتن به پرسپولیس آن قدر پر حرف و حدیث است که افکار عمومی حالا نمی‌تواند به روشنی درک کند که چه کسی راست می‌گوید و چه کسی دروغ؟

در برنامه هفته گذشته طارمی، مدیران باشگاه

فاجعه

مهدی طارمی
رازهای بزرگی را برملا کرد

کسی حساب کرد و من که ۲۰، ۲۵ سال از مهدی طارمی بزرگ تر هستم، کسی را در این فوتبال قبول ندارم. گفتم اگر من را واسطه صحبت کردن با طارمی کرده اید، نصف پول او را پرداخت کنید یا چک ضمانت‌دار بدهید تا امضا کند.»

عزیزی تصریح کرد: «وقتی این صحبت‌ها انجام شد، جلوی آقای هدایتی گفتم آقای مهدی طارمی، وضع مالی شما خوب است؟ گفت نه، گفتم آیا پدر و مادر پولدار دارید؟ گفت نه. گفتم آقای هدایتی این بازیکن مشکل مالی دارد، بهترین بازیکن تیم پرسپولیس است، آقای گل لیگ شده پول بدهید تا بماند. گفتم پول او را برای وضعیت مالی خودش، پدر و مادرش و اصلاً به خاطر هنری که دارد، پرداخت کنید. اگر شما نمی‌دهید، ترکیه این پول را به او می‌دهد و گفتم اگر جایی او را نمی‌خواست، پول هم نمی‌دادید مشکلی نداشت، اما الان ترکیه به او پول می‌دهند و برای ماندنش باید پول بدهید.»

ادامه داد: «پس از صحبت‌های من آقای هدایتی گفت که پول مهدی طارمی را می‌دهد و من به مهدی طارمی گفتم، خودت می‌دانی که چه تصمیمی بگیری. حتی گفتم آقای هدایتی اگر فردا صبح هم نصف پولی که می‌گویند را به طارمی بدهید، من او را فردا برای امضای قرارداد می‌آوردم. گفتم اگر می‌گویید یک میلیارد، ۵۰۰ میلیون را بدهید یا اگر می‌گویید دو میلیارد، یک میلیارد آن را پرداخت کنید. گفتم حسین هدایتی کسی بوده که همیشه به پرسپولیس کمک می‌کند و همه این را می‌دانند، اما اینکه بگویم امضا کند و بعد پول بدهد را قبول ندارم. گفتم من نیستم که باید قرارداد را امضا کنم، مهدی طارمی است.» با حرف هم پولی تهیه نمی‌شود و اگر می‌توانید

دفعه دیدیم هفت هشت نفر دیگر هم آمدند. هدایتی به ما گفت که شما صحبت کن که طارمی بماند و من به هدایتی گفتم به شرط اینکه به او پول بدهید، با او صحبت می‌کنم. گفتم اگر پول ندهید که به درد نمی‌خورد.»

پیشکسوت پیشین تیم ملی فوتبال کشورمان ادامه داد: «من به هدایتی گفتم مهدی طارمی به ترکیه می‌رود که پول بگیرد که طارمی هم گفت همین طور است. به هدایتی گفتم چون او برای پول می‌رود، هر چقدر پول که می‌خواهید به او بدهید، ۵۰ درصدش را امضا کند. بدهید و من بگویم مهدی طارمی قراردادش را امضا کند. هدایتی گفت الان که نمی‌شود و من این پول را فردا می‌دهم. مهدی برود قراردادش را امضا کند و من هم پول را می‌دهم. گفتم آقای هدایتی این طور نمی‌شود که فقط حرف زد، پول بدهید تا طارمی هم امضا کند و او گفت، آقای عزیزی شما من را نمی‌شناسید؟ من از این حرف‌ها می‌زنم؟ گفتم من از شما شناخت دارم، اما مدیران و برخی افراد آن قدر خراب کرده‌اند که دیگر نمی‌شود روی حرف

پرسپولیس را مسبب محرومیت خود و تیم پرسپولیس خواند و خودش را از همه اتهامات مبرا دانست. یک روز بعد باشگاه پرسپولیس از این بازیکن شکایت کرده که چرا در رسانه ملی دروغ گفته و مدیران پرسپولیس را زیر سوال برده است. در همین حال پای افراد دیگری هم به ماجرای رفت و برگشت طارمی باز شده است. بهتر است از توضیحات خداداد عزیزی شروع کنیم؛ یکی از مربیان صریح فوتبال ایران که مهدی طارمی از او نام برد و او را شاهد برخی اتفاقات دانست.

خداداد عزیزی در گفت‌وگو با تسنیم در خصوص صحبت‌های مهدی طارمی که او را به همراه مهدی هاشمی نسب و هادی طباطبایی به عنوان شاهد دیدارنش با حسین هدایتی مطرح کرده است، گفت: «من نمی‌دانم مهدی طارمی چه صحبت‌هایی کرده و درباره آن شب چه گفته است. آن شب هم که ما آنجا بودیم با تماس یکی از دوستان مان که رستوران دارد، فکر می‌کنم با مهدی هاشمی نسب از جام ستارگان به آنجا رفتیم.»

وی در واکنش به این مسأله که مهدی طارمی اشاره کرده در آن رستوران به حسین هدایتی گفته قصد ماندن در ایران را ندارد و اگر بخواهد به ایران برگردد به او می‌گوید و هدایتی هم قول داده بود مبلغی را بابت ماندن در پرسپولیس به این بازیکن می‌دهد، گفت: «در آن رستوران آقای هدایتی حضور داشت و مهدی طارمی هم بعداً به آنجا آمد. آن دوست‌مان که پرسپولیس است، خیلی در تب و تاب راضی کردن طارمی برای ماندن در پرسپولیس و منصرف کردن او برای رفتن به ترکیه بود. از ما خواست که با مهدی طارمی صحبت کنیم و من گفتم با مهدی هاشمی نسب خصوصی با او صحبت می‌کنیم، اما یک

طارمی هم اکنون در قطر به سر می‌برد و در پایان دوران محرومیت ۴ ماهه خود از این هفته قادر به همراهی زردپوشان الغرافه خواهد بود و باید دید چه زمانی برای پاس‌خگویی و برطرف کردن شائبه‌های مربوط به این انتقال جنجالی به کمیته انضباطی خواهد رفت

سند، چک ضمانت‌دار یا چیزی بدهید. گفتم حتی کسی چک معمولی هم قبول نمی‌کند و اینکه بعداً پول داده شود، مورد قبول نیست. من تا همین جا می‌دانم و از اینکه بعداً هدایتی پولی به طارمی داده یا آنها تماس یا چیزی با هم داشته‌اند، بی‌خبرم.»

این اظهارات در حالی عنوان شد که یک روز بعد از برنامه نود برخی رسانه‌ها واکنش تندی نسبت به مهدی طارمی و علی اکبر طاهری از خود نشان دادند. ایسنا در این باره نوشت: «طارمی از پرسپولیس جدا شد و به ترکیه رفت، قرارداد بست و تمرین کرد اما پشتیبان شد. به هر دلیلی خواست که برگردد. آن طور که خودش ادعا می‌کند، باشگاه و وکیلش گفته‌اند که «تو بیا ما کارها را ردیف می‌کنیم.» کارها را که نه اما دروغ‌ها را ردیف کردند. علی اکبر طاهری، مدیرعامل وقت پرسپولیس مسئول آن دروغ‌ها است، مگر آنکه پاسخی برایش داشته باشد. اگر او ادعای طارمی را رد می‌کند، باید شفاف و روشن سخن بگوید. در غیر این صورت، متهمی است که اتهامش را پذیرفته و پاسخی ندارد.

باشگاه پرسپولیس، هم قدمت دارد، هم شهرت و هم هوادار یا تعصب. این همه افتخار و اسم و رسم، با یک دروغ بر باد رفت و حالا فدراسیون جهانی فوتبال، باشگاه سرخ تهران را به «عدم صداقت» می‌شناسد. هزینه این بی‌صداقتی از جیب چه کسی پرداخت می‌شود؟ پاسخ روشن است و تاسف‌بار. دولت که مالک باشگاه است، مجبور است هزینه ندانم‌کاری مدیرانش را بپردازد. ندانم‌کاری که نه، آنها آگاهانه کرده‌اند که حتی پای حساس روحنی و رجب طیب اردوی را به ماجرا باز کرد. سخنگوی قوه قضاییه یک بار گفته بود اگر در ماجرای پرسپولیس و جریمه چند صد هزار دلاری اش، باشگاه مقصر باشد، این قوه به آن ورود می‌کند. قوه قضاییه که نه اما قوه مجریه ورود کرد و جریمه را حل و فصل کرد. شاید هم این میان، امتیازی به طرف ترکیه‌ای داده شده باشد. از همه این‌ها گذشته باید از مسئولان ورزش کشور پرسید که حالا با مدیران وقت پرسپولیس و مخصوصاً علی اکبر طاهری چه برخوردی صورت می‌دهند؟ آیا حساب و کتاب کارش را می‌خواهند و ریز به ریز عملکردش در قبال ماجرای ریزه‌اسپور را بررسی و حساب‌کشی می‌کنند یا پست دیگری به او می‌دهند و روی سرشان حلا حلا می‌کنند؟ وزارت ورزش و جوانان باید در این زمینه شفاف‌سازی کند. یکی از مدیران منصوب وزارتخانه «دروغ» گفته و دیگران را مجبور کرده که همان دروغ را تکرار کنند. جریمه این خطا، چیست؟ جریمه‌کننده کیست؟

در همین حال رئیس کمیته تعیین وضعیت فدراسیون فوتبال ایران می‌گوید کمیته اخلاق و انضباطی صلاحیت رسیدگی به پرونده پرسپولیس و مهدی طارمی را دارند و در صورت صلاحدید می‌توانند آنها را جریمه یا محروم کنند.

با جدایی مهدی طارمی از پرسپولیس ابعاد مختلفی از قرارداد این بازیکن و پرسپولیس باز شده که موجب حساسیت نهادهای نظارتی شده است. روزبه وثوق احمدی، رئیس کمیته تعیین وضعیت فدراسیون فوتبال درباره امکان برخورد کمیته‌های نظارتی در فدراسیون فوتبال با پرسپولیس و مهدی طارمی گفت: «کمیته انضباطی و اخلاق فدراسیون فوتبال از دو جنبه مختلف می‌تواند این موضوع را مورد بررسی قرار دهد. کمیته اخلاق صلاحیت رسیدگی به این موضوع را دارد و می‌تواند بر اساس آیین‌نامه جدید این موضوع را مورد بررسی قرار دهد. کمیته اخلاق هم به خاطر امکان وقوع جعل در قرارداد، از جنبه عمومی این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد.»

او در واکنش به اینکه گفته شده باید شکایتی از

طارمی وجود داشته باشد تا کمیته انضباطی نسبت به این موضوع ورود کند توضیح داد: «طارمی در حال حاضر به دروغ اقرار کرده اما این موضوع هنوز اثبات نشده است. اگر شخصی نسبت به این اتفاق، شکایت داشته باشد کمیته انضباطی به آن ورود می‌کند.»

رئیس کمیته تعیین وضعیت همچنین در پاسخ به این سوال که با وجود انتقال طارمی به قطر امکان جلوگیری از بازی کردن این بازیکن در لیگ ستارگان این کشور وجود دارد گفت: «طارمی قبلاً بازیکن پرسپولیس بوده و در ایران بازی می‌کرده و کمیته انضباطی و اخلاق می‌توانند او را با محرومیت مواجه کنند اما نمی‌توانند جلوی بازی کردن او را بگیرند. البته در صورت جهانی شدن ابعاد این پرونده این امکان هم وجود دارد که طارمی را جریمه کنند. در هر حال اگر طارمی از سوی کمیته انضباطی محروم شود، شروع محرومیت او از زمانی خواهد بود که به لیگ ایران منتقل می‌شود.»

وثوق احمدی با تشبیه این اتفاق به عمل دوپینگ گفت: «زمانی که بازیکنی دوپینگ می‌کند به هر کشوری که برود طبق قانون می‌توانند او را برخورد کنند. در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی را محروم بدانند، هر جا که باشد با او برخورد می‌شود.»

او در ادامه درباره امکان ورود فیفا به این پرونده گفت: «با توجه به اینکه طارمی در ایران بازی کرده کمیته‌های نظارتی ایران صلاحیت رسیدگی به این پرونده را دارند و نهاد دیگری نمی‌تواند به آن ورود کند.»

موضوع اقرار به دروغ و جعل قرارداد در حالی طارمی و باشگاه پرسپولیس را در شرایط ویژه‌ای قرار داده که مدیران این باشگاه در حرکتی رو جلو تصمیم به شکایت از طارمی گرفته‌اند.

سایت رسمی باشگاه پرسپولیس هفته گذشته نوشت: «در پی اظهارات غیرواقع مطرح شده از سوی مهدی طارمی در رسانه‌های جمعی که باعث تشویش اذهان عمومی، تنش و حاشیه در فوتبال ایران و نگرانی عمیق و ناراحتی شدید هواداران شد، باشگاه پرسپولیس از طارمی به فدراسیون فوتبال و کمیته اخلاق شکایت کرد. باشگاه پرسپولیس در این شکایت خواهان رسیدگی به این موضوع در اسرع وقت شده است و نامبرده باید برای اثبات ادعای خود مدارک لازم را ارائه دهد.»

جالب‌تر اینکه محمدعلی ترکشوند، معاون اقتصادی پیشین باشگاه پرسپولیس هم مدعی شده که طارمی دروغ‌گو است و باید به اتهامات این بازیکن خیلی زود رسیدگی شود: «قبل از هر چیز باید درباره این صحبت کنیم که چرا علی اکبر طاهری شناسست خبری برگزار نکرد؟ او به باشگاه رفت و حتی مستندات هم آماده کرده بود اما روز اول گرشاسبی در مجمع بود و بعد از آن پرسپولیس از جام حذفی کنار رفت و گرشاسبی صلاح دانست که در این شرایط شناسست خبری برگزار نشود. البته خود مسئولان فعلی باشگاه مدارک و مستندات را دیده بودند و اعلام کردند که همه چیز شفاف است. طاهری همیشه به دنبال اقتدار پرسپولیس بود و اجازه نمی‌داد که تیم وارد حاشیه شود، بعد از آن هم که موضوع زلزله و قیبه مسائل به وجود آمد

در همین حال رئیس کمیته تعیین وضعیت فدراسیون فوتبال ایران می‌گوید کمیته اخلاق و انضباطی صلاحیت رسیدگی به پرونده پرسپولیس و مهدی طارمی را دارند و در صورت صلاحدید می‌توانند آنها را جریمه یا محروم کنند

و این نشست برگزار نشد. در ادامه باشگاه پرسپولیس هم یک بیانیه صادر کرد.»

وی درباره اینکه مهدی طارمی مدعی شده دروغ‌هایی برای حضور او در پرسپولیس گفته شده است، افزود: «حرف‌های طارمی را قبول ندارم. ابراهیمی وکیل او همه چیز را می‌داند اما عده‌ای هستند که می‌خواهند پرسپولیس را به حاشیه بکشاند. قبل از دربی که با نتیجه ۴ بر ۲ به سود ما به پایان رسید همراه با ابراهیمی جلسه‌ای با طارمی برگزار کردیم و او همه بندها و نکات را پذیرفت و فقط روی برخی آپشن‌ها اختلافات نظر وجود داشت. او سپس گفت که اجازه بدهید من دوروز به همراه خاخر و دامادم به ترکیه بروم و بعد از اینکه به ایران برگردم قرارداد را امضا خواهیم کرد. بعد از آن او ناگهان در ترکیه قرارداد بست و حتی وقتی از ابراهیمی هم این موضوع را پرسیدیم او هم از قرارداد بستن طارمی بی‌اطلاع بود. بعد از آن هم که کودتایی در ترکیه انجام شد و مهدی به ایران بازگشت.»

ترکشوند ادامه داد: «سپس طارمی با فردی که نامش در برنامه تلویزیونی عنوان شد صحبت کرد و خواستار بازگشت به ایران شد اما آقای طاهری گفت که مهدی فقط باید به خود او زنگ بزند و اعلام کند که قصد بازگشت دارد. حتی طاهری به طارمی عنوان کرد که همه چیز را شفاف و با جزئیات به من بگو تا بتوانم بهترین تصمیم را بگیریم چرا که در این شرایط باشگاه پرسپولیس پشت شما خواهد بود. در این مکالمه مهدی به طاهری گفت که من تفاهم کرده‌ام و این تفاهم منوط به این است که ITC من را بگیرند و به من پول بدهند. بعد از آنکه او تمایلش را برای بازگشت اعلام کرد تفاهم‌نامه را برای مهدی به ترکیه فرستادیم و گفتیم که آن را امضا کن. قبل از اینکه طارمی به ایران برگردد سختگیرانه کار کردیم تا مشکلی پیش نیاید. حتی طاهری به من زنگ زد و گفت که آماده شو که فردا به ترکیه برویم و کارها را انجام دهیم اما بعد از آن در ترکیه کودتا شد و طارمی به ایران بازگشت. سپس همراه با وکیلش به باشگاه آمد و صحبت‌هایش را انجام داد. او خودش خواست که به پرسپولیس برگردد و مسائل دیگری در میان نبود، فریب دادن زمانی معنی دارد که ما پول بیشتری به او می‌دادیم اما مهدی بازیکن خود ما بود.»

معاون اقتصادی پیشین باشگاه پرسپولیس در خصوص اینکه آیا تاریخ قراردادهای جابه‌جا شده و به همین دلیل پرسپولیس محکوم شده است، اظهار داشت: «به هیچ عنوان جابه‌جایی تاریخ قرارداد را قبول ندارم، اینکه طارمی گفته ما دروغ گفتیم را نمی‌فهمم و از این حرف‌ها تعجب می‌کنم. ما تاریخ قرارداد را همان زمان که تفاهم کردیم زدیم، حتی گفته شده او را به زور جلوی دوربین باشگاه بردیم که صحت ندارد. قبل از اینکه به امارات برویم مهدی محروم شد و گفت من به این سفر نیایم اما ما گفتیم که برای اینکه روحیه تیم حفظ شود در اردو حاضر باش و سر تمرینات بیا اما او سر تمرین نیامد و من به همراه خمارلو به دنبالش رفتیم و گفتیم که بازی حساسی با الهلال داریم و در تمرین حاضر شو تا بازیکنان روحیه بگیرند.»

این حرف‌ها در حالی از سوی مقامات باشگاه پرسپولیس مطرح می‌شود که برای افکار عمومی هرگز ابعاد این ماجرا روشن نشده است. اگر چه خود طارمی و اقداماتی که طی این مدت انجام داده هنوز زیر سوال است اما دست کم می‌توان او را صریح‌تر از مدیران باشگاه پرسپولیس دانست. آنجا که او اصل ماجرا را روایت می‌کند و افرادی را نیز شاهد ادعاهایش می‌خواند اما مدیرانی که باید پاسخگوی اقدامات عجیب و غریب‌شان باشند موضع سکوت پیشه کرده‌اند. لغو شناسست خبری طاهری به بهانه زلزله و مسائلی از این دست صرفاً قرار رو به جلو است. شاید به همین دلیل است که مراجع نظارتی در مورد این پرونده حساس‌تر شده‌اند. ▶

شفر محبوب!

شفر برای محبوب ماندن در استقلال باید به روند بردهایش برگردد

را داشته باشند تا ما را در لیگ قهرمانان آسیا همراهی کنند. بعضی بازیکنان خیلی خوب بودند اما بسیار گران! بعضی های شان به خاطر شرایط فرهنگی ایران به اینجا نیامدند و برخی هم خواسته های غیرواقعی داشتند.»

وینفرد شفر در حالی این پست را منتشر کرد تا به نگرانی طرفداران پیرامون آینده تیم واکنش نشان بدهد که بعد از منتفی شدن امضای قرارداد با مهاجم پرتغالی جلسه ای چندساعته با رضا افتخاری در ساختمان باشگاه برگزار کرد تا زمینه حضور گزینه های آلترناتیو برای امضای قرارداد و تقویت استقلال در پست مهاجم و هافبک را فراهم کند. این در حالی است که منتقدان شفر می گویند او تیم پر مهره ای در اختیار دارد و می بایست نتایج بهتری را کسب کند. منتقدان در واکنش به اظهار نظر یکی از اعضای هیات مدیره باشگاه استقلال که گفته است: «این تیم را منصوریان بسته است و نباید از شفر انتظار زیادی داشته باشیم» به بازیکنانی اشاره می کنند که هر تیمی در فوتبال ایران علاقه مند است یکی از آنها را در اختیار داشته باشد؛ مهدی رحمتی، سیدحسین حسینی، وریا غفوری، روزه چشمی، سیدمجید حسینی، میلاد زکی پور، پژمان منتظری، امید ابراهیمی، داریوش شجاعیان، امید نورافکن، فرشید اسماعیلی و خیلی های دیگر بازیکنانی هستند که هر تیمی علاقه مند به جذب آنهاست. نفراتی مثل بیت سعید و شهباززاده هم بعد از جدایی از استقلال نشان دادند که مشکل از آنها نبوده و در انتخاب اولیه آنها اشتباهی صورت نگرفته. اما در تیم استقلال هستند بازیکنانی که هنوز مورد انتقاد شدید قرار داشته و خیلی ها آنها را در حد این تیم نمی دانند. این در حالی است که جابر انصاری و علی قربانی از جمله این بازیکنان هستند که به دلیل از دست دادن موقعیت های متعدد گلزنی مورد حمله هواداران این تیم قرار دارند و این در حالی است که این دو مورد توجه و اعتماد شفر هستند. با فرض اینکه حتی اگر در ابتدای فصل انتخاب نفراتی مثل انصاری، قربانی و یعقوب کریمی اشتباه هم بوده باشد، آیا در تیمی که ۷ بازیکن ملی پوش ایرانی و یک ملی پوش از پاکستانی، دو بازیکن بزرگ اما غیر ملی پوش مثل رحمتی و حیدری و دو بازیکن دارای شانسی ملی پوش شدن مثل زکی پور و اسماعیلی هستند، وجود دو سه بازیکن ضعیف می تواند یک فاجعه باشد؟

به نظر می رسد شفر برای محبوب ماندن در استقلال باید به روند بردهایش برگردد، در غیر این صورت معلوم نیست فصل آینده در استقلال حضور داشته باشد یا خیر. ▶

از فهرست بازیکنان مدنظر استقلال خارج شد. آنها سخت به دنبال مهاجمی هستند که از موقعیت های کم گلزنی که شاید در یک بازی درگیرانه به دست می آید نهایت استفاده را ببرد و باعث نشود که هواداران استقلال کلافه شوند یا شعارهای تند سر بدهند.

در همین حال برخی از منتقدان شفر می گویند او با بازی ندادن به مهدی قاندری کار این تیم را در زمینه هجومی با مشکل مواجه کرده است. چون این بازیکن می تواند به خوبی در روند رو به جلوی استقلال تاثیرگذار باشد. اولین و آخرین باری که مهدی قاندری توسط شفر در ترکیب ثابت آبی پوشان قرار گرفت، دیدار استقلال و سپاهان در هفته پنزدهم لیگ برتر بود. او قاندری را مقابل سپاهان در ترکیب ثابت قرار داد و آبی پوشان آن بازی را با نتیجه ۳ بر صفر بردند و قاندری نیز در ترکیب این تیم خوش درخشید. اما نه تنها قاندری بعد از آن دیگر در ترکیب ثابت قرار نگرفت، بلکه به عنوان بازیکن تعویضی تنها یک بار در هفته هفدهم مقابل استقلال خوزستان به میدان رفت. شفر از قاندری در هفته های هجدهم، نوزدهم و بیستم مقابل تراکتورسازی، سایپا و پدیده استفاده نکرد که این موضوع مورد سوال هواداران تیم استقلال نیز قرار گرفته بود. حتی در جلسه کمیته فنی آبی پوشان هم به این موضوع اشاره شد و اعضای کمیته فنی در خصوص عدم استفاده از این بازیکن سوالاتی را مطرح کردند. بعد از مشکلاتی که برای این بازیکن جوان در فضای مجازی ایجاد شد خواسته یا ناخواسته کمتر در تیم مورد استفاده قرار گرفت تا این شائبه ایجاد شود که قاندری به دلیل همان مشکلات فضای مجازی به صورت چراغ خاموش بایکوت شده باشد. شفر پیش از این هم نشان داده بود به مسائل انضباطی توجه ویژه ای داشته و هرگز منافع تیمش را فدای مسائل انضباطی نمی کند و همین موضوع باعث می شود تا شائبه بایکوت یا بهتر بگوییم تنبیه انضباطی قاندری قوت گیرد.

البته هفته گذشته وینفرد شفر با انتشار پستی در صفحات مجازی خود با طرفداران استقلال درد دل کرد و گفت: «در دو ماه گذشته چند بازیکن توسط مدیر برنامه های مان از سر اسر جهان برای پیوستن به استقلال به ما معرفی شدند که بعضی از آنها مناسب استقلال نبودند.»

او ادامه داد: «ما به دو بازیکن احتیاج داریم. دو بازیکنی که هم از لحاظ فنی خوب باشند و هم تجربه لازم

حالا وینفرد شفر به مردم محبوب هواداران استقلال تبدیل شده است. او در همین مدتی که روی نیمکت مربیگری استقلال نشسته است موفق شده نظم و نتیجه را به اردوی استقلال برگرداند و همین امر سبب شده تا هواداران این تیم با احترام درباره اش صحبت کنند. سرمربی آلمانی آبی پوشان بعد از پذیرفتن هدایت این تیم کارش را با یک مساوی مقابل فولاد و یک شکست مقابل پرسپولیس استارت زد اما بعد از آن با چند پیروزی خوب، کارش را دنبال کرد و امید را به سلول های استقلال بازگرداند تا هواداران این تیم به روزهای آینده امیدوارتر باشند. آبی پوشان بعد از نتایج قابل قبول و صعود به رده چهارم جدول، با افت در نتیجه گیری مواجه شده و با سه مساوی پی در پی دو پله سقوط کرده و تارده ششم جدول پایین آمدند. شفر با استقلال بعد از توقف مقابل تراکتورسازی، سایپا و پدیده، حالا به ترتیب از هفته بیست و یکم تا بیست و پنجم با تیم های پارس جنوبی، ذوب آهن، سپیدرود، فولاد و پرسپولیس دیدار دارد؛ پنج بازی سخت و حساس که به جز دیدار با سپیدرود، چهار بازی به دلیل نزدیکی امتیازات این تیم ها با استقلال و نزدیکی جایگاه شان در جدول دیدارهایی مستقیم و نوعی ۶ امتیازی محسوب می شود. این هفته ها می توانند تا حدود زیادی تکلیف تیم استقلال را برای جایگاه نهایی اش در جدول مشخص کند. آبی پوشان اگر خواهان عنوان مناسبی در جدول رده بندی هستند باید در این هفته پیروز شوند. به خصوص در مقابل پارس جنوبی، ذوب آهن، فولاد و پرسپولیس که در جدول بالاتر از این تیم حضور دارند. در واقع می توان گفت شفر پنج هفته سرنوشت ساز و سخت را پیش رو دارد و او بهترین فرصت را دارد تا در این پنج هفته عیار واقعی خود را نشان دهد اما خیلی ها معتقدند شفر به یک مهاجم تمام عیار نیاز دارد تا بتواند شرایط را برای تیمش تغییر دهد. شاید به همین دلیل بود که هفته گذشته در جلسه میان مدیرعامل و سرمربی استقلال گزینه های جدیدی در پست مهاجم مورد بررسی قرار گرفت. هر چند باشگاه استقلال رسماً محتویات جلسه را اعلام نکرده ولی ظاهر مسائل مربوط به یازالده، مهاجم گینه ای-پرتغالی مدنظر استقلال مورد بحث قرار گرفته و احتمالاً آبی ها از جذب این بازیکن منصرف نشده اند و گزینه های دیگر را مورد بررسی قرار داده اند. استقلال به شدت به دنبال جذب یک مهاجم است و مدیران این باشگاه با حساسیت بالا به دنبال جذب یک مهاجم هستند و یازالده گومز هم به دلیل مثبت نبودن تست های پزشکی اش

پرشورها، ساغلام را شگفت زده کردند

به نظر می‌رسد هواداران تراکتورسازی از حضور ساغلام در تبریز رضایت دارند. این مربی نیز در مصاحبه‌های خود تاکید کرده که احساس خیلی خوبی نسبت به مردم تبریز دارد و در این شهر احساس غریبی نمی‌کند. هواداران تراکتورسازی اما سوم بهمن ماه با حضور گسترده در تمرین تیم محبوب‌شان، کادرفنی جدید را شگفت زده کردند.

تمرین در حالی زیر نظر اطغرول ساغلام برگزار شد که هواداران زیادی در ورزشگاه اختصاصی تراکتورسازی حضور یافتند و به حمایت از تیم‌شان پرداختند. حدود هزار نفر از هواداران تراکتوربا حضور در ورزشگاه اختصاصی به تشویق ساغلام پرداختند و حمایت خود از این مربی را اعلام کردند. ساغلام نیز که انتظار چنین استقبالی را نداشت، در پایان تمرین برای این هواداران دست تکان داد و از حمایت آنها ابراز خوشحالی کرد. همچنین هواداران تراکتور دیروز با بنری که روی آن نوشته «سلام بر سلطان با تعصب شهر من» قرار داشت از مهدی کیانی، کاپیتان تیم خود تجلیل کردند.



مجمع به سوابق من رای مثبت داد

باید سهم زنان در مجمع کمیته ملی المپیک بیشتر شود

طاهره طاهریان

نایب رئیس کمیته ملی المپیک

داشت به خاطر سوابق من بوده است. من سال‌ها در ورزش بانوان فعالیت داشته‌ام. فکر می‌کنم مهم‌ترین دغدغه و کاری که باید برای این قشر صورت بگیرد این است که آنها را باور کنیم. در مجمع، زن‌ها بسیار کم‌رنگ دیده شدند. در موضوع اساسنامه که کمیته بین‌المللی المپیک تاکید کرده و همین‌طور ریاست جمهوری که اعلام کرده ۳۰ درصد از مدیریت‌ها به زنان داده شود و حتی سهم خواهی شده، باید این موضوع را مورد توجه قرار داد. معمولاً هیچ‌زنی در هیأت اجرایی جزو شش رئیس فدراسیون نبوده است. تلاش می‌کنیم با اصلاح اساسنامه زنان بیشتری در مجمع شرکت کنند و رای دهند. از ۵۸ نفری که در مجمع کمیته ملی المپیک حاضر بودند شش زن حضور داشتند (دو ورزشکار، دو کارشناس خبره، یک رئیس فدراسیون و رباب شهربان که عضو هیأت رئیسه بود). باید حضور زنان پررنگ شود. دوره‌ای سه زن در کمیته حضور داشتند. که الان متأسفانه یک خانم را داریم. فکر می‌کنم باید این چالش‌ها را همواره کنیم و تلاش کنیم سهمیه بیشتری برای بانوان داشته باشیم. در هیأت اجرایی ۱۲ نفر تصمیم‌گیر هستند و هر اتفاقی که بیفتد با اکثریت آرا است. پست من هم به‌عنوان نایب رئیس فقط مربوط به بانوان نیست. ممکن بود دو نفر از مردان انتخاب می‌شدند اما اعتقاد دارم رای‌هایی که به من داده شده و وظیفه سنگینی را برعهده من گذاشته است. قطعاً جامعه ورزش از کمیته المپیک انتظار دارد. جامعه

قبل از هر چیز باید عرض کنم برخی دوستان در رابطه با نایب رئیسی من در کمیته ملی المپیک حرف‌های عجیبی مطرح کردند. نوشتند که اساساً طراحی من برای حضور به‌عنوان خبره ورزشی این بوده که پستی در کمیته بگیرم. این طور نیست. هر کسی که به‌عنوان کارشناس خبره معرفی می‌شود با تصمیم کمیته ملی المپیک و هیأت اجرایی انتخاب می‌شود. آنها به من رای داده‌اند و مرا قبول کردند که به‌عنوان کارشناس خبره معرفی شوم. از این گذشته به‌نظم انتخابات قابل پیش‌بینی نیست. من دو دوره برای کمیته ملی المپیک شرکت کرده‌ام، دو دوره هشت سال هیأت اجرایی کمیته ملی المپیک و هشت سال هم در پارالمپیک بودم. ۱۶ سال تجربه داشتم اما الان شرایط با گذشته متفاوت است. قبلاً نامزد می‌شدیم یا رای می‌آوردیم یا نه، اما الان همه چیز با برنامه شده است. افرادی که رای می‌آورند با نظر مجمع انتخاب می‌شوند. اعضای مجمع هم مشخص نیست به چه کسی رای می‌دهند چون رای‌شان مخفی است. از مجموعه آرای‌هایی که بیرون می‌آید هر کسی که انتخاب می‌شود و وظیفه سنگینی برعهده دارد. شکل انتخابات این است. ۵۸ نفر در مجمع تصمیم گرفتند و فکر می‌کنم اعتمادی که مجمع به من

دانشگاهی، ورزش آزاد و ورزش دانش‌آموزی این را باور دارند. من ورود کرده‌ام باید اتفاقات دیگری رخ دهد. این انتظار بحق است و من آن را به خودم انتقال می‌دهم. نکات مختلفی است که برای ما اهمیت دارد. نخستین مساله حضور موفق در بازی‌های آسیایی است. ۵-۶ ماه بیشتر به این مسابقات نمانده، افراد قیلا کار کرده، زحمت کشیده‌اند و برنامه داده‌اند. در این مدت باقیمانده باید تلاش کنیم اتفاقات خوبی در این بازی‌ها بیفتد. به‌نظم مأموریتی که مادر هیأت اجرایی و کمیته داریم این است که به افرادی که سهمیه المپیک دارند و می‌خواهند از مرزبان زن توانمند دنیا استفاده کنند، کمک کنیم. کمیته هم همکاری خواهد کرد و این وظیفه ماست. در موقعیت کلی در بخش زنان به حضور مرزبان زن خارجی اعتقاد دارم. این شرایطی است که ما نیاز داریم. با همه این حرف‌ها باید تاکید کنم که زمان کمی به بازی‌های آسیایی باقی مانده، اگر به این نتیجه برسیم و فدراسیون هم باور داشته باشند از مرزبان توانمند زن خارجی استفاده کنیم به یقین کمک می‌کنیم. مادر المپیک ریو در بخش بانوان یک مدال توسط کیمیا علیزاده کسب کردیم، بنابراین داشتن برنامه کمک می‌کند تا از بانوانی که امکان کسب مدال در المپیک دارند حمایت کنیم. تعامل کمیته و وزارت نیز کمک می‌کند. محمدیان در امور بانوان مدیر لایق و سختکوشی است. من همین‌جا اعلام می‌کنم از برنامه‌های او برای رسیدن به بهترین نتیجه آماده‌ام. داریم تا حمایت کنیم. با همکاری فدراسیون‌هایی که در المپیک هستند تلاش می‌کنیم تا کسب سهمیه‌هایی که بعد از بازی‌های آسیایی هم شروع می‌شود، بیشتر شود. ▶

همراه اولی‌ها



دریافت هفته نامه مثلث

با ارسال عدد ۴۷۸

به شماره دریافت اپلیکیشن «

۳۰۷۰۷۵۷



دیدگاه

دفاع مکتوب

نگاهی بر چند اثر برتر کتاب دفاع مقدس

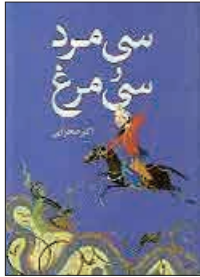
مراسم تقدیر از برگزیدگان هفدهمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با حضور فرماندهان دفاع مقدس، مدیران، مسئولان کشوری، نویسندگان و فعالان عرصه کتاب و ادبیات دفاع مقدس برگزار شد. در این مراسم برگزیدگان هر بخش مشخص شدند و جوایز خود را دریافت کردند. سردار کارگر، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در این مراسم با اشاره به فعالیت‌های فرهنگی این بنیاد گفت: «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس از سال ۷۴ تا ۹۴، ۷۰۰ عنوان کتاب را به چاپ رساند؛ این در حالی است که در طول دو سال اخیر با همتی که عزیزان ما در استان‌ها داشتند، توانستند نزدیک به هزار و ۲۰۰ عنوان کتاب را به چاپ برسانند، که کاری بزرگ و ارزشمند محسوب می‌شود. کمبود پول و بودجه مشکل کشور مانیست مشکل مادر زمینه اراده و همت است و اگر مادر عرصه‌های مختلف به‌ویژه عرصه دفاع مقدس با روحیه جهادی و بسیجی تلاش کنیم، قطعاً شهدا ما را تنها نخواهند گذاشت و در مسیر حق به کمک ما می‌شتابند. عرصه دفاع مقدس همچنان نیازمند آثار و تولیدات ارزشمند و فاخر در حوزه هنر، نویسندگی، فیلم، کارهای محتوایی و... است و ما پذیرای افراد علاقه‌مند به حضور در این عرصه هستیم.» به بهانه این مراسم، بخشی از اثرهای برتر که در بخش‌های داستانی، مستند و زندگی‌نامه مورد تقدیر قرار گرفتند را معرفی می‌کنیم.

قلمی به رنگ خاک

«قلمی به رنگ خاک» نوشته گلعلی بابایی به سرگذشت‌نامه شهید حبیب غنی پور می‌پردازد. وی از فعالان مسجد جوادالامه (ع) بود که در ۱۴ سالگی به عضویت این مسجد درآمد و فعالیت‌ها در نشست‌های قصه‌خوانی و نقد داستان آن حضور داشت. بابایی سرگذشت‌نامه شهید غنی پور را از اسفندماه ۱۳۶۵ و هنگامی که خبر شهادت او را شنیده بود، آغاز می‌کند و در آغازین سطرهای کتاب می‌نویسد: «قلیم داشت از تپش می‌افتاد. آسمان دور سرم می‌چرخید و هیچ صدایی را نمی‌شنیدم. فقط تو در ذهنم بودی. زمان از حرکت ایستاده بود. صدایی از پشت خط تلفن فریاد می‌کشید: الو، الو، چرا جواب نمی‌دی؟ الو...! به خودم آدمم و با طرف آن سوی خط مکالمه خدا حافظی کردم. حالا من مانده بودم با داغ تو و خبر شهادتت. چه پایستی می‌کردم؟ نمی‌دانستم. خبر شهادت تو؛ مثل نسیمی به تمام محل سر کشید. عطر خوش بویت همه محل و مسجد را پر کرده بود. اهل محل، مرد و زن، پیر و جوان، همه متحیر بودند. از بیکر پاک تو هم که هنوز خبری نبود، به همین خاطر؛ شهادت تو در میان ایهامی از جنس حریر پنهان شده بود...»

خط مقدم

شهید «حسن طهرانی مقدم» که او را به عنوان «پدر



موشکی ایران» می‌شناسند از چهره‌های مهم در صنعت نظامی کشور است. این شهید بزرگوار با اتکا به توان داخلی و عدم چشمداشت به کمک‌های خارجی، توان موشکی ایران را ارتقا داد. اینکه چه عواملی سبب شد تا شهید طهرانی مقدم به این جایگاه برسد نیازمند مطالعه و دقت نظر بیشتری است. این شهید بزرگوار می‌تواند الگوی مناسبی برای سطوح مختلف مدیریتی قرار گیرد که کتاب «خط مقدم» بر همین اساس نوشته شده است. نویسندگان کتاب سعی کرده‌اند تا با اتکا بر منابع و اسناد موجود و مصاحبه با افرادی که در زندگی طهرانی مقدم اقدامات او موثر بوده‌اند اثر قابل استنادی ارائه کنند. خواندن کتاب علاوه بر اینکه خواننده را با فضای زندگی و اندیشه‌های شهید طهرانی مقدم آشنا می‌کند، تصویری از تاریخ صنعت موشکی ایران را نیز به او ارائه می‌کند.

نگهبان تاریکی

مجموعه «نگهبان تاریکی» شامل داستان‌هایی کوتاه با نام‌های: «آب، یکی خوابیده زیر درخت کنار، آصف خروس ننداره، در ابا ز کن، کاتب، ساقه پلاتین، نگهبان تاریکی، کی اولین شوت رو می‌زنه؟ و آتش» است. این مجموعه از ۹ داستان جنگی تشکیل شده است که مجید قیصری آن را نوشته و انتشارات افق آن را منتشر کرده است. «نگهبان تاریکی» داستان جنگ و آدم‌های بعد از آن است. قیصری در این کتاب سراغ خلق شخصیت‌هایی رفته است که در حین و بعد از جنگ با آن درگیر هستند و جزئی از پس‌زمینه ذهنی این افراد شده، به عبارتی نمی‌توان این کتاب قیصری را جدا از سایر داستان‌های جنگی قبلی او شمرد. مجموعه جدیدی که قیصری می‌نویسد گذشته داستان‌های او را کامل تر می‌کند. تمام این داستان‌ها با نخی به نام جنگ به هم ربط پیدا می‌کنند.

بحران عروسکی

«بحران عروسکی» عنوان مجموعه داستانی است از مهدی نورمحمدزاده شامل هفت داستان کوتاه با مضامین مختلف؛ از دفاع مقدس تا مضامین روز اجتماعی. داستان‌های این مجموعه که با عنوان‌های بحران عروسکی، مجنون جزیره، همبازی، شایبل، هیوطدر عالم اینترنت، مایل به عشق و ازدحام در کافی شاپ در این کتاب جمع شده‌اند؛ تلفیق هنرمندانه‌ای از مضمون و تکنیک روایت داستانی است که به شکل زیبایی در دل متن‌های داستانی این کتاب می‌توان سراغ از آن گرفت. نورمحمدزاده در داستان‌های خود در این کتاب از تم داستانی هوشمندانه و زیبایی بهره برده است. داستان‌هایی که به نظر می‌رسد دارای ریشه‌ای حقیقی بوده و نویسنده توانسته با هنرمندی تمام آنها را به عنوان محور روایت داستانی خود قرار داده و خواننده را با شوق کشف سر نهفته درون آن تا انتها با خود همراه کند.

سی مرغ و سی مرغ

رمان «سی مرغ و سی مرغ» نوشته اکبر صحرایی داستان نوجوانی را در عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر روایت می‌کند که با وجود سن و سال کم، با علاقه زیاد و به‌طور داوطلبانه به جبهه می‌رود و با تلاش‌های مکرر آنجا می‌ماند. به گفته نویسنده، نوجوان قهرمان این داستان که در فرم اصلی آن از متون ملی استفاده شده، از یک حرکت شعاری احساسی به شعور و درک خاصی از شرایط می‌رسد. صحرایی در مورد علت انتخاب عنوان کتابش هم گفته است: «سی مرغ هم در شاهنامه و هم در اثر عطار نیشابوری دیده می‌شود که با وجود مشکلات زیاد به قله قاف می‌رسد و در این کتاب، قله قاف همان پیروزی در جبهه جنگ است و منظور از سی مرغ، ۳۰ میلیون نفر از رزمندگان و خانواده‌ها و نسل اولی‌هایی هستند که برای رسیدن به قله قاف فداکاری کرده‌اند.»

لم یزرع

انتشارات کتاب نیستان، اثر محمدرضا بایرامی به نام لم یزرع را منتشر کرده است. این کتاب درسی و چهارمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، به عنوان «کتاب سال ایران» برگزیده شد. داستان این کتاب در روستای دجیل در کشور عراق رخ می‌دهد، همان منطقه‌ای که در سال ۸۲ صدام حسین در آنجا کشته شد. داستان درباره جوانی است که به دختری دل می‌بندد، ولی عرف قبیله و آداب و رسوم آن اجازه چنین وصلتی را به او نمی‌دهد و این جوان به نوعی به خودزنی می‌پردازد و به جنگ می‌رود. جنگی که در واقع دجیل به وقوع پیوست و صدام در آن ۱۴۳ تن را کشت. رمان «لم یزرع» نوشته محمدرضا بایرامی با چنین رویکردی نوشته شده است و سعی کرده به نوعی مظلومیت شیعیان عراقی در طول هشت سال دفاع مقدس را به تصویر بکشد.

دختر لوتی

«دختر لوتی» داستان معلمی است که در سال‌های دوران جنگ تحمیلی برای تدریس به منطقه پلدختر در شمال خوزستان و جنوب لرستان اعزام می‌شود. او در آنجا و در آن سال‌های پررفت و آمد نیروهای حاضر در دفاع مقدس، دلباخته دختری می‌شود که از قوم «کولی» است و از سوی دیگر، میل و انگیزه‌ای برای شرکت در مناطق عملیاتی و جنگی در او پدید می‌آید. در واقع این رمان، قصه معلمی است که به میل خود و برای گریز از عزیمت به خدمت سربازی از پایتخت به جایی دور دست در یک شهر مرزی فرستاده می‌شود. زمان جنگ است و شهر مرزی کوچک هم گرفتار حملات گاه و بیگاه دشمن بعضی. در این بین معلم که برای گریختن از سربازی و اعزام به جبهه‌ها، شغل آموزگاری را انتخاب کرده با فرهنگ این شهر آشنا می‌شود و به دنبال خودش و هویت گمشده‌اش می‌گردد. ▶

روایت‌های کودکانه

نگاهی به نامزدهای بخش انیمیشن جایزه اسکار

و شعارهای رئیس‌جمهور دیوانه آمریکا او ربط دارد.

کوکو

انیمیشن «کوکو» بیشتر از آنکه انیمیشنی درباره موسیقی باشد، انیمیشنی درباره احترام به درگذشتگان است و موسیقی در این نمایش بیشتر جایگاه یک آرزو را دارد که می‌توانست هر چیز دیگری هم جایگزین آن شود. این انیمیشن در مورد خوبی‌ها و بدی‌هایی است که از ما پس از مرگ بر ما می‌ماند و باعث می‌شود که در ذهن آدم‌های این دنیا زنده بمانیم و در قالب خاطره از فراموشی دور شویم. این انیمیشن فیلم حول محور سنت قدیمی مکزیکی‌ها (روز مردگان) می‌چرخد و داستان آن راجع به پسر بچه ۱۲ ساله‌ای به نام «میکل» است که خانواده‌اش مخالف موسیقی هستند و او را از پرداختن به آن منع کرده‌اند. ولی او آرزو دارد روزی تبدیل به یک نوازنده حرفه‌ای همچون الگویی خودارنستو دلا کروز شود. بالاخره تصمیم می‌گیرد دل به دریا بزند و و راهی سرزمین مردگان شود تا حقیقت پنهان شده پشت داستان زندگی خانواده‌اش را کشف کند. در این راه با هکتور آشنا می‌شود. میکل که خودش را ناگهانی در دنیای مردگان می‌بیند باید سعی کند به‌زودی از آنجا خارج شود و برگردد به‌زودی به اسکلت خواهد تبدیل شد. تنها راه برگرداندن این راه به دست مادر مدر بزرگ و اتفاق می‌افتد که ...

نان‌آور

اینکه انیمیشن «نان‌آور» در میان نامزدهای انیمیشن اسکار قرار گرفت تعجب خیلی‌ها را برانگیخت. این انیمیشن از آن دست موضوع‌هایی را دارد که هالیوود می‌پسندد. نان‌آور فیلمی است که بر اساس داستان مشهوری از زمان پرفروش «نان‌آور» به نویسندگی دیورا ایلیس ساخته شده است. فیلم بر اساس داستان دختر افغانستانی ساخته شده که پروانه نام دارد. پس از آنکه نصرالله، پدر پروانه در زمان حاکمیت طالبان دستگیر می‌شود، او مجبور می‌شود تا موهای خود را کوتاه کرده و با پوشیدن لباس‌های پسرانه برای تأمین مخارج و هزینه‌های زندگی مادر و خواهرش وارد بازار کار شود. این فیلم انیمیشن محصول مشترک کانادا، ایرلند و لوکزامبورگ است که توسط شرکت «کارتون سالن» تولید شده است. کارگردانی این انیمیشن را «نورا تومی» بر عهده دارد که پیش از این کارگردانی مشترک انیمیشن نامزد اسکار «راز کلز» را بر عهده داشت و «دورا ایلیس» نگارش فیلمنامه را بر اساس رمان خود بر عهده دارد. آنجیلینا جولی، هنرپیشه آمریکایی هم تهیه‌کننده این کار است.

وینسنت دوست داشتنی

«وینسنت دوست داشتنی» اولین انیمیشن جهان است که هر شات آن با استفاده از رنگ‌روغن روی بوم و به همان شیوه‌ای که خود ونگوگ نقاشی می‌کرد، نقاشی شده است. این انیمیشن به کارگردانی دوروتا کوبیلا ساخته شده و برای ساخت آن از ۱۰۰ نقاش استفاده شده است، زیرا برای هر ثانیه آن ۱۲ نقاشی رنگ‌روغن نیاز بود. وینسنت دوست داشتنی، کاوشی موشکافانه در زندگی و مرگ جنجالی یکی از محبوب‌ترین نقاشان جهان، وینسنت ونگوگ از طریق نقاشی‌ها و مصاحبه‌هایی است که افراد نزدیک به او انجام داده‌اند و همچنین بازسازی دراماتیک وقایعی که منجر به مرگ او شد. وینسنت ونگوگ در سال ۱۸۵۳ به دنیا آمد؛ یک نقاش هلندی که کارش تأثیر گسترده‌ای بر هنر قرن بیستم داشت. کار او شامل پرتره‌ها، خودنگاره‌ها، مناظر، طبیعت بی‌جان، سروها، مزارع گندم و گل‌های آفتاب‌گردان است. او از کودکی به نقاشی علاقه داشت ولی تا اواخر دهه دوم زندگی‌اش نقاشی نکرد. او بسیاری از کارهای شناخته‌شده‌اش را در دو سال آخر زندگی‌اش تکمیل کرد. وی در یک دهه بیش از ۲۰۰۰ اثر هنری تولید کرد که شامل ۸۶۰ نقاشی رنگ‌روغن و بیش از ۱۰۰۰ نقاشی با آب‌رنگ، طراحی و چاپ می‌شود.

فر دیناند

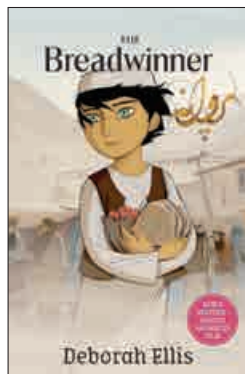
انیمیشن کم‌دی «فر دیناند» به کارگردانی «کارلوس سالدان‌ها» داستان گاوی به نام فر دیناند را روایت می‌کند که بوی گل‌ها را ترجیح می‌دهد نسبت به مبارزه در رینگ گاوبازی و می‌خواهد با گل‌ها زندگی کند. فر دیناند، گاو خوش قلبی است که به دلیل یک اشتباه غیر عمد، برای زندگی در کنار انسان‌ها خطرناک شناخته و به منطقه‌ای دیگر فرستاده می‌شود. داستان انیمیشن به صورتی رقم می‌خورد که فر دیناند مجبور می‌شود در کنار دیگر گاوهای وحشی، برای انجام مسابقات گاوبازی آموزش ببیند در صورتی که او اعتقاد دارد گاوها موجودات وحشی نیستند و برعکس بسیار حیوانات مهربان و قابل اطمینانی هستند.

کارلوس سالدان‌ها این روزها به‌عنوان یکی از قدرتمندترین سازندگان انیمیشن جهان محسوب می‌شود و در کارنامه خود آثاری همچون «عصر یخبندان» و «ریو» را می‌بیند. او برای ساختن انیمیشن «فر دیناند» قصه‌ای از کتاب مصوری را انتخاب کرد که ۲۹ سال قبل توسط مونرو لیف نوشته شده بود و سال قبل هم والت دیزنی یک نمایش کوتاه از آن ساخته بود که حتی نامزده اسکار انیمیشن کوتاه هم شده بود. فر دیناند نمایش لطیفی درباره همان چیزی است که ما به آن می‌گوییم قضاوت از روی ظاهر و اینکه یک گاو با هیکیل تنومند روحیات لطیف داشته باشد، خود تناقضی دیدنی است که داستان را پیش می‌برد.

فهرست کامل اسکار اعلام شد و کاندیدها در ۲۴ رشته برای به‌دست گرفتن جایزه طلایی رنگ به رقابت می‌پردازند. مثل همیشه در این لیست هم می‌شود سلیقه خاص اسکار در انتخاب را دید؛ سلیقه‌ای که در آن رگه‌های سیاسی و بعضاً سیاست‌گذاری‌ها را به‌وضوح می‌توان دید. این انتخاب‌ها حتی در انتخاب برترین انیمیشن‌ها هم حاکم است. جدا از این موضوع بخش انیمیشن تنها بخش از جایزه اسکار است که در آن محدودیت سنی معنا ندارد. کودک و بزرگسال به دنبال این هستند که ببینند آیا انیمیشن دلخواهشان عنوان بهترین را به دست آورده یا خیر؟ نکته مهم این است که در میان انیمیشن‌های این سال قدری فضا از مشابه‌سازی مرسوم در انیمیشن‌های هالیوودی فاصله گرفته بود و دیگر کمتر به حیوانات انسان‌نما به‌عنوان فرم ارائه مفاهیم پرداخته‌اند در عوض کودکان نقش اصلی اکثر انیمیشن‌ها را بازی کرده‌اند. به همین مناسبت نگاهی داریم به انیمیشن‌هایی که توانستند در فهرست نهایی جای داشته باشند.

بچه رئیس

انیمیشن «بچه رئیس» از یک خطر در جوامع غربی و سبک زندگی آنها صحبت می‌کند؛ خطری که جوامعی که این سبک زندگی را تهدید می‌کند، این خطر چیزی نیست جز اینکه حیوانات خانگی دارند جای کودکان را در خانواده‌ها می‌گیرند. این انیمیشن در باطن خود دارد این پیام را منتقل می‌کند که باید به ارزش‌های سنتی جامعه که در راس آن خانواده است بازگشت. این فیلم اقتباسی از کتاب تصویری به همین نام است که توسط «مارلا فارزی» خلق شده و داستان آن هم در مورد خانواده‌ای است که با ورود فرزند دوم به خانه‌شان اتفاقات زیادی رخ می‌دهد. در حالی که پدر و مادر انگشت اتهام خود را به سوی پسر بزرگ تر نشانه می‌روند و او را حسود می‌خوانند، طولی نمی‌کشد که او وضع عوض می‌شود و این دو برادر چاره‌ای ندارند جز اینکه در مقابل خطری که جهان را تهدید می‌کند با هم متحد شوند. این انیمیشن که سوژه اصلی‌اش کاهش علاقه خانواده‌ها به کودک و فرزندآوری است، تلاش یک نوزاد را روایت می‌کند که به واسطه ویژگی‌هایش یک مدیر بالفطره و در تلاش است تا این کاهش علاقه را از بین ببرد. او علت کاهش استقبال والدین از فرزندآوری را علاقه آنها در داشتن سگ می‌داند و اقدام به جنگ با رئیس آن شرکت پرورش سگ می‌کند. البته در کنار سوژه باید به حاشیه‌های آن هم پرداخته شود؛ حاشیه‌هایی که به شباهت‌های کودک رئیس با ترامپ





معامله با دشمن

درباره تعویض بازیکن بین منچستر و آرسنال

آرسن ونگر و ژوزه مورینیو شاید سر هیچ چیز تفاهم نداشته باشند. اگر تاریخ لیگ برتر را بررسی کنید یکی از جذاب ترین بخش های آن شاید جدال این دو باشد، جدالی که در آن دو همه جور درگیری دیده می شود، درگیری لفظی و حتی فیزیکی اما در این زمستان به این نتیجه رسیدند که می توانند به یک توافق برسند و لااقل یک معامله را جوش بدهند، معامله ای که هر طرف فکر می کرد که برنده خود او است. بله، بعد از کش و قوس های فراوان، بالاخره پروسه جذب الکسیس سانچس توسط منچستریونایتد نهایی شد و هنریک میختریان نیز راهی آرسنال شد. ستاره شیلیایی و جدید یونایتد ۳۵۰ هزار پوند در هفته دریافت خواهد کرد و ۱۵ میلیون پوند نیز به مدیر برنامه او برای این انتقال دستمزد داده شده است. در مقابل هم منچستر یونایتد هم هنریک میختریان، مهاجم ارمنی تبار خود را به آرسنال داد. در حالی که خیلی ها بر این باورند این اتفاق باید خیلی قبل از این می افتاد. چرا که آرسن ونگر از مدت ها قبل به طور علنی نشان داده بود که علاقه خاصی به این بازیکن دارد. نکته جالب این است که هر دو بازیکن در تیم تازه خود پیراهن شماره ۷ را بر تن خواهند کرد.

سنجاب شیلیایی

خیلی قبل از اینکه رسمی شود، یک عکس از یک فروشگاه آدیداس در شهر لندن معلوم کرده بود که سنجاب شیلیایی به منچستر یونایتد خواهد پیوست. حتی شماره پیراهن او هم مشخص شده بود، آن هم چه شماره ای! بله الکسیس در منچستر رویایی ترین شماره ممکن را بر تن خواهد کرد، شماره ای که بر تن برترین بازیکنان تاریخ این باشگاه یعنی برایان رابسون، اریک کانتونا، دیوید بکام و کریستیانو رونالدو رفته بود و پوشیدن آن در شهر منچستر یک اتفاق ویژه است، به ویژه برای سانچز که مدعی است از کودکی عاشق منچستر بوده: «از وقتی که من یک پسر نوجوان بودم، همیشه می گفتم که رویای من این است که برای منچستر یونایتد بازی کنم و به دلیل اینکه من اینجا هستم این را نمی گویم. یک بار با سر الکس فرگوسن حدود ۲۰ دقیقه با هم صحبت کردیم و من به او گفتم که رویای من این است که به منچستر یونایتد بروم. یونایتد باشگاهی بزرگ و قدرتمند است و حالا من این شانس را دارم که اینجا بازی کنم. از پیوستن به بزرگ ترین باشگاه دنیا خوشحالم. سه سال و نیم شکست انگیز را از آرسنال سپری کردم و حالا خاطرات خیلی مثبتی را از آن باشگاه بزرگ و طرفدارانش با خود به اینجا می آورم.

فرصت بازی کردن در این ورزشگاه تاریخی و کار کردن با خوزه مورینیو چیزی بود که نمی توانستم آن را رد کنم. مفتخرم که نخستین بازیکن شیلیایی خواهم بود که برای تیم اصلی منچستریونایتد بازی می کند و امیدوارم به تمامی طرفداران مان در سراسر دنیا بتوانم نشان دهم که چرا باشگاه به دنبال انتقال من به اینجا بود. « البته الکس سانچس برای این مدعا مدرک هم دارد، چرا که تصویری از دوران نوجوانی سانچس منتشر شده که او کاپشن شیاطین سرخ را بر تن دارد.

ژوزه مورینیو هم از این خرید بسیار راضی است: « الکسیس سانچس یکی از بهترین عناصر هجومی در دنیاست و با ورود او، ترکیب خط حمله ما با حضور بازیکنان جوان و با استعداد تکمیل خواهد شد. وجود سانچس شخصیت و بلندپروازی را برای تیم ما به ارمغان خواهد آورد و حالا یونایتد با حضور این بازیکن قدرتمندتر شده است. هواداران نیز حالا به اعتبار و اهمیت تیم خود بیشتر افتخار خواهند کرد.»

اما یک نکته در این میان می تواند دردسر آفرین باشد و مثل همیشه این موضوع مبلغ قرارداد است. این فوتبالیست شیلیایی با دریافت ۳۵۰ هزار پوند در هفته، بالاترین دستمزد را در تاریخ لیگ برتر دریافت خواهد کرد. البته به جز دستمزد هفتگی با سانچس ۱۰۰ هزار پوند در هفته حق تصویر دریافت کرده و ۱۴۴ هزار پوند نیز برای او پاداش در نظر گرفته شده و بدین ترتیب ممکن است دستمزد ستاره شیلیایی تا ۶۰۰ هزار پوند نیز افزایش پیدا کند که رقم هنگفتی به شمار می آید. بعد از سانچس، پوگبا با هفته ای ۲۹۰ هزار پوند، لوکاکو با هفته ای ۲۵۰ هزار پوند و زلاتان با هفته ای ۲۲۰ هزار پوند در رتبه های بعدی قرار دارند. البته یحیی توره و سرخو آگوئرون نیز همانند زلاتان، هفته ای ۲۲۰ هزار پوند می گیرند و از ۶ بازیکن اول، ۴ نفر عضو یونایتد هستند. نشریه میر مدعی شد که پل پوگبا از این شرایط ناراضی است و خواهان افزایش حقوق خود است. در حقیقت حقوق پوگبا هفته ای ۲۰۰ هزار پوند است که نصف حقوق دریافتی الکسیس خواهد بود و ستاره فرانسوی از طریق اجتناس پیگیر افزایش حقوقش خواهد بود. در حقیقت رایولا از باشگاه درخواست کرده که حقوق پوگبا را نیز به هفته ای ۴۰۰ هزار پوند افزایش دهد.

سرمربی آرسن، هنریک میختریان را همیشه می خواست. آرسن ونگر همواره از این بازیکن سابق برخوردار است. ▶

ناخه ارمنی

یکشنبه آخر خاطرات یک رزمنده زن

«یکشنبه آخر» کتابی است که معصومه رامهرمزی، یک زن رزمنده در آن از خاطرات خود حرف می‌زند. او در سال‌های جنگ، دفترچه یادداشت کوچکی داشته که به گفته خود گاه و بیگاه چیزهایی در آن می‌نوشته است. این دختر خرمشهری با شروع جنگ با به جبهه می‌گذازد و تا پایان آن عمر و بهترین لحظات زندگی‌اش را صرف کمک به رزمندگان می‌کند. این کتاب دارای لحنی ساده و صمیمی است که باعث می‌شود مخاطبی که با جنگ فاصله گرفته بار دیگر عظمت آن را احساس کند. ماجرای کتاب «یکشنبه آخر» کاملاً مستند است و نویسنده آن را با حوادث اجتماعی پیوند زده است، هر چند عناصری همانند روزنامه‌ها و یا رادیو در این کتاب غایب هستند و بهتر بود رامهرمزی برای اینکه فضای آن روز را به شکلی شیوا تر شرح دهد، به این جنبه‌ها نیز توجه می‌کرد. همچنین در خاطره‌نویسی حس‌های فیزیکی همچون رنگ و بو و توصیفات، می‌تواند در ترسیم فضای اجتماعی مفید باشد. کتاب حاضر در این موضوع موفق بوده و کار نویسنده آن، راضی‌کننده به نظر می‌رسد. از طرف دیگر نگاه طنزآمیز راوی خاطرات در آن طنز تلخی ایجاد کرده که جالب توجه است؛ او در سخت‌ترین شرایط هم لبخند را فراموش نکرده و امیدوار بوده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «ساعت‌ها تنها در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر قدم زدیم و به خانه‌های فرورفته، به اتاق‌های خالی از زندگی نگاه کردم. روی زمین پر از سنگ و آجر و تکه‌های ترکش بود. در گوشه‌ای از خیابان عروسکی زیبا افتاده بود که در زیر آفتاب و باران پیر شده بود. جلوی پایم یک بخاری نفتی دیدم که پایه‌هایش زنگ زده بود و در خاک کوچه فرورفته بود، نشانه‌های زندگی خاموش در کوچه و خیابان‌های خرمشهر دیده می‌شد.»

زمان بزرگ شدن داستان دو برادر

کتاب «زمانی برای بزرگ شدن» نوشته محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری در قالب داستانی بلند از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است. کتاب روایت‌کننده ماجرای عجیب دو برادر است که یکی از آنها در سنین نوجوانی برای حضور در جنگ تحمیلی راهی جبهه می‌شود و دیگری به جبهه منافقان می‌پیوندد. این کتاب در واقع روایتگر دو جنگ است؛ جنگی که در بیرون در جریان است و انسان‌ها آن را با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند و دیگری، جنگی که در درون شخصیت‌های کتاب در جریان است. زمانی برای بزرگ شدن، داستان بلندی است با محوریت دو جنگ؛ یکی جنگی که در پوسته بیرونی قصه و در جغرافیای متن از ابتدا تا انتها حضوری دائم دارد و دیگری جنگی درونی در لایه‌های زیرین اثر برای باز پرس گرفتن غرور. «زمانی برای بزرگ شدن» تاکنون سه جایزه کتاب سال شهید غنی پور، جایزه ۲۰ سال ادبیات دفاع مقدس و کتاب سال دفاع مقدس را به خود اختصاص داده است. این اثر به تازگی از سوی دفتر ترجمه حوزه هنری به زبان اردو ترجمه شده و قرار است به زودی منتشر شود. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «باز اطراف را نگاه می‌کنم. باز بادی برخاسته و درخت‌های بلوط را تکان می‌دهد. گاهی یک صداهای مهمی با خودش می‌آورد و دل آدم را خالی می‌کند. بدویره می‌گویم و به کسانی که باید می‌آمدند سرش جایشان را با ما عوض می‌کردند ولی حالا گم شده اند فکر می‌کنم. اگر آنها گیج‌بازی در نمی‌آوردند و گم نمی‌شدند، حالا ما اینجا نبودیم. لایه برگشته بودیم عقب و بعد از این همه خستگی و جان‌کندن، یک دل سیری می‌خواهیدیم. اما وقتی به یاد بچه‌هایم افتیم و اتفاق‌هایی که در این دو شب و روز بر ایمان پیش آمده، از خودم بدم می‌آید. مگر دیگر می‌توانم بی‌خیال بخوابم؟...»

ماهورا

روبارویی عشق و زندگی با جنگ

«در زندگی تو زنی است با چشمانی شکوهمند که لبانش خوشه‌های انگور و لبخندش موسیقی و گل، اما هرکس نخواهد به او نزدیک شود ناپدید می‌شود...» این خلاصه فیلم ماهورا است، فیلمی به کارگردانی و نویسندگی حمید زرگرزاد و تهیه‌کنندگی علیرضا جلالی و حمید آخوندی که در جشنواره فیلم فجر حضور دارد. فیلمنامه «ماهورا» طی چهار سال تحقیق بر اساس یک واقعه تاریخی نگاشته شده است و همین واقعی بودن قصه فیلم باعث شد تا عوامل دنبال لوکیشن‌های بکر در تالاب خوزستان بروند. داستان فیلم در روستایی مرزی رخ می‌دهد. زیباترین دختر به عنوان عروس هور انتخاب می‌شود تا یک روز در هفته خود را به آب بسپارد و هور بارور شده و قهرش نگیرد. امین معروف به سمور قاچاقچی ایرانی، عروس هور به نام ماهورا می‌زند. به گفته تهیه‌کننده «ماهورا» این فیلم یک فیلم آبرومند و در جهت زحماتی است که عرب‌زبان‌ها در زمان جنگ تحمیلی کشیدند و از وطن دفاع کردند. در واقع این



فیلم حمایت از عرب‌زبان‌های اهواز است که با غیرت در آن منطقه جنگیدند. بازیگرانی چون کامران تفتی، بهاره کیان افشار، داریوش ارجمند، سعید آقاخانی، میترا حجار، علی اوسینو، یوسف مرادیان و مالک سراج در این فیلم نقش آفرینی می‌کنند. کامران تفتی یکی از بازیگران این فیلم در مصاحبه‌ای درباره آن گفته است: «ماهورا» ماجرای یک روز قبل از شروع جنگ تحمیلی را روایت می‌کند. واقعیت این است که ماجرای «ماهورا» و بطن اصلی جنگ یک سری سرباز بی‌درجه و قهرمان بی‌نام و نشان

است که در واقع مردم‌اند و هر جای دنیا جنگی اتفاق می‌افتد، مردم آن کشور، نقش اصلی آن اتفاق هستند. ماهورا شروع محکم و فوق‌العاده‌ای است برای من. من در ماهورا نقش عربی را بازی کردم که حداقل می‌دانم خیلی از عرب‌های خوزستان با بازی ام ارتباط برقرار می‌کنند. لجه ام، لباسی که به تن کردم، جنس زیستنم و... با تمام جان سعی کردم شبیه این عزیزان باشد و واقعی باشم. برای من بیشترین ارزش و اهمیت در جشنواره سی و ششم این است که واقعیت کاری را که کردم، ببینند.»

زرگرزاد کارگردان فیلم هم با اشاره به اینکه فیلم «ماهورا» به صورت مستند تحقیقات و پژوهش‌های زیادی داشته است، گفته است: «سنت‌ها، باورها و آیین‌هایی ایرانی را در فیلم روایت کردم که البته به قوم خاصی اشاره نکردم و به طور کلی موضوع فیلم، نماینده هویت ایرانیان است و به باورهای آنان پیوند خورده است. داستان فیلم من روردر شدن زندگی با جنگ است، یعنی زمانی که جنگ به عنوان میهمان ناخوانده وارد می‌شود و به زندگی مردم تجاوز می‌کند؛ آن‌گاه که مردم با آیین‌ها و باورشان با مساله‌ای مثل جنگ مواجه می‌شوند و چقدر خوب است که با عشق و زندگی، بر جنگ غلبه می‌کنند.»

پیشخوان جهانی



جلد مارکا
پس از پیروزی
پر گل رئال
مادرید



اکونومیست
به قدرت
ابشرکت‌های
کامپیوتری
پرداخته است

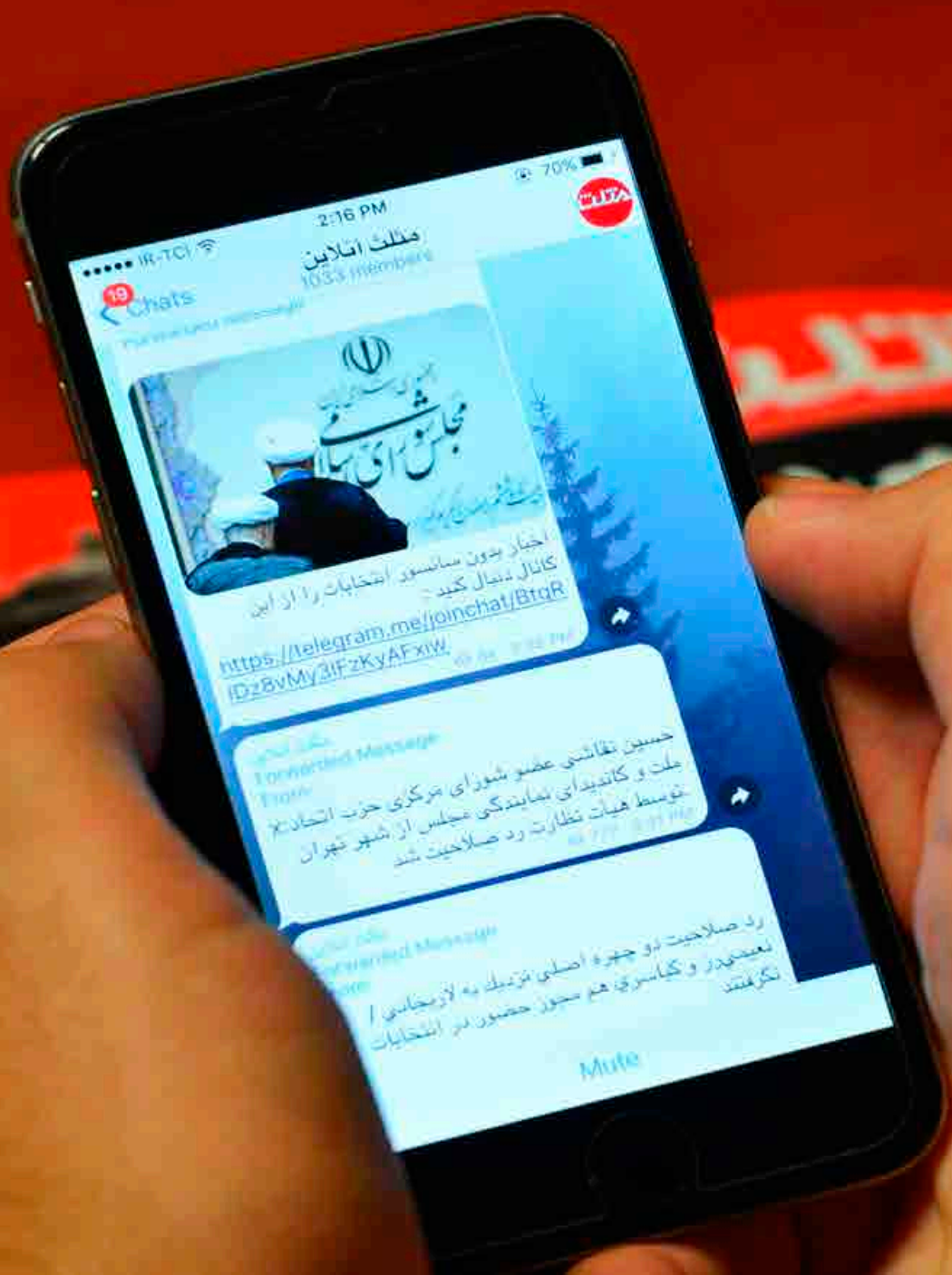


اکسپرس
اقتصاد فرانسه
را شکننده
می‌داند



کانال تلگرامی مثلث آنلاین فوری از اخبار مطلع شوید

@ mosalasonline



هنر مدرن؛ بررسی و تحلیل هنر معاصر جهان

نویسنده: مرتضی گودرزی (دیباچ)

ناشر: سوره مهر

تعداد صفحات: ۸۶۸



«هنر مدرن»، یک کتاب تاریخی و تحلیلی، در زمینه شناخت مکاتب هنری معاصر است. نویسنده با تألیف این کتاب قصد داشته جریان‌ها و مکاتب هنری معاصر، اعم از مدرن و پست‌مدرن را، در ظرف زمانی خود، بررسی کند و نشان دهد که این مکاتب، هر کدام در چه اوضاع و با چه زمینه‌های فکری و اجتماعی ویژه‌ای شکل گرفته و رشد کرده‌اند. در این کتاب، اگرچه درون‌مایه تاریخی برجسته‌ای به چشم می‌خورد، اما تحلیل و تفسیر هنری نیز جایگاه مهمی دارد و بدون درک حداقلی از مبانی هنر، فهم و دریافت مفاهیم کتاب برای خواننده مشکل خواهد شد.

نویسنده در این کتاب از یک زاویه دید مشخص و با یک نگاه ثابت به تحلیل همه پدیده‌های هنری معاصر پرداخته و همه را زیر یک ذره‌بین نبرده است و در طول کار خود از قضاوت‌های یک‌جانبه پرهیز و کوشش کرده نگاهی واقع‌بینانه بر تحلیل‌های او حاکم باشد.

ترتیب پیشرفت کار کتاب، بر اساس ادوار تاریخی هنر

است و در فصل‌های کتاب به این موضوعات می‌پردازد و به لحاظ جامعیت و شمول، چه از جهت نظری و چه از نظر تاریخی، کامل است و کوشش کرده هیچ اتفاق مهمی را از قلم نیاندازد.

مطالعه این کتاب، دید موسعی را برای پژوهشگران هنر به وجود می‌آورد تا بتوانند با مرور تاریخ و نظریه‌ها، شناخت مناسبی را از هنر معاصر جهان به دست بیاورند. مطالعه این کتاب، برای افرادی که به رشته پژوهش هنر علاقه دارند یا این حوزه مطالعاتی را دنبال می‌کنند، توصیه می‌شود.

